

6

A-P

77-938031



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

شنبه ۱۹ عقرب ۱۳۵۸

۱۰ نوامبر - ۱۹۷۹

شماره سی چهارم

سال سی و یکم

قیمت یکشماره ۱۳ افغانی



15521/0271yoo

Ketabton.com



هفتم نوامبر مطابق به شانزدهم عقرب ب مصادف با شصت و دومین سالروز انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر بوده و بنا بر فیصله جلسه اخیر بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهی وزیر بعمل آمد از این روز تاریخی و پرافتخار خلق های کشور دوست، برادر و همسایه ما اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی درس نامر همین عزیز افغانستان تجلیل بعمل آمد . رفیق امین به همین مناسبت شام ۱۵ عقرب ضیافت مجللی را در خانه خلق ترتیب داده بودند که در آن اعضای شورای انقلابی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان با خانم های شان اشتراک نموده بودند .

کمیته شهری شهر کابل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و انجمن دوستی افغان و شوروی روز ۱۶ عقرب طی محفل شاندراری در کابل ننداری شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر را تجلیل نمود . همچنان به مناسبت همین روز ساعت دوی

انقلاب کبیر اکتوبر و مخصوصا با برصمیت شناختن آزادی و استقلال افغانستان آغاز گردید تاکنون سرحدات افغان و شوروی را در جهان بنام سرحدات صلح و دوستی یاد می کنند . مبصر آزانی باختر علاوه می کند که گذشت زمان و پیوند های اترانسینوالیستی انقلاب ثور و انقلاب کبیر اکتوبر می رساند که این روابط باز هم راه تکامل را طی نموده و علی الرغم توطئه ها و دسایس منابع امپریالیستی و ارتجاعی روابط بین دو کشور هر چه بیشتر تحکیم و توسعه یابد .

حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و لوهی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت یازده قبل از ظهر ۱۵ عقرب جلالتاب و ولیم نورمن هیلبر - فری سفیر کبیر برتانیه در کابل را برای قبول اعتماد نامه اش در قصر گلخانه خانه خلق بحضور پذیرفتند .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد که در این هنگام دکتور شاه ولی

روز ۱۶ عقرب در مراسم کشور عزیز مس افغانستان با شکوه مندی خاصی تجلیل شد . به خاطر تجلیل از این جشن انقلابی خلق های کشور پهنای شورا ها ساعت ده قبل از ظهر ۱۶ عقرب محفل مجللی از طرف کمیته شهری کابل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و انجمن دوستی افغان و شوروی در تالار کابل ننداری دایر گردیده و بنا به دستور بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رفیق دکتور شاه ولی عضو بوروی سیاسی ، منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان معاون لوهی وزیر و وزیر امور خارجه بیانیه جامع انقلابی ایراد نمود .

رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و لوهی وزیر ساعت دوونیم بعد از ظهر ۱۴ عقرب با ایراد بیانیه علمی و انقلابی شان اولین کنفرانس عالی سازمان خلقی جوانان افغانستان را در قصر سلامخانه خانه خلق افتتاح نمودند .

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان، شورای وزیران روز ۱۳ عقرب از ساعت پنج بعد از ظهر تا ساعت هشت شب در خانه خلق جلسه نمود .

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان جلسه بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان از ساعت سه و نیم بعد از ظهر الی پنج عصر روز ۱۳ عقرب در خانه خلق دایر گردید .

در ابتدای جلسه در باره اقداماتی که به جهت تطبیق مصوبه بوروی سیاسی راجع به تجلیل شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر صورت گرفته بحث بعمل آمد و اقدامات مذکور مثبت ارزیابی گردید .

رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و لوهی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان بعد از ظهر روز ۱۳ عقرب یکده از ژورنالستان داخلی و خارجی را در حالی که خیال محمد کتوازی وزیر اطلاعات و کلتور نیز حاضر بود در قصر گلخانه خانه خلق برای هماهنگی مطبوعاتی بحضور پذیرفتند .

رفیق امین بعد از آنکه به احساسات ژورنالستان با صمیمیت پاسخ دادند و از ملاقات با ایشان اظهار خوشی نمودند و روز ژورنالستان خارجی را به همین عزیز ما این سر زمین انقلاب ثور خوش آمدید گفتند . سپس منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهی وزیر در فضای نهایت صمیمانه و دموکراتیک به سوالات ژورنالستان داخلی و خارجی جواب داده و روی موضوعات سیاسی اقتصادی و اجتماعی کشور روشنی انداختند .

دکتور شاه ولی عضو بوروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان معاون لوهی وزیر و وزیر امور خارجه و محترمه خانم شان شام ۱۶ عقرب در ضیافتی اشتراک نمودند که به مناسبت شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر در سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در کابل برگزار گردید .

در محفل افتتاح این کنفرانس اعضای بوروی سیاسی و اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، اعضای شورای انقلابی و شورای وزیران کدرهای سر جسته حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس، معاونین کدرها و عده ای از اعضای سازمان خلقی جوانان افغانستان اشتراک نموده بودند . هنگامیکه رفیق حفیظ الله امین به قصر سلامخانه خانه خلق تشریف آوردند حاضرین باخاسته با دادن شعار های انقلابی کف - زدن، پاشیدن گلبرگ ها و اهدای سبد های گل از قومانندان دلیر انقلاب زنجیر شکن ثور استقبال کردند که با ابراز احساسات بحرارت و صمیمانه رفیق امین مواجه شدند .

در آغاز محفل سرود ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان بخش گردیده و متعاقبا دکتور غنی وثیق رئیس سازمان خلقی جوانان افغانستان پیرامون کنفرانس عالی سازمان خلقی جوانان افغانستان که برای اولین بار در پرتو انقلاب نجات بخش ثور در کشور ما دایر می شود توضیحات ارائه نمود .

معاون لوهی وزیر و وزیر امور خارجه ، محمد نادر شاه نیک یار رئیس دفتر شورای انقلابی و محمد ولی مندوزی رئیس تشریفات وزارت امور خارجه نیز حاضر بودند .

پیام رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان که عنوانی کانگرس جهانی همبستگی با خلقهای عرب منعقده لژین صادر شده است مسرود استقبال نهایت گرم و پر شور شاهلان کانگرس واقع شده است .

بنامی از فیصله بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که تحت رهبری رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و لوهی وزیر بعمل آمده بود از شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر

بعد از ظهر مسابقه بسزومگ باستانی و تنوعی بژکشی در استادیوم ملی ورزشی کابل صورت گرفت و جریان آن مستقیما از طریق را دیو تلویزیسون خلق افغانستان بروکاست گردید .

مبصر باختر آزانی با ارتباط به سالروز جشن انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر می - نوبند :

پس از آنکه در کشور همسایه بسزومگ شما لی ما دولت شوراها تاسیس گردید جنبش های انقلابی طبقه کارگرو نهضت آزادی بخش ملی و دموکراتیک در مراسم جهان اوج گرفت و در همین روز انقلابی خلق قهرمان افغانستان نیز قهرمانانه به پاخاست و عظیم ترین نیروی استعماری آن وقت را که افتاب در ستم رانش در آن زمان غروب نمی کرد از افغانستان بیرون نموده و زنجیر های ننگین استعمار را در آسیا برای اولین بار شکستاند و به این ترتیب افغانستان استقلال سیاسی خود را به دست آورد و روابط دوستی خلل ناپذیر میان خلقهای افغانستان و اتحاد شوروی از طلیعه

# اقتصاد و قایم عهد هفته

رفیق حفیظ الله امین شخصت و -  
دومین سالگرد انقلاب کبیر  
اکتوبر را به رهبران  
اتحاد شوروی تبریک  
گفتند .



کابل ۱۶ عقرب (ب):

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه  
خبر میدهد ، از طرف حفیظ الله امین  
منشی عمومی کمیته مرکزی حزب  
دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس  
شورای انقلابی و لومری وزیر جمهوری  
دموکراتیک افغانستان به مناسبت شصت  
ودومین سالگرد انقلاب کبیر سو سیالستی  
اکتوبر پیام تبریکه آتی عنوان رفیق  
لیونید بریزنف و رفیق الکسی کاسیگین  
به مسکو مخابره گردیده است:  
رفیق لیونید بریزنف منشی عمومی  
کمیته مرکزی حزب کمونسٹ اتحاد  
شوروی و صدر هیات رئیسه شورای  
عالی اتحاد جماهیر شوروی سو سیالستی .

شوروی سو سیالستی مستحکمتر  
گردیده و به سویه یختگی برادری تکامل  
نموده است .  
یقین دارم که این روابط رفیقانه و  
صمیمانه و همکاری های همه جانبه ماب  
منفعت خلقهای زحمتکش هر دو کشور و  
خلقهای زحمتکش سایر کشور های  
سو سیالستی و تمام بشریت ترفیخواه  
دوام تشدید و تقویت صلح و امنیت  
درجهان و ترقیات برای رفاه بشریت  
انکشاف مزید یافته مینومشرواقع گردد .  
درین هنگام خجسته که خلقهای  
کشور دوست ما اتحاد جماهیر شوروی  
سو سیالستی و سایر کشور های  
سو سیالستی و تمام بشریت ترفیخواه  
شخصت ودومین سالگرد انقلاب کبیر  
سو سیالستی اکتوبر را تجلیل مسی  
نمایند مایه مسرت من است . بهترین  
تمنیات گرم ، صمیمانه و رفیقانه خود را  
برای صحت و سلامت شما رفقا ابراز  
نمایم و یقین دارم که خلق دوست  
و برادر همسایه اتحاد جماهیر شوروی  
سو سیالستی تحت رهبری خردمندان  
شما رفقا و حزب کمونسٹ اتحاد شوروی  
به ترقیات روز افزون نایل گردیده و

۱-۱- لنین رهبر اولین انقلاب کارگری جهان و بنیان گذار حزب کمونسٹ اتحاد شوروی



لیونید بریزنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونسٹ و صدر هیات رئیسه شورای  
عالی اتحاد جماهیر شوروی سو سیالستی که به رهبری ایشان جامعه اتحاد شوروی بسوی  
کمونسٹم نزدیک میشود .

حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای  
انقلابی و لومری وزیر که به رهبری ایشان افغانستان عزیز مابسوی جامعه سو سیالستی  
به پیش میرود

مبارزات بشردوستانه شما به خاطر صلح  
پایدار در سراسر گیتی با افتخارات  
زیاد تر نایل می گردد .  
حفیظ الله امین ، منشی عمومی کمیته  
مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان  
رئیس شورای انقلابی و لومری وزیر  
دموکراتیک افغانستان .

دوست ما اتحاد جماهیر شوروی  
سو سیالستی اظهار می دارم .  
با اعتقاد راسخ اطمینان میدهم که  
بعد از انقلاب شکوهمند ثور علایق دوستی  
و حسن همسایگی ، تقاهم و همکاری  
های ثمر بخش و نزدیک بین جمهوری  
دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر

تبریکات گرم و نهایت صمیمانه و قلبی  
خود ، کمیته مرکزی حزب دموکراتیک  
خلق افغانستان ، شورای انقلابی و حکومت  
جمهوری دموکراتیک افغانستان و خلق  
زحمتکش افغان نستان را به شما رفقای  
گرامی ، کمیته مرکزی حزب کمونسٹ  
اتحاد شوروی ، حکومت و خلقهای برادر

رفیق الکسی کاسیگین رئیس شورای  
وزیران اتحاد جماهیر شوروی  
سو سیالستی .  
گریلین ، مسکو .  
با کمال مسرت زیاد به مناسبت  
شخصت و دو مین سالگرد شترک انقلاب  
کبیر سو سیالستی اکتوبر ، بهترین  
شماره ۳۴

# استفاده از قوای بشری هنگامی صورت گرفته میتواند که خلق خود، در انکشاف و تکامل کشور خویش سهم بگیرند



رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر جمہوری دموکراتیک افغانستان موقعیکہ زور نا لستان داخلی و خارجی را برای مصاحبه مطبوعاتی بحضور پذیرفته و به سوالات آنها با سخاوت مبادرت میداند.

## در آغاز مصاحبه رفیق حفیظ الله امین خطاب به زور نا لستان گفتند:

مسررت دارم که شما زور نا لستان محترم را در سرزمین انقلاب نور استقبال نموده و با شما ملاقات میکنم و ازینکه به افغانستان و انقلاب افغانستان علاقه گرفته اید تشکر می نمایم.

طوریکه میدانید انقلاب شکوهمند نور تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب طبقه کارگر کشور صورت گرفت و سیستم فیودالی را که در کشور ما حکمفرما بود ازین سرده قدرت رابه خلق زحمتکش افغانستان به نمایندگی از آن به طبقه کارگر کشور انتقال داد و جمهوری دموکراتیک افغانستان را تحت زعامت حزب

متن مصاحبه رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و ولومری وزیر با زور نا لستان داخلی و خارجی که بعد از ظهر روز سیزدهم عقرب در خانه خلق بعمل آمد.

دموکراتیک خلق افغانستان تاسیس کرد و بدین ترتیب پروژه های مختلفی برای ازین سرده تمام بقایای فیو دالیسم در افغانستان رویدست گرفته شد.

مهمترین کار، اصلاحات ارضی بود که توسط دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان موفقاته تطبیق شد.

از آن گذشته قسم های مثبتی برای تکامل نیرو های مولده در افغانستان و افزایش تولید کار اتخاذ شد.

امروز جمهوری دموکراتیک افغانستان

به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان کار تسوید قانون اساسی را تحت شعار مصونیت، قانونیت و عدالت رویدست گرفته است.

دشمنان انقلاب و دشمنان خلق زحمتکش ما که مذبحخانه تلاش دارند تا دست آورد های انقلاب نور را تخریب کنند اکنون نزد خلق ما و نزد خلق های تمام جهان افسانه شده اند.

افغانستان کشوری است که در اینجا قانون اساسی بشکلی تسوید خواهد شد که راه را برای اعمار جامعه فایده استعمار فرد از فرد یعنی یک

جامعه سو سیالستی باز کرد. پسر خلق افغانستان بشکل روز افزونی از حکومت خود حمایت میکنند و حزب دموکراتیک خلق افغانستان در وحدت کامل با خلق به چنان مرحله رسیده است که در تاریخ حزب ما نظیر نداشته و میتواند مثال خوبی برای تمام احزاب برادر در کشورهای نظیر افغانستان باشد. اکنون افغانستان برای تمام کسانیکه به امور آن علاقه میکنند به خصوص برای زور نا لستان که با اخلاقی عالی زور نا لستان مانند شما آراسته باشند بکلی باز است.

ما بسیار خوشحالیم از اینکه شما را در افغانستان ملاقات میکنیم از شما می‌خواهیم سایر رفقای خود را تشویق کنید تا به افغانستان بیایند ما شاید نتوانیم همه تسهیلات ما دی را که شایسته استقبال از شماست مهیا سازیم اما یقین داریم احساسات دوستانه ما این کمبود را جبران خواهد کرد. اکنون از شما دعوت می‌نمایم تا در فضای کاملاً

ورفت و آمد عادی ترافیک را در بعضی شاهرها دچار اختلال میکنند آیا شما درین مورد چه می‌فرمایید؟  
جواب - انقلاب ثور تنها انقلاب کارگری نیست که با دشمنی امپریالیزم و ارتجاع بین المللی روبرو میشود، هر انقلاب طبقه کارگر در هر جای جهان که واقع میشود با عین سرنوشت انقلاب ثور روبرو میشود یعنی با توطئه‌ها و دسائیس

قانون اساسی جدید افغانستان براساس ایدیا لوزی طبقه کارگر که قدرت خلق را در افغانستان تمثیل خواهد کرد تسوید میشود.

دوستانه و دموکراتیک سوالات خود را طرح نمود و جواب‌های مرا بشنوید. سوال نمایندگانی تلو یزیون جمهوری دموکراتیک آلمان - لطفاً در باره قانون اساسی جدید افغانستان که کار تسوید آن همین حالا ادامه دارد قدری روشنی بیندازید؟

جواب - قانون اساسی جدید افغانستان بر اساس ایدیا لوزی طبقه کارگر که قدرت خلق را در افغانستان تمثیل خواهد کرد تسوید میشود و راه را بسوی ایجاد جامعه فاقد استثمار فرد از فرد در افغانستان روشن کرده به همه ملیت‌های افغانستان حقوق مساوی میدهد.

همچنان این قانون طریق تکامل همه ارزش‌های فرهنگی داخل جامعه افغانی را باز خواهد نمود. از همه گذشته این قانون موجب ارتقای اجتماعی و اقتصادی شده آزادی کامل عقیده، مذهب و سایر آزادی‌های اساسی را تضمین خواهد کرد.

سوال نمایندگانی هند: راپورهای متواتری در حلقه‌های مختلف بعضی کشورهای شایع است که شورشیان مناطق وسیعی از افغانستان را تحت کنترل خود دارند

جنابیت کاران فرار میکنند و به خارج میروند، اما وسایل اطلاعات جمعی، رادیو‌ها و منابع امپریالیستی بر ضد تبلیغات مینمایند مثلاً می‌گویند که جای یک زندگیمان آرام و مصون در افغانستان وجود ندارد. زمانی که کنفرانس صلح و همبستگی با خلق افغانستان در کابل دایر بود بعضی از نمایندگان شامل بمن گفتند که وقتی فامیل‌های خود را ترک می‌کردند اعضای خانوادهایشان می‌گریستند و لی بعد از آنکه آمدند و به اکثر ولایات رفته با مردم تماس گرفتند و به چشم سراسر اوضاع را دیدند از آرا مشی وضع تصدیق نمودند. امپریالیست‌ها تبلیغات زیاد می‌کنند حتی امروز هم از رادیو‌های امپریالیستی و منابع ارتجاعی می‌شنویم که نمی‌توان در خیابان‌های کابل قدم زده و به دکان‌ها رفته ولی شما می‌توانید هر جایکه خواسته باشید بروید و قدم بزنید و اوضاع را ببینید و حقایق را در مورد آنچه در افغانستان میگذرد بخود معلوم بدارید.

باتمام اینها افغانستان یک کشور کوهستانی است.

بشترین استفاده از قوای بشری هنگامی صورت گرفته میتواند که خلق خود، در انکشاف و تکامل کشور خود سهم بگیرند.

وقتی امپریالیزم بخواهد توسط دسته‌های جنایت‌کار برای ما پروبلم ایجاد کند اگر به آنها پول و سلاح بدهند آنها میتوانند اینجا و آنجا بروند فیر کنند یا اینکه بربک موتر لاری آتش کنند و بعد مراکز امپریالیستی آنها در رادیو‌ها و لود سپیکرهای خود بزرگ میسازند و میگویند در افغانستان این وضع یان و وضع بود و آمده تا به این ترتیب نگذارند رفقای شان به افغانستان بیایند و اوضاع را خودشان ببینند.

سوال نماینده آژانس باختر: شما در جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان که بتاريخ سی‌میران صورت گرفت در باره انکشاف اقتصادی و اجتماعی افغانستان الی سال ۱۳۶۵ توضیحات همه جانبه دادید. حالا اگر لطفاً بگویند که برای تطبیق این پلان بزرگ انکشافی افغانستان انقلابی و نوین و برای انجام دادن تمام این کارهای بزرگ بودجه مالی آن از کجا تمویل می‌شود یعنی این پلان‌های بزرگ از کدام بودجه مالی تمویل میشود؟

جواب: عرض من این بود که در تمویل این پروژه‌ها اندازه زیاد ضرورت‌های مالی ما از منابع ملی ما رفع میشود از کشورهای خارجی که با ما مساعدت میکنند اتحاد شوروی کشور برادرو همسایه ما با ما کمک نهایت زیاد می‌نماید ما باین اطمینان داریم هر قدر کمکی که برای انکشاف افغانستان بکار انداخته بتوانیم اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی برای ما میسر میسازد و کشورهای دوست نیز کمک می‌کنند.

سوال نماینده روزنامه انیس: طوریکه در یک ماه گذشته دیده شده با فراهم ساختن

زمینه کار دولت خلقی ماسعی نموده تا از قوای بشری حد اعظم استفاده رادر راه ترقی و شکوفایی کشور نماید. می‌خواستم سوال نمایم که چه اقدامات عاجل را دولت برای استفاده هرچه بیشتر از قوای بشری روی دست خواهد گرفت؟

جواب: بهترین استفاده از قوای بشری هنگامی صورت گرفته میتواند که خلق خود در انکشاف و تکامل کشور خود سهم بگیرند. جمهوری دموکراتیک افغانستان پلان‌های

باین منظور روی دست دارد مخصوصاً اتحادیه هاوسازمان های مختلف را به وجود می آورد تا تمام زحماتکشانشان را از راه سازمان های خود در سرنوشت کشور خود سهم داشته باشند و تمام امور انکشاف کشور را به سهم خود به پیش ببرند. این در صورتی بسیار خوب انجام یافته میتوانند که اداره کشور بدست خلق باشد، توسط سازمان ها و از راه سازمانهایی که ایجاد میشود خلق افغانستان اداره کشور را بدست خود دارد و می داشته باشد و امور مربوط به سرنوشت خود را خود به پیش میبرد و بر علاوه

و هم بگویند تا کدام اندازه در تطبیق آن موفقیت حاصل نموده اید؟

جواب - مهمترین هدف پلان پنج ساله تهیه فرصت های مساعد برای سهمگیری در اعمار جامعه فاقد استثمار فرد است. منظور آنست تا اساس مادی و تخنیکی محکمی را برای اعمار چنین جامعه آماده سازیم. از آن گذشته ما می خواهیم تا زراعت خود را به شکلی عصری بسازیم که کشور ما هم یک سرزمین زراعتی باشد و هم صنعتی یقین داریم که صنایع ماکامل خواهد کرد و زراعت ما شینی خواهد شد که همه

ایدیالوژی که ما با آن معتقد هستیم ایدیالوژی انترناسیونالیستی طبقه کارگر است.

برای اعتلای سوسیالیستی کارگران و کارکنان هموطن ما هم تریبالی گرفته می شود و برای تطبیق این پلان ها اقدامات لازم روی دست است و علاوه تا سکالر شپ ها و فیلو شپ ها و امکان تحصیل در خارج هم برای هموطنان و جوانان ما میسر است. مخصوصاً در اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی برای صد ها هموطن ما هر سال امکان تعلیم و تربیه میسر است. بر علاوه در بعضی از کشورهای دیگر نیز این امکان برای ما موجود است ما باید از همکاری های ملل متحد نیز یاد آوری نماییم که درین زمینه با ما مساعدت ها نموده و ما آنرا تقدیر می کنیم.

سوال زور نا لیست جمهوری دموکراتیک آلمان: آیا ممکن است نقاط برجسته پلان پنج ساله انکشاف اجتماعی و اقتصادی جمهوری دموکراتیک آلمان را توضیح نمایند

با اصول اجتماعی دین مبین اسلام مغایرت ندارد. اسلام هرگز خواهان آن نیست که خلق در فقر و گرسنگی بسر ببرد. اسلام نمی گوید که استبداد و ستم ظالمانه در جامعه حکمفرما باشد. اسلام مخالف بهبود زندگانی و افزایش تولیدات نیست. ولی ایدیا لوزی ما یک سیستم اقتصادی و اجتماعی است که زحماتکشانش را از زیر استثمار می رها نند قدرت تولید را افزایش میدهد و سطح زندگی خلق را بالایی برد. پس وقتی ما جامعه سوسیالیستی بسازیم جای برای استثمار فرد توسط فرد باقی نخواهد ماند.

ما عقیده داریم که هر عضو جامعه آزادی مذهب و عبادت داشته باشند و تمام مراسم مذهبی خود را باکمال آزادی بجا آورند.

اینکه میگویند ایدیا لوزی ما ضد مذهب است این در واقع تعبیر خود شما است آنچه ما می گوئیم آنست که ما به آرمان های مذهبی و احساس خلق خود احترام عمیق می گذاریم و در عین حال به نفع آنها کار می کنیم مانده تنها به مذهب خلق خود احترام عمیق می گذاریم بلکه در عین حال تمام امکانات مادی را برای رفاه و آرا می آنها می سازیم تا آنها به یک سطح زندگی

این کارها باید با سهمگیری کامل خلق همراه با آگاهی صورت بگیرد. طوری که برای بالا بردن سطح آگاهی خلق جبهه وسیعی برضد یسواد بی آغاز شده است.

سوال زور نا لیست جمهوری اتحاد آلمان: در افغانستان پیوسته از احترام عمیق بدین اسلام سخن گفته میشود. با در نظر داشت این نکته ایدیا لوزی شوروی که شما از آن طرف داری می کنید ضد مذهب است چه شیوه ای در اعمار جامعه فاقد استثمار فرد از فرد در پیش خواهد بود؟

جواب: ما هیچگاه اصطلاح ایدیا لوزی شوروی را بکار نبرده ایم. استعمال این اصطلاح و تعبیر آن از شماست ایدیا لوزی که ما با آن معتقد هستیم ایدیا لوزی انترناسیونالیستی طبقه کارگر است که مطابق آن بهترین تسهیلات برای زندگی ما می توانم با رفاه را برای خلق خود فراهم ساخته میتوانیم. این کارها هرگز

آزادی بهتر هر نوع عبادتی که خواسته باشند انجام خواهند داد.

سوال زور نا لیست جمهوری فدرالی آلمان: چرا خانه خلق با محافظین و تانکها حمایت و حصار شده است؟

جواب: من گارد محافظین را در قصر ریاست جمهوری فرانسه و در قصر بوکنگهیم انگلستان و قصر سفید امریکا نیز مشاهده کرده ام و اینها همه با گارد محافظه می شوند پس چرا باید در جلو خانه خلق ما گارد محافظین نباشد. وجود گارد محافظ بدان معنی نیست که خانه خلق توسط گارد ها حصار شده است.

سوال نماینده کابل تایمز: طوریکه مشاعده می شود مرحله اول اصلاحات اراضی در افغانستان موفقانه پایان یافت در مورد مرحله دوم این اصلاحات چه فکر می کنید؟

جواب - مرحله مهم اصلاحات اراضی در افغانستان عبارت از استملاک زمین از زمینداران و توزیع آن به دهقانان بی زمین و کم زمین بود که با موفقیت زیاد و در یک مدت بسیار کوتاه انجام شد امروز هیچ فردی در افغانستان سراغ نمی

انقلاب ثور تنها انقلاب کارگری نیست که با دشمنی امپریالیزم و ارتجاع بین المللی روبرو میشود، هر انقلاب طبقه کارگر در هر جای جهان که واقع میشود با عین سر نوشت انقلاب ثور روبرو میشود

شود که پیش از سی جریب زمین داشته باشد. تا جاییکه بمن معلوم است این را دیگال تریبون دموکراتیک ترین ریفورم اراضی می باشد که در کشورهای مانند افغانستان انجام شده است.

بالا تر بر سند وقتی سطح زندگی خلق ما انکشاف یافت و خلق ما هیچگونه اختناق از ناحیه استثمار فرد از فرد احساس نکنند، وقتی آنها تمام بقایای استبداد طبقات استثمارگر را از میان ببرند با احساس

مر حله دوم عبارت از ریفورم زراعتی میباشد باین معنی که قابلیت تولید زمین قابل زرع بلندبرده خواهد شد. درین مرحله تکنالوژی عصری، کود کیمیاوی و تکنیک های مدرن زراعتی که در پیشرفته ترین کشور های جهان رایج است تهیه خواهد شد.

همین اکنون این ریفورم آغاز گردیده است.

سوال زور نالست هندی:

امپریالیزم و کشور های امپریالیستی تشویش جنکی ایجاد شده است که با اعمار پایگاه های نظامی و تشبثات نظامی در آنجا آزادی در بحر هند مختل گردیده و تشویش جنگ پیدا شده است. پس این به کشور های امپریالیستی و امپریالیزم ارتباط دارد که آنها باید پایگاه های نظامی خود را از بین ببرند و به ما هیئت نظامی آن منطقه خاتمه دهند

ما یقین داریم طوری که خلق های زحمتکش افغانستان پاکستان و ایران بین خود برادر هستند دوستانشان مشترک دشمن شان مشترک است

بنظر شما کشور هند چه نقشی را در انکشاف افغانستان ایفا کرده می تواند؟

جواب: جنبه های عمومی اشتراک فرهنگی خلق های افغانستان و هند نزد تمام افراد این دو کشور و کشور های جهان روشن است. خلق افغانستان احساس دوستی خاصی نسبت به خلق هند دارند و خواهان گسترش مناسبات اقتصادی و سایر علایق با خلق هند می باشند.

هند به مقایسه افغانستان کشور پیشرفته تری است و ما طبعاً انتظار همکاری های اقتصادی و تخنیکی از هند را داریم که خوشبختانه برای ما داده شده است. احساس خلق های دو کشور که در گذشت چندین سال نسبت به همدیگر تبارز داده شده نه تنها ادامه خواهد یافت بلکه تقوی هم می شود.

سوال نماینده روزنامه میواد: از کشور دوست ما هند یاد آوری شد از نظر قوت های صلح دوست و مترقی منطقه این مفکوره که بحر هند بحیث یک منطقه صلح شناخته شود به نظر شما چطور تحقق یافته می تواند؟

جواب: من عرض کردم که تشویش نظامی در بحر هند همیشه یک طرفه ایجاد شده است که در آنجا از طرف

اروپا و خلق های سایر مناطق جهان گردید این ابتکار تنها مربوط به اروپا نبوده بلکه متعلق به تمام خلق های جهان میباشد و به نفع نهضت صلح بین المللی تمام خواهد شد.

من درین مورد نیز قبلاً تبصره کرده ام.

سوال نماینده روزنامه انیس:

با ارتباط به سیاست مثبت و مترقی، جمهوری دموکراتیک افغانستان که همیشه طرفدار ترقی و صلح بوده و است، میخواستم سوال نمایم که برای بهبود روابط با پاکستان و ایران آیا مذاکرات و تماس ها جریان دارد؟

جواب: افغانستان با پاکستان در تماس است و انتظار دارد که مشاور در امور خارجی جلا تماب ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان یعنی بنا غلی آغا شاهی بنا بر دعوت وزیر خارجه افغانستان بیاید و درینجا بجا طرف عادی ساختن روابط بین دو کشور مذاکرات را با ادا می دهد. به تعقیب آن

سوال نماینده آژانس تاس: در مورد ابتکار صلح رفیق لیو نید بریژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونسنت و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی که طی بیانیه شان در برلین اعلام شد چه نظر دارید؟

جواب: اگر مقصد شما بیرون نمودن یکجا نبه بیست هزار سر باز و یک هزار تانک اتحاد شوروی از خاک جمهوری دموکراتیک آلمان باشد باید بگویم که این ابتکار نه تنها مورد قدر دانی و تمجید شخصی من بلکه تمام رفقا همکارانم و خلق افغانستان قرار گرفته است.

این یک حقیقت است که چنین ابتکاری از طرف تمام خلق های صلح دوست جهان مورد استقبال برادران قرار گرفته و باید این کار توسط سایر کشورهای دیگر بخصوص اعضای ناتو صادقانه تعقیب شود. این قدمی بود که موجب امیدواری زیاد خلق های

داده ایم. شارژ دافیر مادر تهران چند بار کوشش کرده که وزارت خارجه ایران را به این ملتفت بسازد و خودم به شارژ دافیر سفارت ایران در کابل هم گفته ام که ما علاقمند آغا مذاکرات دوستی بین دو کشور هستیم و ما یقین داریم طوری که خلق های زحمتکش افغانستان، پاکستان و ایران بین خود برادر هستند دوست شان مشترک دشمن شان مشترک است حکومت های مربوط این احساسات گرم مشترک و برادرانه خلق های خود را در عمل منعکس خواهند ساخت. تا زمینه رشد دوستی بین خلق های هر سه کشور تهیه شده بتواند.

سوال نماینده جریده خلق ارگان مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان طوری که برای تربیت علمی کادر های حزب دموکراتیک خلق افغانستان انستیتوت علوم اجتماعی افتتاح شده آیا رهبری حزب درین زمینه ابتکارات جدیدی را در نظر دارد و اگر دارد آیا بطور مثال پیش بینی کرده میتوانید؟

ما عقیده داریم که هر عضو جامعه آزادی مذهب و عبادت داشته باشد و تمام مراسم مذهبی خود را با کمال آزادی بجا آورد.

جواب: دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در تاسیس این انستیتوت که به آن اشاره کردید برای ارتقای بیشتر سطح دانش اعضا و کادر های حزب توجه خاص داشته و دارد و علاوه بر آن نیز اقداماتی در نظر دارد که از جمله خود جریده خلق است که برای انکشاف و نشر بیشتر آن توجه خاص بعمل آمده است. همچنان بعضی سیمینارها و کورسها در ولایات کشور هم دایر میشود که در آن اعضا و کادر های حزبی اشتراک می



«ن دیره ستر انقلابی نیرو چی داکتوبر انقلاب ارژنتونو او بریالی توپونوته دوام ورکوی اودنریوال انقلاب خورش په حرکت راوی دسوسیالیزم دنریوال سیستم دنریوالی کارگری طبق جنبش اودنری دخلکودملی آزادی غوښتونکی جنبش دی»  
«ملگری حقیقت اللهامین»

شنبه ۱۹ عقرب ۱۳۵۸ ۱۰ نوامبر - ۱۹۷۹

# داکتوبر ستر انقلاب د بشریت لپاره د دبی استثمارة ټولنی

## د جوړیدو د لاری روڼ مهال



استفاده از قوای بشری هنگامی صورت گرفته میتواند که خلق خود، در انکشاف تکامل کشور خویش سهم بگیرند.

انقلاب کبیر اکتوبر و تاثیر فاطمیان جنبش های کارگروه های بخش ملی جهان

داکتوبر دستر انقلاب اوه شپيته کمال

نگاهي به اهميت بين المللي انقلاب کبیر اکتوبر

انقلاب کبیر اکتوبر جنبش بزرگی بسوی روشنائی و بهروزی

اکتوبر کبیر در رابطه با هنر و ادبیات تکریمی بر ادبیات شوروی

درجهت آرامش و رفاه خلق شوروی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر یا آغاز تاریخ نوین بشریت

د شوروی اتحاد علمی، اقتصادی، صنعتی فرهنگی بریالی توپونه

شرح روی جلد: مشت نیرومند و پرتوان خلق که هرگز زورگو و استعمارگران رامی شکنند و پوزشانا را نابودی می مالند

پشتی اخیر تمثالی از زن کوچی

ایلامیه (چي داکتوبر دستر انقلاب دستر لار بود په لاسلیک ټنگلی شوی وه خبره کړه)

په دغه ایلامیه کی داو لسو نو تر مینځ مساوات، برابری، ورو رو لی او په خپل سر نو شت حاکمیت او دخپل مستقل دولت د تشکیلو لو په شمول د خو دا رادیت حق د ټولو ملی او مذهبی امتیا زا تواد قیو داوا لغاء او دملی اقلیتو نو آزادا نه انکشاف اعلان شو چی ددغه و یا په لسی انقلاب په هماغه لومړیو ورځو کی فروسی دپخوانی امپراطوری او لسونو دمتقابلی دینمنی، عداوت او تقا دوتو له لاری څخه وار و ل او ددوی تر مینځ ډیر ژر دمتقا ملی

مرستی او همکاری اړیکې ټینګ شول. د اکتوبر دستر انقلاب د بریالی ټوب په نتیجه کی منځ ته راغلی شوروی اتحاد دسوسیالیستی دولت د جوړیدو له هماغه لومړیو وختو څخه سره لاری چی له زیا تو کورنیو ستو نرو سره چی دزار څخه ورته په میرامت با نی و څخه انتر ناسیو نالیستی سپیڅلی دنده هیلڅ وخت له پامه نه غورځولی، او تسلیم یی په خپلو فعالیتو نوکی انتر ناسیو نالیستی گټی سوسیالیستی اصل او انقلابی جنبش د خپل عمل ملاک گرځولی دی.

داکتوبر د ستر انقلاب دغه لمر (انتر ناسیو نالیستی اصل) ته دتور انقلاب زهور قو ما ندان حقیقت الله امین تیر کال ددغه ویا په لی انقلابیو شپیتو کالیزی دنما

نغنی په غونډه کی داسی اشاره وکړه. «... داکتوبر انقلاب له خپل پیل څخه انتر ناسیو نالیستی ماهیت تر لود او دسوسیالیزم بریالی څخه چی په پترو گر ادکی جگی شوی د روسی په سر خلو نو کی ونه دریدی او لکه دلمردووانگسو

دخپو په شان یی بر ټوله نړی اغیزه وکړه او د هغه خلا نده رڼا دنړی د انقلابی غور

بر یا لی شو. ددغه ویا په لی انقلاب د بر یا لی ټوب چی له استعمار، استبداد، ظلم یی عدالتی، جگری او نو رو راز را ز بدبختیو څخه دانسان د ژغورنی په منظور تر سره شوی دی دعلمی نړی لید او دکارگری انقلابی اید یا لوی ددغی دوران جوړوونکی اید یا لوی د پلي کولو د مبتکر (داکتوبر دستر انقلاب دستر لار بود) برکت دی! نوله همدی امله و یا لی شو چی داکتوبر ستر انقلاب بری په عین حال کی دمرقی او کارگری اید یا لوی بری هم دی چی دلو مری خل لپاره ددی بر یا لی ټوب دلیر ویا نگی په شوروی روسیه کی وځلیدی.

داکتوبر ستر انقلاب نوی عصر (له پا نګه و ا لی څخه سو سیا لیزم نه دبشریت ډیر بدو نوی عصر) دامیر یا لیزم له جج څخه دملتیو نو دخپلو اکی او د جگړو اوویشی نو بسولو د پای ته رسو لسو او د نوی انسان ټولنی دجوړولو له پاره د حاکمه استعمار گرو طبقا نو درا پر زولو لاره برانسته.

داکتوبر ستر انقلاب څخه مخکی چی په ۱۹۱۴ کال کی لومړی جهانی جگړه پیل شوه تر دغه وخته پوری لادجگری اوربل و او ددغه امیر یالیستی جگری بار او یو ج د روسی د زیا ر ایستو لکو خلکو بر اوږو بار و زیا تو کورنیو له دغی جگری څخه دسر اومال زیان لیدلی و او د خلکو دسو لی هیله او آرزو او د جگری د اورد ختمیدو هله تر لوده.

نو هغه و چی داکتوبر ستر سوسیالیستی ستر انقلاب لومړی گام او لومړی فرمان (دسو لی فرمان) و چی د روسی او ټولی نړی زیار ایستو لکو یی په پوره شور او زور سره غوڅ ملانړ و کړ.

د ۱۹۱۷ کال داکتوبر بر له انقلاب نه وروسته پرا تمه ورځ دنوی جنتری له مخی دنوا میر په پنځلسه ورځ شو رو ی حکومت (دروسی او لسو نو د حقو قسو

دروان عیسوی کال دنوامبر او وه نیته داکتوبر د ستر سوسیالیستی انقلاب له دوه شپیتو کالیزی سره سمون خوری.

دوه شپيته کاله مخکی (۱۹۱۷) کال په همدی ورځ په روسیه کی دولا دیبرایلیج لنین په مشری او دکمو نیست گوند په رهبری دروسی سپر ما نی پروتاریا نزاری نظام چی سنتی یی په یو روزوازی او ملاکتیو ولاړی و یی د نګ کسرو او د بشریت په تاریخ کی د لومړی خل له پاره د یوی داسی ټولنی دجوړیدو دوران پیل شو، چی هلته دانسان څخه دانسان استعمار، استبداد، بر عدالتی، تیری او جگړه نه وی.

داکتوبر ستر سوسیالیستی انقلاب بد شلمی پیری ډیره ستره او ارز ښتنا کهه پینه ده چی د ټول بشریت دتکامل لوری پرله پسې څخه بدل کړی.

داکتوبر ستر انقلاب له بری څخه مخکی په روسیه کی اکثریت پر گټی له لوری یی کوری او پر بنهوتیا سره لاس گر یو ان وی دنزاری او کمنو ظلمو نه تیری او بر عدالتی او ج ته رسید لسی وی نو دغه بی عدالتیو ملی او طبقاتی ستونو کنډول تر مورگو دلاسونی و.

چی دغه طب داکتوبر دستر سوسیالیستی انقلاب ستر لاریو د پخپله داسی بیان کړی دی: «بزرگ په فکر کی ژوند کاوه، ده له خا رو یو سره یو ځای استو گنه تر لوده... بزگرانو تل ولره گا لله اودسو کسری (وچ کالی) په وخت کی چی ډیره ډیره پینید له، په لس ها ووزره بزگران له و لزی او اید مو په لمر مړه کیدل»

دغه راز په روسیه کی نه یوازی ډیر گرانو بلکی د ټولو زیار ایستو لکو ژوند له سو نرو څخه ډکا او د زغملو وړه و. په دغه نا ووه استبدادی شرا پلو کړی چی داکتوبر ستر سوسیالیستی انقلاب



# تاریخ

## انقلاب کبیر اکتوبر و تاثیر قاطع آن در جنبش های کارگری ورهائی بخش ملی جهان

با شکست نافر بار و تاسف انگیز کمون پاریس (۲۹ ماهی ۱۸۷۱) بمانا به نخستین دموکراسی توده یی در جهان که پس از ۷۲ روز استقرار حاکمیت میا مسی زحمتکشان «هفته خونین» در تاریخ مبارزات طبقاتی دو خصم انتمی نابذیر و دونیروی عظیم جهانی (کار و سرمایه) ثبت گردید. هم بورژوازی و هم طبقه کارگر جهان بر آن شد تا در تشکیل، تسبیح وصف آراییی نیرو برسد هم، نتایج و نتایج حاصله از آن را هوشیارانه و غایله در نظر گیرند و برای تصرف سنگر های گرم مبارزه می تود ها و روش های قبلا بررسی شده و تلویین یافته یی را در تیوری و پراتیک مبارزات شان پیاده نمایند.

کارگران نورانساز ویشوایان خردمند و سترک آن که از اشتباهات کمون پاریس مبنی بر عدم موضع گیری کمونار هانست به پاتک فرانسه بمنزله پستوانه عمده مالسی مستگران، عدم مصادره دارایی عناصر ضد انقلاب و عدم پیوند عمیق طبقه ملیونی دهقان با کارگران زنجیر گسل، نتایج سودمندی را دریافتند و در گسترده مبارزات طبقاتی آتیه و رفیع استبهاات خورد و بزرگی که بورژوازی را قوت و جیبه انقلاب را تضعیف می نمود کام نهادند تا آنجا که کارگران و زحمتکشان فرمان روس بر عبری ولادیمیر ایلینچ لیسنیشو ایی ستشکشان سراسر جهان کوره را ههای سوزان و پرخیم و بیج مبارزه را بر ضد بورژوازی و ملاکین بزرگ، بر ضد ارتجاع و امپریالیزم بین المللی و بر ضد انواع نظریات و جریانات انحرافی جب و راست طی نمودند و با بزمن زدن نظام بوشالی و جبارترین مائین ستگری ( دولت فیودالی - نظامی - امپریالیستی تزاری) و شکستن دژمادی و معنوی محبل ترین مفتنیش سیاسی (کادتها، منشویکها و اسرار هس) نخستین دولت سوسیالیستی را در اکتبر ۱۹۱۷ در پهنا و در ترین کشور جهان بنیان گذاشتند

با پیروزی انقلاب کبیر اکتبر و استقرار اولین کشور سوسیالیستی جهان است که نه تنها خلق مبین پرست و انترناسیونالیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از اسارت و بردگی نجات یافتند، بلکه همه کارگران، دهقانان و زحمتکشان جهان با در جاده زندگانی نوین گذاشتند و جرخش عظیم تاریخی را بسود

افغانستان نیز جزو کشور های محسوب می شد که بازار اقتصادی، سیاست داخلی و خارجی آن مستقیما از مرکز بریتانیا تعیین می گردید و امور دولتی آنرا مکناتن هس، برآیدن ها، جنرال میل ها و جنرال پالک ها کاملا در اختیار داشتند. (خط استعماری و نام نهاد دیورند یکی از تنگن ترین بازمانده های آن دوره سیاه است که خلق نجیب و

شجاع ماحتی از شنیدن نام آن متفراند. در آن سامان با وجودیکه تقسیم ممالک ضعیف میان استعمار یون انجام یافته بود ولی ایسن تقسیم نه تنها غلظت آتسین استعمار و امپریالیزم را خاموش ساخت بلکه تناقضات و تضاد هارمیا ن آنها بصورت روز افزون تشدید می بخشید. تشدید تضاد ها و تناقضات میان کشور های قدیم صنعتی از یکطرف و میان این کشور ها و کشور های قدرت مند جدید صنعتی ( آلمان و جاپان) از سوی دیگر چنان اوج یی سابقه یافت که جنگ بین المللی اول را به یک امر ناگزیر تبدیل نمود.

جنگ بین المللی اول که جان ملیونها غنصر فداکار و مبین پرست را با عده یی بیشمار از اطفال معصوم و بیوه زنان طعمه یی حر یسقی ساخت، چیزی نبود جز محصول جنایات و فجایع رژیم سرمایه سالاری که بخاطر دریافت ارزش اضافی جابران سرمایه آن همه قتلوت و کشتار را بحق تمدن و انسان روا داشتند. جنگ اول بین المللی محصول تشدید این تناقضات امپریالیستی بود. بدون تردید اگر جنگ جهانی اول در چار چوب نمایان امپریالیستی یعنی با پیروزی این یا آن گروه امپریالیستی تمام می شد وضع موجوده مستعمرات با تغییری در این یا آن جهت حفظ میگردید. در این یا آن مستعمره بجای ارباب قدیمی ارباب جدید راه می یافت و مناطق از این دست به آن دست می افتاد ولی در اساس سیستم مستعمراتی تغییرات اساسی در دور نمای نزدیک خلقها قرار نمی گرفت و انقلابهای ملی هنوز برای دوران طولانی ما تند انقلاب مشروطیت ایران (۱۹۰۶-۱۹۰۷) و دهها جنبش انقلابی دیگر بدون موفقیت نهایی به وسیله نیرو های امپریالیستی سرکوب میگردید.

جنگ بین المللی اول تناقضات و بحران عمومی سرمایه داری را شدت بخشید و انقلاب کبیر اکتبر بعق و دامنه آن هرچه بیشتر افزودی بعمل آورد. پیروزی انقلاب نجات بخش اکتبر تنها با ژرفا بخشیدن تضاد های حاد طبقاتی میان کشور های سرمایه داری محدود نماند، بلکه در جنبش های رهائی بخش ملی که از انقلاب ۱۹۰۵ آغاز گرفته بود نیرو تحریک ده چندان بخشید. خلق کشور هسای مستعمراتی سابق باتکای قوه مادی و معنوی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی جنبش های ضد استعماری و ضد امپریالیستی را شدت دادند و تا ختم جنگ دوم جهانی سیستم مستعمراتی را از میان برداشتند. جنبش جهانی طبقه کارگر با استفاده از تجارب و رهنمون های عالم انقلاب اکتبر به موفقیت های مزید و بی سابقه نایل آمد و در عده قابل ملاحظه یی از کشور ها هم اکنون تمامسا اختیارات و قدرت اقتصادی و سیاسی به خلق تعلق دارد.

انقلاب دوران ساز اکتبر تنها به کمیت کشور های که جنبش رهائی بخش ملی را طی مینمودند (ومی نمایند) نیفزود بلکه محتوا و کیفیت این جنبش را با روح زمان و منافع زحمتکشان همساز ساخت. اگر جنبش های رهائی بخش ملی تا قبل از پیروزی انقلاب اکتبر برهبری بورژوازی

تحقق می یافت و در عالیترین شرایط خود بورژوازی را مقتدر و رژیم سرمایه داری را مسلط می ساخت ولی بعد از پیروزی انقلاب اکتبر خلقها جهت رهائی واقعی خود با اردو کاخی عظیم دست یافتند. باین مفهوم که خلق های مستعبد شده درک نمودند که هرگاه انقلابهای ضد فیودالی و ضد رژیم های نیمه فیودالی برهبری بورژوازی صورت گیرد، در بهترین حالات خود دست آورد آن چیرگی مستگران سرمایه و استقرار رژیم پر درد سرمایه سالاریست. تعقیب راه رشد سرمایه داری که استعمار فرد از فرد را شدت یی سابقه می بخشد جز به هدر دادن نیروی مادی و معنوی زحمتکشان و درازا گرفتن عمر استعمار چیزی را در تورنمای نزدیک با خود ندارد. ولی پیروزی انقلاب کبیر اکتبر با ثبات رسانید که فقط انقلاب سوسیالیستی برهبری حزب طبقه کارگر می تواند نجات خلقها را وثیقه نماید و لا غیر.

درست پس از انقلاب سترگ اکتبر است که انقلابات طراز نوین جای تیب کهنه (بورژوا دموکراتیک نوع کهن) را اشغال می کند و راه رشد غیر سرمایه داری محتوی سودمند و دموکراتیک خود را نسبت به تعقیب راه پر مصیبت رشد سرمایه داری اثبات می سازد. مثال برآزنده در اثبات این گنسه شگوفایی اقتصاد کشور مغولستان است که خلق آن با تعقیب راه رشد غیر سرمایه داری و انجام انقلاب برهبری طبقه کارگر از جامعه فیودالی و ماقبل فیودالی مستقیما به فرماسیون اجتماعی، اقتصادی سوسیالیستی گذار نمودند و بدون آنکه راه کلاسیک مبارزه (انقلاب بورژوا دموکراتیک نوع کهن) را طی نمایند یک مرحله تاریخی را بکلی طسره زدند و جامعه فاقد استعمار فرد از فرد را ایجاد نمودند. از آن به بعد مشت خیانتکار بورژوازی در امر فریب خلقها بکلی باز شد و خلقهای مستعبد در یافتند که مواعید بورژوازی مبنی بر پیاده نمودن دموکراسی اجتماعی کاملا دروغ بوده و هدف آن جز سیطره طبقه خود در تار و پود اقتصاد، سیاست و فرهنگ اجتماعی چیز دیگری نیست. اینکه بورژوازی جای ملاکین را اشغال میکند نه استعمار نا بسود می شود و نه دموکراسی به توده های زحمتکش میسر.

بورژوازی بخاطری شعار دموکراسی و رفاه اجتماعی میدهد تا رژیم سرمایه را بجای رژیم نفرت زده فیودالی جایجا و حاکمیت سیاسی و اقتصادی طبقه خود را مستقر سازد. نتیجه آنکه با پیروزی انقلاب اکتبر محتوای و آرایش طبقاتی در انقلابهای رهائی بخش ملی تغییر کیفی یافت و خلقها پیروزمندان راه نجات خود را برهبری حزب طبقه کارگر سراغ نمودند. تا کنون که ۶۲ سال از انقلاب کبیر اکتبر می گذرد تحت تا لیسر آن در عده زیادی از کشور ها به شمول افغانستان انقلابی، انقلابات طراز نوین به نفع خلقهای زحمتکش تحقق یافته و مطمئنا در سایر کشور های معائل نیز تحقق خواهد یافت.

انقلاب کبیر اکتبر درست سر آغاز زوال رژیم سرمایه داری و عصر انقلابات کارگری و اوج جنبش های رهائی بخش ملی محسوب میگردد. بدستی میتوان ثابت نمود که تحت تا لیر مستقیم انقلاب کبیر اکتبر منحنی

بقیه در صفحه ۵۸  
صفحه ۹

داکتو بر د انقلاب ۶۲د کالزی په  
منا سبت .

# داکتو بر دستر انقلاب دوه شپيته کاليزه

دوه شپيته کا له دمخه دشلمی  
پیری ډیره ستره پېښه دشو روی  
سوسیا لیستی جما هیرو داتحادپه  
خاوره کی را منځ ته شوه دا پېښه  
داکتو بر دستر انقلاب دبر یا لسی  
تر سره کیدو څخه عبارتوه.  
داکتو بر ستر انقلاب چی دمار-  
کسینزم او لینینیزم دافکارو او اید-  
یاگانو لمره او نتیجه ده په حقیقت  
کی په نړی کی دنوو انقلاب بسی  
مبا رزو پیل گڼل کیږی . دغه  
انقلاب له نړی وا لو څخه غو بنتنه  
وگره چی دبشری ټو لسی داو سنسی  
عصر دډیر ستر پرا بلم یعنی سولی  
او جنک په باب خپل نوی ابتکارونه  
طرح او په کار واچوی . که څه هم  
دسوسیا لیزم دشمنان تل ټینگارکوی  
چی دنړی ټول انقلابو نه او انقلابی  
مبا رزی له جنک او جگری څخه  
راولایږی خو واقعیت بل شی دی .  
دمارکسینزم او لینینیزم داید یالوژی  
په رڼا کی دا خبره تاته شو یده  
چی یو سو سوسیا لیستی انقلاب هیڅکله  
له جگری څخه نه را منځته کیږی .  
بلکی سو سوسیا لیستی انقلابو نه  
تل دطبقاتی مبا رزی څخه سر چینه  
نیسی . کار گری انقلابو نه دیوی  
نوی مختللی اومتزقی ټولنی دجوړولو  
دفردي آزادیو دتامینو لو او دبشری  
ټولنی دنیکمر غی او سو کا لسی  
دشرا یطو دبرا برو لودپاره تسل  
دسو لی او امنیت ته ضرورت لری  
دهمدی دلیل له مخی گورو چی  
سوله او سو له ایز گډ ژوند دشو-  
روی اتحاد او نورو سو سوسیا لیستی  
هیوادو دبهرنی سوسیا ست بنسټ  
او هسته تشکیلوی .  
دشو روی سو سوسیا لیستی جما-  
هیرو داتحاد داکتو بر د انقلاب دبری  
دهما غو لو مړنیو ورځو څخه سو-  
سوسیا لیستی ټولنه دنړی وا لی سولی  
او بین المللی امنیت داسا سا تو  
دټینکیدود پاره کار کړی او دغه  
کار ته او سې هم ادا مه ور کوی هغه  
فرمان او تاریخی سند چی دنړی-  
والی سولی او دمو کرا ټیکو آزادیو  
دتا مین په خاطر صادر شو په  
واقعیت کی داکتو بر دستر انقلاب

دلو مړ نی رسمی سند څخه نمایندگی  
کوی .  
ددغه سند او تاریخی فرمان  
څخه وروسته په شو روی اتحاد کی  
یولې نور فرمانونه صادر کړی شول  
چی هر یوی دسو سوسیا لیزم دعلمی  
اساسا تو په پیاوړتیا کی دستر  
نقش در لودو نکي دی ددغه  
فرمانونو په جمله کی دنړی دنورو  
هیوادو نو سره دشو روی اتحاد  
دخواار خیزو همکا ريو او په سوله-  
کی دگډ ژوند تاریخی فرمان هم  
شامل دی دشو روی اتحاد دسو له  
ایزو فرمانونو په صادریدلو سره  
په ۱۹۲۲ کال کی دژنیو بین-  
المللی کنفرانس او د ۱۹۲۲ کال د  
اکتوبر په میاشت په مسکو کی  
دو سلو او پوځی تجهیزاتو دمعیار  
درا بنکته کولو بین المللی جر گه  
جوړه شوه دمسکو په ښار کی  
دوسلو او پوځی تجهیزاتو محوه  
کولو نړیوا له جر گه په واقعیت کی  
لو مړ نی جر گه وه چی داکتو بر  
دستر انقلاب په نتیجه کی جوړه  
شویده .  
دژنیو په بین المللی کنفرانس  
کی شو روی اتحاد پیشنهاد وکړ  
چی په ټوله نړی کی دبی وسلی  
کو لو اعلامیه خپره او ټوله نړی  
له وسلو څخه پاکه شی . په دغه  
کنفرانس کی شو روی اتحاد دلو-  
یدیځو گاونډیو هیوادو نو څخه  
غو بنتنه وکړه چی لږ تر لږه په  
محدوده تو گه دبی وسلی کو لسو  
یا لیسی تراجرا لاندی ونیسی .  
په مقابل کی با نکه وا لو د بی-  
وسلی کو لو په باب دشو روی سو-  
سوسیا لیستی جما هیرو داتحاد  
ددغه پورتنی غو بنتنه لیکل  
موادو دتطبیقو لو څخه ډډه وکړه .  
داکتو بر دستر انقلاب څخه  
را په دیکخوا ددوه شپيته کلو نو  
په موده کی دسو لی او بی وسلی  
کولو له پاره مبا رزه چی دشو روی  
اتحاد دبهرنی سوسیا ست مهم هدف  
تشکیلوی پیل او لاتر او سه پوری  
روانه ده . همدا رنگه په آینده کی  
په هم دنړی والی سولی او بی وسلی  
کولو په خاطر مبارزه دشو روی  
اتحاد دبهرنی سوسیا ست په سر کی  
واقع دی . دژنیو د ۱۹۲۲

کال په بین المللی کنفرانس کی چی  
دشو روی اتحاد په گډون دنړی  
شپرو هیوادو داستا زو په بر خی  
اخستلو سره جوړ شو شو روی اتحاد  
دلو ید یځو هیوادو نو څخه  
وغو بنتل چی خپلی ټولی وسلی  
سمد ستی معو او له مینځه یو سی  
مگر دلته هم با نکه وا لو هیوادو نو  
ددغه سو له ایز پیشنهاد دمنلو  
څخه ډډه وکړه . دنړیوا لی سولی او  
دجگری دآسارو دمحوه کو لو اوله  
مینځه وړ لو په باب دشو روی سو-  
سوسیا لیستی جما هیرو داتحاد داسا-  
سی قا نون په ۲۸ ماده کی داسی  
ویل شویدی :  
«دشو روی سو سوسیا لیستی جما-  
هیرو داتحاد حکومت او خلک دلیننزم  
داید یالوژی له مخی دنړی دبیللا  
بیلو هیوادو نو سره په سو له کی  
ژوند کول غواړی او دغه راز دنړی  
دټو لو سوله غو بنتو نکو هیوادو نو  
سره دگډو او خو اړخیزو همکاریو  
غو بنتو نکي دی »  
نن یعنی داکتو بر دستر انقلاب  
دبریا لیتوب اود سولی دلو مړ نی  
فرمان دصا در یدو څخه دوه-  
شپيته کا له وروسته بیا هم دشو-  
روی اتحاد دحکومت او خلک په  
نړی کی سو له غواړی او دبشری  
ټولنی دافرا دو دمو سالیسی او  
سو کالی په خاطر شپه او ورځ  
هلی خلی کوی .  
ټوله نړی په دی واقعیت بانندی  
ښه بو هیږی چی شو روی اتحاد  
او نور سو سوسیا لیستی هیوادو نه  
دنړی یوا لی سولی او بین المللی  
لو مړ نی او یوا زنی ساتو ونکی  
او ملا تر کوو نکي دی او تسل  
هڅه کوی چی ټو لسی جنجالی  
مسئلی دروغسی جوړی له  
لازی څخه حل شی .  
ددیتا نت سوسیا ست دسو له-  
ایز گډ ژوند او سو له ایزتقا هم  
دپاره ښه بنسټ او په زړه  
پوری اساس گڼل کیږی ددغه  
سوسیا ست له اهدا فو څخه پیروی  
کول په حقیقت کی دبیللا بیلو  
اجتماعی سیستمو نو در لودو نکو  
هیوادو نو تر منځ دسو له ایز-  
گډ ژوند او خو اړخیزو همکاریو  
له پاره لاره او اړول دی .

# جاویدان باد نام و کارر بهر افتاب کبیر اکتوبر!

محمد آصف (خرمی)

## نگاهی به اهمیت بین المللی انقلاب کبیر اکتوبر

به همگان معلوم است که پایان سده نزد هم و آغاز قرن بیست و این قرن توفانی و پر آشوب پایان دوران تحول سرمایه داری کهن به سرمایه داری نوین و یا بعبارت دیگر آغاز مرحله امپریالیزم به حساب می آید.

در اواخر قرن گذشته و اوایل قرن جاری از نظر اجتماعی نه تنها سرمایه داری کهن وارد مرحله نوین امپریالیستی گردید، بلکه سازمان های کارگری نیز رشد نموده و در دهلیز زمانه از پیچ و خم های پیکار و نبرد رویا روی به مرحله نوینی گام گذاشت که تمام حوادث اجتماعی و سیاسی بعد از آن مستقیم و غیر مستقیم به آن ارتباط پیدا می کند.

بررسی مسایل مربوط به اواخر قرن گذشته و اوایل قرن بیست نشان میدهد که نهضت انقلابی طبقه کارگر و بخصوص احزاب طراز نوین در کشورهای سرمایه داری اولین یورش ها و حملات خویش را بالای سرمایه داری بصورت منظم تحت سازماندهی انقلابی آغاز کردند که متناسب به واقعیت های همان عصر و زمان و مطابق به خواسته های اساسی زحمتکشان بود.

جنبش انقلابی در آغاز قرن بیست با جو ششس آهنین در میان ملل اروپا راهش را باز نمود و

در روسیه تزاری پرو لتار پای آن کشور در معرض بیر حمانه ترین استثمار سرمایه داری قرار داشت از یک طرف بحران اقتصادی و سایر لهای ۱۹۰۰ - ۱۹۰۳ وضع زحمتکشان را وخیم ساخت و از جانبی هم افق های نوین پیکار و مبارزه در میان صفوف طبقه کارگر پرتو افکنی داشت. تا اینکه در سال ۱۹۰۴ جاپان به همکاری و پیشتیبانی آمریکا و انگلیس خود را آماده جنگ با روسیه میکرد. اما روسیه برای جنگ آمادگی نداشت. بهر حال تزار روس بلان دیگری داشت که اگر درین جنگ فاتح از میدان بدر شود مستعمرات دیگر هم بدست می آورد و جنبش داخلی را که روز بروز جوشان و خروشان می شد و اوج می گرفت نیز امکان سرکوب میسر میگردد و به این ترتیب جنگ در گرفت.

در جنگ جاپان پیروز گردید و وضع روسیه و بخصوص وضع زحمتکشان بدتر شد، و انقلاب در دستور روز قرار گرفت.

گذشته از مرور انقلاب ۱۹۰۵ در روسیه که تحت شرایط داخلی و بین المللی به وقوع پیوست که بررسی آن از حوصله این نوشتار بیرون است انقلاب در سال ۱۹۰۵ آغاز گردید و تا سال ۱۹۰۷ ادامه یافت. و انقلاب به ناکامی انجامید. اما این ناکامی مبارزه را در

روسیه تشدید نمود تا اینکه انقلاب بورژوا دموکراتیک فبروری سال ۱۹۱۷ و به تعقیب آن انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ به وقوع پیوست. و با پیروزی آن مناسبات اجتماعی نه تنها در روسیه بلکه به از تباط روابط بین المللی و مبارز انقلابی علیه امپریالیزم در سراسر جهان وارد مرحله نوینی گردید و تمام واقعات و تحولاتی که بعد از آن رویداد، اثر انقلاب کبیر اکتوبر را میتوان به چشم سر در آن مشاهده نمود.

با فرجام دوره کهن سرمایه داری و تحول آن به مناسبات امپریالیستی به نفع انحصار تزار و پیکار، مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان تشدید یافت و روابط اجتماعی در روند دگرگونی های عمیق به نفع پیکارگران با سرعت هرچه تمام تر راه کمال و ترقی پیمود. چنانچه با پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتوبر در سال ۱۹۱۷ نه تنها سلطنت تزاری روسیه و مناسبات استثمار سرمایه داری در آن کشور سرنگون شد بلکه مناسبات بین المللی و بخصوص آرایش نیرو های اجتماعی در جهان عملاً دگرگون گردید.

جامعه شناسان مترقی، تحول پسندان و مبارزات سراسر گیتی از پیروزی انقلاب سترگ اکتوبر آگاهانه دفاع به عمل آوردند و در تمام کشورهای جهان به شیوه ها و اشکال گوناگون سنگر های دفاع از انقلاب اکتوبر و آرمان های اکتوبر بزمیان آمد، و صدای اعتراض کارگران، دهقانان و روشنفکران مترقی در جهان بلند شد تا دست تجاوز و مداخله از امور داخلی روسیه انقلابی کوتاه گردد.

چون انقلاب اکتوبر فقط و فقط به سرحدات روسیه محدود نماند

تأثیرات عمیق آن مایه و امید مبارزان در کشورهای دیگر و بخصوص در کشورهای سرمایه داری گردید چهار ده کشور سرمایه داری با حیل مختلف و با وسایل مجهز تمام امکانات مادی و معنوی خویش را به کار بردند تا در گام اول انقلاب را در نطفه خفه کنند و اگر این امکان میسر نکرد، حد اقل از تأثیرات بین المللی آن بکاهند.

درین میان انقلاب بیون روسیه بر هبری حزب دو رانساز طبقه کارگر از میان توفان های سهمگین نبرد با غول سرمایه و از تجساع داخلی و بین المللی پیروز ماندان در فتن انقلاب را از گزند حملات دشمنان نگهداشتند و روز بروز بارو های انقلاب از استحکام هرچه بیشتر بر خور دار گردید چنانچه مبارزه انقلاب بیون روسیه بعد از انقلاب نشان داد که هر کوه و هر تپه و هر خانه و کاشانه و بخصوص سینه راد مردان زنان انقلابی و مبارزه در مقابل حملات کین توازنه دشمنان به سنگر دفاع از انقلاب مبدل گردید و تمام دسایس، توطئه ها و شانتاز دشمن جایی را نگرفت.

اولین پیام انقلاب بیون روسیه به خلق زحمتکش و ستم دیده آنکشور توزیع رایگان زمین به دهقانان و نخستین پیام اکتوبر کبیر به جنبان نیان پیام تأمین صلح و طرف داری جدی از صلح جهانی بود که هم در روسیه و هم در جهان با احساسات انقلابی خلق های سراسر گیتی مواجه گردید و انقلاب عملاً راهش را در اردو گاه های دشمن باز کرد.

بر وایت تاریخ بعد از اکتوبر کبیر نهضت های انقلابی طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری اوج گرفت و جنبش های آزادی

بقیه در صفحه ۴۳

# جاوید و مستحکم باد دوستی نسلی پایدار خلق های

## انقلاب کبیرا کتوبر بر جهش بزرگی بسوی روشنائی و بهر وزی

اسمعیل

هنگامیکه مطابق پلان تجاوز کارانه می  
«بار با روس» آلمان فاشیستی با بسیج  
کردن همه قوای خود بر سر زمین انقلاب  
کبیرا کتوبر تجاوز را آغاز نمود. همه  
کسانی که عظمت و شکست ناپذیری  
خلق را نمی دانستند و یا تهازل عارفانه  
می نمودند چنین قضاوت می کردند  
که کشور شورواها در مقابل این تجاوز و ز  
سبیل آسایش مقاومت نخواهد کرد و از پا در  
خواهد آمد، نظیر این قضاوت در کشور  
ما نیز تحت تاثیر تبلیغات دروغین  
انگیز و اعمال داخلی آن چنین اراجیفی  
زمزمه می شد. ولی تاریخ گواه است  
که نه تنها کشور شورواها از پا نیفتاد  
و مردانه وار تحت لوای با عظمت سوسیالیسم  
لینن و برهبری حزب آهنین و قهرمان  
کارگری خود همه خلقها را که در تحت  
استعمار و وحشت فاشیستی قرار داشتند  
آزاد ساخت.

آری در همان وقت نیز بشریت ترقی  
خواه و صلح پسند، انسانهای آگاه  
و امیدوار به آزادی واقعی انسان در پهلوی  
آنکه ایمان قوی داشتند که سرزمین  
انقلاب کبیرا کتوبر نابود نخواهد شد  
با همه وجود با دل و جان همراه و همسوا  
با خلق شوروی و اردوی نجات بخش آن  
در نظر و عمل علیه فاشیسم این طاعون  
بزرگ انسانیت می رزمیدند.

انقلاب اکتوبر چرا، چی و وقت، تحت  
برهبری کی و چطور آغاز یافت ؟  
صبح گاه روز ۲۴ اکتوبر سال ۱۹۱۷  
وقتی که حکومت موقت (این حکومت  
در فبروری سال ۱۹۱۷ به اشتراک همه  
احزاب و دسته های سیاسی پس از شکست  
نزار لینن روی کار آمد و لی در پس  
حکومت اکثریت بدست بلاکان و  
سرما بداران بود) روزنامه های «راه کار»  
گرمادگان مطبوعاتی حزب بلشویست را  
مورد حمله قرار داد، بی درنگ گاردهای  
سرخ و سر بازان انقلابی بدستور کمیته ی  
مرکزی دفاع و حفظ بنای روزنامه  
پر داخند و نیز در همان حال با سدا ری  
کاخ «سولنی» مقر ستاد قیام را تشکیل  
دادند. رهبر نابغه ی انقلاب کبیرا کتوبر

در این وقت خود را شخصاً و بدون هراس  
از هزاران خطری که دشمنان متوجه  
وی ساخته بودند، به مسولیت رسانید تا  
رهبری قیام را شخصاً بعهده گیرد. در  
بامداد ۲۵ اکتوبر مراکز تلیفون و تلگراف،  
ایستگاه رادیو، پل های عمده ی پایتخت  
(پترو گراد)، ایستگاه های راه آهن  
و مهم ترین ادارات پایتخت به تصرف  
کارگران، سر بازان و تانک و یا انقلابی  
مسلح درآمده بود. به هنگام انجام  
قیام تیوغ بی همتای رهبر انقلاب کبیرا کتوبر  
در رهبری خلقها در خشش بسی نظیری داد  
ست.

وی با خرسندی و با جسارت خلق های  
انقلابی را رهمنائی می کرد و با روشن  
بینی اعجاب انگیزی پیشرفت حوادث را  
پیش بینی می نمود بنا به گفته ی کمانیکه  
ناظر بودند و لادیمیر ایلیچ در آن روز  
های چرخش کبیر، شادمان بود،  
هیجان داشت گوئی نوری بخصو صری  
درویش را روشن ساخته بود، تردید  
نداشت و مطمئن بود.

برهبری ایلیچ لینن و حزب بلشویست، با  
فداکاری و قهرمانی کارگران گارد  
سرخ، سر بازان و تانک و یان انقلابی، این

بزرگترین حادثه ی تاریخ بشری  
بوقوع پیوست، حکومت سرما یا به  
داران و بلاکان واژگون شد.

ساعت ۱۰ صبح ۲۵ اکتوبر کمیته ی  
انقلابی نظامی بیامی خطاب به خلق روسیه  
انتشار داد بیامی را شخصاً ایلیچ نوشته  
بود. درین پیام نوشته شده بود که  
حکومت موقت واژگون شده و قدرت  
بدست شورواهاست خلق به هد فی که در  
دانش مبارزه و فداکاری نموده دست یافت.

شب ۲۶ اکتوبر بدستور حزبوا بلشویست  
فرمان صادر شد که کاخ زمستان  
که در آن وزیران حکومت موقت اقامت  
داشتند بی درنگ اشغال شود و یونسک  
دیگر افتاب اکتوبر کبیرا این روشنگر راه  
خلقهای روسیه و جهان دیگر کاخ طلوع  
کرد، انجام پیروز مندانه ی انقلاب کبیر  
سوسیالیستی اکتوبر دوران نوینسی -  
دوران سوسیالیسم را در تاریخ آغاز نهاد.

بشریت گامی استواری در راه نجات  
وترقی برداشت. بدینسان حزب بلشویست  
یک برهبری ایلیچ بزرگ، خلق روسیه  
را به پیروزی تاریخی بی همتائی رسانید  
انقلاب کبیرا سوسیالیستی اکتوبر بر سر



سراسر جهان، به تمام خلقهای گریه ی  
زمین، نشان داد که طبقه ی کارگر  
همراه با دهقانان تبه بدست فاشیستی چه  
قدرت عظیمی است هر گاه رهبری آن بدست  
ست حزب انقلابی مجهز با اید یا لوزی  
ترقی باشد. انقلاب پیروز مندانه ی  
اکتوبر بر یک انقلاب واقعا خلقی بود. بدینحال  
این پیروزی بزرگ و در نتیجه ی آن نظام  
سرمایه داری استثمارگر و مستغیر در  
کشوری به مساحت یک ششم کره ارض  
ریشه کن شد.

برای نخستین بار در تاریخ بشریت  
حکومت بدست زحمت کشان برهبری  
طبقه ی کارگر افتاد.

با پیروزی انقلاب کبیرا سوسیالیستی  
اکتوبر، بشریت پا بر حلقه ی نوینسی  
از رشد و تکامل خود نهاد، دوران  
پلاستی امپریالیسم و سرما یا ده ری دوران  
پیروزی سوسیالیسم و جامعه ی بدون  
طبقه ات آغاز گشت.

همه می دانیم که انقلاب کبیرا سوسیالیستی  
اکتوبر در بوجوه ی جنگ جهانی  
اول به پیروزی رسید. روی همین ملحوظات  
او این کار لازم در مقابل انقلاب مشائسی  
صلح قرار داشت رهبر انقلاب کبیرا کتوبر  
بنا ریح ۲۶ اکتوبر اولین خطابه ی تاریخی  
خود را در حالیکه شش صدویچا ه نشر  
نماینده از تمام اطراف واکتاف کشور در  
کاخ سولنی جمع شده بودند در باره ی  
مهم ترین وظایف و در راه آنها مسئله  
صلح ایراد نمود. مسئله ی صلح مهم ترین  
و حاد ترین مسئله ی روز بود که توده  
های ملیونی زحمت کشان، عشقان آن  
بردند. بنا به پیشنهاد رهبر انقلاب کبیرا  
اکتوبر، کنگره فرمان صلح را تصویب  
کرد (مراد از کنگره در اینجا شوراهای  
نمایندگان کارگران و سر بازان  
است که قبل از انقلاب و در پهلوی حکومت  
موقت و علیه آن از طرف زحمت کشان  
تاسیس شده بود و در طول زمان مدیری  
حکومت موقت ما هیت ضد انقلابی این  
حکومت را وسیعاً افشا کرد). این نخستین  
اقدام صلح جوینانه ی حکومت شوروی  
بود در برابر سیاست اشغالگرانه ی بوزر

# افغانستان و اتحاد شوروی!

وازی امیر یالیستی . (از آروز تا کنسون  
سیاست خارجی دولت سو سیالیستی  
اتحاد شوروی همیشه و بطور پیگیر خدمت  
صلح و دوستی بین خلقها و ملل بوده است)  
فرمان صلح عضو به ی کنگره ی دوم شوراهای  
دارای اهمیت زوال ناپسندید تاریخی است  
در همین کنگره دو مین موضوع مهم مسئله  
زمین بود و رهبر انقلاب کبیر اکتوبر بر نیز  
پس از مسئله صلح به مسئله ی زمین بر-  
داخت و لایحه ی فرمان زمین را که خودش  
تهیه کرده بود ، قرائت کرد . مسئله ی-  
دلچسپ و مهم درینجا اینست که رهبر-  
انقلاب کبیر اکتوبر از شروع قیام با عداد  
۲۴ اکتوبر الی صبح ۲۶ اکتوبر قطعاً  
استراحت و خواب نکرده بود و در همین  
حال مسا ئل مهم تاریخی را نیز در هیانه  
رهبری می کرد .

(زیرا او در کمیته ی نظامی انقلابی بود  
و قیام رهبری می کرد ، سپس در طول  
تصرف کاخ زمستانی فرمان می راند ،  
در توقیف وزیران حکومت وقت ، در  
گشایش کنگره ی دوم شوراهای ... الی  
صبح ۲۶ اکتوبر). فرمان زمین در کنگره ی  
دوم شوراهای به تصویب رسید طبق این  
فرمان مالکیت ملاکان بر زمین تماماً  
برای همیشه و بلا عوض منقضی شد ، زمین  
به مالکیت خلق در آمد . با اجرای این  
فرمان یکصد و پنجاه میلیون هکتار زمین  
زراعتی مجاناً به دهقانان و گذار گردید .  
و لسی کشور بادشواری های بسیاری  
روبرو بود . قبل از هر چیز می بایست  
به جنگ یا پان داد . دولت انگلستان ، فرانسه  
و ایالات متحده (متحدین روسیه ی تزاری  
در جنگ اول جهانی ) علی رغم پیامهای  
مکرر حکومت شوروی از مذاکره درباره  
صلح با آلمان خود داری می کردند . رهبر  
انقلاب کبیر اکتوبر با پیوغ داهیانهای خود  
یگانه راه حل این موضوع را انعقاد  
صلح جدا گانه با آلمان شمرد و لسی  
باز ماند ه های بورژوازی و از گون  
شده ، منشویکها واس - آرهای و نیسز  
ترو تسکی و هم چنین گروه کمونیستهای  
چپ رو ۱۹ با انعقاد صلح با آلمان مخالفت  
می کردند . ولی بروز ششم ماه مارچ  
۱۹۱۸ هفتمین کنگره ی حزب بلشویک در  
پترو گراد گشایش یافت . مسئله ی مهم  
تر این کنگره در جمله ی مسا ئل  
مهم سوال صلح بود . (این کنگره اولین  
کنگروه ی حزب پس از پیروزی انقلاب کبیر  
اکتوبر بود یعنی پنج ماه بعد از پیروزی  
انقلاب) سر انجام بعد از جرو بحث زیاد  
و مخالفت منجر فین و مر تجعین بتاریخ  
۱۴ ماه مارچ ۱۹۱۸ قرار داد صلح برست-

لینو فستاک . با آلمان امضاء شد .  
ازین فرصت صلح دولت شوروی تحت  
رهبری ایلچ لینن برای تحکیم مواضع سو-  
سیالیستی و انقلابی بر سر عت دست بکار  
شد و این کار مبنای استند لاتی بود که  
رهبر انقلاب کبیر اکتوبر برای انعقاد قرارداد  
صلح ارائه می نمود .

انقلاب کبیر اکتوبر در حالیکه دسیسه  
و توطئه ی مرتجعین و مفت خواران داخلی  
به کمک و حمایتی از تجاع و امپریالیزم  
بین المللی شدت علیه آن ادامه داشت

رهبر انقلاب کبیر سو سیالیستی اکتوبر  
نه فقط بطور کلی بلکه با رهمنائی های  
مشخص به انجام کار بزرگ و دشوار  
نوسازی سو سیالیستی کشور پرداخت  
او بود که امر نظارت کامل بر تولید  
و توزیع کالا را سازمان داد . او میس  
گفت : «مخاسبه ی پول را منظم و وجدانی

انجام بدهد ، در امر تولید مقصد باشد و  
ریختو پاشی نکن ، تبیلی نکن ، دزدی نکن ،  
انضباط کار را دقیقاً مراعات کن ...»  
اوهم چنان کارگران را برای انضام

هم چنان معتقد بود که سو سیالیزم بدست  
خود توده های خلق ساخته می شود . زیرا  
با ساختن سو سیالیزم ز ادگی نوین  
برای خود فراهم میکنند که رفاه مادی  
آنها و رها ئی آنها را از قید استثمار انواع  
واشکال ظلم و ستم نایمین می کند .

پیروزی انقلاب کبیر سو سیالیستی اکتوبر  
دوران نوری را دیدد آورد دورانی که در  
آن انسانها « خود با آسما های کاسل  
ایجاد تاریخ خود را آغاز کردند » نقش  
عامل ذهنی در پیشرفت اجتماعی همزمان



مرکز اتحاد شوروی به جاهای سرسبز، غرض سیری کردن رخصتی های شان می روند

فوق العاده زیادی افزایش یافت . اهمیت  
شگرف تئوری علمی که در ساری سو-  
سیالیستی جا معه بدون آن غیر قابل  
تصور است از همینجا ناشی می شود  
اهمیت اصولی و غیر قابل تعویضی نقش  
رهبری حزب پرو لتری و انقلابی حزب طبقه ی  
کارگر یعنی پیشرو ترین و انقلابی ترین  
طبقه که با فرا گرفتن این تئوری قادر  
است بوقوع وبا قاطعت تجزیه و تحلیل  
**پایه در صله ۵۶**

پس با زده کار و رشد و توسعه ی صنایع  
سنگین ، صنایع تولید سوخت ، فولاد  
ساز و ماشین سازی فرا خواهد . رهبر  
انقلاب کبیر اکتوبر در پیشبرد کار ساختمان  
سو سیالیستی اقتصاد کشور اهمیت بزرگی  
برای ساز ماندنی و گسترش مسا بقات  
توده ای قایل بود . او می گفت در سو سیالی-  
لیزم برای نخستین بار امکان فراهم می  
شود که به مقیاس وسیع و خلقی مسا-  
بقات تولیدی سازمان داده شود . وی

راه خود را به پیش می پیوندد و از هیچ  
مرتجعی و از هیچ نوع دسیسه ی هراس  
نداشت . رهبر انقلاب کبیر اکتوبر بر گمانی  
که از برتری بورژوازی سخن می گفتند  
به استعداد خلقی ها باور نداشتند ،  
به حکومت شوروی نهایت می زدند ، سنگان  
حقیر می دانست که بر سر راه حرکت  
فیل زور بندی پارس میکنند وی میس  
گفت : «گذار غوغو کنند ما را ه خود را  
خواهیم رفت .»

از ستم استعماری و ملی نیست: دیکتاتوری پرو لنا ریا قرار دادن دهوکرا سی سوسیالیستی برای زحمت کشان به جای دهوکرا سی برای استثمارگران و آغاز دوران حاکمیت واقعی خلق است.

پس از پیروزی انقلاب کارگری اکتوبر کبیر، کشورها یکی پس دیگر در پی راهی و آزادی برآمدند و برای ساختمان سوسیالیسم در تلاش صمیمانه اند. و این ساختن جامعه نوین و افراختن درفش های کارگری در جهان تجسم واقعی و آموزش پیشوایان راستین جهان بینی علمی طبقه کارگر است. غرض در این مقاله یافتن آن نیست که همه دست آورد های اکتوبر کبیر مورد تحقیق قرار گیرد چه این کاری است سنگین و متضمن فرصتی فراوان و حوصله ای فراخ. در این مقاله فقط به زمینه فرهنگی انقلاب کبیر اکتوبر می پردازیم، زمینه های اقتصادی سیاسی اجتماعی این رویداد بزرگ تاریخ بشریت در رساله و مقاله و حتی کتابی نمی تواند بگنجد، بگذریم.

از تذکر این نکته نیز ناگزیریم که همین قلمرو فرهنگی و مسایل ادبیات و هنر با ارتباط به انقلاب کبیر اکتوبر هم کاری آسان نیست و خواهان پژوهش گسترده است در این مقاله سعی می کنیم کلی از ادبیات پیش از پیروزی اکتوبر کبیر کشور شوروی را به اختصار به دست می دهیم و پس از آن اندکی مفصل تا کبیر انقلاب کبیر اکتوبر را بر ادبیات و هنر از پاکستان و تاجیکستان که در شمار جمهوریات های آسیای اتحاد جماهیر اشتراکی سوسیالیستی شوروی می آید و بیشترین افتخارات ادبی و فرهنگی ما با آنان مشترک است بررسی می کنیم. سرزمین ما را از روز کاروان دیرین باینسو با ساکنان آن طرف آمو دریا پیوند های عمیق فرهنگی بوده است، از خوارزمی گرفته که در ستاره شناسی و ریاضیات و الجبر استاد بود تا رودکی آن شاعر تیز چشم روشن روان، الف بیک که رصدخانه اش خادگاه ای شگفت در آن روزگار به حساب می آمد، تا ابوریحان بیرونی بزرگ مرد اندیشه و قلم و علی شیر نوایی شاعر و دانشمند گرانمایه. گماهی این سوی دریا بود ندوگاهی افتخار نامه های عصر خویش را در آن سوی دریا می نوشتند، ما را با برادران تاجک و ازبک و ترکمن آن سوی دریا رابطه ای کهن تر از تاریخ است و بسیاری از میراث های فرهنگی ما امتزاجی جدایی ناپذیر دارد، و با توجه به این موضوع ادبیات این دو قلمرو را مورد مطالعه قرار می دهیم. دیگر گونی هایی که پذیرفته و شکوفایی های که یافته، البته پیش از بررسی نکاهی هر چند گذرا و شتاب زده بر روسیه پیش از انقلاب باید افکنند، روسیه ی پیش از انقلاب سرزمینی بود گسترده و پهناور و تشکیل یافته از ملیت های مختلف با فرهنگ ها و نژاد و زبان های متنوع، تزاران چکمه پوش و نیکلای های پاشنه آهنین با زور سر نیزه و با منطق شمشیر حکومت می کردند. تزاران و نیکلای ها

انقلاب کبیر اکتوبر بر که به پیش آهنگی طبقه ی کارگر و رهبر پر نبوغ کارگران سراسر جهان در ۲۵ اکتوبر (۷ نوامبر) سال ۱۹۱۷ در پهنای ترپسن سرزمین روسیه (پرویز گردید در همه ی زمین ها دیگرگون شگفت انگیزی دید آورد و بر خاک توده های رژیم های استبدادی و ارتجاعی ترین نظام های اجتماعی بنیادی استوار گذاشت و دنیا بی دور از طبقه توبر کنار از استثمار انسان به وسیله انسان به معنای فرسوده ی اجتماعی آفرید. انقلاب اکتوبر بر همه ی نهاد های ظالمانه را فرو ریخت و مزده آزادی و راهی انسان داد. رهبران جهان بینی علمی طبقه ی کارگر از سال ها پیش شعبی را بر فراز اروپا درگوش می دیدند، شعبی که پیام آور زندگی نوین بود و نوید آبادی و سر بلندی ملت ها را می داد. آنکه بر دازان جهان بینی علمی طبقه ی کارگر مرکز قطعی اقتصاد و فرهنگ محض غرب را پیش بینی کرده بودند. و به روشنی در یافته بودند که غرب با مناسبات کهن سرمایه داری خویش به آخرین مرحله امپریالیسم رسیده است و غروب می کند، پیشوایان جهان بینی فلسفه مترقی طبقه ی کارگر گرچه تحقق این آرمان را در یکی از کشورهای صنعتی سرمایه داری غرب پیش بینی می کردند. اما به پایمردی و یکبارگی امان ولادیمیر ایلیچ لینن انقلاب کارگری در سرزمین پهناور روس پیروز گردید و این پیروزی سر آغازی دیگر است در تاریخ تکامل جوامع انسانی. و شگفت انگیزترین حادثه است در فراز نای تاریخ زندگی انسان، البته نباید از نظر دور داشت که پیش از انقلاب پرو لتری اکتوبر نیز در جهان انقلاب ها بی رونق گردیده اما این انقلاب ها در سطح بوده و از درون توده ها نچو شیده، و با نگر احتیاطی نیستند که طبقات رنجبر و سازندگانی را در ستن تاریخ جوامع انسانی حش می کنند. انقلاب کبیر اکتوبر برای رنجبران شکست خورده سراسر جهان برای رنجبران و برای آفریدن گاران واقعی تمدن های شکوهمند مزدهی راهی و آزادی داد. انقلاب د های بخش کبیر اکتوبر به گفتهی رهبر دانشمند آن: به سراسر جهان راه سوسیالیسم را راه نجات طبقات رنجبر را نشان داد و به صراحت اعلام داشت که پایداری سطره بورژوازی فرا رسیده است. و با آسوسش انقلابی می توان برای همیشه به این آیین پایان داد. پیشوایان جهان بینی علمی طبقه کارگر از رشد ناموزون اقتصاد، سوسیالیسم، جوامع سرمایه داری در مرحله امپریالیستی آن نتیجه میگیرند که کشورهای مختلف در دوران های مختلف به سوی سوسیالیسم روی می آورند. و هدف انقلاب های کارگری چیزی بفر از واژگون کردن حاکمیت استثمارگران و استوارری دیکتاتوری پرولتاریا و بنیاد نهادن مالکیت اجتماعی سوسیالیستی به جای مالکیت خصوصی بورژوازی، حل عادلانه ی مساله ارغسی به سود دهقانان، راهی خلق های وابسته



بیکره پوشکین در شهر مسکو

# اکتوبر کبیر در رابطه با هنر و ادبیات

م. عاقل بیرنگ گوهدامنی



حبیب الله فیض الله شاعر معاصر جمهوری سوسیالیستی تاجیکستان شوروی

در می یافتند از طرف ارباب های فرهنگ  
 استثمار می گردیدند و دست به شورش می زدند.  
 عقب نشینی می کردند و فرورم های  
 سطحی پدید می آوردند. اما خلق رانمی توان  
 برای همیشه در لباس شبانی فریفت  
 با ریاضت های نیکوایها  
 و تزاران مسترگ به دهقانان می دادند  
 نتوانست رو حیه مبارزه را در آنان زمین  
 بردارد چکه پوشان پانته آهنین سنگین  
 دل تزار با سر ایزه های شان دست هارا  
 و کوه هایه ها را از خون شور شیان رنگین  
 می کردند اما نمی توانستند نیروی ایمان  
 را و مبارزه را در آن دل سیردگان راه  
 آزادی و حقیقت بکشند. از خون بسک  
 انقلابی هزاران انقلابی می روید. اگر در  
 قش مبارزه از دو ش یک فدایی به زمین  
 می افتاد فدایی های دیگر آن را برافراشته  
 و سر بلند می داشتند. کتا ورز این سه  
 گونه ی پراکنده مبارزه می کردند. کار  
 گران با دریافت این واقعت که کار  
 دست و دماغ شان در جیب سر مایه دار  
 و صاحب کار خانه فرو می برد همیشه  
 اعتراض داشتند. ستیزه می کردند  
 اما این ستیزه ها این اعتراض ها و نفی  
 کردن ها پراکنده بود. تنظیم نیافته  
 بود و برای تنظیم آلمان و شکل و سیخ  
 آنان به حزبی نیرو مند و فدایی نیاز بود.  
 حزبی که بتواند با انضباط و صمیمیت ارمان  
 های سیاسی طبقه کارگر را بازتاب  
 دهد. آنان را بسیج کند و به نیروی مادی  
 تبدیل کند و یک مثبت محکم و همیشه بسازد  
 تا باین هم بستگی و با این جهان بینی  
 به فز دشمن یورش برد و قدرت سیاسی  
 راز دست طبقات حاکم به رنجبران جا  
 انتقال بدهد.

کلاسیک های جهان بینی علمی طبقه ی  
 کارگر از نخستین روز های سده ی نوزدهم  
 نیو غی انسانی این را در یافته بودند  
 که راه رهایی انسان آینده راه رشد  
 سرمایه داری نیست و به این باور بودند  
 که راه نجات توده ها و خلق راه رهایی  
 استثمار انسان به وسیله انسان است که جامعه ی  
 بدون طبقات می تواند پاسخگوی نیازهای  
 انسان باشد. کلاسیک های جهان بینی  
 علمی طبقه ی کارگر به روشی در یافته  
 بودند که شبیحی که در گردش است ضامن  
 پیروزی، خوش بختی و آزادی آینده ی  
 انسان های روی زمین است. و در راه  
 تحقق این آرمان که خانواده ی بزرگ  
 بشری را از رنج، فقر، شکنجه، عذاب  
 و تقاوت های طبقاتی نجات دهد، مبارزه  
 پیگیر و صمیمانه کردند و سر انجام منطق  
 پروتاریا را به کرسی نشاندند و انقلاب  
 کارگری یا رهبری دانشمندان و اول در  
 قلمرو پهنای روس پیروز گردید. با پدیده  
 خاطر سیرد که راه مبارزه را می آسان  
 گذرد و بسی خطر نیست و در هر قدمی  
 دشمن توطئه می چینه و دام می گسترد و  
 با لطف الحیل می کوشد، جلو میل  
 خر و شان و توفنده ی پیکار های میهنی



بیکره رودکی دوشنبه تاجکستان



بیکره امیرعلی شیر نوایی درازبکستان شوروی

به غیر از فرهنگ روس و زبان روس  
 به ادبیات و فرهنگ ملت های دیگر  
 اجازه رشد و با روری نمی دادند و اصولاً  
 می گویند که ملت های دیگر را تحت  
 زیر حمانه ترین استبداد فرهنگی قرار  
 دهند. تلاش آنان بر این پایه بنا یافته  
 بود که توده ها را در تاریکی و نادانی  
 فرو گذارند تا آنان از سر آگاهی و دانایی  
 بی به ماهیت کثیف آنان نبرند  
 طبقات حاکم و مسترگ همیشه در طول تاریخ  
 از بیداری توده ها ترسیده چه بیداری خلق  
 سرتکونی خود شان است و باین ملاحظات  
 بود که تزاران و سردمداران خود خواه آن  
 زمان با زور و شکنجه خلق های دیگر  
 روس را می داشتند که فقط زبا ن روسی  
 را بیاموزند و فرهنگ بومی را کنار بگذارند.  
 روسیه ی پیش از انقلاب کبیر اکتوبر  
 گمشته عجیبی داشت، حتی مسایل مذهبی  
 در زیر نظر تزاران باید انجام می پذیرفت  
 تزار خود را وارث حکومت الهی در زمین  
 می دانست و با استناد از این تفاهت غارت  
 تاراج و بیدادگری می برداخت. مذهب  
 در دست تزاران آلت دست بود و روحانیان  
 اجیر نیز مسایل مذهبی را به سود، سود  
 پرستان و مستکاران توجیه و تفسیر می  
 کردند. اگر صدای اعتراض از گوشه ای  
 بلند می گردید، ماموران پانته آهنین تزار  
 به سر کوبی می ستافتند و هر صدای اعتراضی  
 را در نظنه خاموش می کردند یا سدا بیان  
 تاریکی و بیداد از در خنثی هر ستاره ای  
 اگر چه کم فروغ، در هراس بودند.  
 آنان با سیاهی و تیرگی ما نوس گشته  
 بودند و سود خویش را در زبان دیگران  
 می جستند. تزاران از خون رنجبران  
 کاخ های سیم اندود می ساختند و قبه  
 های زرین بر فراز کاخ ها و کلیساها  
 می بودند برای اغفال و فریب خلق می  
 نشانند لذا گرچه این از خود را می هارو  
 زربستان و ستم کیشان و خود کسان  
 گاهی در اثر اعتراض های دهقانان که

# فرخنده باد شصت و دومین سالگرد انقلاب کیرسویسیالیستی اکتوبر!

ترجمه : داود

## در جهت آرامش ورفاه خلق شوروی



صحنی کتونی اتحاد شوروی را با دوران قبل از انقلاب اکتوبر مقایسه کرد زیرا در روسیه زمان تزارها برای هرده هزار نفر صرف یک داکتر وجود داشت. امروز همه ساله از کالج های طبی این کشور بیش از چهل هزار داکتر فارغ التحصیل می شوند. چنانچه در سال های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۵ تقریباً ۲۱۲ هزار داکتر و بیش از ۱۸ هزار دوا ساز از دانشگاه های فارغ و آماده خدمت برای خلقهای کشور شان گردیدند و امروز برای هرده هزار نفر از این کارگران طبی در سرتا سر اتحاد شوروی فعالیت میکنند. خدمات طبی در اتحاد شوروی بکلی مفت و رایگان انجام میشود. همچنان این گونه خدمات برای مردم در کلینیک ها خیلی صمیمانه و بدقت صورت می گیرد و حتی داکتران کلینیک های نزدیک جهت معاینه بمنزل مریض میروند. مصارف امبولانس، داخل بستر شدن، عملیات و غیره مریض را دولت می پردازد. بطور مثال عملیات ایندپسی به شمول چهار روز بستر شدن در

در چند ماه نخست انقلاب کبیر اکتوبر، فرامین و فیصله های صادر شد که بعضی ازین فرامین و فیصله ها پیرامون حفظ و حمایت و تندرستی رنجبران، زحمتکشان و زارعان و تعیین هشت ساعت کار در روز و بوجود آمدن بیمه های اجتماعی بود. اقدامات و عملیات اضطراری همزمان با صدور این فرامین و فیصله ها نیز در قسمت صحت و سلامتی مادران اولاد دار، پشتیبانی و حفظ سلامت اطفال، ملی کردن دواخانه ها، سنا توریم ها، استراحتگاه های صحنی، که زیربنای سیستم اجتماعی خدمات صحنی عموم مردم را در بر می گیرد نیز صورت گرفت و فیصله بعمل آمد که بیش از همه جنبه صحت خلقهای زحمت کش مد نظر گرفته شود.

حق یکنفر تبعه روسی، در مورد تضمین صحت وی، در قانون اساسی اتحاد شوروی، درج است. اتحاد شوروی، در جهان از نگاه انجام خدمات صحنی برای مردم مقام اول را دارا می باشد. در سال ۱۹۷۳ به تعداد هفت صد و شصت هزار داکتر در اتحاد شوروی مصروف کار بودند که آنها یک چهارم داکتران دنیا را تشکیل می دادند با وجودیکه جمعیت آن وقت این کشور صرف هفت فیصد نفوس گیتی را تشکیل میداد و برای هرده هزار نفر بیش از سی و پنج داکتر مصروف فعالیت بودند. (در سال مذکور در جمهوری فدرالی آلمان ۲۱۵ داکتر در امریکا ۱۹۴ در فرانسه ۱۷۵ در برتانیه ۱۵۷ نفر داکتر برای هرده هزار نفر وجود داشت). البته هرگز نمیتوان سیستم



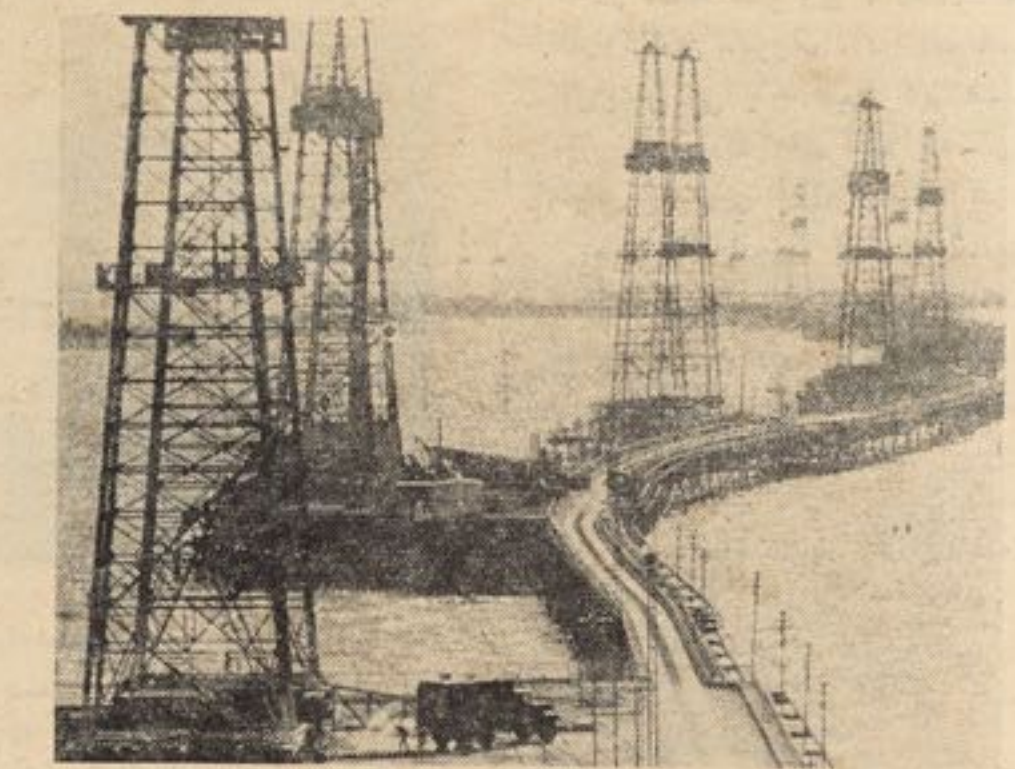
گوشه از ورکشاپ پرزه جات وبسته کاری موترسازی «ویلوژونسکی» در اتحاد شوروی.

نفر بیش از ۳۴ داکتر وجود دارد. مکاتب متوسطه طبی، همه ساله اضافه از یکصد هزار نفر محصل بار آمد یکل راتقدیم اجتماع می کند و اکنون بیش از ۲۱۲ میلیون شفاخانه برای حکومت ۶۵ روبل تمام میشود و طی مدت ۹ روز که که یک زن حامله با طفلش در یک زایشگاه میگذرانند ۱۷۵ روبل را بمصرف می رسانند.



دولت اتحاد شوروی ، در سال ۱۹۷۴ بیش از ۱۰۷ هزار میلیون روبل را در این چنین خدمات بمصرف رسانید .  
دولت اتحاد شو روی ، سالانه برای هر فامیل چهار نفری ، بیش از یکصد و پنجاه روبل را جهت مصرف خدمات صحتی آنها بمصرف می رساند و کل این پول سالانه در بودیجه دولت در نظر گرفته میشود . در روسیه قبل از انقلاب مضاررت خدمات صحتی فی نفر به ۹۱ کپیک می رسید و این مبلغ نیز در حساب و کتاب دولت شامل نبود .  
اوسط طول عمر کارگران و دهاقین قبل از انقلاب اکتو بر در حدود ۳۰ سال بود و امروز اوسط طول عمر آنها به بیشتر از هفتاد سال رسیده است و اکثر امراض ساری خو فناك ریشه کن گردیده در حالیکه در زمان تزارها سالانه

اضافه از سی میلیون اشخاص که سن آنها از یکصد سال تجاوز میکند در نقاط مختلف اتحاد شوروی بسر می برند بر علاوه بیش از دو میلیون افراد یکه عمر شان از هشتادسال و بیست میلیون کسانی که عمر شان از شصت سال تجاوز میکند در روسیه پهنساور حیات به سر می برند .  
امروز معیار و فیات در اتحاد شو روی بصورت عمو می نسبت بز مان قبل از انقلاب برای هر هزار نفر چهار مر تبه ، و در قسمت اطفال یازده مرتبه پایان آمده است .  
خدمات طبی در اتحاد شوروی تا مرز امکان در خدمت هر فردی از افراد آن کشور قرار داشته و



منظره بی ازچاه های نفت آذربایجان شوروی

یک تعداد زیاد از مردمان روسی را این امراض بسوی نا بودی می کشانید .  
همچنان در سالهای پیش از انقلاب در روسیه سالانه اضافی از نیم ملیون کودک بائر کو لرا ، چیچک و طاعون تلف می شدند .  
بعد از انقلاب تمام نیرو و قدرت مردم در راه از بین بردن امراض فقر و بیسوادی و غیره بکار انداخته شد و زندگی تمام افراد شوروی از طرف سرویس های صحتی بر رسی و وقایه گردید چنانچه یکی از شعارهای امروز

صحت مردم چنین است :  
«سرویس های صحتی شوروی و سلامت جسمی مردم شوروی را بدون تبعیض نژادی جنسی و سن تضمین و طور مجانی معالجه میکنند» .  
سرویس های صحتی به سیستم جدید مبارزات دامنه دار و فعالیت های خستگی نا پذیری را در از بین بردن امراض مختلف براه انداخته و درین راه موفقانه پیش می روند . همچنان کمیته های مخصوص بیماری های ساری که بعد از انقلاب بفعالیت های خود آغاز نموده تا اکنون برای صحت و سلامت مردم شوروی خدمات ارزنده ایرا انجام داده و میدهند .  
اینکه اوسط طول عمر در اتحاد جما هیر شو روی هفتاد سال است چنین معنی نمی دهد که بعد از سن مذکور مردم تحت کنترل

هر شخص حق دارد از کمک های طبی از نزد یکتترین کلینیک محل سکونت خویش مستفید گردد .  
تا سال ۱۹۷۵ در اتحاد شوروی زیاد تر از ۴۱۰ هزار کلینیک معاینه بیماران در خدمت مریضان قرار داشت و طی سالهای اخیر پنجمصد کلینیک بزرگ نیز روی این رقم اضافه گردیده است .  
هر کلینیک خدمات اولیه طبی ، بیست و چهار ساعت بروی مراجعین باز بوده به تداوی واقعات عاجل می پردازد . امبولانسهای این کلینیکها نیز که اکثر آنها با وسایل کافی و ادویه لازمه برای مریضان قلبی ، مسمومیت ها سوختگی و غیره مجهز می باشد بیست و چهار ساعت در خدمت بیماران قرار دارند .  
این کلینیکها و سایر سازمان های طبی اتحاد شو روی کارهای مقدماتی حمایتی را همیشه برای مردم انجام میدهند و آنان را از بیماریها وقایه می کنند .

**خدمات بیمارستان ها :**

امروز در اتحاد شو روی ، برای بیمارانی که مرض مشخص دارند و بایست داخل بستر شفاخانه گردند بیش از ۲۸۸ میلیون بستر وجود دارد که این رقم برای هرده هزار نفر ۱۱۴ بستر می رسد و عدد مذکور با مقایسه با سایر کشور های جهان به شمول امریکا درشت ترین رقم می باشد .  
تا اواخر سال ۱۹۷۵ تعداد بستر های شفاخانه ها در اتحاد شوروی به سه ملیون می رسید که

**لطفا ورق بزنید**

کار ، کارگران بین مو سسماات اتحادیه تجارتي و دواير ذيعلاقه بامضاء مي رسد .

### طب وقايوي در شوروي

در اتحاد جما هير شوروي ، پرنسيپ عمومي در خد مت صحتي ، همانا جلو گيري از امراض است . باين اساس اقدامات وقايوي بر علاوه كلينيك هاي ايالتي از طرف مو سسماات مخصوص طبي نيز ، همه ساله انجام داده مي شود . مرا كز طبي وظيفه دارند تا تما مي افراد و خلقهاي را كه در محوطه و دور دست آنها مي باشند بطور منظم و بصورت دقيق معاينه نمايند تا امراض مهم را قبل از آنكه گسترش يابند در يابند و از نفوذ آنها جلو گيري بعمل آورند .

بر علاوه ساز مان هاي طبي و كلينيك ها ، از طرف شبكه عمومي صحتي نيز ، فعاليت هاي و قايوي صورت مي گيرد . شبكه عمومي صحتي كه مليون ها انسان صحت مند در آن كار مي كنند توجه خاصي در قسمت معاينات اطفال ، محصلان زنان حامله و كسانيكه كه در شرايط غير صحتي كار ميكنند مبذول مي دارد . در اتحاد شوروي همه مر يضاتيكه

فشار خون بلند داشتند و بيمار ساينكه از ناحيه قلب و چشم دچار تكليف باشند مو رد توجه بخصوص قرار ميگيرند .

از فعاليت ها ، تلاشها و معاينات وقايوي كه در فوق ذكر گرديد نتيجه قابل توجه اي بدست آمده و بيش از يك مليون نفر بيماري كه موا جه بخطر سر طان بودند از شر اين مرض خا نمان سوز نجات داده شد و اكنون در حال صحت و سلامت زيست مينما يند .

اين تواميت طب وقايوي و معا لجوي است كه در پهلوي فعاليت هاي اقتصادي اجتماعي ، صحت مندي توام با سعادت مندي را براي همه ملليت ها اتحاد شو روي ، بوجسود آورده است .

### مو سسماات تحقيقات طبي

در اتحاد شوروي به تحقيقات طبي توجه خاصي مبذول ميشود و براي انجام اين كار در آن سرزمين بيش از چهار رصد انستيتوت تحقيقاتي علمي وجود دارد كه هر يك با پر ابلم هاي جدا گانه اي

سر و كا ردارد .

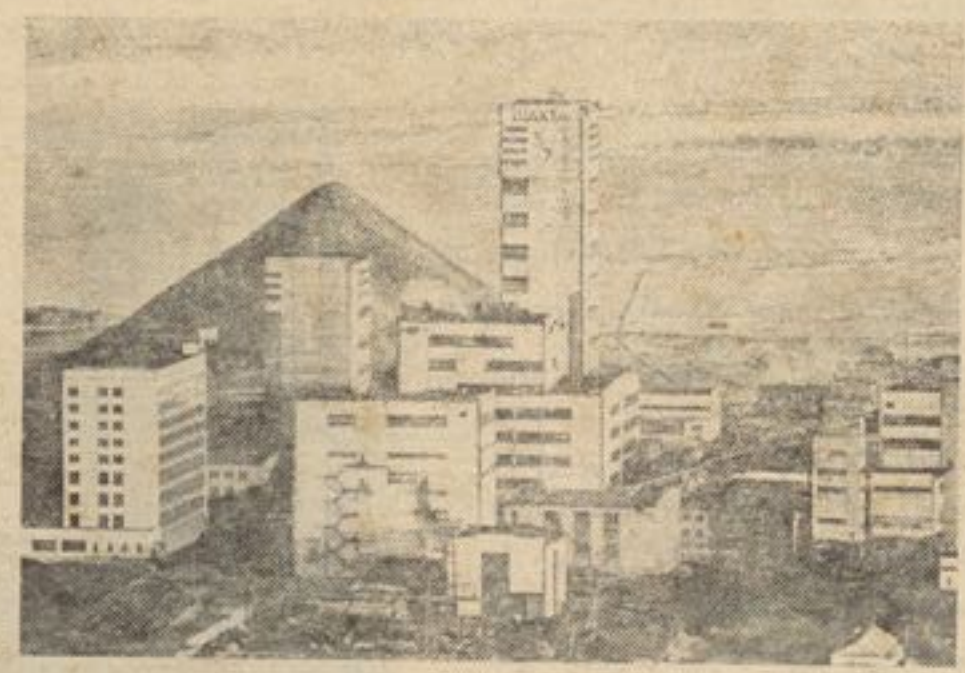
در جريان چند سال اخير زير بناي يك تعداد انستيتوت هاي زياد تحقيقاتي ديگر نيز گداشته شد كه از آن جمله ميتوان انستيتوت هاي گسترده انتر وجي ، پلمو نولو جي ، نفلو سنتر ، پيو نعضلات انستيتوت طبي و رانت ، كنترول ادويه طبي و غيره را نام برد . اكا دمى علوم طبي شو روي ، درين اوا خر يكي از شعبات خود

را درسا بير يا نيز افتتاح كرده و تعدادي از دانشمنده ان شو روي در انجا نيز مصروف مطالعات و تحقيقات تسو دمندي مي باشند . بعضي از انستيتوت هاي تحقيقاتي تحقيقات بزرگ و دامنه داري را در قسمت جلو گيري و تداوي امراض ويرو سي و انتاني قلبي و غيره انجام ميدهند و برخي از انستيتوت

عمده در آمد او ميباشد . اما يگانه منبع عا يداتي او را تشكيل نميدهد زيرا كارگران و فاميل هاي شان ، بر علاوه معاش ، عوايد فرعي ديگري نيز دارند و اين عوايد را ، منحيت حقوق و امتيا زات شان از عوايد ملي بدست مي آورند .

كل بولي را كه كارگران با اين نام بدست مي آورند بنام سرمايه مصرف اجتماعي ياد مي كنند از اين رو ، عوايد حقيقي خلقهاي زحمتكش اتحاد شوروي عبارت از معاش آنها با ضافه امتيازات بيست كه از سرمايه مصرف اجتماعي مستحق ميشوند .

به عباره ديگر ، عوايد حقيقي مردم شوروي ، عبارت است از معاش و دستمزد ، تضمين هاي اجتماعي ، مصرف اجناس متنوع ، انجام خدمات امداد آزاد بولسي



صعود و نزول قيم و غيره و اين به معني آن است كه عوايد حقيقي خلقهاي اتحاد شوروي منعكس كننده ارزش هايست كه كل آن شاخص اساسي در نشان دادن ، آسايش همه جانبه جمعيت اتحاد شوروي مي باشد .

پيشرفت سريع در توليدات اجتماعي اتحاد شوروي ، توام با افزايش در عوايد حقيقي جمعيت است لذا همان طوري كه در اتحاد شوروي سطح توليدات بلند رفته از سال ۱۹۴۰ تا كنون اين عوايد براي هر فرد ۴۵ مرتبه بلند رفته است .

امروز سويه زندگي مردم در قريه هاي نزديك ، معادل به سويه زندگي مردم شهر است و در پلان

هاي بزرگ آن كشور مصروف تحقيقات بيرا مون ، امراض قلبي نسائي و غيره ميناشند .

روي هم رفته همه انستيتوت هاي تحقيقاتي اتحاد شوروي كار هاي خيلي بزرگ و مهمي را در جهت خدمت به صحت و سلامت مردم شوروي و جهان انجام داده و ميدهند .

### افزايش عوايد اصلي جمعيت :

در سيستم سرمايه داري ، بولي كه ، يكتفر كارگر در مقابل كارش ، بدست مي آورد ، تنها عايدتي است كه با آن ما بحتاج مادي و اجتماعي خويش را بدست مي آورده و بسر آورده مي سازد .

در اتحاد جما هير شوروي ، با آنكه عايدتي كه يك فرد در بسرا بر انجام خدمات بدست مي آورد منبع

پنجساله گذشته پنجاه و چهار هزار ميليون روبل براي افزايش عوايد حقيقي منظور گرديده و در پلان كنوني مبلغ مذكور به هفتاد و دو هزار ميليون روبل ارتقا داده شده اين عمل باين منظور صورت گرفت كه يك فاميل چهار نفری از آغاز پلان پنجساله جاري سالانه مبلغ يك هزار روبل بيشتر بدست آورد . پس در پيصوصرت ميتوان گفت كه عوايد حقيقي في نفر در اتحاد شوروي به سي و يك فيصد در پلان كنوني پنجساله به مقايسه پلان گذشته بلند رفته است .

منابع اساسي تزئيد عوايد جمعيت هما نا بلند بردن اندازه معاشات است كه براي كارگران فابريكات و كاركنان فارم ها ، پر داخسه ميشود . اين پول سه بر چهار حصه عوايد حقيقي هر كارگر را در برمي گيرد و يك بر چهار حصه ديگران از خزانه پول مصرف اجتماعي براي آنها داده ميشود .

در اتحاد شوروي ، معاش كارگران و ماموران ، در قدم نخست افزايش مي يابد زيرا كار هاي مولر و مهارت هاي آنها باعث تزئيد معاش اساسي آنان ميشود .

طی پلان پنجساله جاري دستمزد ها در سر تاسر كشور و در تمام شعب اقتصاد ملي افزايش داده شد و معاش اناني كه داراي عوايد متوسط بودند بلند گرديد براي كارگران شب كار ، نسبت به سابق دستمزد زياد تری تاديسه گرديد و براي كسانيكه در شرايط نامساعد اقليمي و فابريكاتي چون صنايع آهن و فولاد كار مي كنند و براي خد متكاران ترا نسپورتي شبانه ، امتيا زات جديدي در نظر گرفته شد كه در نتيجه در زندگي همه مردم اتحاد شوروي بخصوص نود ميليون كارگر و كاركنان شعبات گوناگون يك دگرگوني چشمگير اقتصادي پديد آمد .

همچنان طي اين پلان ، دستمزد ها و معاشات مستخدمين متوسط الحال اضافه شد و حد اقل دستمزد تعيين گرديد و حقوق متقاعدين به معيار جديد سنجيده و پر داخسه شد .

در معاش داکتر ها ، معلمين مكاتب و ساز مان هاي تربيت اطفال قبل از مكاتب ، مكاتب ثانوي و مسلكي بيست فيصد تزئيد بعمل آمد .

گذشته از آن طی این پلان امداد بولی دولت برای محصلین گسه موفق به تحصیلات عالی میشوند و مکاتب اختصاصی بصورت قابل ملاحظه ای افزایش یافت و دستمزد ها و معاشات ، مستخدمین متوسط العواید مناطق شمال اتحاد شوروی ، شرق دور ، سایر آسیای اورال و نواحی قزاقستان و آسیای میانه اضافه گردید .

معاش زنان کارگر ، بدون در نظر داشت ایام حاملگی که ۱۱۲ روز را در بر می گیرد صد فی صد اضافه شد و در عواید زارعین در فارم هایشان از سی تا سی و پنج فیصد تزیید بعمل آمد . و در باره بهبود هر چه بیشتر زندگی زارعانی که بصورت دسته جمعی روی فارمها کار می کنند تصانیمی اتخاذ گردید .

در جهان امروز ، داشتن خانه گرم يك پرا بلم عمو می مردم دنیا را تشکیل میدهد و در اتحاد شوروی باین موضوع توجه خاصی مبذول میشود تا این مشکل در کوتاه ترین مدت حل شود .

روی این منظور دولت شوروی سالانه ، مبالغ هنگفتی را جهت اعمار خانه ها و منازل گرم مسکونی بمصرف می رساند .

چنانچه تنها در طول دوازده سال یعنی از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۲ بیش از بیست و هفت عشاریه سه میلیون اپارتمان در آن کشور اعمار گردیده و در حدود سی عشاریه پنج میلیون نفر یا دارای اپارتمان های جدید شدند و یا شرایط منازل شان بهتر از گذشته ساخته شد .

در سال ۱۹۷۳ دو عشاریه سه میلیون اپارتمان بر علاوه اپارتمان های سابق تحت ساختن قرار گرفت و این اپارتمانها شرایط زندگی یازده و نیم میلیون نفر دیگر را بهتر و آسوده تر گردانید . امروز اتحاد شوروی از نگاه حجم کار های ساختمانی و خانه های مسکونی در دنیا مقام اول را حایز است و از نظر تعداد اپارتمان تحت اعمار برای هر يك هزار نفر در ردیف پنج کشور جهان باز هم مقام اول را دارد .

در طول دوازده سال متد کسره بیش از نصف تمام جمعیت اتحاد شوروی دارای منازل عصری جدید شدند ولی باوجود این و بر علاوه

ایکه در سالهای اخیر پیش از دوازده سال قبل ، در شو روی اپارتمانهای مسکونی اعمار گردیده و با همه سرعت بی نظیری که در اعمار منازل بکار می رود هنوز هم موضوع مسکن در آن کشور بطور کلی حل نشده است زیرا مردم شوروی قبل از انقلاب کبیر اکتوبر ، زندگی فلاکتباری داشتند و جنگ عمو می دوم جهانی مشکلات فراوان و خرابی های را برای آن کشور بار آورد و طی ده سال اخیر سی میلیون نفر به جمعیت این کشور زیاد گردید .

در طول سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۵ شوروی ها ، هفتاد و سه و نیم هزار میلیون ربل را بمصرف اپارتمان ها رسانیدند و این رقم نظر به پنج سال قبل دوازده و نیم فیصد بیشتر بود . در جریان این سالها بصورت عمو م از پنجاه و هشتاد میلیون مربع متر زمین برای ساختمان تعمیرات کار گرفته

هدف از اعمار و توزیع اپارتمان ها ، این است تا مردم در آرامی و سعادت تمدنی زندگی نمایند و از همه ای وسایل و لوازم عصری و مدرن استفاده نموده بتوانند .

### کمترین گرایه :

دولت اتحاد جما میر شو روی برای مردم خویش خانه را یگان میدهد اندازه اپارتمانی که به يك نفر داده میشود مربوط به تعداد فامیل اوست . بطور مثال ، در فدراسیون اتحاد شوروی اپارتمان ها به اساس ۹ متر مربع فی نفر داده میشود . اما در او کراین این مساحت به سیزده عشاریه شش متر مربع میرسد .

گرایه اپارتمان ها به شمول پول حفظ و مراقبت و خدمات اجتماعی مانند برق ، گاز ، آب گرم و غیره عمو ماً اضافه تر از چهار یا پنج فیصد بودجه يك فامیل نمیشود این پرداخت ها بر علاوه ایکه به هیچ صورت مصارف ساختمان را که از



منظره از چاه های نفت آذر بایجان شوروی

شد موثریت این پرو گرام ساختمانی را میتوان ازین حقیقت درك نمود که در روند پنج سال تعداد خانه های که ساخته شد از تمام خانه های که در سال ۱۹۵۰ در اتحاد شوروی موجود بود زیاد تر بود و برای بیش از شصت میلیون نفر خانه های جدید کفایت کرد و شکل زندگی آنها را دگرگون گردانید .

### آپارتمان ها از طرف دولت توزیع میشود .

در اتحاد شوروی ، تقسیمات اپارتمان های جدید از طرف حکومت محلی و نمایندگان کارگر ها با همکاری و معاونت اتحادیه های تجارتي و غیره سازمان ها ، در قریه ها و شهرها صورت می گیرد .

طرف دولت صورت گرفته تکافو کرده نمیتوانند حتی از اندازه مصرف حفظ و مراقبت آن نیز خیلی کمتر می باشند . باقی مصارف حفظ و مراقبت عمارت از طریق صندوق مصرف اجتماعی تادیبه میشود . از سال ۱۹۲۶ تاکنون به گرایه اپارتمان ها افزودی بعمل نیامده است .

### گوپرا تیف های اماکن

ساختمان خانه های جدید تا چندی قبل در شهرها از طرف دولت صورت می گرفت اما چون تاکنون دولت نتوانسته صد فیصد احتیاجات اپارتمان هارا برای مردم حل کند درین اواخر خانه سازی در اتحاد شوروی به شکل گوپرا تیف و تحت رهنمایی کمیته های متشکل از نمایندگان طبقه

کارگر ، موسسات و سازمان های که کوپرا تیف های ساختمانی را روی کار آورده اند صورت می گیرد .

اعضای کوپرا تیف های ساختمانی اماکن عبارت از کارگرانی هستند که بمیل و آرزوی خود شان میخواهند منزل شان را آباد سازند البته طرح نقشه های آن از طرف موسسات خانه سازی بر اساس استندرد قبول شده با در نظر داشت خواست های اعضای کوپرا تیف ها ریخته میشود .

چهل فیصد پول ساختمان این گونه اپارتمان باید قبل از آغاز کار آن تادیبه شود . شصت فیصد باقی پول آن از قرضه دولتی تامین میشود این پول در جریان ده تا پانزده سال باید با سود نیم فیصد واپس پرداخته شود .

دولت تمام تسهیلات حیاتی ، از قبیل احداث سرکها خطوط مواصلات ، تیلیفون ، خدمات کلتوری و اجتماعی را در جوار این خانه ها بمصرف خود انجام میدهد .

در نواحی دور دست عمو ما خود مردم یا بمصرف خویش و یا به قرضه دولت و فارم های که روی آن ، کار های دسته جمعی صورت می گیرد ، خانه های شخصی می سازند و دولت زمین این چنین خانه ها را ، در دسترس کوپرا تیف های شهری و دهاتی میگذارد .

### يك اپارتمان راحت بخش برای هر فامیل :

در اتحاد شوروی ، در ساختمان عمارت ، از طریق های بسیار بیش رفته صناعتی استفاده بعمل می آید . روی این منظور يك تعداد زیاد فابریکات اختصاصی قسمت های عمده عمارت را ، در چهار دیوار خود می سازند و صرف برای جابه جا کردن آن به تعمیر آورده میشود .

طی نهمین پلان پنجاه و خود اتحاد شوروی ، توجه خاصی در قسمت جنسیت مواد ساختمانی و طرح و دیزاین بهتر و مرغوبتر و نقشه خوبتر و مقبولتر منازل مبذول داشت تا از هر نگاه عمارات زیبایی بوجود آید .

اتحاد شوروی بزودی يك پرابلم عمده اجتماعی را از بین می برد . یعنی برای هر فامیل يك اپارتمان راحت بخش با تسهیلات لازمه آن مهیا می کند .

# نگرشی بر ادبیات شوروی

دراوا آخر قرن ۱۹، در روسیه تزاری مبارزات طبقاتی روز بروز اوج میگرفت و مخالفت هابری خاش ها ادامه مییافت و همین بود که سازمان طبقه کارگر بوجود آمد.

۱۰۰۱. لنین در مقاله «خاطره هرتس» (۱۹۱۲) میگوید: «حرکت خلقها طوفان است». کارگران بگانه طبقه ای اند که پیش روان مبارزات اند اولین طوفان در سال ۱۹۰۵ - پوئووع بیوست و توفان بعدی آن در پیشروی چشمه اوج میگیرد. موضوع اساسی جریان ادبی این دوره همانا مبارزات خستگی ناپزیر نو یسنندگان و هنرمندان مترقی بغاطر بوجود آوردن ریالیزم سوسیالیستی و ضدیت شان در مقابل هنر ارتجاعی و بورژوازی بود.

ادبیات کلاسیک روس رول بزرگی در درانکشاف معنوی جامعه بازی نمود. زیرا این ادبیات زیر شعار «خلق ودموکرا تیزم» تمام خواسته های توده های عظیم را رسم می نمود. نویسندگان بزرگ ادبیات پروتری چون «اکسیم گورکی، سرافیموویچ، دیمن بیدنی، اکویان و غیره، مبارزات انقلابی خلقسارا بغاطر ابدال سوسیالیزم در آثار خویش بصورت روشن ترسیم نمودند. مقالات نویسندگان مترقی به طرفداری از بلشو یک ه همیشه درجرا بد «ستاره» و «حقیقت» به نشر می رسید. ریالیزم انتقادی در شروع قرن ۲۰ رول مهمی را در روشن ساختن افکار مردم بازی نمود.

لیو تولستوی، چخوف، بونین، کوبرین، بویدی ساییف، الکسی تولستوی و همچنان مایا، کوفسکی، بلوک و یسین نویسنده گانسی بودند که آثار بزرگ و ارز شمندی از خود بجا گذاشتند. آثار عالی ریالیزم انتقادی این دوره عبارت اند از: «حاجی مراد» و «پس از مجلس رقص» تولستوی، «باغ الو بالو» و «نامزد» چخوف، «اقایی از سانفرانسکو» بونین و «بیتاری از اشعار مینس بلوک».

نویسندگان در آثار خویش جهات مختلف حکومت آن زمان را مورد انتقاد شدید قرار میدادند و نفرت و انزجار خود را علیه عساکر تزاری مامورین دولت دستگاه کثیف بیروگرانی دولتی آشکار میساختند آنها در آثار خود جامعه طبقه تسی اقتدار و تبعضات را در شرایط کینا لیسیزم بصورت واضح بیان می نمودند.

حزب بلشویک به رهبری لنین توجه خاصی در مورد بوجود آمدن هنر جدید پروتری نمود. لنین اساسات تیور بک ادبیات سوسیالیستی را در سال ۱۹۰۵ در مقاله «سازمان حزبی و ادبیات حزبی» آماده ساخت. لنین درین مقاله بر نسبت های ادبیات حزبی را بیان نموده است. ماهیت اساسی بر نسبت های حزبی را در ساحه ایدیولوژی و تیوری، لنین بصورت مشخص در سال ۱۸۹۰ در نوشته های خویش فور مبول ندی نموده است.

هارون یوسفی «حزبی بودن برای ادبیات کارگری - یعنی صف گرفتن در جهت انقلاب و طبقه مترقی معا صروه چنان فشار و ظلم سیاسی و استعمار را برای خلق هاروشن ساختن است معنی حزبی بودن برای نویسنده، همانا قبول کردن و دانستن ایدیولوژی طبقه کارگر، بغض ایده سوسیالیزم، همدردی و عشق به خلق و اشتیاقی از مبارزات ایشان بغاطر انقلاب را بطه روشن اویا طبقات مبارز، طبقه پیشرو و انقلابی کارگر و حزب آنت».

لنین به ما آموخت که باید مسایل ادبی قسمتی از کارهای همه کارگران را تشکیل بدهد این مقاله لنین مخصوصاً را جع شده بود به «رو شتفکران بورژوازی» و «تصویر - منفر دانه شان در مورد هنر مند و وفوقیت آن در اجتماع».

لنین خاطر نشان میسازد که آزادی هنرمند

لنین می افزاید: «در آن زمان ادبیات - ادبیات آزادی میسایند وده هسا ملسیون خلق زحمتکش را که با قدرت اند و مملکت بالای آنها استوار است می نماید».

از بزرگترین نویسندگان پایان قرن نوزده یکی هم انتون پاو لویج چخوف است چخوف در ۱۷ جنوری ۱۹۶۰ در شهر کوچک تگناروگ تولد یافت. پدرش مالک شرفه کوچکی بود که در آن جای، بورد صابون و غیره می فروخت چخوف ابتدا در مکتب یونانی شهر تگناروگ شامل و بعداً در خل لسه گردید چخوف علاقه شدیدی به ادبیات و هنر داشت. وی در منزل دراه های ترکیب می نمود و خودش با برادر و خواهر در رولهای آنها سهم میگرفت.

بعد از فراغت از لسه در سال ۱۸۷۹ به مسکو آمد و شامل فاکولته طب پوهنتون دولتی مسکو گردید. وی در دوره تحصیل خود برای پیدا کردن پول مصرف زندگی خود با بعضی مجلات فکاهی نویس مانند «بیبیر کن»، «ساعت رنگ دار»، «تما شاچی» و «آدم بی اشک» و غیره همکاری می نمود.



تولستوی نویسنده نامدار کتاب «جنگ و صلح»

سو عین مجموعه داستانهای وی بنام «در تاریکی» از طبع خسارچ شد و این مجموعه برای نو یسنده انتخاب بزرگی بخشید. زیرا چخوف از طرف اکاد می علوم غنچه به گرفتن مدال افتخاری - او - شکین گردید.

اولین نمایشنامه چخوف بنا به «ایوانوف» در سال ۱۸۸۸ روی صحنه آمد و هم در همین سال داستان بزرگ وی بنا به «صحرا» انتشار یافت.

در جامعه بورژوازی «مامک بیش نیست» و این آزادی مربوط به خریطه پول است و پس - در مورد آزادی جامعه سرمایه داری می - نویسد که این آزادی ماهیت بسوزر وازی وفا شیمیسی داشته که دور از مردم اولاد شده است. و علاوه میکند: که «زندگی کردن در اجتماع و آزاد بودن از اجتماع ناممکن است».

لنین در آرزوی چنان آینده ای بود که ادبیات خلقی و سوسیالیستی، بعد از بوقیت انقلاب محکمتر شود و انکشاف یابند و رول بزرگی را در جامعه بازی نماید.

همراه با شهرت چخوف جهان بینی این نویسنده بزرگ هم تکامل مییابد چخوف از لحاظ نظر یا ت خود انقلابی بود و به همین جهت اکثر نقادان وی را به سبب نداشتن جهت سیاسی مورد انتقاد قرار میدادند مخصوصاً انتقاد شایع زمانه بیشتر میگردد که چخوف موا فقه نمود تا داستانهای خود را در مجله «تصویر» که سیاست حکومت تزاری آتوقت را پشتیبانی می کرد، به نشر میسازد.

چخوف مدت زیادی به این منگوره بسود که نویسنده بسایند و در از مبارزات اجتماعی قرار داشته باشد. ولی در سال ۱۸۹۰ این فکر انما نگرای رابرس گرفت چنانچه خود ش میسایند: «اگر من ادیب و نویسنده هستم، برایم لازم است تا در بین توده ها زندگی نمایم».

در سال ۱۸۹۲ در «سازمان کسک با دهقانان و گرسنه» نیزنی گورد شامل میشود. درین وقت در قر به «میلیخوف» که در شصت کیلومتری مسکو واقع است خانه ای می خرد و با فامیل خود به آنجا میرود. در آن جا دهقانان را بدون گرفتن پول معاینه و تداوی میسازد و همچنان مکتبی برای اهل آنجا اعمار میسایند.

در همین جاست که چخوف داستانهای «اتاق شماره ۶»، «خانه بالا خانه دار»، «دهقانان»، «داستان یک انما نانشاند» میسویس و «کاکا وایا» را می نویسد. داستانهای چخوف برای ادبیات روس و جهان، سر ما به بزرگی بحساب میرود. چخوف در مدت بیست و چهار سال زندگی خویش کوشش این شاخه هنری را تا مر حله تکامل برساند. سماعا ها و تمثال های بعضی از قهر مانهای داستان وی گنجینه و شپکار های ادبیات جهانی گردیدند.

لیو تولستوی چخوف را با مو یسانان ناول نویس معروف فرانسه چنین مقایسه می نماید: «فرانسه سه نویسنده دارد: استاندال، بالزاک و فلو بر و دیگر هم مو یسانان ولی چخوف بهتر از آن است».

باید گفت که داستانهای چخوف بسر علاوه ملاحظت خنده بی آن، جنبه ها، و سایل حاد اجتماعی و روابط عادی و روز مره را دارا می باشد. بطور مثال داستانهای «چاق و لاجر» «مرگ کسارمند»، «بو فلهون»، «مامک» و غیره که در همه این ها سایل عمده اجتماعی نهفته است... «کارمند یابین رتبه بی در تیار نزدیک کله تا س جنرالی عطسه میزند. از ترس اینکه میا دا روزی جنرال بلایی بسرتش بیآورد، چند یسن مر نه عفو می خواهد... و بلاخره می میرد» (مرگ کسارمند). این فکاهی است ولی فکاهی که در آن وضع رو حسی و ترس انما ن را در اجتماع ترسیم می کند.

حقیقت اسلحه و شعار چخوف بود، وی در یکی از نامه های خود می نویسد: «ادبیات هنری را بخاطر ادبیات هنری زوننون

می گویم که زانگی را آن چنان که هست ترسیم می نماید .  
 چخوف با زبان ساده و عادی ، بدیخی ها ، حماقت ها ، محرومیت ها ، فجایع و بردهای حکومت نزاری روس را در داستانهای خود پش انعکاس میدهد .  
 موردی در یکی از نامه های خود بنده چخوف می نویسد : « با نوشتن داستانهای کوچک خود و طیفه پس عظیمی را انجاسام داده اید . داستانهای شما خلقها را از خواب عمیق واز زندگی نیمه مسرده بیدار ساخته است .»  
 داستانهای چخوف تنها سرگرمی نیست ، وی سواالات جدی را در برابر مردم طرح می کند : « به چه درد میخوری؟ حاصل کار تو چیست؟ این تو بسنده مانند جراح ، تیغ بدست گرفته و معالیه جاعه را عملیات مینماید . در مجوعه «مردم نا راضی» یک دسته

و «والگا» مدافع حقیقی ستمدیدگان است . در نامه بر احساس و پر از غلطی های املائی که وانکای خرد سال به پدر بزرگش نوشته و بد رفتاری های با داران خود را برای او حکایت می کند ، گینه آشکار نویسنده در مقابل بی قیدی ها و ستمگری ها میباید .  
 در داستان «میل به خواب» خرد بنگار فقیری بنام «وایا» کاسه صبرش لبریز شده مجبور میشود بچه با دار خود را بکشد تا لافاقل یکبار در عمرش آرام بخوابد .  
 آثار چخوف گنجینه پر ارزش ادبیات شوروی است . آثار این نویسنده در اکثر زبان های جهان ترجمه گردیده است .  
 بنام لیونولستوی نه تنها خلق شوروی بلکه خلقهای سراسر جهان آشنا اند تولستوی در ۲۸ اگست ۱۸۲۸ در یاسنا یاولیا ناسا که در بیست کیلو متری جنوب شهر تولستوی قرار دارد تولد گردید . خانواده پدری اش



موردی

از روشنفکران بی اصول را می بینیم که از پیش چشم ما میگذرند . با بدگفت کسه آلودی به هیچ وجه منحصر به روشنفکران نیست . می توان گفت که نوشته های چخوف ما را به ادبی آن زمان است .  
 در نامه «باغ آلو با او» صحنه آشکاری از تباهی ، تنگدستی و ضعف فکری نجبا دیده میشود ، آخرین نما بندگان طبقه ای که قبل از آن معروف بودند و حتی در دایره المعارف زمان از آنها سخن می را نند . چخوف راز این مردم حریف و مال دوست را فاش می کند و مجذوب مردم ساده طبقه زیر دست و فقیر است . چخوف در داستانهای «میل به خواب»

از اشرف بودند ، مادرش نیز از نجیب زانگان و دختر جنرالی بود . مادر تولستوی زن مهربانی بود که تولستوی در کتاب معروف «جنگ و صلح» بنام پرنس مار یسسا از او یاد کرده است . هنوز تولستوی سه ساله نشده بود که مادرش درگذشت اند کسی بعد پدر خود را هم از دست داد .  
 در سال ۱۸۴۱ خانیم «یوش کویا» که سرپرستی او را به عهده گرفته بود متوجه شد که این کودک با هوشی ، به تعلیمات جدی نری ضرورت دارد . همین بود که وی رابه کازان برد و او را چند سالی در آنجا نگهداشت . در سال ۱۸۴۴

تولستوی دوره مکتب رابه پایان رسانید و شامل فاکولته زبانهای شرقی و هنتون «کازان» گردید . چون می خواست وارد کارهای سیاسی شود ، بعد از یکسال درفاکولته حقوق انجسا . ثبت نام نمود ولی به زودی از کارهای قضایی هم دلسرد گردید و به همین جهت در درجهای فاکولته منتظما حاضر نمی شد و بدسترواوقات خود را به خوشگذرانی صرف می نمود .  
 هنگامیکه هنوز در کازان بود . دارایی خا نوادگی را میان وی و برادر اش تقسیم نمودند و یا سنایا پالیانا به او رسید . تولستوی زمانیکه مالک زمین های خانوادگی خود شد فوراً حسن سرپرستی حکیمانانه بی نسبت به روسانایا ها در دل او بدید آمد و برای اینکه وضع زندگی آنها رامیرو صورت بخشند واز حالت زرخردی آنها را نجات دهد به آنجا رفت .  
 در سال ۱۸۴۸ دیپلومی از پسو هنتون پتر زبورگت گرفت . وی خود درین زمینه می نویسد : «از ادبیات چیزی نمی دانستم» چنان می نماید که ذوق ادبی او تنها دو سال بعد از سفری که به قفقاز کرده است آمو گرفته باشد . زیرا در ماه اپریل ۱۸۵۱ با برادرش «نیکولای» که در آن جا ما موریت داشت به قفقاز رفت . این سر زمین خرمن و شاد ادب چنان نظر تولستوی را بطرف خود جلب نمود که تولستوی حاضر شد خدمت عمگری را در آن جا بگذراند . تولستوی درین زمان در اندیشه نوشتن رمان بزرگی بود که میخواست در آن خاطرات و یادگارهای خانوادگی خود را جمع کند . نخستین فصل این کتاب را در قفقاز نوشت و در آن خاطرات زندگی خود را شرح داد و بعد ها کتاب مستقلی بنام « کودکی ، نو جوانی و جوانی» نشر گردید .  
 در سال ۱۸۶۱ داستان «پالیوشکا» و بعدا در سال ۱۸۶۲ داستان «قراقبا» منتشر شد .  
 داستان «قراقبا» یکی از زیبا ترین و شاعرانه ترین آثار تولستوی است که در آن افکار خاص قراق ها را در آغوش زیبا بی های طبیعت قفقاز با بیابان بسیار شیوا نشان داده است .

در سال ۱۸۶۹ نخستین فصل های کتاب «جنگ و صلح» را نوشت و در سال ۱۸۷۰ مجله معروف «پیام آور روس» به انتشار آن آغاز کرد . کتاب «جنگ و صلح» او نه تنها یکی از شهبکارهای این نویسنده بزرگ است بلکه از جمله شهبکارهای جا و دان ادبیات جهانی بشمار میرود .  
 در مورد کتاب «جنگ و صلح» بسیاری از نقادان بزرگ جهان بحث کرده اند .  
 ما کسیم گورگی که اعتقاد زیادی به تولستوی داشته و در آغاز دوره نویسندگی خود که مصداقش به پا با ن زندگی تولستوی بود در یاسنا یاولیا نا به دیدنش رفته است در مورد این کتاب می نویسد : «جنگ و صلح عالی ترین اثر ادبی قرن نوزدهم است . گو سنایا و فلو بر تو بسنده معروف فرا نامه ، موافق این کتاب را «شکسپیر» دوم خوانده و می نویسد : «اگر بگویم

این اثر در چه اول است و ما نلسد آن کمتر میتوان خلق کرد . گزافه نگفته ام .  
 چه نقاش و چه روان شناس بی ماندنی! در ضمن خواندن این کتاب با ر هسنا چنان مجذوب میشدم که بی اختیار از جای می جستم و به نویسنده آن آفرین می گفتم .»  
 «داکتر ماکو ویلسکی» یکی از دوستان نزدیک تولستوی ، درباره پشت کسارو فعالیت تولستوی اینطور می نویسد : «وی هر روز و هر ساعت می نوشت و مطالعه می نمود ، نیلی را هرگز نمی دانست ...»  
 آمو زش شخصی تولستوی انسان را به حیرت می اندازد . قرار گرفته ماکو ویلسکی تولستوی در اخیر عمر خود این زیبا نسا را می دانست : فرانسوی ، انگلیسی ، جرمنی ، ایتالیایی ، یونانی ، لاتین ، زبان قدیم یهودی ، بلغاریا ، هالندی و او کرایی .  
 در اخیر قرن ۱۹ اصلاحات تولستوی به مرکز کلتوری و ادبی تبدیل شده بود .  
 نویسندگان و اشخاص معروف از روسیه و مالک دیگر در آن جا می آمدند تا با این نویسنده بزرگ آشنا گردند . در آن جا تولستوی گمانی چون : تورگنیف ، قیت ، چخوف ، گورگی ، کارالینکو ، و بسیاری سایر و نقاشانی مانند :  
 ریپین ، کرمسکوی ، گمی و غیره و همچنان مجسمه سازی مانند : ترو تسکوی . گنزبورگ و عده بی زیادی از هنرمندی دانان می آمدند .  
 ۲۸ اکتوبر ۱۹۱۰ در یکی از شبهای تاریک خزان «تولستوی» با دوست خود داکتر ماکو ویلسکی مخصی و برای همیشه از یاسنا یاولیا نا حرکت کردند .  
 صحت نویسنده خوب نبود و تسوان مسافرت را نداشت . نویسنده در راه مرض سینه بغل شدید مبتلا گردید . آمو ایستگاه راه آهن تولستوی را بخانه خود برد و ۷ نوامبر ۱۹۱۰ این نابغه ادبیات در گذشت . وی را فرار و صیت خودش در یاسنا یاولیا نا دفن کردند .  
 به گفته لینن : «موردی بدون شک بزرگترین نماینده ادبیات پرولتسری است .»  
 الکسی ما کسیمو بیچ گورگی (پیشکوف) ۱۶ مارچ ۱۸۶۸ در نیژنی گورد که فعلا بنام «گورگی» یاد میشود بدنیا آمد پدر گورگی ماکسیم سواتوی بیچ پیشکوفی نام داشت که در اثر مرضی که او را در سال ۱۸۷۲ در گذشت . در ۱۸۷۸ گورگی مادر خود را از دست داد .  
 کودکی گورگی در فامیل پدر کلاش که رنگبالی بود سپری گردید . مادر کلاش گورگی تا نیر قابل ملاحظه را با لای افکار این نویسنده انداخت . وی زنی بود مهربان ، خوش صحبت که با امانت های مردمی و دل انگیز خود گورگی رامحو خود ساخته بود .  
 وقتی گورگی به سن هفت سالگی رسید پدر کلاش به او گفت : «تو عدال نیستی که در گردن خود بیا وزمت ، این جا جای تو نیست . برو در بین مردم .»  
 ناتمام

این اثر در چه اول است و ما نلسد آن کمتر میتوان خلق کرد . گزافه نگفته ام .  
 چه نقاش و چه روان شناس بی ماندنی! در ضمن خواندن این کتاب با ر هسنا چنان مجذوب میشدم که بی اختیار از جای می جستم و به نویسنده آن آفرین می گفتم .»  
 «داکتر ماکو ویلسکی» یکی از دوستان نزدیک تولستوی ، درباره پشت کسارو فعالیت تولستوی اینطور می نویسد : «وی هر روز و هر ساعت می نوشت و مطالعه می نمود ، نیلی را هرگز نمی دانست ...»  
 آمو زش شخصی تولستوی انسان را به حیرت می اندازد . قرار گرفته ماکو ویلسکی تولستوی در اخیر عمر خود این زیبا نسا را می دانست : فرانسوی ، انگلیسی ، جرمنی ، ایتالیایی ، یونانی ، لاتین ، زبان قدیم یهودی ، بلغاریا ، هالندی و او کرایی .  
 در اخیر قرن ۱۹ اصلاحات تولستوی به مرکز کلتوری و ادبی تبدیل شده بود .  
 نویسندگان و اشخاص معروف از روسیه و مالک دیگر در آن جا می آمدند تا با این نویسنده بزرگ آشنا گردند . در آن جا تولستوی گمانی چون : تورگنیف ، قیت ، چخوف ، گورگی ، کارالینکو ، و بسیاری سایر و نقاشانی مانند :  
 ریپین ، کرمسکوی ، گمی و غیره و همچنان مجسمه سازی مانند : ترو تسکوی . گنزبورگ و عده بی زیادی از هنرمندی دانان می آمدند .  
 ۲۸ اکتوبر ۱۹۱۰ در یکی از شبهای تاریک خزان «تولستوی» با دوست خود داکتر ماکو ویلسکی مخصی و برای همیشه از یاسنا یاولیا نا حرکت کردند .  
 صحت نویسنده خوب نبود و تسوان مسافرت را نداشت . نویسنده در راه مرض سینه بغل شدید مبتلا گردید . آمو ایستگاه راه آهن تولستوی را بخانه خود برد و ۷ نوامبر ۱۹۱۰ این نابغه ادبیات در گذشت . وی را فرار و صیت خودش در یاسنا یاولیا نا دفن کردند .  
 به گفته لینن : «موردی بدون شک بزرگترین نماینده ادبیات پرولتسری است .»  
 الکسی ما کسیمو بیچ گورگی (پیشکوف) ۱۶ مارچ ۱۸۶۸ در نیژنی گورد که فعلا بنام «گورگی» یاد میشود بدنیا آمد پدر گورگی ماکسیم سواتوی بیچ پیشکوفی نام داشت که در اثر مرضی که او را در سال ۱۸۷۲ در گذشت . در ۱۸۷۸ گورگی مادر خود را از دست داد .  
 کودکی گورگی در فامیل پدر کلاش که رنگبالی بود سپری گردید . مادر کلاش گورگی تا نیر قابل ملاحظه را با لای افکار این نویسنده انداخت . وی زنی بود مهربان ، خوش صحبت که با امانت های مردمی و دل انگیز خود گورگی رامحو خود ساخته بود .  
 وقتی گورگی به سن هفت سالگی رسید پدر کلاش به او گفت : «تو عدال نیستی که در گردن خود بیا وزمت ، این جا جای تو نیست . برو در بین مردم .»  
 ناتمام

# پیرونی باد صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی در سراسر جهان

او مرد بسیار کم حرف و اصولی بود. از اوایل جوانی تا دم مرگ هر یک از لحظات زندگی اش محاسبه گردیده بود. او تحصیلات را به سوره عالی به انجام رسانید و علاقه اش به هنر برای این امکان داد تا کار تیکو و شایسته را اجرا کند یعنی برای نخستین بار در روسیه نمايشگاه علمی ایجاد نماید تا بدین وسیله بتواند شاهکارهای نقاشی روسیه را به جهان نشان دهد. در سال ۱۸۶۰ که هنوز ۲۸ سال داشت و وصیت نامه ذیل را نوشت: «آرزویم صدقانه و قطعی است. سر ما به یک صد و پنجاه هزار روبل نقره را غرض ایجاد موزیم هنری در مسکو بطور ذخیره میگذارم. و در جای دیگر «اولتر از همه از برادریم سرگسی خواهم نمود. آرزویم را ترک کند و بداند که من هنر را بسیار صمیمانه دوست میدارم و کار بزرگی ازین نخواهد بود که بنیان اولین گنجینه هنرهای نقاشی گذاشته شود تا مردم از دیدن آن ها حظ ببرند.» اولین تابلو را که ترتیاکوف در سال ۱۸۵۶ بدست آورد شاهکار نیکلای شیلدر «گمراهی» بود.

این تابلو از نقطه نظر هنر نقاشی برتری خاصی ندارد اما واقعیت های زندگی را بیان میکند. آرزوی ترتیاکوف در محافل نقاشی فوراً پذیرفته شد. دیدگاه نقاشان جوان که از قشر درباریان نبودند بادیدگاه ترتیاکوف مطابقت تام داشت و عقیده داشتند که هنر باید زندگی واقعی مردم را منعکس نماید. ترتیاکوف از طریق نقاشان جوان از برگزینی نمايشگاهها اطلاع می یافت زیرا آنها کلکسیون شاهان و شهباده ها ترجیح میدادند. در سالهای (۱۸۷۰) در روسیه نمايشگاه های بسیار توسط نقاشان جوان ایجاد گردید. عجیب اینست که شاهکارهای معروف مانند «زاغ ها پس واز میکنند» از الکسی سا وراسوفی، «صیادان در استراحت» ماه «ازواسیلی بیروف» شب ماه «از ایوان گرامسکی» «پرواز از شهباده الکسی استنطق می نماید»

از نیکلای گمی و قسکه بعد از نقاشی گذاشته میشد با لای آنها چنین نوشته شده بود: «ملکیت با ول ترتیاکوف» قسکه بعد شامه لموم شد ترتیاکوف آنها را قبل از تکمیل شدن از نقاشان خبر بداری نمود. بوده نقد کننده معروف نقاشی آنوقت ولادیمیر ستاسوف را جمع به ترتیاکوف چنین نوشت: «چیزی را که مو سمات بزرگ نمیتوانند اجرا کنند ترتیاکوف آنرا با بسیار ذوق و شلاق



بودترین نقاشی شده ماری لوبوخین سال ۱۷۹۷

از سبوت نیک

ترجمه از احمد شاه

به مناسبت سالگرد انقلاب کبیر اکتوبر

## نمایشگاه مشهور نقاشی ترتیاکوف

ترتیاکوف به مسکو آنرا اهدا کرده است. نشان گذار نمايشگاه با ول ترتیاکوف در سال ۱۸۲۲ در مسکو در یکی از خانواده ثروت مند دنیا آمد.

نمایشگاه ترتیاکوف در اتحاد شوروی است: مشهورترین موزیم هنری میباشند. در سال ۱۸۵۶ ترتیاکوف در آغاز قرن سرگمی ترتیاکوف که در سال ۱۸۹۲ بنیان گذاری شده است در سال ۱۸۹۲ مسکو اعمار گردیده چنین حک شده. پاول ترتیاکوف با وصیت برادر خود سرگمی

وقت تعداد تابلوها ی او به (۱۲۷۶) عدد  
میر رسید .  
مردم روسیه ازین کار وطن پرستانه  
ترتیا کوف قدر دانی نمودند . بسه  
افتخار این کار در سال ۱۸۹۴ او این  
کنگره نقاشان سرسری روسیه دایر  
گردید و در آن به ترتیا کوف سند افتخاری  
تبعه محترم مسکو اهدا گردید .  
ترتیا کوف سعی میشود تا در نمایشگاه  
خود نبوغ نقاشان روسی را نشان دهد  
در زمانیکه نقاشی اکادمیک از طرف  
نقاشان جوان رد میگردد . ترتیا کوف  
به جمع آوری شاهکارهای اکادمیک  
قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ پرداخت زیرا او  
این کار را به حیث یادگارهای فرهنگی  
نقلی میشود . ترتیا کوف با درکار زندگی  
اقدامش به خریداری شاهکارهای  
نقاشان مسکجدید مانند والتین سیروف ،  
میخائیل دروبیلایر داخت .

بعد از پیروزی انقلاب سوسیالیستی  
اکتوبر بر این موزیم بنا به نمایشگاه دولتی  
ترتیا کوف مسمی گردید . چندین عدد  
نمایشگاه تغییرات جدیدی رخ داد . کلکسیون  
نقاشی اروپای غربی علیحده شد و به موزیم  
هنرهای زیبا که در حال حاضر  
بنا به موزیم نقاشی و مجسمه سازی دولتی  
پوشکین یاد میگردد تعلق گرفت و از  
اثر انجلال موزیم ها و کلکسیون های  
شخصی غنی تر گردید .  
این موزیم در حال حاضر با زحمات  
توسعه می یابد و در خود شاهکارهای  
نقاشان شوروی را جای میدهد .  
فعلا در نمایشگاه اضافه تر از پنجاه هزار  
آثار نقاشی ، مجسمه سازی قرن (۱۹) الی  
عصر حاضر وجود دارد .

هنر نقاشی روسیه از قرن یازده  
الی اوسط قرن چارده :  
در سال ۱۸۹۰ در مسکو در موزیم تاریخی  
کنگره نهم باستان شناسی دایر گردید  
درین کنگره ترتیا کوف متحیت مهمان  
اشتراک نمود و به مطالعه نمایشگاه باستان  
حیات خود به مسکو اهدا نمود که درین شناسایی  
پرداخت . او درک کرد که چه

نقاشان مغلط و تاتارها در قرن سیزده  
به فرهنگ روسیه خسارات زیادی بار  
آورد و به تخریب شهرها و از بین رفتن  
خاصات قیمت بهای نقاشی انجاسا مید .  
متجا وزین تنها توانستند از انکشاف سریع  
نقاشی جلوگیری کنند .  
از نیمه دوم قرن یازده به این طرف  
مسکو متحیت با سخت مرکزی روسیه مناسبت  
خته شد . ازین تاریخ به بعد فرهنگ نقاشی  
زندگی فرهنگی روسیه رشد سریع ایجاد  
گردیده محتویات تابلوهای

نقاشی مغلط شده و بعضی از آنها  
به قسم تابلوی تاریخی که و قایم  
حقیقی زندگی را ترسیم میکردند ظاهر  
شدند ، به این ترتیب در هنر باستانی  
روسیه انعکاس قرابت زندگی حقیقی  
و ارتباط آن با هنر به نظر رسید . در  
اوایل قرن ۱۸ از برکت ریفرم پتر اول  
در فرهنگ نقاشی تحولات عمیق رخ داد  
هنر روسی از ایند یا لوزی پوسید و قرون  
وسطی جدا شد و به اسلوب نقاشی اروپای  
غربی توصل جست .

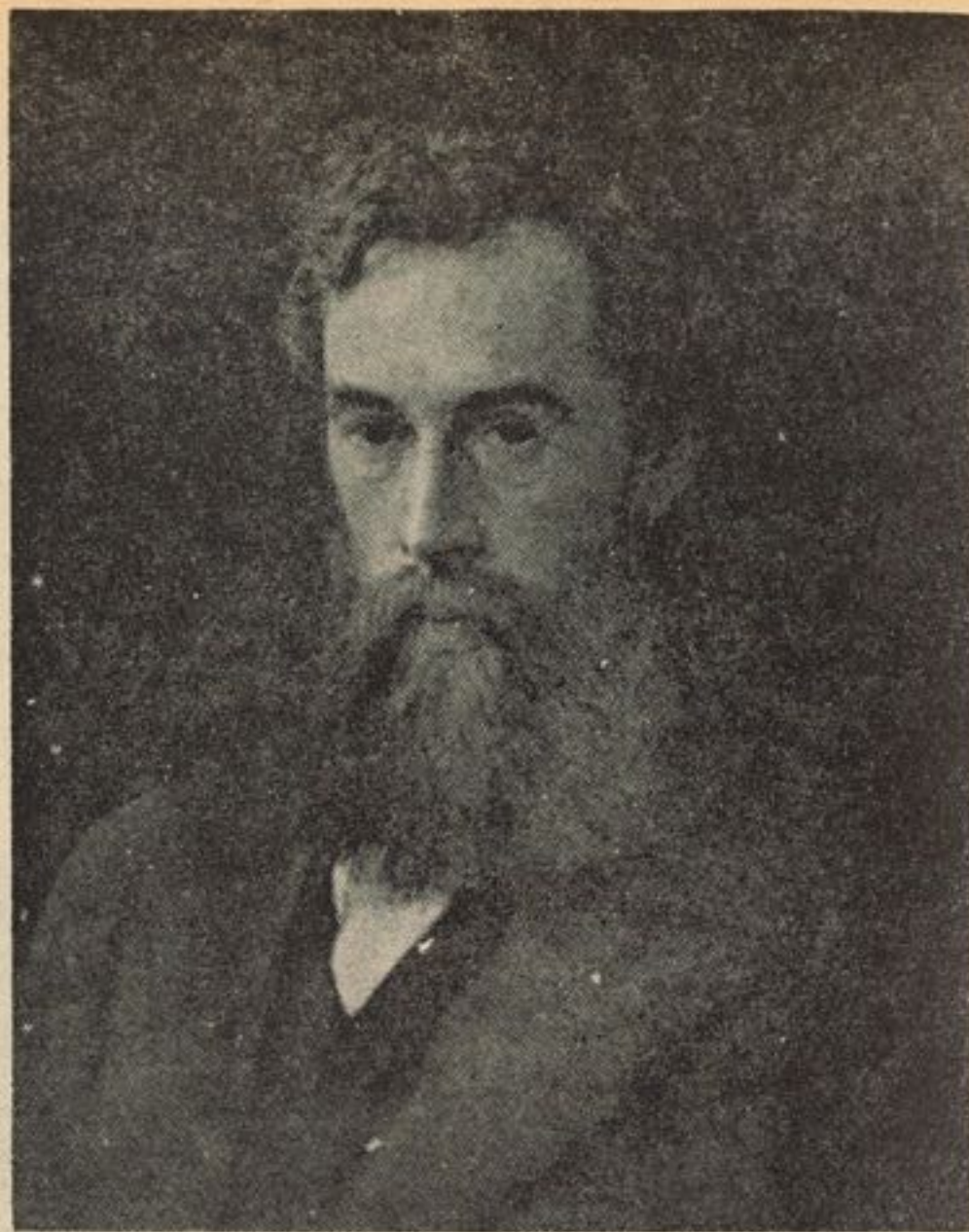
در این اوقات در هنر نقاشی اسلوب  
های مختلف علیحده نیز خلط شده در نقاشی  
تغییرات عمیق رخ داد و بعضی جنبه های  
زیبا پسرستی به جنبه دموکراتیک  
و حقیقی هنر نقاشی رو آورده شده در اسلوب  
های علیحده ترسیم تابلوهای مناظر طبیعی  
بیشتر مروج گردید .

در سال ۱۷۵۷ در روسیه اکادمی هنر  
نقاشی تأسیس گردید و هدف خود را  
به این شعار خلاصه نمود:

«آثار هنری درخود شکوه و عظمت هنری  
را باید نهفته داشته باشد» .

هنر اکادمیک اگر چه از اسلوب نمونه  
های افسانوی استفاده می کرد اما باز هم  
در ضمن آن نکات بشر دوستی ، شجاعت  
و وطن پرستی منعکس میگردد .

فارغ التحصیلان اکادمی در آینده نزدیک  
شهرت زیاد را کسب کردند از آنجمله  
الکساندر ایوانوف به شهرت جهانی  
رسید .



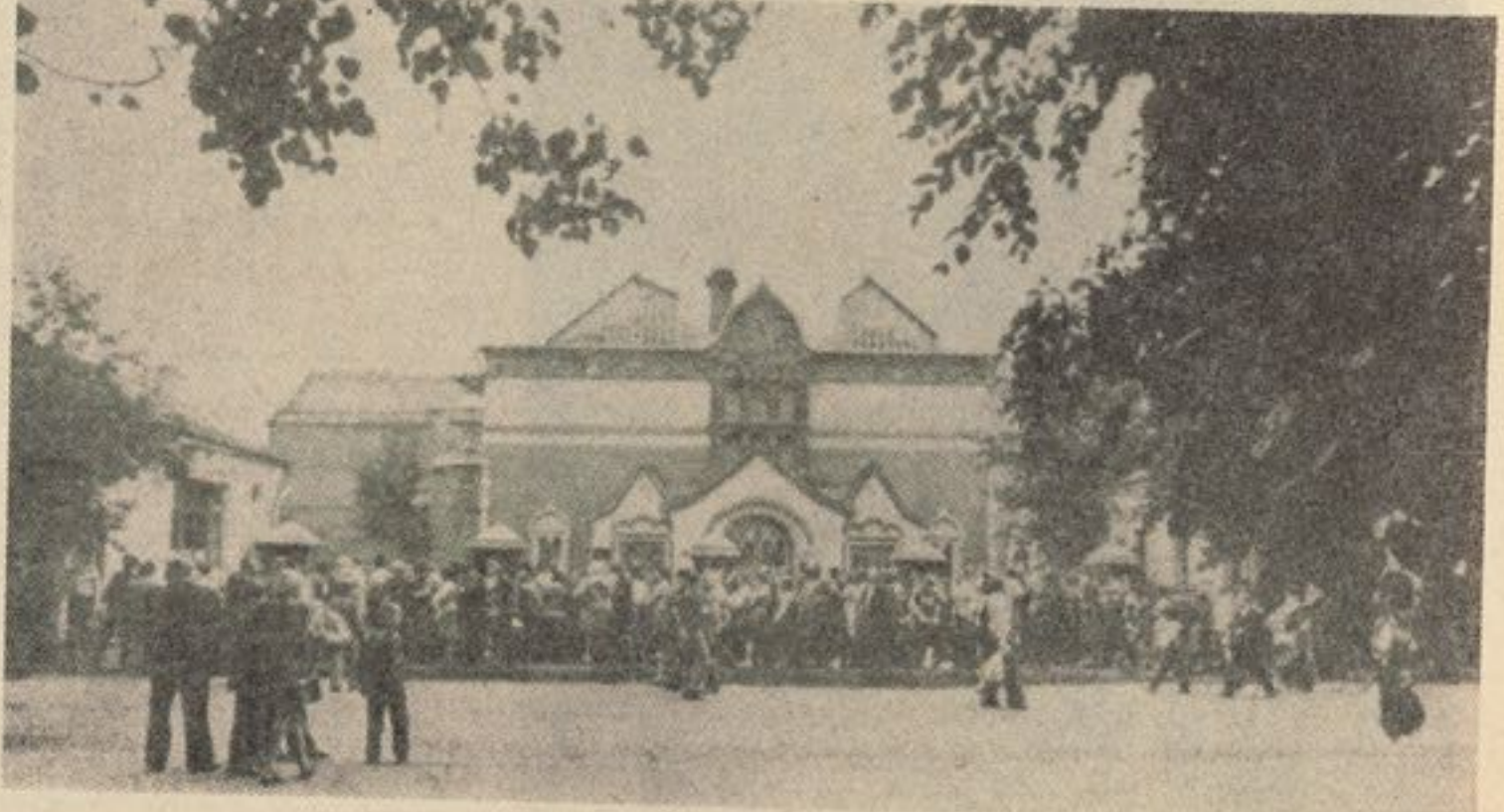
پاول ترتیاکوف  
نقاشی ایوان گرا مسکی

موزیم ترتیا کوف در کمترین وقت  
گنجایش تمام نقاشی هارا نداشت . در  
زمان حیات خود ترتیا کوف پنج بار محل  
کلکسیون های خود را تغییر داد ، زیرا  
که سالون های تعمیر وقت به وقت  
توسط شاهکارهای نقاشی جدید  
میشد .

در سال ۱۸۹۲ بعد از مرگ برادر خود  
سرگی ترتیا کوف تصمیم میگردد تمام  
کلکسیون خود و برادر خود را در زمان  
حیات خود به مسکو اهدا نماید که درین شناسایی  
پرداخت . او درک کرد که چه

انجام می دهد و علاوه ازین هیچ کسی  
به این اندازه از نقاشان غمخواری نمیکند  
مثل اینکه ترتیا کوف از وضع زندگی  
آنها واری می نماید .

یکی از اولین اقدامات ترتیا کوف ایجاد  
«موزیم در موزیم بود ، درین موزیم  
ترتیاکوف تمثال های نوبسنده ها آهنگ  
سازان ، اکتور ها ، پیشرو های فرهنگی  
را جمع آوری نمود . او این کار را یکی  
از وظایف وطن پرستی خویش میدانست .



نمای بیرونی نمایشگاه مشهور نقاشی ترتیا کوف



تابلوی که به شیوه خاص کار شد و در نمایشگاه ترتیاکوف



نقاشی کارل برو لیوف سال ۱۸۳۲

زمانیکه کلکسیون ترتیاکوف ترتیب  
 گردید، اکادمی نقاشی تا اندازه زیاد  
 اهتیت خود را از دست داد. در آثار  
 هنری بیشتر ریا لیزم انعکاس می یافت  
 و کسانیکه تابلو هارا جمع آوری می نمودند  
 به آثار هنری قرن هزده اعتنا نمی کردند  
 اما ترتیاکوف از اهمیت آنها آگاه  
 بود.  
 او بیشتر اوقات در معازنه های تنبیه  
 فروشی میبود به امید اینکه آثار هنری  
 نقاشان معروف را بدست آورد که این  
 کارش چندین بار به مو فیت انجامید.  
 ترتیاکوف این رانیز میدانست که  
 تعداد زیادی از تمثال های معروف و  
 باستانی در خانه های شخصی مردم موجود  
 میباشند از دوستان خود خواهش نمود  
 تا درین مورد به او اطلاع دهند، ترتیاکوف  
 خود نیز با خانواده های قدیمار بساط  
 مکتوب میگردفت و از آنها خواهش می نمود  
 تا تمثال هارا به نما یشگاه او واگذار  
 شود. به این ترتیب تقریباً چهل تمثال  
 قرن هزده را جمع آوری نمود که درین  
 جمله آثار هنری نقاشان معروف نیکیتین،  
 لیوتسکی، روکوتوف شامل میباشند.  
 نمایشگاه مشهور نقاشی ترتیاکوف شورش  
 چارده نفر:  
 اساس و صفحه در خنان کلکسیون  
 ترتیاکوف را سال ۱۸۶۱ یعنی سال  
 که در روسیه ریفورم بنیان آمد تشکیل  
 میداد. این شاهکار بزودی در نما  
 روسیه پختن گردید علاقه مندان هنسر  
 نقاشی را به هیجان آورده آنها قسمتی  
 از آنها درین مورد از خود نابوری شان میدادند.  
 نقاشی های مذکور در میا روزه  
 با نقاشی ها یک صنف جنبه اکادمیک  
 و رسمی داشت مقام مناسب را کسب نموده  
 است. این میا روزه نه تنها علیه اکادمیزم  
 و علیه سبک هنری بود بلکه مبارزه جهان  
 بینی های متضاد بود که با لخره به شورش  
 چارده نفر انجام میداد.  
 این چارده نفر به سرکردگی ایوان  
 کرامسکی در سال (۱۸۶۳) از روش رهبران  
 اکادمی نقاشی عدم رضایت خود را اعلام  
 نمودند و برای ابد با اکادمی قطع  
 علاقه نمودند.  
 در نیمه نو میر سال ۱۸۶۳ محصلین  
 اکادمی غرض امتحان نهائی گردیدند  
 آمدند. رئیس اکادمی منبیت سوال  
 امتحان اعلام داشت تا در قسمت نقاشی  
 هائی کار کنند که موضوع افسانوی  
 را دارا باشند.  
 درین اثنا ایوان کرامسکی از جای  
 برخاست و اظهار داشت که چارده  
 نفر درین امتحان اشتراک نخواهند ورزید  
 زیرا که شورای اکادمی پیشنهاد آنها را  
 عینی بر انتخاب آزاد و موضوع نپذیرفته  
 است.  
 هر يك از اعتصاب کنندگان اظهار  
 تحریری با لای میز گذاشته و برای ابد  
 ارتباط خود را با اکادمی قطع نمودند.  
 بعضی از مداحین وقت این عمل  
 آنها را میخواستند سبک مغزی و بی

تجر به گری جو انا ن جلوه د هنداما  
 واضح بود که این کفر سبک مغزی نبوده  
 بلکه نوعی از مبارزه را علیه جا مدفکری  
 و کهنه پرستی نشان میداد که از مسایل  
 مبرم حیات میسر چشمه میگردفت.  
 این شجاعت «چارده نفر» در محیط  
 نقاشی شور و هیجان رابار آورده  
 و متعلمین صنوف ابتدائی ازین تاریخ  
 به بعد، مانند سابق به سخنان برو-  
 فیو را ن خود چندان گوش نمیدادند،  
 و به طرف نقاشان آزاد روسی او ر دند  
 در روزهای معین گردید «چارده نفر»  
 گردید هم می آمدند و با همدیگر مسایل  
 مبرم نقاشی را مطرح می ساختند. در  
 مسایل مبرم زندگی، اهداف ادبیات  
 و هنر نقاشی جنبه هنر ریا لستی بسط  
 بسیار سرعت تبارز میکرد. رهبر گروه  
 «چارده نفر» ایوان کرامسکی انسان بسیار  
 عاقل، استوار و در مقابل حوادث بسیار  
 پسر د بسیار بود. ایوان کرامسکی  
 از خود شاگردان بسیار با استعداد داشت  
 و او امر او را از هر چیز حتی از نشان  
 افتخار اکادمی بلندتر میبشرد.  
 یکی از اعضای همیشه گمی این گروه  
 نقاش معروف سالیهای (۶۰) و سیلی-  
 پیروف بود. در آثار عا ن شاهکار های  
 پیروف که تمام آنها جنبه انتقادی داشت  
 با بسیار احساس ژرف زندگی واقعی  
 دهها قین روسیه را منعکس مینمودند. در  
 اینجا از شاهکار های معروف او «مشایعت  
 متوفی» «گراچی سه اسبه» میتوان  
 نام برد.  
 ترتیاکوف این آثار را به زودتر پس  
 فرست بدست آورد.  
 در سال (۱۸۷۰) ایوان کرامسکی و  
 پیروفی که سا زعماد هان اساسی نام  
 یشگاه بسیار بودند در قطار خود نقاشی  
 راجا دادند که آثار آنها جنبه زیبا پرستی  
 و فرمالیزم را نداشت و به زندگی  
 واقعی خلق ها مطابقت داشت.  
 به زودی نقاشی این گروه شهرت  
 زیادی را کسب کرد زیرا که نما یشگاه  
 ها نخست در پتر بورگ و بعداً در شهر  
 های دیگر روسیه بمعرفش نما یش قرار  
 میگرفت. نیکلای کسا نیکن در یادداشت  
 های خود چنین مینویسد: «اگر بسط  
 هر سو از شمال تا جنوب، از بحیره  
 بالتیک آلی بحیره سیاه، از وار مسال  
 تا والگا نظر ریا فگتید دید، میشود که  
 این نما یشگاه و توجه پنج ملیون نفر را  
 که دارای موقعیت اجتماعی مختلف و سن  
 های مختلف میباشند جلب نموده است  
 ظهور آن نهاد در جا از طبقه طبقه  
 همان محل شور و هیجان بر پا می نمود  
 معالانی که درین مورد از طرف نویسندگان  
 گان مشهور روسی نوشته میشد شهرت  
 نمایشگاه های بسیار را قبل از ورود آنها  
 به منطقه پختن مینمود و به اهمیت آنها  
 می افزود.



# مسلم دوستانه به تمام خلق مای هیچ که در راه آزادی و استقلال و ترقی اجتماع مبارزه نمایند

معروف و مشهور در نما یشگا تریاکوف وجود میا شد . در سال های (۱۸۹۰) واسیلی پولینوف بعیت امتداد نقاشان ظهور نمود . در این وقت میخواهند در شاهکاری های خود هر چه اضافه تر نکات شاعرانه را جا دهند . این قسمت صفحه دیگر هنر روسیه را نشان میدهد .

پتراول بود نقش شده است . پس از وفات پتر اول منشیکوف میخواست زمام امور را بدست گیرد اما در پلان خیر اندیش خود پیش موفق نگردد . نما مای اولو تروت این ضبط شدو به سایر یادر تعبیر بر می برد .  
سور یکوف منشیکوف و خا نواده او را در خانه محقر نشان می دهد . علاوه از شاهکاری های فوق آثار هنری نقاشان

جیران نا پذیر بد در مقابل پسرش حکایت میکند . چون این تا بلو خاصیت افشاء گری را دارا بود تریاکوف به بسیار تکالیف تو اوست تا آنرا بعرض نمایش بگذارد .  
در شاهکاری واسیلی سور یکوف منشیکوف در بر زوفی زلدگی تر از بدی و بر مشقت منشیکوف را که از بین مردم بر خاسته بود و هم ز م

آثار این گروه در نما یشگا تریاکوف بدون کم و کاست آن وجود دارد . بطور مثال آثار ایوان کرامسکی یک سالون بزرگ را اشغال نموده است . ایوان کرامسکی را جمع به تا بلو خود «حضرت عیسی در بیابان» چنین مینویسد : «هر شخصی در زندگی خود با لحظه مواجه میشود نمیداند بطرف راست و یا چپ برود ، بطرف چپ روگردان شود و یا یک قدم در مقابل فجایع پایه عقب نگذارد .» این تا بلو یکی از شاهکاری های بود که تریاکوف آنرا بسیار دوست داشت .

اهداف که درین نقاشی گنجینه شده است به روحیه و مفکوره روشنفکران پیشرو سالهای (۱۸۷۰) که مفهومی زلدگی را در منصرف شدن از زندگی شخصی بخاطر تحقق آرمان های مردم می دیدند بسیار قرابت داشت . یکی از قسمت های نما یشگا تریاکوف را تا بلو های ایلای گری که نقاش مشهور سورد

و ماتند کرامسکی در نقاشی های خود از مان های مردم را تشکیل نموده بود تشکیل داده است . این موضوع را یکی از شاهکاری های او بنام «پتر اول از پسر خود شپزاده الکسی استنطاق مینماید» و نقاشی های دیگر او که در او اواخر زندگی خود تحت رهنمایی های لوف تو لستوی که در عین دوست بسیار صمیمی گمی بود ثابت مینماید . در قسمت نهم دوم قرن نوزده تا بلو های مناظر طبیعی انکشاف سریع نمود . در نما یشگاه سیار خود الکسی ساود اسوف یکی از شاهکار های خود را بنام «زاغ های پرواز نمودند» به نمایش گذاشت که به گنزار کرامسکی ازین لحظه طبعش به قلب «طبیعت روسیه» آغاز گریه . در پیشرفت های که نما یشگاه سیار به آن نایل آمد استعداد های مانند ایلیا ریپین و واسیلی سور یکوف رول مهمی را بازی نمودند بطور مثال تلافی خاص ریپین به حوادث در اما نیک در بسیاری از شاهکاری های او مانند «انتظار نه کشیدند» ، «ایوان گرو زنی و پسرش ایوان در ۱۶ نومبر سال ۱۵۸۱» از بیوغ او در مورد هنر نقاشی حکایت میکند .

یکی از شاهکاری های پتر اول «ایوان گرو زنی و پسرش ایوان در ۱۶ نومبر سال ۱۵۸۱» روی واقعیت استوار است . در این شاهکاری ها دیده میشود که ایوان گرو زنی در لحظه غلبه خشم پسر خود را قتل می رساند .

تمام نکات شاهکار از خطا و عمل



نقاشی فدو تف بنام عروسی قوماندان سال ۱۸۴۸

۱۷۰۰

# مقدمه دوستانه ب مردم اتحاد شوروی که جامعه خود را ششتر و بدو طبقات سازد و ایجا در کنند

داغلی «نیرو»

## انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر یا سر آغاز تاریخ نویین بشریت

هفت نوامبر سال ۱۹۱۷ که از آن مدت تاکنون شصت و دو سال سپری گردیده است، جهان رستاخیز زرف و رویداد مترنگ در سرزمین روسیه به وقوع پیوست که در نهایت آن دیوان کهنسال زمان و در آینه پروسه تکاملی جوامع بشری هیچ رویداد و رستاخیز، بسا چنین اہمیت و شکوه کبیر ما هیت سیر تکاملی زمان و زندگی اجتماعی را دگرگون ساخته باشد فرج نشده و باز تاب نگردیده و نمیرود. این رستاخیز همانا انقلاب سوسیالیستی ۱۹۱۷ در روسیه بود که واقعا جهان بشریت را تکان و تحریک شگرف بخشید.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر ۱۹۱۷ اولین انقلاب بیروزمند پرولتاری بود که در فروغ نیوغ رهبر داهی حزب بلشویک و موجود و آموزگار احزاب طراز نوین پرولتاری و لادیمیر ایلیچ اولیانوف (لنین) و بروقوق اراده پرولتاریای رزمند روسیه و در نهایت بمشابه ضرورت عینی تاریخ جامعه آنجا بظہور رسید. گر چه تاریخ انقلاب با ت زیادی رادیده است، اما انقلاب سوسیالیستی اکتوبر با همه انقلابات پیشین که در مسیر زمان بوقوع رسیده بود تفاوت کثیری دانسه و به هیچوجه نمیتوان چنین انقلاب عظیم و انسانی را با آنها در مقایسه گرفت. بطوریکه همه انقلابات پیشین تنها یک فرمایشون اقتصادی، اجتماعی را بدون اینکه بر مہیت استثماری آن دگرگونی انقلابی وارد آورد، بجای فرمایشون اقتصادی اجتماعی دگر قرار میداد و اما انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ از لحاظ شکل و مہیت و هدف و وظائف خود تنها در مہیت و مضمون تاریخ جوامع بشری تغییرات شگرفی رونما ساخت بلکه اولین بار قدرت سیاسی را از جنگال جباران و استثماریان رها کرده و بدست استثماریان شوندمان انتقال داد که این اساسی ترین تفاوت کثیری انقلاب اکتوبر با انقلابات سلف در بویہ تاریخ به شمار می آید.

انقلاب کبیر اکتوبر سر آغاز ساختمان جهان و جامعه نوین و بمشابه آغاز گر انقلابات بیروزمند ملی، خلقی و کارگری در سراسر جهان دارای اہمیت و مقام تاریخی و جهانی بوده که چه از جهت میانی طبقاتی خود و چه از نگاه پایه های ایدئولوژیک و سیاسی اش فرا راه تجربی و علمی همه انقلابات پرولتاری قرار گرفته است. اما در اینجا باید گفت که این انقلاب نه اینکه آغاز انقلابات کارگری در جوامع بشری میباشد بلکه در فروغ همین انقلاب بود که نفیست های رهایی بخش ملی و انقلابات ملی و دموکراتیک از مرحله کلاسیک خویش بیرون جہیده و وارد مرحله طراز نوین گردیدند، زیرا تا زمانیکه هسته جهان سوسیالیزم بوسیله فعل و انفعالات نتایج انقلاب کارگری اکتوبر نفع و تکوین نیافته بود سخن از انقلابات ملی و نفیست های رهایی بخش ملی به شکل نوین در میان نبود بدین مفهوم که قبلا هدف نفیست های رهایی بخش ملی را صرفا حصول استقلال سیاسی احتوا میکرد در حالیکه بعد از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر کلیه نفیست های نجات بخش ملی وارد مرحله طراز نوین گردیده و از آن به بعد تنها با حصول استقلال سیاسی کشورها بسنده نمیرود از جهت دیگر نفیست های رهایی بخش ملی و انقلابات ملی و دموکراتیک در جهان بشوانه و پشاهتک بهتر و برتر از اردو گاه سوسیالیزم ندارد که این اردو گاه محصول پیروزی انقلاب اکتوبر و ره آورد تکامل پر و سعی تاریخی و جهانی است. این انقلاب، واقعا دارای ویژگیهای ملی، اہمیت جهانی، مقام تاریخی مہیت انقلابی، اهداف انسانی و در بردارنده فورم و محتوای بی سابقه و بی نظیری بوده و هست که میتوان در بیان هر یک کتب و رسالات متعددی در قید نگارش کشید اما این مقال از حوصله بیان و بازتاب و وصف کلیه جہات چنین مختصات

آن عاجز است ولی لازم می بینم که نکات زیرین را بصورت مختصر از نظر خوانندگان مجله وزین ژولنون عبور دهم:

- ۱- مبانی ایدئولوژیک انقلاب سوسیالیستی اکتوبر.
- ۲- مبانی طبقاتی و اجتماعی.
- ۳- اہمیت ملی.
- ۴- اہمیت بین المللی.
- ۵- مقام تاریخی.
- ۶- اهداف.

۱- مبانی ایدئولوژیک انقلاب سوسیالیستی اکتوبر:

انقلاب کبیر اکتوبر ۱۹۱۷ که برای اولین بار بنیاد استثماری را در هم ریخت دارای چنان مبانی ایدئولوژیک بود که آتش خاموش نشدنی را در خرمن ایدئولوژی های بورژوازی و ارتجاعی افکند و نه تنها برای نخستین بار با فرو ریختن کاخ استثماری در سرزمین روسیه پروسه افول و زوال قطعی استثماری را در مقامی جهان آغاز نهاد بلکه به نحوی علمی و عملی بی پایه بودن و مہایت ضد انسانی ایدئولوژی های ارتجاعی را که همواره بخدمت طبقات میرنده و روبه زوال عمل میکنند نیز افشا و برعکس ساخت زیرا همانطوریکه ایدئولوژی های طبقات میرنده و تاریخ زده اجتماعی در سنگر استثماری قرار گرفته و استثماری را جاودانه توصیف میکند انقلاب کبیر اکتوبر که در فروغ و بر بنیاد ایدئولوژی علمی پرولتاریا به تحقق رسید به همان سان ایدئولوژی های ارتجاعی را مہینا افشا کرده و اثبات کرد که تمام ایدئولوژی های ارتجاعی به هر شکل و نحوه ای که عمل میکنند قادر نیست که دردی از درد های بشریت زحمتکش را درمان کرده و یا آدمیان را بصوب قتل آرمانیهای بلند پایه و مرز سعادت واقعی آنان رهنمون واقعی باشد که یکی ازین شواهد همانا زوال خود استثماری در فروغ انقلاب کبیر اکتوبر در روسیه بود بدین مفهوم که این ایدئولوژی ها، استثماری را جاودانه و دائمی توصیف کرده و برای همیشه پایدار می دانستند اما مہینگی مناسب استثماری گرانہ بین انسانها در روسیه در هم شکست مسلما از یک طرف بی پایه بودن ایدئولوژی بورژوازی و پندار حاوتصورات طبقات استثماری و موعظه های دروغین ایدئولوژیک های این طبقات عملا به اثبات رسید و از جانب دیگر با فروریختن دژهای استثماری، این حکم علمی آیدیو- لوجی علمی طبقه کارگر که سالها پیش از رهبران انقلاب اکتوبر بوسیله مارکس و انگلس تدوین شده و بسویله ولادیمیر ایلیچ لنین در پیروزی انقلاب اکتوبر به حقیقت رسید نیز ثابت گردید که استثماری همانسان که در تاریخ همیشه وجود نداشته و در یک سنتز عالی جامعه نیز به کلی نابود میگردد.

ایدئولوژی ای که در پرتو آن از جامعه روسیه و اوضاع جهان شناخت درست به عمل آمده و لنین بر پایه آن حزب طراز نوین پرولتاری را ایجاد کرده و تکامل داد که در نتیجه مبارزات هدفمند و آگاهانه این حزب انقلاب کبیر اکتوبر مطابق اراده پرولتاریای یکبارجوی روس به پیروزی رسید و در نهایت این انقلاب نیز بر اساس همین ایدئولوژی و در پرتو رهنمود های خلاق آن گسترش و تکامل یافت همانا ایدئولوژی علمی طبقه کارگر بوده که علمی ترین، پرتوان ترین و واقعی ترین و برنده ترین ایدئولوژی ها بوده که در سنگر منافع طبقات زحمتکش و موافق به واقعیت های زمان و رشد عینی تکامل جوامع بشری عمل می کند.

ایدئولوژی طبقه کارگر که مبانی ایدئولوژیک انقلاب کبیر اکتوبر و سایر انقلابات پرولتاری جهان بوده و میباشد از جامعه و جهان شناخت درست بدست میدهد، پدیده های اجتماعی را به نحوی علمی بررسی میکند. استثماری را جاودانه نمیداند و با اینکه خلق را سازنده تاریخ میداند و بلورمند است که در سراسر جهان صلح و ترقی اجتماعی به پیروزی رسیده و بر تمام مظالم ملی و طبقاتی و نمود های ضد ترقی و ضد انسانی پایان داده می شود. از نظر گاه ایدئولوژی علمی طبقه کارگر جامعه سیر بویایی داشته و از سکون و سکوت بعید میگردد. ایدئولوژی علمی طبقه کارگر، آینده را از پرولتاریا میداند و پیروزی حق را بر باطل و علم را بر جهل و در فرجامین سخن غلبه ارتقا را بر ارتجاع ضرورت تاریخ و حکم آمرانه داور زمان بیان می کند از نظر ایدئولوژی علمی طبقه کارگر کهنه زوال می یابد و جای خود را به نویی میدهد.

این ایدئولوژی امروز رهگشای پرتوان و مشعل فروزان همه بشریت زحمتکش بوده که هیچ ایدئولوژی دیگر را توان مقاومت و نبرد در برابر آن نیست زیرا این ایدئولوژی یگانہ ایدئولوژی علمی، واقعی، بران و فروزان بوده که در سنگر پرولتاریا و دیگر زحمتکشان قرار دارد و انقلاب کبیر اکتوبر در پرتو و بر پایه همین ایدئولوژی به پیروزی رسیده و تکامل دیده است و این اولین و مهم ترین انقلاب در تاریخ بود که در پرتو چنین ایدئولوژی تحقق یافت و بر بنیاد همین ایدئولوژی استحکام و تکامل کرد.

۲- مبانی طبقاتی و اجتماعی:

در بند پیشین دیدیم که مبانی ایدئولوژیک انقلاب کبیر اکتوبر همانا ایدئولوژی علمی طبقه کارگر بود چون ایدئولوژی طبقه کارگر سلاح همه زحمتکشان در نبرد با دشمنان ملی و طبقاتی شان میباشد لذا اولین انقلابیکه آرمانها و خواسته های طبقات استثماری شونده

را در آینه مرام انقلابی و در پروسه عمل خود منعکس ساخت همانا انقلاب کبیراکتوبر بود مثلا قبل ازین انقلاب، در انقلابات دیگر اهداف و ماهیت شان به سود اکثریت نبود. تنها با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر بود که کارگران و دهقانان که مطابق اصول علمی ایدئالوژی پرولتاریا متحدین نزدیک آنان در مبارزه علیه ارتجاع، استبداد و امپریالیزم محسوب میگردند. بهم متحد شده و در پیشاپیش دیگر افشار و طبقات زحمتکش و مولد اجتماعی در حفظ و حراست و تکامل انقلاب خویش و در امر درهم شکستن مقاومت بورژوازی و سایر دشمنان طبقاتی شان تحت رهبری دولت دیکتاتوری تپ نوین ایشان که مولود انقلاب اکتوبر بود در جو جهت یعنی در ساختمان جامعه نوین و در برابر دشمنان خویش کار و یککار انجام داده و میدهند.

بنابرین انقلاب کبیر اکتوبر بحیث نخستین انقلاب پیروزمند کارگری نه اینکه علی الرغم دیگر انقلابات، در بر تو ایدئالوژی علمی پرولتاریا و بر پایه این ایدئالوژی به پیروزی رسید بلکه اولین بار در تاریخ پایه های اجتماعی چنین انقلاب را علما و عمال کارگران دهقانان، پیشه وران و اهل کسبه، کارمندان زحمتکش دولتی، روشنفکران و دیگر اقتدار و اصناف مولد و زحمتکش تشکیل میداد که در انقلابات گذشته هیچ سابقه نداشتند.

ماهیت این انقلاب طبقاتی بسوده و نه روی ملاکهای محلی، مذهبی، ملی و قومی بلکه روی ملاکهای طبقاتی پایه و مایه داشت.

بدین مفهوم که انقلاب کبیر اکتوبر راه نجات کمالاتی را به پیش گشود که سازندگان واقعی تاریخ و مولدین اصلی نعمات مادی و معنوی بودند. واقعا این رویداد زرف و شگرفی در تاریخ بشریت بر سابقه بود که قدرت سیاسی برای نخستین بار از دست طبقات استثمارگر بدست طبقات استثمار شونده انتقال یافت. در اثر انقلاب اکتوبر بود که دولت مستبد تزار و ازگون شد و در جای آن دولت دیکتاتوری پرولتاریا مستقر گردید.

و بدین ترتیب هویتی پدید آمد که در سنگر دفاع از صلح، استقلال ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی قرار گرفته و درفش مبارزه آگاهانه طبقاتی را در برابر غول ارتجاع و استبداد به اهتزاز در آورد.

در پایان این بند باید گفت که یکی از صفات کیفی انقلاب اکتوبر با انقلابات سلف آن همانا میانی طبقاتی آن بود که عبارت از کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان و مولدین نعمات مادی جامعه بودند و این واقعا چرخش زرف و عظیم تاریخی بود که طبقات استثمار شونده صاحب قدرت سیاسی شده و بادیست گرفتن سرنواشت خویش در راه اعمار جامعه بدون طبقات و در راه صلح و ترقی اجتماعی به کار و یککار آغازیدند.

۳- اهمیت ملی :

انقلاب کبیر سوسیالیستی در روند گسترش ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود دگرگونی های زرف و همه جانبه را در جامعه روسیه پدیدار ساخته و در بر تو همین گسترش چند بعدی، انقلاب اکتوبر بوده که اکنون کلیه جمهوریت های اتحاد شوروی

دارای زندگی آبرومندانه و شگوفان و مرفه می باشند. زیرا همینکه انقلاب کبیر اکتوبر به پیروزی رسید مائین ظلم و ستم دولتی بورژوازی تزار درهم شکست، دولت نوین پرولتاری ایجاد شد. کارگران و دهقانان بهم متحد شدند. طبقات استثمارگر از سر بر قدرت فرو افتیدند اولین بار اهمیت و نقش صلح به نحوی همه جانبه ارزیابی شده و درفش آن به اهتزاز درآمد. فرمان مساله اراضی صادر شد که مطابق آن مالکیت ملاکان بر زمین یکجا برای همیشه و بلاعوض ملغی شد. زمین به مالکیت خلق درآمد در اجرای این فرمان یکصد و پنجاه میلیون هکتار زمین زراعتی مجاناً به دهقانان واگذار گردید.

علیه بیسوادی مبارزه گسترده آغاز شد. در جهت احیای فرهنگت ملیت های مختلف اقدامات به عمل آمده و در زمینه حق تعیین سرنوشت ملل، اصل آزادی ملت ها در منصفه عمل نهاده شد. قروض و اقساط دهقانان ملغی اعلام شد و عملیات و اقدامات انقلابی جهت شگوفانی کشورشوراها و بمنظور اعمار جامعه بدون طبقات بسرعت گسترش یافت و طلعه ارمغان انقلاب کبیر اکتوبر باین ترتیب درخشان تر گشت که : «صلح برای کشور، زمین برای دهقان، آزادی برای زحمتکشان، مساوات برای زنان، رهایی از ستم ملی برای خلقها، نجات از ستم و امتیازات طبقاتی و ستم اجتماعی».

در پروسه انقلاب کبیر اکتوبر بعد از رفیم سوسیالیستی ارضی، پروسه مکانیزه شدن عمیق زراعت آغاز نهاده شد صنایع تسلیح و سبک به نحوی شگرفی توسعه و انکشاف داده شد راه های آهن احداث گردید و آنچه که قبلا وجود داشتند همه ملغی شده و در اختیار خلق قرار گرفت. بانک هاملی گردید. یعنی در فروغ انقلاب کبیر اکتوبر بود که وحدت خلقهای برابر وابسته به ملیت ها و ملل گونه گون سر زمین پهناور شوروی تامین شد زنان برای اولین بار از حقوق طبیعی و اجتماعی شان به نحوی عصری و دموکراتیک برخوردار شدند. تعلیم و تربیت اشغال جوانان مطابق روحیه انقلاب و در بر تو جهان بینی علمی روتق انقلابی یافت، مبارزه علیه انواع بی عدالتی، تبعیض، ارتشاء، یکساری، بیسوادی، بیماری، فقر، جهل، رخنه سیاسی عقب مانی اقتصادی، نابرابری های اجتماعی، زور و زور گویری و نظایر اینها تشدید یافت و کار و یککار در جهت استفاده از ذخایر سرشار طبیعی و فعال ساختن همه جانبه قوای بشری در دهکده ها و مراکز شهری گسترش داده شد و بدین نحوه خلق شوروی در بر تو انقلاب کبیر اکتوبر راه بهتر و برتر و انقلابی زندگی را جلو انداختند و روز بروز بر معایب مشکلات و مضایب گونه گون غلبه می آورند.

اما در چنین حالات ارتجاع داخلی و خارجی نیز آرام نه نشستند و به عملیات، توطئه ها، تجاوزات مسلحانه و تخریبکاری ها و تبلیغات بشیرمانه و خصمانه نیز دست یازیدند.

مرتجعین داخلی و بلژماندگان تزار بیسواد ارتزاقی را با پول از بازارها و مارکت ها خریداری کرده و یا بخاک پنهان میکردند و یا به دریا ها می انداختند. بازچه های گونه گون

جمع آوری شده و به آتش انداخته می شدند قرار گرفت کار شکنی و سیوناز، اختلال و دهنشت و ترور، و تخدیر اذهان به شدت دامن زده می شد. لیزم قرین و پیوست گردیده و همین حالا جنگهای داخلی مشتعل گشت، تجاوزات مسلحانه دشمنان خارجی انقلاب اکتوبر، بر راه افتاد چنانچه در برابر دولت جوان شوروی (چارده) کشور امپریالیستی دست به تجاوز بردند تمام منابع تبلیغاتی و تشریفات امپریالیزم و استعمار شب و روز از سقوط و شکست و ناکامی انقلاب کبیر اکتوبر واز نا بسودی بلشویک ها گذارش میدادند. اما در چنین شرایط انقلاب به پیش می رفت و دشمنان انقلاب بیوسه روسیه واقفا می شدند خلق و دولت شوروی در دو جنگ اول و دوم جهانی خسارات زیادی متقبل شدند اما از انقلاب خویش تا پای جان حراست و حمایت کردند و همان است که در طی سصت و نود سال کشورشوراها از به اصطلاح پیشرفته ترین، متمم ترین و عصری ترین کشور های بورژوازی جهان پیشی گرفته و چنان جامعه بی اعصار گشت که اکنون میتوان گفت که در روند آنجا تنها نور صلح و سعادت و ترقی اجتماعی می نابد و اکنون دارند که وارد مرحله دوم جامعه نوین گردند.

۴- اهمیت بین المللی :

انقلاب کبیر اکتوبر دارای اهمیت عظیم بین المللی بوده چنانکه از همانم که به پیروزی رسید بنیاد استثمار و سرمایه را در سراسر جهان به ارتعاش افکنده و تمام صفحات گیتی که در سایه سیادت استعمار قرار داشت به تونیم بخش کرده و بدین ترتیب نه تنها قوت استعماری جهانخوا را ضعیف و ناتوان ساخت بلکه در همه جا پروسه تلاشی سیستم استعماری سرعیا آغاز یافت جهان به دو اردوگاه متخاصم سوسیالیستی و امپریالیستی تقسیم گردید. در سراسر جوامع سرمایه داری نهضت کارگری و انقلابی پرولتاریا اوج گرفت و در کشور های آسیا، افریقا و امریکای لاتین درفش حریت طلبی و مبارزه علیه استعمار به اهتزاز درآمد چنانچه در بر تو تاثرات امواج نور انقلاب کبیر اکتوبر بود که خلق قهرمان مانیز با قیام مسلحانه خویش برای نخستین بار به سیادت مستقیم استعمار بریتانیادکرتور شان پایان داده و باین شکل یکر از حلقه هارنجیر استعماری راهبرین صفحه گیتی از هم فرو پاشیدند خلقهای ایران، هندوستان چین و کشور های دیگر علیه ارتجاع داخلی و تسلط استعماری به یکبار برخاسته و بدین نحوه هر روزی که میگذشت کشوری آزادی خود را از دست استعمار بازمی ستاند.

در ادامه پروسه تکامل همین انقلاب بود که بعد از جنگ دوم جهانی یک عده کشور های دیگر در ارو پای شرقی دارای نظام های خلقی و کارگری شدند و روز بروز سیستم سوسیالیزم کشش و نیروی جاذب شگرفی در میان خلقهای جهان باز یافت وهم اکنون اکثریت مسکونیین سیاره ما راه سوسیالیزم را در پیش گرفته اند.

یعنی انقلاب کبیر اکتوبر مبارزه طبقاتی را در مقیاس جهان نیز تشدید کرد و درفش صلح و آزادی خواهی در همه جا بلند شد، و امپریالیزم در آستانه نزوال

کلیه نهضت های ملی و انقلابی با سوسیالیزم قرین و پیوست گردیده و همین حالا به روند نیرو مند انقلابی جهان یعنی سیستم جهانی، سوسیالیزم، نهضت بین المللی پرولتاریا و جنبش های رهایی بخش ملی که علیه استعمار، ارتجاع و امپریالیزم مجدا نه یکبار می نما یند همه محصول مستقیم و غیر مستقیم پروسه تکاملی انقلاب کبیر اکتوبر میا شد.

۵- مقام تاریخی : انقلاب اکتوبر بر پروسه تاریخ و تعیین سیر تکاملی آن نقش انقلابی بجا نهاده و سمت گرایش تکامل جوامع بشری را پیش از پیش مشخص گردانید، بویژه اینکه ما میگوئیم مضمون دوران کنونی را گذار از بورژوازی به سوسیالیزم تشکیل میدهد حرف ساده نبوده و چنین مضمون تصادفی شکل نگرفته است اما این بدان معنی نیست که از تکامل قانو نمند تا ریح انکار کنیم و بر حله سوسیالیزم را که مطابق سیر طبیعی تاریخ و بر پایه جبر زمان بصورت محتوم آمدنی بود تنها فرآورده محض انقلاب کبیر اکتوبر و دیگر انقلابات کارگری و خلقی قبول کنیم زیرا سیر تاریخ بصوب همین مرحله بحرکت بوده و بحرکت است. اگر ما بخواهیم و یا نخواهیم روزی در سراسر جهان بشریت درفش صلح و ترقی اجتماعی به اهتزاز آمده و بر همه بدبختی ها و نابرابری های اجتماعی و جنگ و تجاوز و استثمار پایان داده میشود این ضرورت عینی زمان ورشد قانونمند پروسه حدود ناپذیر تکامل اجتماعی بشری بوده که فرملسیون اقتصادی اجتماعی سوسیالیزم روزی در مقیاس گیتی مسلط خواهد شد و همه جوامع به سیر تکاملی خود به مرحله فاقد طبقات ادامه میدهند اما باید اذعان کرد که حقیقت و امر پیروزی آن به دفاع ضرورت دارد، لذا صلح و ترقی اجتماعی نیز ساده به جهان حاکم نمیگردد همان نظوری که به منظور رویش لاله های دلکش صلح و سوسیالیزم در بر خسی از کشور های جهان، خون هزاران انسان مبارز و صلح طلب و ترقی خواه چهیره زمین را گلگون کرده و این لاله ها را از خون خویش و به قیمت خون شان آب داده و طراوت و خسر مرمی بخشیده است بهمان سان استقرار جهانی صلح و سوسیالیزم چنین قربانی ها را بدنیال دارد زیرا طبقات مرتجع و امپریالیست هابه سهولت و سرعت مواضع خویش را رها کرده و تا پای جان در برابر مبارزات نیرو های تحول طلب و انقلابی مذبحخانه تلاش می ورزند.

ولی فراراه مبارزات تند و شعوری و پرتوان و کثیر البعد تمام خلقهای جهان مشعل آید یا لوزیک و تجریبات انقلاب کبیر اکتوبر بر گردید زیرا با این انقلاب در ماهیت و نحوه تاریخ تکامل جوامع بشری سرعانه تغییر وارد آمد و سر زمین شوراهای و انقلاب پرولتاریای آن به زودی بقیه در صفحه ۲۹

سوداگر: هو، از خاطر زدها؟ ... امامه  
 می خواهم که مرهم بپزند که تومره کجا  
 میری . جاب پای مره که پاک کنی هیچکس  
 نمیتانه بشهد که تومره کجا سردی ...  
 (بعد بحالت مشکوک) : برو، تویش برو ...  
 مه از پشت می آیم .  
 سانبها راه خودرا ادامه میدهند بدون اینکه  
 حرفی باهم تبادل نمایند .  
 سوداگر باخود میگوید : روی ایدیکسها  
 جاب پای به صراحت دیده میشه، بهتر است  
 که جاب پای ره پاک کنیم ...  
 جوالی : عاصاحب، راه ره بالکل درست  
 آمدیم . هیچ غلط نکرده، اونو، اونچه ره  
 ببین . (بالگفت اشاره میکند) دریا ...  
 دریا ره... داباشی مره گفته بود که دریا  
 میایه (باخوشحالی) ماراه ره شکر غلظ  
 نکرده . او وقت که ده ایوخت سال او دریا  
 اوقه زیادتس، ومامانیم به آسانی تیر  
 شویم . واکه سیل آمده باشه باز دنگه  
 خطرناک اس و تیر شدن هیچ ممکن نیس .  
 - هرغو بدوینا نزدیک میشوند . صدای  
 دریا بیاتگر طغیانی بودن دریاست .  
 جوالی : اوه سیل آمده ...  
 سوداگر : موقت نداریم ، باید تیر شویم .  
 جوالی : نیسته ، خطرناک اس، هشت روز  
 باید صبر کنیم تا دریا آرام شه .  
 سوداگر : مامانیم یکروز صبر کنیم ،

میکنه ؟  
 سوداگر: ما، فقط ما... ای کار به همی  
 سفر مابندس، به مه، به تو، فکر کو، چشم  
 ملیو نسا انسان همی لحظه به طرف  
 توس، بطرف تو انسان کوچک وناجیز ....  
 وتو هنوزهم غفلت میکنی ووظیفته انجام  
 نمینی .  
 جوالی در حالیکه از ترس بعد از هر کلمه  
 سوداگر سر خودرا به علامت مثبت تکان  
 میدهد ، در اخیر جملات سوداگر میگوید :  
 مه اوبازی ره یاد نداریم ، غرق میشم ...  
 سوداگر: زندگی مه هم ده خطرمن، مه از  
 زندگی خود تیر میشم اما تو انسان که هیچ  
 چیز نداری، بازهم جرئت نمیکنی، مه میفهم،  
 تو اصلا خوش نمستی که مازودتر به جورگا  
 بروم ، چونکه بری تو ، روز مطرح اس، تو  
 روزانه مزده مگیری وهرقدر که مادی ده  
 راه باشیم، فایده نس، مه ای گپ هزاره  
 می فهمم توبه غیر از مزده دنگه به هیچ  
 چیز دهی سفر علاقه نداری .  
 جوالی که به کنار ساحل وحشت زده  
 ایستاده است میپرسد : مه چطور کنم ؟  
 بعد به آواز خوانی میردازد :  
 اینهم دریا  
 دریای پر خطر ، خطر مرگ  
 در ساحل دومرد ایستاده اند .  
 یکی شناسمیکند، اما دیگری معطلی دارد.

جوالی از سوداگر نمانمیکند و میگوید :  
 پس اجازه بتین گمه افلا نیم روزاستراحت  
 کنیم . ازین که باربردییم خسته شدیم .  
 وخبیکه مه ماندگی خوده گرفتم باز امکان  
 دازه بتانم خودمه به اوطرف دریا برسانم .  
 سوداگر : مه چاره بهتری را بلد هستم .  
 حالا لوله تنگچه ره به پشت میمانم وشرط  
 میکنم که نوازمه بیشتر به او طرف دریا  
 میرسی .  
 (سوداگر جوالی را بامیله تنگچه تجدید  
 نموده میگوید) : برو ... پیش برو ... پیشه  
 مه ای قدرت ره بری مه مینه که مه از دره  
 هاترسم ودریا ره فراموش کنیم ... (سوداگر  
 در حالیکه جوالی رایه داخل دریا مجبور  
 میسازد به آواز خوانی میردازد :  
 به اینترتیب انسان فراموش میکند .  
 دست وپایان ودریای خروشان را  
 به اینترتیب انسان خودش را فراموش  
 میکند .  
 وپیل را، طلای سیاه را، بدست می آورد .  
 شب سیاه :  
 تاریکی شب فرارسیده . جوالی با آنکه  
 یکدمشش شکسه وبادستمال کپنه و جرك  
 آرا به گردن خود آویخته است، می خواهد  
 خیمه را برای استراحت سوداگر ایستاده  
 کند . سوداگر در گوشه متشکر نشسته  
 است .  
 سوداگر خطاب به جوالی نه خو گفتم که  
 چون دسته ده دریا شکستندی و امکان  
 دازه کمی دردم داشته باشه، ازی خاطر به  
 خودم خیمه ره ایستاده میکنم ..  
 (جوالی بدون توجه به سخنان سوداگر به  
 آماده کردن خیمه ادامه میدهد) .  
 سوداگر: آگه مه زره از دریا نمیکشیدم،  
 وخت غرق شده بودی .  
 (جوالی بازهم بی اعتنا به کار خود ادامه  
 میدهد) .  
 سوداگر: گرچه مه در شکستن دست تو  
 کدام گناه ندارم ولی چون غیر از مه کس  
 دیگی نبود، از ای خاطر کمکت کنم، آگه نه  
 به مه چی، امکان هم داشت که اونته درخت  
 بدست مه می خورد و دست مره میشکستند .  
 در آنصورت تومره کمک هم نمیکدی . شاید  
 هم نمی خواستی کمک کنی، چون تو فکر  
 میکنی که ده جیب مه پسه زیادس، اما مه  
 خاطرته جمع میکنم . خوب گوش کو، مه  
 ده جیبیم پسه زیاد ندارم ، اما به جورگا که  
 رسیدیم بازار باقک میگیرم و مزده تره میتن .  
 جوالی : خوب صاحب .  
 سوداگر (باخود) : اصلا دلش نیسته که  
 درست جواب مه بده، خوب صاحب ... بله  
 صاحب ... اینطور طرفم سیل میکنه که فقط  
 دسته مه شکستنده باشم . ای جوالی ها  
 انسانهای کثیف ویکاره هستند ... (خطاب  
 به جوالی) : برو ... خوگو ...  
 جوالی کمی نور تر میرود و بگوشه  
 میشندد . سوداگر ( باخود ادامه میدهد)  
 انسانهای تنبل ویکار ... حتی او بازی ره  
 هم یاد نداره، چی ره یاد داری، از همان  
 طفولیت تنبل ویکاره تریه میشن ... اینها  
 بارغوش ما هستند ... شجاعت، دلیری ....  
 اصلا در نهاد اینها نیس، همینطور که آدم  
 چیزهای کثیف ویکاره ره از خانه خودش  
 بیرون میاندازد باید ما اینهاره هم از جامعه  
 بیرون بریم . مفت خورها انسانهای تر سو

ضعیف ... (بعد سوداگر به آواز خوانی  
 میردازد) :  
 آدم مریض میمیرد و آدم قوی به پیش  
 میرود .  
 اینست رمز خوب زندگی .  
 آدم ضعیف را کمک کنید . آدم قوی را  
 لگدمال .  
 اینست رمز خوب زندگی .  
 نگذار بیافتد ، آنچه که مافند  
 به اوضربه بزنی که زودتر بیافتد  
 چونکه ، اینست  
 رمز خوب زندگی  
 جوالی آهسته نزدیک میشود ، سوداگر که  
 متوجه آمدن او شده با خود میگوید : آه ،  
 مثل اینکه گپ های مره تمام شده باشه ...  
 از ترس خطاب به جوالی میگوید : ایستاده  
 باش ... پیش نیا، جرمی خواهی؟  
 جوالی: صاحب ، میخواستم عرض کنم  
 که خیمه شما نیارس وشما میتانین استراحت  
 کنین ...  
 سوداگر: دری تاریکی شو اینطور خبیب  
 اینطرف وآنطرف ترو، ازی کارها خوشم  
 نیایه ... هر وقت که نزدیک مه میایی، مر  
 خواهم که پیش از آمدت صدای پاتسه  
 بشنوم ... راستن خوب فکرته بگر، هر وقت  
 که مه هرات گپ میزنم، می خواهم که به  
 چشمهایم ببینی فهمیدی؟ ... (بعد به مغرض  
 امر میکند) برو... خوگو... زره به مه عرض  
 نیس که خوگم یا نه کدم ...  
 جوالی بر میگردد که برود ... سوداگر  
 مثل اینکه حرفی به فکرش گشته باشد  
 خطاب به جوالی صدا میزند : ایستاده باش .  
 توبروده خیمه خوگو، مه اینچه میمانم ...  
 مه به هوای تازه عادت دارم .  
 جوالی به خیمه میرود .  
 سوداگر : دلش اس که مره ده خیمه تیر  
 کنه و باز سرمه حمله کنه ... فقط مه نمی  
 فهمم ... می خواهم بفهمم که چقدر از اشعار  
 مره ای شنیده ... (بعد از لحظه سکوت)  
 سوداگر : چی میکنه ؟ فکر میکنم هنوز  
 هم پسلان می سنجه .  
 سایه جوالی بروی پرده خیمه ظاهر میشود  
 که مصروف آماده ساختن بستره میباشد .  
 سوداگر : ای حماقتس آگه مه مستوجه  
 خود نیانم . اعتماد حماقتس ، دست اوبسه  
 خاطر مه شکست و فکر میکنم که ده زندگی  
 دیگه جورهم نخواهد شد . البته که او حق  
 دازه از مه انتقام بگیره ... مه باید متوجه  
 خود باشم، بیدار میمانم ... آدم قوی آگه  
 خوابشه به اندازه آدم ضعیف که بیدار است،  
 زور نداره ... اصلا آدم ده زندگی نیاید  
 خوگنه .. ... (مثل اینکه کمی سردش شده  
 باشد) میگوید: اما بهتر است که ده خیمه  
 بیدار باشم : ده هوای آزاد امکان دازه  
 مریض شوم، اما کدام مرض میتانه به اندازه  
 اینطور آدمها خطرناک باشه . بخاطر یک  
 پیشه ناجیز چند روزش که پشت پشت مه  
 میایه و نوکری مره میکنه بخاطریکه مه پسه دار  
 هستم . گرچه که راه به اندازه کافی بری  
 هرغوی ما مشکل بود ولی او باید بارمیرد ..  
 وقتیکه گفت مانده هستم، زدمش، وقتیکه  
 داباشی هراتش دست نومیته داد، دستشانه  
 کوتاه کدم . داباشی هم رفت پشت کارش .  
 وقتیکه او بخاطر دزد ها جاب های پای ماره  
 پاک میکرد مه به اش بی اعتمادی کدم .

ترجمه دکتور نجیب الله یو سفی برتولت برشت

# قاعده و استثناء جوالی

قسمت دوم

نوخ هشت روز میگی، ما باید تیر شویم .  
 جوالی : پس باید یک کشتی یا تنه درخت  
 پیدا کنیم که غرق نشیم .  
 سوداگر : نمیشه وخت کم است، دیسر  
 میشه .  
 جوالی : مه که اوبازی رایاد ندارم .  
 سوداگر : او چندان زیاد نیس که تره  
 غرق کنه ...  
 جوالی پای خودرا بدریا داخل نموده و  
 (به صلاح قداو) میکند . دو باره به عجله  
 و ترس زیاد از دریا خارج شده میگوید :  
 اوز یادس ، از سرم میپره .  
 سوداگر : وقتیکه داخل دریا شدی باز  
 خود بخود او بازی کنه میتانی ، مه میفهم،  
 تونسی فهمی ...  
 جوالی : آخر ماجرا به جورگا بریم ؟  
 سوداگر : آدم احمق، تونسی فهمی که ای  
 یک خدمت بزرگ برای انسانها خواهد بود،  
 اگر مائیل بدست بیاریم، وختی تیل بدست  
 آوردیم، اینجاره، استیشن ریل میسازیم و  
 زندگی مرهم بهتر میشه، نان، لباس، و خدا  
 میداند که چه چیز های دیگی برای مرهم  
 تهیه خواهد شد .  
 جوالی : نان، لباس ... ای کار هاره کی

آیا آن یکی شجاع است ؟  
 آیا آن دیگری ترسو است ؟  
 به آنطرف ساحل یکی از آنها  
 در انتظار معامله بزرگ و گنج بزرگ  
 است .  
 یکی از خطر میرود و  
 نفس سوخته میرسد به ساحل تسخیر شده  
 اوبه جایگاه خود میرسد  
 او غذای تازه می خورد  
 اما آن دیگری  
 از خطر  
 شناورده می جهد در آغوش هیچ  
 تن ضعیف اورا  
 خطر دیگری در آغوش میکند  
 آیا هر دو شجاع هستند ؟  
 آخ : از دریای مشترک مغلوب  
 دو برنده مساوی  
 بیرون نمی جهند  
 ما ، من و تو  
 اینها همه یکی نیستند  
 ماموقیت بدست خواهیم آورد  
 ولی تو برمن غالب میشوی  
 صدای طغیان دریا صدای جوالی را تحت  
 تاثیر قرار میدهد . بعد از لحظه سکوت

# انقلاب کبیر سوسیالیستی

هیئت کارگری واتر نامیو نالیستی این انقلاب خوب تر و بهتر عیان گر دیده و میگردد زیرا هدف انقلاب کبیر اکتو بر رها بی انسان از بند انواع اسارت و استثمار فرد از فرد بوده که بدین ترتیب با قاطبه انسانهای امیر و بد بخت و استثمار شونده ارتباط میگیرد. انسانها آزادی و برابری می خواهند. انسانها صلح و سعادت می خواهند انسانها زندگی مرفه، مسترخ و پیروزی های درخشان می خواهند و بالاخره انسانها در پس آند که در پرتو مشعل علم و در اثر کار و بیکار و مستدام و انقلابی خویش بر جهان حاکم گردند (در پنج وقتیکه انسانها می گویند منظور واقعا از انسانها است نه از انسان نماها بیکه در صفت و درنده حاصل اند) در حالیکه اینها مامل و هدف را میتوان در پروسه تکاملی انقلاب کبیر اکتو بر در طوسی شصت سال بهتر منعکس دید.

اهدای انقلاب کبیر اکتو بر آزادی، برابری، برادری، صلح و سعادت واقعی برای انسانها و در میان انسانها است. اهداف انقلاب کبیر اکتو بر نابودی استثمار، ارتجاع، استثمار و امپریالیزم بوده که در همه جا استقرار نظام فاقد طبقات و عاری از مظلوم و طبقاتی و دیگر معایب و مصایب را خواهند بود و می باشد.

چون اهدای انقلاب کبیر اکتو بر آزادی انسان در سراسر سیاره ما است بنا برین این انقلاب متعلق به همه خلق های جهان بوده و عید همه زحمتکشان می باشد. زان جهت در هر سالگرد آن تمام زحمتکشان جهان سرود و با یکدیگر پیوسته و بخصوص خلق قبر ما ن انسانان از شصت و دو سالگشت این انقلاب در شرايط استقبال به عمل می آورند که انوار زرينه پوش خورشید انقلاب نور که بر حق دوام دهنده سنن و اهداف و عمل کرد انقلاب کبیر اکتو بر است در سراسر افغانستان عزیز بر کدورت های مظلوم ملی و طبقاتی در حال غلبه است. انقلاب کبیر اکتو بر انقلاب پروتا ریای سراسر جهان است. انقلاب همه بشریت صلح خواه، تحول طلب، آزاد بخواه و مترقی می باشد. هما نظریه اهدای انقلاب کبیر اکتو بر تا مین و استقرار صلح و ترقی اجتماعی و غلبه بر ارتجاع و استثمار و امپریالیزم در سراسر جهان می باشد. بهمان تگونی که خلقهای سراسر گیتی می خواهند و درین جهت مبارزه میکنند که در فتن اهداف و آرمانهای انقلاب کبیر اکتو بر در همه جا پیروز مندانه برافراشته گردد لذا جشن شصت و دو مین سالروز این انقلاب، جشن همه کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان جهان می باشد. اکنون که جهان بشریت گرایش به تحقق اهداف والای انقلاب کبیر اکتو بر دارند امپریالیزم و ارتجاع در همه جا رو به افول قطعی بسر می برد.

زنده باد اهداف انقلاب کبیر اکتو بر برافراشته باد در فتن صلح و سوسیالیزم در سراسر جهان.

نیروی درخشان و پرکشش در میان همه انقلابیون و رزمندگان را آزادی، برابری، برادری، صلح و سعادت همگانی گردید و از انقلاب کبیر اکتو بر به بعد خلقهای جهان در امر سازندگی تاریخ و بنظیر تا مین آزادی شان بیش از پیش نیرو مند تر، هدفمند تر و آگاهانه تر عمل کرده و یقین حاصل کردند که ظلم و استبداد و استثمار و امپریالیزم پایدار نیست.

انقلاب کبیر اکتو بر سیر حرکت تکاملی تاریخ را آهنگ سریع السیر داده و کلیه بشریت مترقی، تحول طلب، آزاد بخواه و صلح دوست را در جهت مبارزه بیکدیگر و خستگی ناپذیر علیه ارتجاع استبداد، استثمار و امپریالیزم بسیج کرد. مبارزه طبقاتی را در مقیاس جهان بخصوص بین اردوگاه سوسیالیزم و امپریالیزم به میان آورده و تشدید بخشید با سقوط نظام مندرس بورژوازی تزارها و ده یخچین هر حله تاریخی یعنی سوسیالیزم را پایه گذاری کرده و تکامل داد. بلی: اولین انقلاب، انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتو بر بود که بشریت را در استان مرحله نوین تاریخ قرار داده و پیروزی صلح و ترقی اجتماعی را در مقیاس سیاره ما امر حتمی ثبوت کرده.

این انقلاب کبیر اکتو بر بود که با سرنگونی نظام سرمایداری تزاری، بنیاد سراسر ما به راه در همه جا لرزانده و تاریخ بشریت را سیر و آهنگ نوین داد. زیرا تا قبل از انقلاب کبیر اکتو بر پیروزی سوسیالیزم و عبور بشریت به هر حله نوین تاریخی که در آنجا سیادت ارتجاعی بورژوازی نباشد یک ایدئال و بهمانه به یک شیخ تصور میگردید چنانچه ایدئالوگهای بورژوازی چه در دوران ما در کس وانگلس وجه در دوران لنین بزرگموقتی که سخن از ایجاد جامعه سوسیالیستی در میان می آمد، پوز خند زده مساله را به باد استیزا و پندار واهی می گرفتند اما با انقلاب کبیر اکتو بر نه اینک تاریخ وارد هر حله نوین خود گردید بلکه به اثبات رسید که جامعه سیر ایستایی نداشته و زمان درنگ نمی پذیرد بنا برین جامعه بورژوازی و ظلم و نابرابری های اجتماعی بر ای هیش پایدار نیست.

معبذا انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتو بر چرخش عظیم و انقلابی در روند تاریخ بدید آورده و پیش بینی های مارکس، انگلس و لنین را کاملاً در زمینه پیروزی و ایجاد جامعه بدون طبقات حقیقت بخشید بر پندارهای واهی ایدئالوگهای بورژوازی که نظام بورژوازی را تغییر ناپذیر و جریانی تاریخ را برهم و در هم و تصادفی می انگاشتند یکباره خط بطلان کشید.

اهدای انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتو بر:

انقلاب کبیر اکتو بر ۱۹۱۷، در اتحاد شوروی دارای هدف کویک و بسته به نیاز مسکونین یک محل و کشور نبوده بلکه دارای اهداف انسانی بوده که هما نا انصاف جامعه بدون طبقات و پیروزی صلح در سراسر جهان بوده و است این اصل از تمام

و فنیکه از دریا ترسید، فنگچه به ترسیده براند. همای اینطور آدم که دلش پرازگینه است، چطور میتانم به یک خیمه خو کنیم... او نبتانه که ای چیزها فراموش کنه... می خواهم بفهمم که او ده مابین خیمه چی میکنه و کشتک چی ره مینه؟

سایه جوالی از بیرون دیده میشود که می خواهد بخوابد... لحظه بعد جوالی استراحت میکند (دراز میکند).

سوداگر: مه خو دیوانه نیستم که همراهِ او یکجای خو کنیم...

فردای آروز باز هر دو به راه خویش ادامه میدهند، سوداگر که به جوالی اعتماد ندارد از عقب جوالی در حرکت است. آفتاب ظهر دشت، قدرت و توان جوالی را خیلی کاسته است. جوالی میباید.

سوداگر: برو چرا ایستاده شدی؟  
جوالی: سرک اینچه خلاص میشه.  
سوداگر: به قهر به طرف جوالی میرود و میگوید: خوب، یعنی چی؟

جوالی: صاحب، اگه مره میزین، شماره بخدا که ده دست اوگارم نزلین... راه از پیشم گم شده، ازی به بعد به راه ره بلد نیستم.

سوداگر: اما او شاگرد هونلی خو بری نوره ره نشان داده.

جوالی بلی صاحب.  
سوداگر: ووقتیکه به از تویرسان کنیم که راه ره بلد شدی گفتی آ... وکلش به قبل مرغ واری شور دادی.

جوالی: بلی صاحب (لحظه سکوت).  
سوداگر: توگپ های شاگرد هونلی ره اصلا نفهمیدی، درست است؟  
جوالی: بلی صاحب.

سوداگر: چی چرا گفتی که به راه ره بلد شدم؟  
جوالی: به ترسیدم که اگه میگویم که راه ره بلد نیستم، مره هم جواب بتین، همینقدر نفهمیدم که شاگرد هونلی گفت ده راه یکدریا میباید و باز کاریزها...  
سوداگر: خوب او کاریز ها کجاس؟  
جوالی: نمی فهمم.

سوداگر: برو پیش برو و فکر نکو که به آدم احق هستم وگپ های تره قبول میکنم... به خوب می فهمم که توره ره بلد هستی و چندین دفعه ده ای ره آمدی و رفتی...

جوالی: به ازی به بعد راه ره بلد نیستم. بهتر است که مانتظر دیگر ها باشیم که از پشت مامی آیند.

سوداگر: خو، منتظر باشم؟ و تو باز تا اووخت استراحت کنی ها، چطور؟  
برو پیش برو... (آنها میروند).

سوداگر: کجا میری؟ ای خو بطرف شمال س که تو میری؟ شرق اولجه س. (جوالی بطرفیکه تاجر میگوید پیش میرود).  
سوداگر: ایستاده باش.

جوالی میباید ولی چشمپاش به زمین دوخته است.  
سوداگر: مه تره نگفتم که هر وقت همرایت گپ میزنم به چشمپاشم بین. چرا طرف مه سبیل نمیکنی؟  
جوالی: به فکر کردم که شرق اولجه س.  
سوداگر: صبر کو، حالی مه تره شرق نشان میتم، حالی مه تره نشان میتم گسه چطور به راه راست بری. (تاجر او را به دست افگارش میزند): حالا فهمیدی که شرق کجاس؟  
جوالی فریاد میزند: بدست اوگارم نزلین، شماره بخدا بدست اوگارم نزلین.  
سوداگر: میباید و میباید.  
سوداگر: شرق کجاس؟  
جوالی: اولجه (به سراسر اشاره میکند).  
سوداگر: خوب کاریزها کجاس؟  
جوالی: اوطرف (به سراسر اشاره میکند).  
سوداگر: اوطرف... اما تو خو اوطرف میرفتی.  
جوالی: نی صاحب.  
سوداگر: چی او طرف که نمی رفتی.  
پس کجا میرفتی. (او را میزند)...  
جوالی: از شدت درد فریاد میزند.  
بلی صاحب.  
سوداگر: کاریزها کجاس؟  
جوالی: سکوت میکند.  
سوداگر: (ظاهراً به محبت و آرامی): تو خو لحظه گفتی که کاریزها کجاس، بگو کاریزها کجاس؟  
جوالی سکوت میکند.  
سوداگر: او را میزند و فریاد میکند: می فهمی که کاریزها کجاس؟  
جوالی: بلی صاحب.  
سوداگر: باز میزند و میبرد: می فهمی که کاریزها کجاس؟  
جوالی: نی صاحب.  
سوداگر: مره پتک اوتو.  
جوالی: پتک آب خود را میدهد.  
سوداگر: خوب، به میتانم حالی، ولواگه از تشنگی هم بمیری، بریت هیچ او تم. اما... گرچه مره راه غلط بردی، باز هم به ای کاره نمیکنم. بگیر یک شب او بخور و بره راه راست برو.

جوالی هنوز کمی آب نخورده که سوداگر پتک آب را از دستش میگیرد و میگوید: پس است. برو دیگه... (آنها میروند).  
سوداگر باخود میگوید: به او ره نباید به ای سرحد میزنم. او... به کنترل خوده از دست دادم. (آنها میروند).  
سوداگر: (بعد از لحظه) اینچه خوب بودیم. اینه چاپ پای ما.  
جوالی: فکر میکنم که از همینجه راه ره گم کردیم.  
سوداگر: خیمه ره ایستاده کو. پتک او ماخالی شده و به پتک خود هم هیچ اوندارم. جوالی به آماده ساختن خیمه میبردازد. (تا تمام)

# ثور و اکتوبر



باد از جانب کوه آمد

آمد و جامهٔ راهش را

بوی باروت گزان بر میخواست

زود در پرتو خورشید انداخت

بر لبش قصهٔ جنگ

در کفش دسته گل موخته داشت

گفت: آنگاه که زمین ملکیت دهقان شد

آتش کینهٔ فروزان گردید

گفت: ارباب

نوکرش

نوکر نوکر ارباب

خشمگین جانب کهنسار به راه افتادند

باد گفت:

وزمجویان سپاه مردم

که به پشت دشمن

نام شان با قلم تیره جا میماند

بر فراز سر شان بپرق سرخ تور است

و به بازو هاشان

خون پاکیزهٔ «اکتوبر» توان میبغشد

و به هر سنگر پیکار دفاع مین

ارتش خلق کو مشعل دارند

یکی از «تور» و یکی از «اکتوبر»

باد گفت:

به تلاش دل‌دویا

و به آزادی خویشم میگویند

که بدان عینانم

آنسوی مرز

دست آلودهٔ چندین دشمن

با یکی وحدت ناپاک

و با بخت شوم

شریم امضای یکی پیمان را

بر جبین میپوشند

هر کجا

اینسوی مرز

دوسیهٔ خانهٔ دهقان

و چراگاه بزبان شیری

و به هر ناکستان

آتش جنگ فرو میکارند

باد از جانب کوه آمد

آمد و جامهٔ راهش را

بوی باروت گزان بر میخواست

زود در پرتو خورشید انداخت

بر لبش حرف ستایش از «تور»

و فرا راه درازش

تابش مشعل «اکتوبر»

باد گفت:

تا آنک باغرش برهول بلندگ

راه بردشمن رهزن بسته

لشکر «تور» به هر یک سنگر

خشم را بازو و سر بشکسته

باد گفت:

در همهٔ راه شنیدم از خلق

جاودان بادا تور!

جاودان باد «اکتوبر»!

آفرین باد به باد

که چنین مژدهٔ جانبخش داد!

کابل ۷ عقرب ۱۳۵۸

# طلوع مقدس

در دنیا

اگر صدایی

بماند

اگر سرودی

بماند

اگر کلمهٔ بی

بماند

صدای انسان،

سرود انسان،

در این کلام است:

عشق من، ای رهایی پرواز از قفس!

آزادی ای طلوع مقدس!

# یادی از اکتوبر کبیر

از دورهٔ نخست سر آغاز برده‌گی

تا اینزمان که عصر رهایی توده هاست

دیدست این جهان

این زال سالخورده

در طول قرن‌ها

در سیر حادثات

بس انقلابها

با کبر و دار غرش و توفان جنگها

\*\*\*

آری به هر زمان

هر جا که غول وحشی استمگر پلید

بر خلق بینوا

بیداد کرده است

آخر بکیفرش

جوشیده خون خلق

عصیانها با شد بر ضد این و آن

و ازون گشته کاخ ستم با ستمگران

\*\*\*

اما ...

اماندیده تابه کنون چشم روزگار

آنان که در زمان «لنین»

خلق رنجبر

دهقان و کارگر

بر رهبری حزب جهانساز بلشویک

در آخرین قیام خود از خشم انتقام

توفان سیل خلق

مواج و بر خروش

لرزاند دشمنان سیه کار توده ر

شد و ازگون نظام ستم، آن نظام شوم

ویران گشت کاخ خدا یان زود و زر

پیروز گشت جنبش پیکار کارگر

بر بار اولین

در کورهٔ زمین

نابود گشت دشمن بد خواه توده ها

تزار خونخوار

با جمله خائنین

بهر ابد ز صحنهٔ تاریخ محو گشت

\*\*\*

بر جان آن بنای خرافی ارتجاع

اعمار شد کاخ نوین امید ها

کاخ شکوه خلق

ایجاد شد نظام نوین برابری

پریا به تعاون و عدل و برابری

\*\*\*

در یاد آنزمان

از مادرود باد به آن «خلق قهرمان»

و ز مادرود باد به آن «پیشوای خلق»

بر «لنین کبیر»

آموزگار و هم‌ره و هم‌زم کارگر

هم‌درد و هم‌نبرد و هم‌آهنگ دهقان

آن بهترین رفیق گروه ستمکشان

آرزومند

# سور خلقی بیرغ

## پیشوای

## انقلاب

## کبیر

## اکتوبر

لنین آورده پیغام بهاران  
به خاک افکند او کاخ تزاران  
به آیین عدالت روی گسره  
یکی را کشته از بهر هزاران

غتاب نیز بین ولادیمیر است  
همی او مهربان که سخت گیر است  
سریر سروری او را مسلم  
که بتک فرق سلطان و امیر است

تزاران را ز پا لنین بر افکند  
اهو را شد رها و دیو در بند  
چپانی آفرید او شد دمانه  
چکش را داده او با داس پیوند

لنین با عزم و با نیروی ایمان  
سرم را ریشه کن کرده ز بنیان  
ره روشن گزید و راه پیمود  
رفیق کارگر شد بار دهقان

م. عاقل بیر تک کو هدامی

## مرگ

من اگر روزی مرگم  
با کیمتارم خاکم کنید  
وزیرش

من اگر روزی مرگم  
میان درختان نارنج  
و بوته های پونه

من اگر روزی مرگم  
و اگر خواستید خاکم کنید  
مرا در درختی افراشته ببچید

من اگر روزی مرگم  
فدویکو کارسالیورکا

دغه سور بیرغ چه گو ری  
داد لوی افغان غیرت دی  
دایه ویتو گپل شو ی  
دشپید دبا کی وینسی

دغه تیشه د عزت ده چه خلقیان پیری و پاری یدلی  
نیو نه د شرافت ده چه خلقیان پیری نا زید لی  
داد خلقو لوی قدرت دی  
دبا با لویه سینه کنسی  
سلیمان دمو دو ورو سته  
به شرور با ندی ولاهدی

داسمبول دآزادی دی افغانان پیری دابول شو ی  
دغه تیشه د عزت ده چه خلقیان پیری نا زید لی  
دی کنسی ستوری داقبالشته  
دی کی ژوند دکار گر دی  
دغمو ویزی گسره  
دی کی خلق را اول شو ی

هسک ربیری هسک ولاه دی د شهنشانی شرمیدلی  
دغه تیشه د عزت ده چه خلقیان پیری و پاری یدلی  
دا قدرت دی دیو زلو  
دا قوت د قوی میسر  
دعمرو تو زور ید لسی  
اخوانیان او د شهنشان به

دامو ژوند دامو آبروده دشمنان پیری دردیدلی  
نمونه دشرافت ده چه خلقیان پیری نازیدلی

جکون رحمن الدین (اکبری)



## در قلب دشمن

## نیشتر گردی

سواد آموز جانم ! نا تو هم صاحب نظر گردی  
برای خویش و خلق خویش تو بدر نظر گردی  
اگر خواهی شوی فارغ ز قدیم ترین دنیا  
توجه کن به آموزش که تا روز زنده تر گردی  
بهر وقت که گیری دامن دانش مده از کف  
ترا منزل رساند گر تو دا به هم سفر گردی  
جراغ معرفت آنگه تو چشمت میکند روشن  
که آموزی سواد از حال یکدیگر خبر گردی  
نکردند برده تاریک دور از پیش چشمات  
برای اینکه در بحر تغافل غوطه ور گردی

شده فرصت میسر راه دانش را پذیرا شو  
که تا در زند گانی و الف از هر خیر و شر گردی  
ز تاریخ درخشان لیاکان درس ها آموز  
تو گر آئی بخود در قلب دشمن نیشتر گردی  
بنازد هاشمی دست رسایی را که از مرداب  
نجات داد که نیروی وحدت بهرور گردی

انرا میر محمد کاظم هاشمی

## دهقان

باغ هستی خرم و سرسبز چون بستان نبود  
گر پلاش صبح و شام فغله و دهقان نبود  
جمع ما آشفته و درهم چو زلف بار نبود  
کار ما گریابه اش بر وحدت و ایمان نبود  
دهقان چون برده روز و شب اسیر رنج کار  
با چنین رنجی ورا سپهری ز گنج خان نبود  
کارگر جان میکند در کارگاه و مزد نیست  
دهقان را با همه زحمت به اربان نان نبود

کار فرما ، کارگر را بنده پندارد ولی  
اجرتی این بنده را از آنهمه فرمان نبود  
نان به نرخ جان بدست آرند خیل رنجبر  
اینچنین نانی بدست آورد نش آسان نبود  
گر کسی هم زد ظلم کار فرما ، یا که خان  
دافرس او را بجز تبعید یا زندان نبود  
بشت دهقان زخمدار از ضربت شلاق خان

این چنین مسزای مسزای زارع افغان نبود  
طفل دهقان فرغیم نان دیده اش گریان جوار  
بزم خان را جز شراب و سره بریان نبود  
این چنین ظلمی خداوند جهان کسی آفرید  
این مستکاری عنایت در کف بسزدان نبود  
آنکه گفت : عزت و ذلت از او بر ما رسد  
آن بلید زشت طینت پیرو قرآن نبود

قدرت سرمایه این بنیاد را بر بسا نهاد  
گرچه بنیادش بدوران سخت و جاویدان نبود  
دهقان زنجیر محنت را ز دست و پا گنود  
این چنین کاری ز دهقان قابل کتمان نبود  
اوبه آزادی رسید و من به آبادی رسیم  
گرچه شهر عزم من هم آنچنان ویران نبود  
جان من بسا در کنار دهقان و همش  
غیر از او «پرویز» را در زندگی جانان نبود  
«پرویز»

## هیچکس

هیچکس جز تو نخواهد دید ،  
که چگونه در میان صخره های سرخ قلم ،  
یک درخت عشق می روید ،  
و فرازشاخه های رنگداری این درخت عشق ،  
هیچکس جز تو نخواهد دید ،  
که چگونه نور می ریزد ،

هیچکس جز تو نخواهد دید ،  
که چگونه در نگاه نشانه خورشید می روید ،  
هیچکس جز تو نخواهد دید ،

# دستیای اطفال

## اطفال و سوء تغذی

گراف و احصایه هائیکه در دست است سوء تغذی بعد از اثنا نات تنفسی و عضمی رقم عمده و فیات در اطفال میباشد . از آنجا نیکه اطفال از تکساه هستی مادی و معنوی يك جا معمه مهمترین قسمت آن محسوب می شود ، قدرت و نیروی آینده جامعه و کشور را تشکیل میدهند رول ارتقا و تکامل جوامع بشسری را ایشان ایفا نموده و این موجودات با ارزش جامعه در سیر نشسو و نمای جسمی و روحی خود با انواع خطرات و واقعات نا گوار مواجه می

باشند جهت رشد سالم ، تربیسه درست و مصوو نیت از هر نوع افات و امراض جسمی ، دماغی و روحی خود به تشر يك مساعی وجهد پیگیر . مو سسات و ار گانهای مختلف اجتماع ضرورت دارند . قبل از انقلاب ثور به حال اطفال زحمتکشان که اکثریت جامعه مارا تشکیل میدهند از طرف حکو مت های پو سیده فیو دالی و مستبد گذشته کمتر ین توجه بعمل نیامده و اطفال دستخوش انواع بیماریها گر سنگی و بیسوا دی بودند . دایر نمودن سیمینار های علمی و

معلومیاتی از طرف مقامات بسا صلاحیت جهت حل پرابلم های فقدان و فقر غذائی ، در امان نگهدا شتن اطفال از شر آفات و بیماری های گوناگون و قابل وقایه بی معلوماتی در باره رشد و نمو سالم اطفال و فراهم آوردن امکانات خیلی علمی و تربیتی در بوجود آوردن يك نسل سالم و نیرو مند، شجاع و رزمنده و وطنپر ست در خور اهمیت زیاد یست .

**سیمینار تغذی و تربیه طفل بمناسبت سال بین المللی طفل از طرف سکر تربیت سال جهانی طفل بهمکاری موسسه صحت طفل مونسات ذیعلاقه و مساعسدت**

اداره یو نسف در کابل چندی قبل دایر گردید که در بلند بردن سوپه مشمو لین این سیمینار نهایت مفید واقع شد .

ما پیرا مون این سیمینار مصاحبه ای با دو کتور سو نا رام رئیس موسسه صحت طفل و سکر تربیت سال بین المللی طفل بعمل آوردیم که اینک از نظر شما میگذرد :

سروی کدام منظور سیمینار تغذی و تربیه طفل افتتاح شد ؟

چون اطفال قشر مهم جامعه میباشدند و قبل از انقلاب ثور در قسمت آنها توجه ای نشده بوداین نو نهالان ما دچار انواع و اقسام بیماری ها می گردیدند . و نظر به احصایه هائیکه در دست است سوء تغذی بیشتر سبب مرگ کود کان ایکه در فقر زندگی می کنند می گردد .

سیمینار تغذی و تربیه طفل را بمنظور شروع مجادله به این آفت و متوجه ساختن والدین افتتاح و دایر نمودیم ، در سیمینار متذکره معلمین مکاتب ابتدائی ، معلمین کود کستا نها ، بعضی از والدین و منسو بین وزار تخانه هاشترک نموده بودند که تعداد شان به دو صدو هشتاد و هفت نفر می رسید - تدویر چنین سیمینار ها تاچه حد مفید بوده و آیا قبلا نظیر این سیمینار ، سیمیناری دایر گردیده یا خیر ؟

البته که تدویر چنین سیمینار ها نهایت مفید و موثر می باشد و اشتراك کنندگان بصورت درست گردند ، تا حال گرچه چندین سیمینار تغذی اطفال دایر گردیده مگر چنین سیمیناری بر گزار نگردیده است که این تعداد اشتراك کننده داشته باشد .

از دو کتور سو نا رام خواستم تا نتایج این سیمینار را برای ما توضیح کنند .

گفت : نتایج سیمینار را که حاوی مقالات و مطالب نهایت مفید و دلچسپ بود طور آتی خلاصه میکنم :

پرابلم ها و مشکلات فعلی ایکه اطفال ما به آن مواجه اند :

۱- فقر غذائی یکی از عوامل



سوء تغذی در اطفال سبب لاغر ی زیاد و امراض گوناگون می گردد.





عمده بیمار یهای اثرات سوء تغذی و وفیات اطفال در افغانستان محسوب می شود ، فقر نه تنها مقاومت اطفال را در مقابل امراض انتانی پایین می آورد بلکه تاثیر مستقیم در نشو و نما ی فیزیکی و حتی رشد دماغی و روحی آنها دارد که در عقب ماندگی استعداد ها ، قدرت و نیروی تولیدی آینده اطفال تاثیر نا مطلوب و سوء دارد .

قابل تذکر است که يك سوم تمام اطفال لیکن زنده بدنیا می آیند در اثر فقر غذایی و امراض ناشی از آن قبل از آنکه به سن پنج سالگی برسند نیست می شوند .

۲- امراض انتانی و از آنجمله اسهالات ، بیچسبها ، انتانات طرق تنفسی ، توبرکلوز و امراض پرازیتی یا طفیلی عمده ترین اسباب وفیات اطفال را تشکیل میدهد . که اطفال دارای سن قبل از رفتن بکتب در کشور ما بیشتر قربانی این مرض می شوند .

۳- پائین بودن سطح حفظ الصحه محیطی و عدم توجه جدی فامیل ها به صحت جسمی و روحی اطفال زحمتکشان این سر زمین که ناشی از شرایط ناگوار اقتصادی و اجتماعی ، مشکلات فامیلی ، رسوم و عادات خرافاتی و عدم داشتن معلومات کافی در مورد استعمال درست مواد غذایی که همه آنها میراث عقب نگه داشتن جامعه ما توسط حکومت استبدادی و طفیلی و فئودالی گذشته اند .

۴- توزیع غیر متوازن ، خدمات صحی ، تعلیم و تربیه و غیره بین مناطق شهری و روستائی و عدم موجودیت پرسونل کافی درین ساحت .

جهت حل مشکلات فوق درین سیمینار چه توصیه های داده شده؟ وی در ادامه صحبت خود گفت : توصیه هائیکه در سیمینار تغذی و تربیه طفل جهت حل مشکلات فوق داده شده قرار ذیل می باشد: اول در ساحت خدمات معالجوی : ۱- بسط و گسترش هر چه بیشتر مراکز معالجوی طبی در فواصل نزدیک مخصوصاً در روستا ها جهت بررسی و حل پرابلم های معالجوی اطفال .

۲- توسعه ، تقویه و از دیاد مراکز رفاه و حمایه طفل و مادر

در سراسر کشور تا درین زمینه از روز های نخستین حیات داخل رحم طفل ، بوی توجه جدی مبذول شده باشد .

دوم اقدامات اصلاحی ضروری : ۱- در نصاب تعلیمی مکاتب و از طریق تعلیمات سمعی و بصری جدا گانه در باره بیا لوزی انسان ، علم غذایی ، حفظ الصحه محیطی ، مضرات دخانیات و مواد نشه آور (چرس ، تریاک ، هروئین ، الکول و غیره) با در نظر داشت سطح دانشس کلتور ، فهم و عادات اجتماعی هر منطقه ارائه معلومات کافی .

۲- برای نشو و نما ی سالم طفل تغذی با شیر مادر يك اصل انکارنا پذیر ، حتمی است تمام سعی

و کوشش در جهت تنویسر و تشویق تمام مادران به پیروی ازین اصل بعمل آید ، توصیه های تغذی طفل با شیر مادر چه از راه تعلیمات صحی و چه از طریق نشرات رادیو ، تلویزیون ، روزنامه ها ، جراید و مجلات مفید است .

در توريد انواع شیر های بودری و چوشکها تجدید نظر بعمل آید و اشتها رات تجارتي نا مطلوب درین زمینه منع قرار داده شود .

۳- مواد غذایی که همراه با شیر مادر ضرورتاً عوض آن به طفل داده می شود نوع و طرز تهیه آن تعلیم داده شود و کوشش بعمل آید تا از مواد غذایی محلی وارزان

۴- بسط و از دیاد تعداد شیر خوار گاه ها و کو دکستانها و توزیع رایگان يك وقت غذا در تمام کو دکستانها و در صورت امکان برای صنوف اول و دوم ابتدائی همچنان در صورت امکانات مالی از بین بردن فیس واجرت کو دکستانها .

۵- بسط و توسعه مراکز رهنمائی خانواده ها و توزیع بعضی مواد غذایی مخصوصاً شیر بودری به فامیل هائیکه اطفال کمتر از سن پنجساله دارند .

بقیه در صفحه ۴۳

# داکتو بر ستر سو سیالیستی انقلاب

دوه شپینته کاله دمخه دشو روی اتحاد خلک په دی بریالی شول چی داکتو بر ستر سو سیالیستی انقلاب سرته ور سوی .

دایو منل شوی حقیقت دی چی کارگری انقلاب دکار گرا نو دطبقاتی مبارزی تر ټولو لوړ پړاو دی. کارگری انقلاب دټولو پخوا نیو انقلابو نو څخه په خپلو څو مهمو خصوصیاتو سره تو پیر لری . ددغو خصوصیاتو توتر ټولو مهم خصوصیت دادی چی که ټولو تیرو انقلابو نو داستثمار دیوه دیوه شکل په خای داستثمار بل شکل ته خای پریشوده ، کارگری انقلاب له سپری څخه دسپری به واسطه پر استثمار ولاړ نظام له منځه وړی او په نتیجه کی دطبقاتود پیڅی له منځه وړلو سبب کیږی . د کارگری طبقی د گوند په لارښوونه کارگری انقلاب دبی عدالتی اوستم دټولو ډولونو له مظاهرو څخه دټولنی دآزادی په معنی دی ، دانسانانو تر منځ درښتینی ورو ری او برابری ددوران پیل دی .

داکتو بر ستر سو سیالیستی انقلاب چی په روسیه کی (بلشویک) دگوند په لارښوونه منځ ته راغی دکلمی په رښتینی معنی سره یو اصیل کارگری انقلاب ؤ . داکتو بر انقلاب ددو لیت واگی دخلکو په لاس کی ور کړی ، زیار ایستو نکو ته یی له استثمار څخه نجات ورکړی او دهیواد ټولی طبیعی زیر می ، ټولی تولیدی موسسی ، بانکونه او د اوسپنی لاری یسی دوی ته وسپارلی . ځمکه یی په مجانی ډول سره بزگرا نو ته ورکړی او ملی ستم یی چی دروسی له نیماپی څخه زیات خلک رنځول له منځه یو وړ ، او هیواد نه یی له امپریالیستی جنک (لومړنی نړیوال جنک) څخه نجات ورکړ . چی ترازوی دولت دغه هیواد دخلکو دغو بنسټو په خلاف جنک ته ورکش کړی ؤ .

دټور دپر تمین انقلاب زړوز او قهرمان قوماندان ، دافغانستان دخلکو ددمو کرا تیک گوند دمر کزی کمیټی عمومی منشی دانقلابی شورارئیس او لومړی وزیر حفیظ الله امین په خپل نامتو اثر

(دټور انقلاب تیوری) کی داکتو بر ستر سو سیالیستی انقلاب اهمیت په باره کی داسی لیکی : «دټوری په تاریخ کی راز راز پیښی شویدی . چی دټو لیزی پرمختیا دلاری دپراوونوخر گندی نښی بلل کیږی اود هغو اهمیت دهغی اغیزی له وسعت سره برا بر دی چی د بشری ټولنی په مادی او معنوی ژوند کی یی کوی . په هره اندازه چی دهغو داغیزی ساحه پراخه وی د بشریت پامتر نه زیاته څانگه اړوی . دبشری تمدن په سرنوشت کی ددغو پیښو داغیزی له پلوه هیڅ یوه یی داکتو بر له ستر انقلاب سره دمقایسی وړ نه ده . پرو لټری انقلاب لومړنی ستر لنین داکتو بر ستر انقلاب په بری پسی ویل ، په دی ورځو کی دبشری ټولنی تاریخ خپلی ډیری لوی او ډیری سختی څرخیدنی سر ته رسوی . دغه څرخیدنی بی پایانه اهمیت او له یوی زری مبالغی پرته ویلی شم تاریخ یی نړیوال اهمیت لری .

د امریکا دمتحده اضلاعو انقلابی مترقی لیکوال جان ریډ ویل ، داکتو بر لسو ورځو نړی ولې زوله ، نن په تاریخ کی دغه ثبت شوی ویناوی خپل حقا نیست زیات څرگند وی . داکتو بر ستر انقلاب دعلمی سو سیالیزم د تیوری پر تمین بر یالیتوب و چی هغه دژور درک ، فهم او هر اړخیز تحلیل په نتیجه کی دشو روی اتحاد دکمو نست گوند په برخه شو . دبلشویکا نو گوند وکولای شول چی دکارگری طبقی دوران جوړوونکی تیوری دروسی په لانجمنو او پیچلیو شرايطو کی تطبیق کړی . هغوی وکولای شول چی ددغی انقلابی تیوری په پیروی دروسی داستثمار گرانو او ستمگرا نو نظام را نسکور کړی اود لومړی ځل دپاره په نړی کی دپرو لټاریا خورا بریالی نظام ټینک اود استثمار گرو ستمگرا نو له منگلو څخه دټول بشریت دخلاصون لاره پرا نیزی . . .

سو سیالیستی انقلاب بر یالیتوب اود څار چی پر غلگرو دتیری او تجاوز په مقابل کی چی دانقلاب په ضدارا ولاړ شوی وو ، دشو روی حکومت ټول وروستی بریا لیتو . پونه او دسولی په لاره کی دشو روی اتحاد دخلا نده دریځ ، داکتو بر ستر انقلاب دلار ښو دله نامه سره شلید ونکی اړیکی لری ځکه چی داکتو بر دانقلاب ستر لارښود په تل ویل :

**دجنکو نوختمول ، دملټو نویه منځ کی سو له منځته راوړل ، دژور او تالان پای ته رسول زمونځ خاص آرمان دی . . .**

شوروی دولت ته له تزار یزم څخه یو داسی هیواد په میراث پاتی شو چی داقتصا دی رشد به له لحاظ په خورا ټیټه سطح کی واقع و . اوه کاله جنک ، په لومړی سر کی امپریالیستی جنک او وروسته بیا دا خلی جنک چی دانقلاب ددښمنانو له خوا پیل شوی ؤ دشو روی هیواد اقتصا دی سطح یی دو مره را ټیټه کړی وه چی دانقلاب څخه دپخوا شاخص په نسبت یی هم تو پیر درلود . شوروی اتحاد ځوان حکومت د خپل موجودیت له همغو لومړنیو ورځو څخه دټولنی دبیجا جوړولو په کار پیل وکړ .

داکتو بر دانقلاب ستر لار ښود خپل ډولو لوډک ژوند او ټول فعالیتونه دزیار ایستو نکود ته وقف کړی و . دتولید په وسایلو باندی دخصو صی مالکیت لغوه کول ، دټول صنغی امتیازاتو لغوه کول ، اتو مساغتو نو ته دکار را ښکته کول ، دنارینه وو او ښځو دحقو قو برابرتیا ، په ښوونو او روزنه کی ددموکرا تیک رفورم منځ ته را وړل ، دپوهنی دودی په تالار کی زیار او هڅه ، دنوی او مترقی هنر پراختیا اود ملی موسسایو منځته راوړل ، هغه ټول مسایل و چی دشو روی ځوان حکومت دهغوی دخل کولو له پاره په فعالیت پیل وکړ . دشورا گانو ځوان جمهوریت

خپل ټول خلاق او ایجاد کوونکی قوت داقتصا دی وروسته پانسی والی ، دمرضو نو دله منځه وړلو او دغښتلیو کدرو نو دکمیود دپوره کولو له پاره په کار واچاوه . چی دشو راگانو دهیواد څیره دسو سیالیزم له جوړولو وروسته داسی بدله شوه چی چایی تصور هم نه شو کولی ، هیواد له یوه وروسته پاتی حالت چی له څلورو برځو څخه یی دری برخه او سیدونکی دسوا دله نعمت څخه محروم و ، دشمالی سیمو ، ساپیری اود منځنی آسیا ځینو برخو یی حتی الفبا هم نه درلودل په یو مقتدر صنعتی او زراعتی دولت چی دلور او عالی فرهنگ څښتن دی بدل شو او بیسوا دی یی پیڅی له منځه یو وړه . دشو روی اتحاد خلکو د علمی سو سیالیزم دارمانو نو په رڼا کی وکولی شول چی په ډیره لږه موده کی داسی ستر بریا لیتو پونه لاس ته راوړی چی نړی ورته حیرانه شی . په شو روی اتحاد کی دسو سیالیزم دجوړولو تجربو به دا ثابتوی چی آزاد شوی خلک یوازی دټولنی په اجتماعی او اقتصاد دی ساختمان کی دجدی تحولا تو په اجرا اود یو غښتلی ملی اقتصاد په جوړولو سره کولی شی چی خپل واقعی استقلال تامین کړی . داکتو بر ستر انقلاب دخلکو قوت دنوی ټولنی دجوړولو په لور را وگرځاوه چی په هغی کی لکه څنکه چی دشوراگانو دحکومت موسس اود اکتو بر دانقلاب لارښود ویلی وو : چی «سه د امتیاز له پاره خای شته او نه دیو انسان له خوا په بل انسان باندی دستم له پاره خای شته . . .»

# پوهنتون

## دوستی خلق



فادیژ داتینا نکو محصل شو روی بایکی از محصلین پیرو .

این پوهنتون به اساس تصمیم دولت شوروی تا سیس گردید که از تاسیس آن به مقایسه سایر پوهنتون های اتحاد شوروی وقت کمی میگردد . زیاده از شش هزار متعلمین و فارغ التحصیلان مکاتب از صد مملکت مختلف جهان درشش پوهنتون مختلف این پوهنتون در رشته های انجینری ، فزیک ، ریاضیات ، علوم طبیعی ، طب ، زراعت ، اقتصاد ، حقوق و علوم سیاسی ، تاریخ و زبان شناسی مصروف تحصیل میباشند .

محصلین این پوهنتون نظر به احتیاج و نیاز مندی های مملکت خود در رشته طرف ضرورت مشغول تحصیل اند .

فارغان پوهنتون دوستی در ختم سال تحصیلی دیپلوم دریافت میکنند که مساوی به دیپلوم های سایر مؤسسات عالی تعلیمی اتحاد شوروی از زش و اعتبار دارد .

اعضای تدریسی پوهنتون اعم از پرو فیسوران ، استادان و لکچرر دهندگان به دوازده صد میرسد که شامل معروفترین ساينتستها میشود .

همچنان هر يك از استادان از

تخصص مؤثر در رشته مورد نظر برخوردار اند . این پوهنتون دارای هفتاد دوشش دفتر کار و یکصد و شصت و یک لابراتوار اتا قه پای مطالعه ، وورکشا پها میباشد . دوره ستاز و کار های عملی را قبل از فراغت در کنار خاتهای بزرگ ما نند کارخانه موتور سازی لیخا چوف در مسکو ، فارمهای زراعتی اشتراکی و دولتی ، کلینیکها ، مؤسسات تحقیقاتی و سایر که در ارتقاع دانش محصلین مؤثر واقع شود سپری مینمایند . علاوه بر اینکه تحصیل در پوهنتون مجانی میباشد محصلین ماهانه مبلغ نود روبل نیز دریافت میکنند . همچنان محل رها یش شباه روزی ، لباسهای زمستانی ، خدمات مجانی صبحی به شمول ادویه و معالجه و درمان و مبلغی هم به صفت سفریه الی مسکو و از آنجا به او طان شان که همه این تسهیلات برای تمام فارغان پوهنتون مذکور تهیه دیده شده این پوهنتون دارای کتابخانه ، شفاخانه ، پولیکلینیک ، کافتریا و کانتین مجهز میباشد .

اگر محصلی در مدت یکسال در کورس مقدما تی آما دگی کافی گرفته نمی تواند او اجازه دارد تا مدتی که بتواند از عهده رشته انتخابی بدر آید در کورس مقدماتی بدورس خود یشر ادامه داده میتواند .

محصلین کورس های زیاده ی خرج میدهند و در فرا گیری دروس زحمات زیاده را متقبل میشوند .

آنها سا ختمان آخرین نوع ماشین آلات ، مایکروسکوپ الکترو نیک و استفاده از اشعه لایزر و غیره را می آموزند .

دو کتوران جوان انا تو می ، فر-

یو لوژی ، درما شناسی و تمام موضوعات پیچیده طبی را که در لابراتوار های پوهنتون و شفا-

خانهای مسکو مهیا دیده شده است مطالعه و تحقیق میکنند . محصلین تحت نظر استادان مجرب و ورزیده در لابراتوار و کتابخانه ها و کارهای عملی و نظری انجام میدهند .

محصلین میتوانند بصورت داو طلبانه اساتید هنر های زیاده را بخوانند و در مباحثات تاریخ تیا تری ، موسیقی و نقاشی شرکت کنند همچنان این پوهنتون دارای يك تالار شعرو قصه خوانی بنام (قوس قزح) و يك ورکشاب برای ژورنالستان دارد سپورت و تربیت بدنی از جمله مضامین اجباری این پوهنتون میباشد .

زندگی این محصلین (گرد هم آیی بین المللی محصلین) متکی بر اصل دموکراسی و دوستی طرفین میباشد . اشتراک محصلین در جلسات و مباحثات از طرف اتحادیه



یکی از محصلین هندی در صنف جیالو جی در حال مطالعه اساسات کیمیاوی فزیک .

بین المللی دوستی محصلین تنظیم میگردد .

شورای محصلین به همکاری استادان مباحثات علمی روی پر ابام های اجتماعی دایر و زمینه ملاقات هارا با ساينتست های معروف ، نویسندگان ، شعراء و هنرمندان و آرتیست ها مهیا میسازد محصلین جدیدالشمول پوهنتون را با کورس اجباری مقدما تی که مدت یکسال را در بر میگیرد آغاز مینمایند . محصلین رشته ای را که در پوهنتون تعقیب خواهند نمود در سال اول به صورت عمومی خوانده و در طول این مدت لسان روسی را نیز می آموزند .



لیف بلیا کوف اسیستانت پرو فیسور در حالت توضیحات در مورد جغرافیای عمومی .

# هغوی پي ژوندی دی

## ژان لافایت

(تیرپسی)

فرانسوا هغو سگر تو په بدل کې چې موز ورته ورکړی و، دوه خوراګه آښی تر- لاسه کړی دی، ژوول هم یو خوراګه اش لاس ته راوړی دی. له بلې خوا نه زموږ نور ملګری هم خبرې ښه کارونه سرته رسولې دي. په تیره بیا دومره بده ورځ نه وه. ژوند ادامه لری. وګورئ چې سبا کوم شی زموږ انتظار با سی.

د موهوزن نه ماتیدونکی تیرپ:

آین، زوه ی، فده ی، و پر... (آلمانی کلمې یعنی یو، توه، درې، څلور... موهوزن... آب. (آلمانی کلمې یعنی خولسی وباسی) په پنځه کسيزو ډلو کې او پداسې حال کې چې خپلې خولې موبه لاس کې اخیستې دي اولاسو ته مو په دواړو خواوو کې غوږ لاس نیولی له یوې دروازی څخه تیرېږو. ددغه وخت احساس مو هېڅکله نه هیر یږی. د شنه سپار په هوا کې په زړګولو بند یا ن دارد و گا. څخه دکار ځایونو خواته روان دی.

تیرپي نه جوړ شوی دروازی لاندی دیولوی ساعت په څنګ کې چې پنځه نیمې بجې نیسی یو میزا ښودل شوی. اس-اس د هرو سلو- کمو دتیریلونه وروسته یو ټکی پر کاغذ ږدی. دځوان اس-اسونو په منځ کې چې ځلانده بوټو نه یې په پښو کې دی یو ستر متعبدار ولاړدی او موز ته په ډیر غرور سره گوړی، دغه متعبدار دارد و گا. رئیس دی.

هغه ساتونکی چې دده شاوخوا نه دریدلی دی دهغو کسانو څارنه کوی چې پښې یې غلظی شي او یا د لیک څخه بهر ووځي. په هر حال کې د سو کا نو اولغتو گذارونه پر لیک باندي جاری دي.

یو نور بیرغ د جمعې د علامت سره ددروازی په سر کې ر پیري.

کله چې ددروازی څخه تیریدو، با ید داس-اس د سا تو تګو ددو صفو تو لکه منځ نه چې ددیواله په شان و لای دی تیرشو.

توه سو ه پنځو س یا درې سوه تنه وسله وال میراد ورته (دڅارني برجونه) دبیر ته ستندیدو انتظار باسی.

دغه قوی نمایش ددی لپاره ده چې بندیان خپله روحیه له لاسه ورکړی. موز ښه پوهیږی و چې دغه ساتونکی هر یو ستر جنا یتکاران دی او هغه سې چې څنځیرونه یې په لاس کې لری دانسا نا نو د څیرو لخوا لپاره ساتل شوی دی.

مو تزن... اف (خولی پسر)

په بدل کې ډوډی واخلی، موز ګوروی هغه دیوه قطی سگرت په بدل کې یواځی یوه ټوټه توره ډوډی اخلی.

(فرانسوا) (اندره) ته گوری او وایي: سقل دی یا بیللی دی، دیوی ټوټی توری ډوډی په بدل کې دی یو قطی سگرت ورکړ. یو نفر روس زما لستو نی کت کا پی او یو پاکت پوره راته ښیې ښایې چې پنځه قا شو نه پوره ولری.

(دیه سیات پاپیر وس) روسی کلمسی یعنی (لس دانی سگرت)

(فرانسوا) ډوډی پاکت په لاس تلې خپله گوري ته پاکت کې نه باسی او ددی لپاره چې ډوډی له شته والی څخه ډاډه شي خپله گوري ته په خو له کې نه باسی او هغه څی وروسته بیا خواب ورکوی.

فلف: (آلمانی کلمه یعنی پنځه) بلورونکی په ډیر څپګان سره له مورنه لږی کیری او کله چې گوری چې موږ هم خپل شاورته مړ څوویرته را مریځي. شش. (شیر)

فرانسوا له داسې ښه سره چې ښکاره کوی چې دا ئی ورو منی خبره ده وایي. فلف آوند ها ب ریګا رتن (آلمانی کلمې یعنی پنځیم دانی سگرت).

معامله پای ته رسیدلی ده. زه خپل سگر ټو نه ور کوم، غواړم چې یوسگرت فرانسوا ته هم ور کړم خو هغه ئی نه منی. په ظاهره تو ګه هماغه نیمايي سگرت چې را پاتې ده هغه ته کافي ده. په خو شجالی سره را ته وایي:

ښه معامله دی وکړه پوره ډیره لږه پیدا کیری.

خو داراته ووايه چې دا پوره له کومه تر- لاسه کړی ده.

زه پدی نه یو هیرم. دلته داسی کارو ټوټه (ارګا نیژ اسپون ټویل کیری) با ید اقرار و کړو چې روسان پداسی کارو لاسو کې زځه دی. له همدغونه یو تن چې زما څو لی یی غلاکړی وه دیوه کاسه آښ په بدل کې ئی بیرته را کړه.

زموږ څلور کمیزه ډله اندره، شار لو، ریمو لنډ. او زه کله چې بلوک ته بیرته راستنیدو هغه گنج هوجی لاس ته راوړی پر- نیزو، درې ټوټی ډوډی، پوره لږڅه غوډی یو دانه بیاز او ددغو شیانو په بدل کې مو خپل دستګر ټو نیما ئی برخه شتمنی له لاسه ور کړی. او پر سیره پر دی پس له دی نه نشو کولای چې دبلوک نه بهرله چا سره اړیکې ټینګې کړو و ځکه چې زموږ اړیکې د بهر سره بیخي غو ځی شوی دی.

اوس هغی زینی کی یوچی دخاه لاند نی برخی ته رسیدی موږ پسی دیند یا لاسو پای ته نه رسیدونکی لیکلوارواندی، بند یان لکه اتو ما ټیکو ما شینو نو غوندي له دغه دتیر و نه چوپ شوی و دانی څخه ښکته کیری، داسی یوه منظره چې په عین حال کې ستره ده دویری نه ګه همدغه تقریبا دزینو په وروستیو پتو کې ژول راته وایي:

آه! (مترو پولیس) فیلم لیدلی دی؟

په دغه فلم کې یو ما شینی انسا ښودل ماسم ددغو ۱۸۶ پته ایږی زینی څخه دښکته کیدلو په وخت کې دهغه غو انسا نا توبه شا و خوا کې فکر کاوه.

اوس د محوطی په لاند نی برخه کې یو، بندیان په چپه خو له یو په بل پسی دریری. د حاضرې وخت دی. یوا ځی د (او پسر کا یو) وچ فرما نو نه د چا پیر یا ل جو- پتیا له منځه وړی (اوپر کا یو) دکا پوه مشر نوم دی. هغه هم دیند یا نو له منځ نه انتخا بیږی پدغه وخت کې (زا رمیسا)

هغه کارسرتو رساوه چې دهغه دجنایا ترو به شمیر هیڅوکا نه پوهیده او یو ځل بیا چوپه جو پتیا ده زموږ په گرد چاپیر کس یوا ځی د تیر و دیوالونه دی. ددغی محوطی په منځ کې درې ستری ځاګانې کیندل شوی چې نه هغو کې ډېر وړی او ستری ټوټی اچول شوی دی. د آسمان د لید و لپاره باید سرو نه پورته ونیسو، دهغه ښار اوسیدونکو ته ورته یو چې په ناڅاپی توګه د یو زلزلې له کبله په مځکه کې ننوتلی وی د نبات او حیوان هڅ ښه ښانه نشته، طبیعت دمړی ښه لری. داد (موتهوزن) کار- ګاه ده.

(کومانډ و لو هر) (پر ټوله کار ګاه باندي څارو نکي اس-اس) اوپه هغه پسی (اوپر کا یو) پداسی حال چې خپله خو لسی ئی د پلان په درز کې نیولی، روان دی او د لیکو په وړاندي تیر یږی. دڅلو ښم ځل لپاره موز شمیر ی ورو منی فرمان اوریدل کیری:

(ار بیس کو مانډو) (به کومانډ و کس دکار بیل)

بند یا ن په کار ځایونو کې سره ټو لیری څه با ید و کړو؟ چیر ته با ید لای شو، له لیکه به نه (فرانسوا) له موز سره دی. په هغه پسی روانیږو او دهغه په کومانډو کې ځای نیسو. بیا هم حاضرې یو ځل بیا موږ شمیر ی. یو کا یو ز موږ د نمر و یاد داشت نیسی او هر څوک خپل کار پسی ځی، فرانسوا هم با ید خپل کار پسی لای شي اود (مته کار) په ډله کې کارو کسری پدغه وخت کې ما شینو نه په کار

لویری او بند یان په کار بیل کوی. دتیرو دعاتیدونه څاوری او ډوډی پورته کیری. زموږ په سر پوری، په ډیرش سریزه و آښ کې، متحرک هوایی پلو ته او دتیری چلو لاسو واکونونه له څاڅه پورته کیری.

اوس با ید دستبار شین بجی وی.

موږ له اکثریتو بند یا نو سره دپنډیا بو (جوالیان) په څیر کار کوو. پخپلو لاسو کې تیری وړو.

دکمپرسورونو، کومو تیفونواو واکونو نو

غرونه جي ديهلي ڀرمخ ٿيڻي (ڪاپو) غر و نه جي ناري و هي جو کون ڪو و نڪر ڪڍهه مونه يي منڇ ٿهراوڙي دي اوڏي لپاره جي به دري قدمي واتن کي يو د بسل غز وا ورو يا يد چيغي ووهو. فرانسوا جي د هغه را ٿڪ ته متوجه شوي نه يم. ز مابسه خٽڪ کي خاي نيسي. گرد چاڀير ته گوري اوڏماني توڃي اوڏسورونه ما ته اسپاري. (ڪاپو) هغه ڪسان تي جي مٿر و ڪي به لاس ڪي لري. هر ڪله جي دد وي سترگي درباندي لويڙي بايد وڃو خيڙي او به تيره يا بايد زمون ڏولي د (ڪاپو) سره ڏير احتياط وکري. تي هماغه سڀي دي جي خيلي ڪو تي خواه ته روان تي. هندا او س دهنه گر خيل پيل ڪيري. هغه توه ٿه هپانوي مرستيالان لري جي معمول ل فرانسويان نوهي. سره له دي هم بايد توجه و لري د (اوب ڪاپو) خڻه هم جي سهار دي هغه وليد يا يد خان لري و سا يي نوي هر چير ته حاضر دي. (ڪو ما ٿو هو هر) هم پرله پسي به هغو ڪما نو پسي دي جي ڪارنه گوي. هغوي تهنيدو اوسيزه نوي تر ٿولو خطر نا ٿا دي.

او په پاي کي بايد اس اس ته هم متوجه و اوسيري. دا اصول له لحاظ نه ٿيا يي جي ددي ڪوم يو سڀي دڪار به وخت ڪي گير ڪري.

زه دغه سيار ٻيڻي او د ستو رو نه خيلو ملڪرو ته رسوم. خودزده ڪيري وڻ. سڀان تو مره زيات تي جي سڀي ٿو او نه خير گند لاي ٿئي.

مون او س ديوي سڀي ٻيري پر منڇ نا ست يو او داسي خر گند وو جي غوا ڀو هغه له خايه و ٻيو ر وو خور سڻيا خبره دانه جي هيخ قوت ته عصر فو و. مو ٿو ل پدي هغڪي يو جي تر ممڪنه حده پوري لڙ ڪارو ڪرو و او دا ڪار تو مره مشڪل هم ندي.

هغه ڊبره جي زمون خوا ته گذار شوي د اندره له خٽڪه تيريري او پريو وا گون باندي لکيري زه پورته گورم هلته يو اس - اس و لاهدي او مون خاري. سملگر وا! هغه اس اس مون ته خير تي ٿياري جي ٿبت شو.

زموڙ د سوچ بر خلاف د الما ٿيا تومره انگي ڪولڊ مره آسانه ڪارنه و. يو ڪاپو (سيمون) خوا ته را خي او تي (سيمون) هيح متوجه ندي غسر پري ڪوو خو له بد مرنه ڏير خٽه شوي دي. سيمون بر ستر با ندي د قمچينو گذارونه پيل ڪيري او امر پري ڪيري جي دن برو غشي ٿوي له ڇمڪي خڻه پورته او په منجه يي وا گون ته وڻ سوي او دغه ڪار بايد يي له تم گيد ونه سر نه وڻ سيري. مو ڀ به ٻه وڻ ته گورو. گورو جي پر طاقت شوي دي خيل نا ٿونه يو پر بل با ندي سو لوي او بيا هضم خفلي او ڪاپويي له خٽيه زمون دغه ملگري به قمچينو و هي او هغه دائمان له قدرت خڻه او جت ڪارونو ته هچوي.

او س نو سيمون نسي ڪو لي جي ٿيڙي وا گون ته پورته ڪري او هر حر ڪتورته

ڏير مشڪل دي. سره له دي هم صحنه تڪراري پري او پيا خي هغه وخت پاي ته رسيد پري جي (سيمون) له پٺو نه و لو پري. اوس به دغه جلال (ڪاپو) هغه ووڙي دانا تو نسي او ڪرڪي او بنگي زمون به ستر گيو ڪسي را خي سيمون ٺ ڀيل ورو ستي قدرت سره بيا هم له خايه جگيري. داسي ٻنگاري جي ڏوند ي يا تي گيدو لپاره ورو ستي هلسي خلي ڪوي دا خلي (ڪاپو) هغه سره غرض نه ڪوي مون هم لڙ هو سا ڪيرو هغه سڀي جي زمون ملگري يي ونگاهه له يو شيطا نسي موسکا سره مون ته گوري اوبه لو و غيرا اعلانوي جي :

نا شت مال ... ڪا پوت. الما تي ڪلمي (بل خلي ... مرگت)

او دجهني ڪنه گو نسي به ترخ ڪي بيا هم ڪار پيل ڪيري (ڪاپو) اوس دخوتو روسانو سره غريري مورهه دفرست خڻه په استفادي سره د ڪار د شدت خڻه ڪيو و. مون نه غوا و جي دستر الما ن! لپاره ڪارو ڪرو. يو ڪا ميو ن دڪار ڪا ه غوي ته ننو خي او د تير و ديو تر خٽڪ ڏريڙي (فرانسوا) ددو هم ځل لپاره مو ڀ نه نري ڪيري او وائي:

ساعت او ه بجي دي.

دڪا ميو ن دن ڪولو لپاره ٿول هغه ڪسان دروي جي پخيلو لاسو نو ڪي ڇه شي ندي مون هم خفلي.

پس له پنغو ديفو خڻه ڪاميون ڏ ڪيري او جر ڪت ڪوي. دوا گو ٿو نو فطارد مو لڙ خاي نيسي، وا گونونه هم په هماغه جٽڪي سره ڏ ڪيري. بند پا ن ددي لپاره جي د تير و ٿو تي پيدا ڪري يو دبل سره تڪراري مون او س يو هيد لي يو جي با يد تر ممڪنه حده پوري لڙ ڪارو ڪرو و او خيل قوت زيرمه ڪرو.

بيا هم مو ٿرو نه رار سيري او بيا هم اور گادي ديو ٿرو نو خايونه نيسي. مون پوا خي دد غوا با ر نيو لو به منڇ ڪي. کولي شو لڙ خه دهه وڪرو. او سره له دي نه ٿيا يي جي (ڪاپو) هير ڪرو خڻه جي په ڏير خير سره مون خاري.

اوس د لبر وڻ انگي ڪار گاهه رو شا نه ڪوي او د تير و شين رنگ به ڏير شڪلا سره خر گند وي.

**خوساعته ڪيري جي ڪار ڪوڏو?**

هلته دزيتو په سرو يو سوڍ ٻڪي سيوري اجو لس ساعت لس بجي دي دغه سڀي د (گوماندو فرهر) لپاره ٻيو ر وا را و پي ده او د هدي ڪار لپاره دزيتو خڻه پورته ڪيري (دغه موضوع شارلو ماته وايي، هغه هم د فرانسوا خڻه اوربد لي و).

اندره زمابه غون ڪي وائي :

ٻيڙي وڙي يم.

ٻيڙي وڙي يو. ڏير وڙي يو. خه و خت به ٻيڙي را ڪري؟

اهاي يوچ غر پورته ڪيري خه خبره ده؟ خيل سرو نه پورته ڪوو، داسي ٻنگاري جي ميرا دور (دخاري برج) نه سيري انڱري لرونکو مزو با ندي دڪالسي ٿيو تي

بند سوي دي ٿيه خير ڪيرو هغه يو سڀي دي. پسي و زلي غو ٻيڻه جي د ڪا پيو د منگلو خڻه و ٿيڻي او په همدغه ترخ ڪي له ممنوعه يو لس خڻه تير سوي و اوس به يو سا نو ٿڪي دد غر منظري عڪس و نيسي او ددغه بندي په دو سه ڪي به نيسي ونشليوي اوبه ليڪي جي :

دڏتند و به وخت ڪي ووڙل شو.

ددغه دو سسي به خير ا ته و پشت ز ره دو سسي د جيل خان ي به دفتر ڪي ٿه. (زول) را به ڪسه ڪوي هر ڪله جي ڪو به بند ي مرس د هغه ديري عڪس دهند غو مزورنه نيسي او هماغه مشهوره جمله پڪي ليڪي.

تا زبان پخيلو ڪارونو کي داصول مراعات ڪوي. (11)

داسي ٻيڻي به ڪار ڇا يو ٿو ڪي نيسي عادي ڪار تي خڻه جي خوک تو جه نه ڪوي او پخيلو ڪارونو بوخت ڪيري خوورخي ورو سته ما د ما شين گنو دگو لو نيسي غر و او ر يدجي دغه ٻڙي ٿل پر الما نا نسي با ندي ڪيد لي.

دڪار دپاي ته رسيد لو اعلان ڪيري. غر مه ده. ڪار پاي ته رسيد لي تي.

(ڪو ماند و) سره ٿو پيري.

آين زوه، شره ي، وڻ ...

په مر ٿيو ليڪو نو ڪي ڏوڙي خو ڏ لسو لپاره خو ڏوڙي خوڙو خاي، ڪارخاي ته خير مه واقع تي او هغه ديو واپ به خيري جي بند پا ن به پنغو لکيون و ٻيڻل ڪيري دهر پوه ليک به وڙندي د آڻ پئڻڻوس ليتر يزه لو نسي ايندو دل ڪيري. يو ڪاپو پدا س حال ڪي جي خيل لسٽو يي پورته ڪري دي او پوه لويه ملاحظي به لاس ڪي ده او هغه د آڻ به لسو ٿيڻه با سوا ٻيو روي يي. د (رو ناپا گاس) آڻ يسي مون به بوخ ڪري دي با يد جي د آڻ يو خاڻڪي هم بيخايه تو يي نسي خڻه جي ملاقه دهرجا دپاره يو خلي پورته ڪيري زه سويڻس په لسو ميو ٿيو ڪسي ورسيدم نو خڻه پوا خي او به را ته ورسيد لي او بس.

شا ر لو جي زمنا نه نيڪر نه وڏ ٿيا ٿو ددي ٿوي يي په نصيب ڪي شو. هغه وروسته رسيد لي و نو خڻه دلو ٻيڻي ورو ستي بر خه ورته وڻ سيد. آڻ به واپه خوڙو او خورا خو ند را ڪوي خو زمو ڀ د خو شيني مخڪي دلو ٻي حالت لا هم با تي دي تو ٿيا ٿيا يي جي زمو ڀ استها ڏيره شوي دي.

دخواهه و بش پاي ته رسيدلي دي او مون ددي لپاره جي دد يگي د لاند ي بر خسي خڻه يو خه لاس ته راو پو په هلي خلسي لاس پوري ڪوو خو ڪنه گونه دومره زياته دهه جي خوک نسي گو لي ديگي ته ٿي دي شي. دغه مو وضوع زمو ڀ په گته ده خڻه جي دزبان ي گنه گوئي له ڪيله (ڪاپو) خبر سيري او را خي او به خيل ٿول قوت سره بند پا ن ملگري او په نتيجه ڪي خو ڪسه ير خڻه لويڙي او د مخو نو خڻه يي ويني پيڙي داسي ٻنگاري جي يو خو ٻنگاري سڀي دپوي

ڏي وڙو گيدو هو به منڇ ڪي لو يد لي وي. د شڪيل غر پورته ڪيري د غر م رخصتي پاي ته رسيدلي دي، دانهولي ٻيڻي يواخي نيم ساعت وخت نيسي او مون دڪار خايو نو خوا ته ديو مو.

فرانسوا زه فرانسو زه ... (فرانسوي، فرانسوي ...)

يو سڀي جي اوڙ د قدر ي زما لاس ڪي ڪا پي ٿيا يي جي (ڪاپو) وي خڻه جي په لاس ڪي يي گو ٿا دي.

ڪمبل ٿرا گر، ڪمبل ٿرا گر ... (د يگي يو سي ديگي يوسي.)

سوچ ڪوم جي د خان تير ا يستل به به گنه نه وي له همدئي ڪيله بير نه گر خواو او ڀ دسري (ڪاپو) هم را پسي رواني اتڪلا ٿيول فرانسويان دتسو د يگيو په شاوخوا ڪي و لاهي، مو ڀ يي نن د ٿيو ديگيو دوڙو لپاره پخلنجي ته انتخاب ڪري يو. هر د يگي د پنڻه ڏير ش ڪيلو به شاوخوا ڪي وزن لري او موزيه ڏير زيار سره ديگي پخيلو اوڙ و با ندي جگو و اود (ڪاپو) تر خان رني لاند ي روا تيريو. ز غم نه مٿو ٿڪي بيگاري ده لار او سه پنڻه سه م تره واپن با نه دي خو مون ڏير سڀي شوي يو پنڻه سوه مٿو لاروهو اوڙيو ته رسيرو او بايد اوس ديو سلو شيور اٿيا ٿيو خڻه پورته شو، مون دسمندري اسونو به خير ستمير و پداسي حال ڪي جي او مپرونه مود درانه بارله زوره ڪاره شوي دي او له تي ڌاره جي و نه پر زو خيل با رو نه خاي په خاي گو و. زه ددني ڏلي به منڇ ڪي يي او (پي اوڙي) پداسي حال ڪي جي خيل ورو ستي سلگي و هي زما په خٽڪ ڪي دي ڏيسري ستر ياله زوره خيل غا ٻيو نه يو پر بل باندي سو لو او مو ڀ خيله هم حيران يو جي خر لگه ڪو لي شو دغه درو ند بار ددغوزيتو خڻه پورته ڪرو. دمخڪيني ملگرو پوا خي دري پيڻي را نه ٻنگاري جي د (شا رلو) ٻيڻي هم دهند غو پٺو به منڇ ڪي دي. تر شا م ڊگهه گوني غرونه پورته ڪيري خو د گر خيدو او ليدو مو وضوع مطرح نده خو ورو سته پوه شولو جي پواس ساس خيل چاره دڙيو پيو پر شا نه با سي او بير ته يي با سي دا خڻه جي هغه لڙ خه بيرته پاتي و بيا هم يو رنه خو، ما دزيتو ڏٺو به شمير لو پيل ڪري ٿي، خو ڏير ٿو يو ه شووم جي داکار هم ممڪن ندي خڻه جي د مخڪينو ملگرو گر ند ٿيو ب زياته شوه او (ڪاپو) هم پخيل ڪر بند سره زمون به و هلو پيل ڪري دي.

شنل، شنل ... (زور زور ...)

اوڏاڏي ورو ستي ٻيڻي ته ورسيدو خسوار. دوگاهه ته دسيسو لپاره ٿياري جي ديو اوڙو واپ خڻه تير شو نوربا واپ خڻه تير شو.

(نوربا)

ترکمنستان چې شوروی اتحاد له پنځلسو جمهوریتونو څخه یو جمهوریت دی او د شوروی اتحاد په جنو بګې مو قعت لری دڅنګې مساحت یې پنځه زره کیلو متره مربع ده .

دغه هیواد دوه ملیونه اته زره تنه نفوس اود افغانستان او ایران له هیوادونو سره ګډې پولې لری .

دا کتو پر له انقلاب څخه مخکې هلته یې سوادې زیاته وه او دترکمنستان خلک سخت استثماریدل دانقلاب څخه دمخه د ترکمنستان خلک دجاېر و جاګیر دارانو له خوا په ډول ډول کړاونو سره مخامخ وو او کله چې د ۱۹۱۷ انقلاب بریالی شو دترکمنستان زړه ور خلک فیه ډالیزم ډیری وړی کسراو داستثمار کړی یې سره و شلو لری .

له انقلاب څخه وروسته ددغه هیواد په هره برخه کې ستر مهم اوجیانی تحولات منځ ته راغی او په هره ساحه کې دخلکو پسه ګڼه مهم مترقی ګامونه او چت شول که څه هم له انقلاب نه مخکې شوروی ترکمنستان دکار پوهانو له کمیت سره مخامخ و خو دغه نیمګړتیا د شوروی اتحاد دنورو جمهوریتونو څخه پوره کړه . په داسی حال کې چې ددغه

دغه ښارګی ډېګرانو داوېداو فابریکې شته او دغه راز ښار د ډول ډول فابریکې لری په دغه ښار کې دخوراکي مواد وفابریکې ښه وده کړی او ښه فعالیت کوی دچرچو او نو رو ښا روتو کې دغو ډول فابریکې شته د عشق آباد ښارته نږدی دودا نیسو جوړو لو او لوله (کړی) جوړولو فابریکې وجود لری چې د تولید او مو سطحه یې زیاته ده .

په دغه هیواد کې د غا ليو او بد لسو صنعت زیاته په بر اختیا کړی او دغه کار رعمو ما پنځی سرته رسوی اودترکمنستان پنځی ددغه صنعت ډیر اختیا لپاره په زړه پوری رول لوبوی .

دقرا قرم کا نال چې ددغه هیواد پسه کړ نه او سمسور تیا کې زیاته مرسته کوی داو یا کیلو مترو په شا وخوا کسی ډیری ډولو لپاره مساعده ددغه رازداو- سینی لاری پر اختیا مو ند لری او د مو تر ډولو لپاره ډیری لاری جوړی شوی دی .

دغه هیواد دپو هنی له پلوه زیاته پسر مختیا کړی او په دغه هیواد کې ۳۰ لیس او شیر پوهنتونونه موجوددی پسه دغه هیواد کې له عمر و لسو

لری ددغه اکاډمی زیاته زده کوو نکسی دترکمنستان خلک دی دترکمنستان ددلووهو اکاډمی په اوسنی وخت کې په در یو برخو ویشله کیری:

- ۱-دفریک برخه
- ۲-دخنیک برخه
- ۳-دشیمیا برخه

په دغه اکا ډیمی کې دزولری دیشیمیا یو هنځی او د لمر څخه دانر زی داستفا دی یو هنځی شته بابا یف دترکمنستان دغلو- موداکاډیمی ر نیس د سو ضیعا سو په ترڅ کې داسی وویل : څرنگه چې ترکمنستان دافغانستان په څیر زیات لمر لری سو موږ دا هڅه کوو چې دلمر دانر زی څخه ګټه واخلو چې له دغه کار څخه مو ګټوری تیجی تر لاسه کړی دی دغه اکا ډیمی دصحرای یو هنځی په نامه یو پوهنځی لری چې دپول هیواد لپاره فعالیت کوی او په دغه اکاډیمی کې هرکال دزولو ټوکو څخه زیات علمی کتابونه چاپیری .

دغه اکا ډیمی پسر له پسی څلورمجلی خبروی چې دغه مجلی دترکمنستان ددلووهو په نامه یادیری ددغو مجلو مطالب عممو ما کیولو زیات اوفیزبولوژیسک تشکیلوی د ټولیز غلو مو او بیا لوی به نو مو د وی نوری مجلی خبروی او یوه مجله د صحرا- یې ستو نرو په نامه چاپیری چې له دغه

مجلی څخه ټول د شوروی اتحاد خلک استفاده کوی په ترکمنستان کې مطبو عاتی چا ری زیاته پر مختیا کړی په ترکمنستان کې اوه ورځپا نی چا بیږی او دخلکو داستفادی وړ ګر ځی . ترکمنستان پنځه ولایتونه لری او په هر ولایت کې ورځپا نی په روسی او ترکمنی ژبو چاپیری .

د پنځو ځوانا نواو ماشو ما نو د مطا لعی لپاره مجلی او ورځپا نی خپری د مثال په ډول یوا ځی دیو ند په نامه ورځپا نه د ۱۸۰ زرو په لیرا خپریږی .

دترکمنستان خلکو نه یواځی د صنعت له خوا پر مختګ کړی بلکه دزوند له ټولو برخو کې یې فو ق العاده امتیا زیا ت تر لاسه کړی او د صنعت په څنګ کې کرنه هم زیاته پر اختیا مو ند لری ده .

دیز ګرانو لپاره ۱۹۲۷ او ۱۹۲۹ کلو نیو تر منځ دزوندانه آسا تیا وی پرا بیږی شوی او هلته ستر کلخو زونه ایجاد شوی دی د ترکمنستان بز ګران په کلخوزونو کې را ټول دی اوله هر ټول استثمار څخه خلاص ژوند لری .

آمان عبدوف د کلخو ز په باب داسی معلومات ورکړل:

ز مسو ډ کلخو ز په ۱۹۲۹ کال کې جوړ شو او سا حه یسی ۲۶۶ زره هکتار څنګه ده او ددغه کلخوز مسلکي فعالیت دخارو یو او میو روزل دی .

اعان عبدوف وویل : مسوډ وګولای شوی چې لیر کال ۲۷ زره ټنه تر باره لکه خټکی - هند وانی - غوښه رو می با نیجان- بیاز او جمیر خیال حاصل واخلو او هغه صادر کړو ز مو ډ لیر کال حاصلات جز وار داسی خلاصه کیری:

هندوانی اوختکی څلورسوه زره اودوه سوه

تنه، غوښه - ټپه سوه تنه- غنم څلورزره تنه اونوری میوی دسپرو سوواوینځه سوو ټنو په سا و خواګسی ۰ موږ په خپل کلخو ز کې ۵۰۰ ټول ټول حیوانات تر روز لری لاندی

نیو لی دی او دغه راز دیو سلو نوی زرو په شاوخوا کې الو نکی مرغان په دغه کلخوز کې روزل کیری او موږ لیر کال یواځی ۲۶ ټنه ورشمن حاصل واخیست ۰ ده وویل په او سنی حال کې ز مو ډ کلخوزیو سلو اوبارا کتوره ۰ ۱۳۰ موټری او له شیر و مو و څخه زیات د کر نیس ما سین الات لری او په دغه کلخوز کې پنځه زره پنځه سوه تنه کار کوی چی یوا ځی د لیر کال د محصولانو یسه ۱۲۶۸۸۰۰ روبلوته ورسیده ۰

په دغه کلخوز کې دخلخوز جیانو لپاره دزوندانه ټول مسا یل حل دی لکه څنګه چې ولیدل شول په دغه کلخوز کې څلور لیس فعالیت کوی چې له هغه څخه کلخوزچیان په لوړه سو په استفاده کوی لری .

دکلخوز جیا نو ژوندانه ته پوره پاملرنه شوی او دخلخوز په هر کور کې تلویزیون او را دیو شته په دغه هیواد کې دخوانانو لپاره هر ټول وسایل موجود دی .

دترکمنستان دخلکود هو سا ژوند لپاره دومره ستر او بریالی ګارونه ستر په رسید لری دی چې باسنی تشریح تر مست تو نه څو څو څخه هم لیر ده داڅنګه چې دغه خلک له انقلاب څخه مخکې هېڅ نه درلودل اوداستثمار ګرانو له خوا به سخت استثمار- یدل . بی سوادی دومره یکی زیاته وه چی حد یې نه و .

لوړه بی سوادی او برېښه تیا دیخوانسی چارو حکو متونو جبری تحمل و چې در- ترکمنستان په زیات ایسو نکو تحملیده . خو او س په دغه هیواد کې د شوروی اتحاد دنورو هیوادو په څیر خلک سو- کاله اوبسیا ژوند لری ۰

هلته لوړه تنه هلته خلک بی کوره نه دی هلته برېښه تیا نشته او دټولو خلکو لپاره دزوند ضروری شیان پوره شوی دی بی سوادی وړ که شوی او اوس دترکمنستان خلک دعلم په رڼا کې خپل ورځنی کارونه سرته رسوی چې البته دغه کار ددی باث ګرځیدلی چې ترکمنستان د ټول شوروی اتحاد د جمیو ریتونو له خلکو سره مرسته وکړی .

هلته خلک یې نشو ښه ژوند کوی هلته هېڅ تشویش له جاسره نشته خو سو تشویش چې دهغه ځای خلک ور سره مخامخ دی هغه داندی چې څنګه کوی لای شی چی خپل هیواد لاسمور او ودان کوی .

دغه ټولی نیکمرغی چې او س دترکمنستان دزیار ایسو نکو خلکو نه وړ یسه برخه شوی دهغه ټولی محصول دی چې په هغه کې د سیری څخه دسیری استثمار نه وی او په دغه هیواد کې دسیری څخه دسیری استثمار بیخی محوشوی دی .

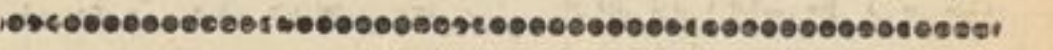
(پای)



# د شوروی تر کمنستان

## په باب معلومات

قسم حسن



هیواد په کورنیو جګړو کې انگلیسی استثمار- ګرو د ترکمنستان په خاوره کې بدا خلی کولی خو دوی و کولای شو ای ددین دغه ناوړه عمل نه په کلکه ځواب ووایی اودینم نه ما نی وړ کوی او دغه جګړه په ۱۹۲۰ کال کې پای ته ورسیده .

دترکمنستان خلکو څوموده مخکې د خپلی خپلوا کې پنځو سمه کالیره په شا ندارو مرستو سره و لیا نځله څر نګه چیسی مخکې وو یل شو او پې په دغه هیواد کې صنعت پر مختیا کړی او ډیری فابریکې یکی تولید کوی د هنداری جوړ و لو او یو لیس اوبد لو فابریکې یې مشهوری دی .

دغه راز دترکمنستان دنیلو ویستلو فابریکې چېک پرمختګ کوی او له هغه څخه په زړه پوری ګټی اخستلی کیری ترکمنستان په خپله ۲۰ فیصده گاز تولیدوی دشیما صنعت وده کوی

او ډامیر و اسفالت) دفابریکې تولیدات زیات شوی دی د عشق آباد په ښار کې دچینی جوړولو فابریکې شته او ددغه ښار دبرینا تولید یوا ځی اوه ملیاره کیلو واټو نه رسیری چې دغه رقم یو زیات رقم دی په

زرو څخه ۱۳۲ تنه زده کوونکی دی چې دغه ټول یا رقم د سر ما یداری ټولنو څخه څو چنده ښه او زیات ده . دترکمنستان خلک چې له انقلاب څخه مخکې دی سواد ی له دردونکی رنځ څخه په عذاب و اوس پنځی دی که نارینه سواد لری او داسی څو ښه پیدا کیری چې سواد و نلری . د کر نیس دجا رو دزده کړو لپاره ډیر مو سطی ښوونځی تا میس شوی دی په دغه هیواد کې ما شو مان نیو ونځی ټله ورنګ مخکې به وډګونوکی ژوند کوی په دغه هیواد کې کتا- ټو ټونه او تیا ترونه زیات دی د هر ولسو زرو تنو لپاره د پسر ش ټاکتر شته پسه

۱۹۷۶ کال کې د ترکمنستان دخلکو دهر و لسو زرو تنو لپاره ۲۶ تنه دالمان دا ایجاد ی جمهوریت دهر و لسو زرو تنو لپاره ۲۳ تنه او په انگلستان کې دهر و لسو زرو تنو لپاره ۱۶ تنه ټاکتران فعالیت کاوه .

دغه هیواد ددلووهو اکا ډیمی ددغه ځای دزده کوونکو علمی اړ تیا پوره کوی دغه اکا ډیمی په ۱۹۵۱ کال کې تا میس شوه دغه اکا ډیمی ۱۴ پوهنځی لری او په مجبو غی ټول ۲۱۳۰ تنه کار کوونکی

# واژه‌های سیاسی، اجتماعی

## واقتصادی

### روابط انسا نها بین هم ونیرو های مولده و مناسبات تولید :

در حالیکه چنین تصویری از انسان تولید کننده و جامعه ای انسانی به هیچ وجه با واقعیت و فقی نمیدهد و مطلقاً غلط علمی است. انسان هرگز حتی در ابتدای ترین مراحل پیدایش و تکامل خود را نیز تنها نبوده و نیاز مندی های زندگی خود را را مجزا از زندگی دیگران تولید نمی کرد است. انسان موجودی است اجتماعاتی و از نخستین روز پیدایش بحالت جمعی در گروه های خانوادگی می زیسته و سابقاً گذشت زمان جامعه ای خود را گسترش داده و می دهد.

#### انسان مولد نه بصورت انسان جدا از جامعه

بلکه بصورت جزئی از یک جامعه ای مفروض تولید و مصرف می کند. تولید امری اجتماعی و سابق زمان یافته است و لذا بجای آفریدن انسان فرعی منفرد در عالم خیال و تصور، باید انسان واقعی اجتماعی در درون چه مناسبات تولیدی وجه ساختار (استروکتور) اقتصادی مشغول تولید است و این ساختار اقتصادی چگونه و موافق کدام قوانین تکامل میابد و چه نقشی در پیدایش و تکامل سایر مناسبات و نهاد های اجتماعی و سیاسی دارد.

برای درک این مطلب باید توجه داشت که هر انسانی بطور جداگانه برای خودش بوی آب، کلاه، لباس، نان خاوه و ... تولید نمیکند همه ی این وسایل و نیاز مند بهای زندگی و یا بنا به اصطلاح اقتصادی «خواسته های مادی» بطور اجتماعی تولید می شود و بسته به سطح تکامل جامعه، تولید اجتماعی نظم معینی دارد و میان افراد جامعه و در جریان تولید مناسبات معینی برقرار می شود، موضوع را بیشتر توضیح

#### می دهیم: برای تولید خواسته های مادی

انسان و کفش و کلاه گرفته تا ماشین و قطار و تجهیزات کار خانه ها و مسکن و بنادر و سرب و ... و خود سه تا عمل ضروری است.

۱- کار انسانی

۲- وسایل کار

۳- محصول یا موضوع کار

انسان کارکن با مهارت معینی که دارد وسایل کار را نکار می اندازد و وسیله ای آن روی زمین، یا عاده ای اولیه تا تسخیر می گذارد. تا آنرا بصورتی که برای رفع نیاز زمند بهای خود بش لازم دارد در آورد. مثلاً برای تولید گندم، دهقان گندم کار، یعنی انسانی که مهارت معین و قدرت جسمانی معین دارد و وسایل کار: یعنی ابزار شخم زنی، بذر، پاشی، آبیاری، درو و غیره ... را بسته بدرجه ای تکامل (از بیل و خشک گر گرفته تا تراکتور و خرمن کوب مدرن) نکار می اندازد تا روی موضوع کار، یعنی

مالک آن عامل تحو یل دهد. البته این نظام ارباب رعیتی در نقاط مختلف کشور خصوصاً صیانی داشت ولی برصورت اصولی کلی و شالوده ای اصلی آن که مالکیت اربابی بر زمین زراعتی بود در سرا سر کشور حاکم بود و نیروی کار و وسایل تولید در اقتصاد زراعتی افغانستان بو سیله ای این نظام بهم می پیوسته و تشبیه درون آن بود که تولید اجتماعی ممکن می شد و تنها بپذیرش آن بود که دهقان (رعیت) میتوانست به کار زراعت بپردازد. تا سپس از حاصل آن و در حدود سهمی که به او میرسد بخورد، بپوشد بنوشد و مسکن داشته باشد.

بعبارت دیگر رفع این ابتدای ترین مناسبات تولیدی های یک انسان در جامعه ایکه مناسبات تولیدی فئودالی (ارباب رعیتی) بر آن حاکم باشد معقول به پذیرش آنست. و لذا این مسئله ی ظاهراً ساده که انسان ها باید بپوشد و بخورد و بنوشد به مسئله ای بسیار مهم مناسبات تولیدی مربوط می شود. و همین طور بود در مورد تولید بوی آب و شرایط مسلط بر کنش در کشور ما که انسان زحمت کش را با وسایل تولید و شرایط حاکم مربوط می سازد.

#### حال لازم است که مناسبات تولید را

موجز و مختصر تعریف کنیم: (مجموعه ای مناسبات اقتصادی که در روند تولید اجتماعی میان انسان ها برقرار می شود مناسبات تولیدی نامیده می شود. مهم ترین بخش این مناسبات عبارتست از مجموعه ای روابطی که در درون آن نیروی کار انسان مولد است و وسایل آن مالکیت و وسایل تولید است.

مثلاً اصول مزارعه، مهم ترین بخش مناسبات تولیدی در نظام ارباب رعیتی کشور ما بود و رابطه ی مزدوری میان کارگر محروم از وسایل تولید و مالک وسایل تولید یعنی فئودال ده و یا بیرو-کرات شهر و یا کهنر ادوران زمیندار بود.

حلقه ای مرکزی مناسبات تولیدی عبارتست از شکل مالکیت و وسایل تولید، بسته به اینکه مالکیت وسایل تولید چگونه باشد انواع مناسبات تولیدی و اشکال سازمان اجتماعی تولید و یا ساخت اقتصادی یعنی مجموعه مناسبات تولیدی بوجود می آید.

اما باید توجه داشت که شکل مالکیت در عین حال که اساس مناسبات تولیدی است، همه ی این مناسبات نیست. کسار انسانی جنبه ای اجتماعی دارد و مناسبات تولیدی شبکه ای بسیار وسیعی از مناسباتی را که میان میلیون ها اعضای یک جامعه در جریان و روند تولید، توزیع، مبادله و مصرف خواسته های مادی بوجود می آید در بر می گیرد. مثلاً در جامعه ای سرما یداری چنانکه میدانیم میان کارگر و سرما یدار یعنی انسان محروم

زمین فاسل کشت، آب، بذر گندم، کود و غیره، آن چنان تأثیر بگذارد که مقدار گندم می بیش از بذری که کاشته بدمت آورد.

وسایل کار و موضوع کار در مجموع خویش و وسایل تولید نامیده می شود که انسان با نیروی کار خود آنرا بخدمت بگیرد تا خواسته های مورد نیاز خود را تولید کند. مجموعه ای و وسایل تولید و نیروی کار را که در روند تولید بهم می آمیزد تا اینها ظاهراً مسئله ساده است دهقان شخم می زند، بذر می پاشد و گندم تولید می کند، کفایش چرم را می برد و میدوزد و به قالب می کند و بوت تولید می کند، اما در همین جایگه ای گرهی وجود دارد که با بد با ن توجه کرد، آن اینکه هر دهقانی در هر زمان و مکانی بذر و زمین و وسایل کار و غیره ندارد و هر کفایش صاحب چرم و افزار کفایش نیست. و لذا برای اینکه گندم و یا کفایش تولید شود دهقان و کفایش باید شرایط معینی را بپذیرند تا بتوانند به وسایل تولید دسترس پیدا کنند. این شرایط اقتصادی و مربوط به هر تولید کننده جدا-

#### گانه و نتیجه ای توافق شخص او با فرد

دیگری جامعه نیست. بلکه نظم معین اجتماعی است.

#### در دو را آنها، زمان ها و مکان های

مختلف و در کشور های گوناگون، انسان مولد با شرایط گوناگون امکان دسترسی به وسایل تولید را کسب میکند و اگر این شرایط را بپذیرد و از انجام وظایف ناشی از آن سر باز زند اصولاً به این وسایل دسترس پیدا نخواهد کرد و نخواهد توانست تولید کند.

#### بعبارت دیگر وقتی از بهم پیوستن

وسایل تولید و نیروی کار انسانی سخن می گوئیم باید توجه کنیم که این پیوند امر اجتماعی است و انسان مولد تنها در درون نظم معین اقتصادی اجتماعی است که می تواند به این وسایل دسترس یابد و آنرا در اختیار بگیرد.

#### برای مثال، تولید گندم و بوت را در

کشور خود پیش در نظر بگیریم، چنانکه همه می دانیم تا قبل از پیروزی انقلاب

#### کبیر تور نظام ارباب رعیتی بر اقتصاد حاکم

بود. به این معنی که زمین، آب، بذر، کلاه و غیره بطور عمده در مالکیت ارباب قرار داشت. دهقان گندم کار نمیتوانست به ابزار کار و وسایل کار دسترس پیدا کرده و به تولید گندم بپردازد. مگر اینکه نظام ارباب رعیتی را بپذیرد و موافق اصول فئودالیزم کار خود را میان عمل پنجگانه: زمین، آب، بذر، گاو و نیروی کار انسان تقسیم کند و هر سهم را بسته

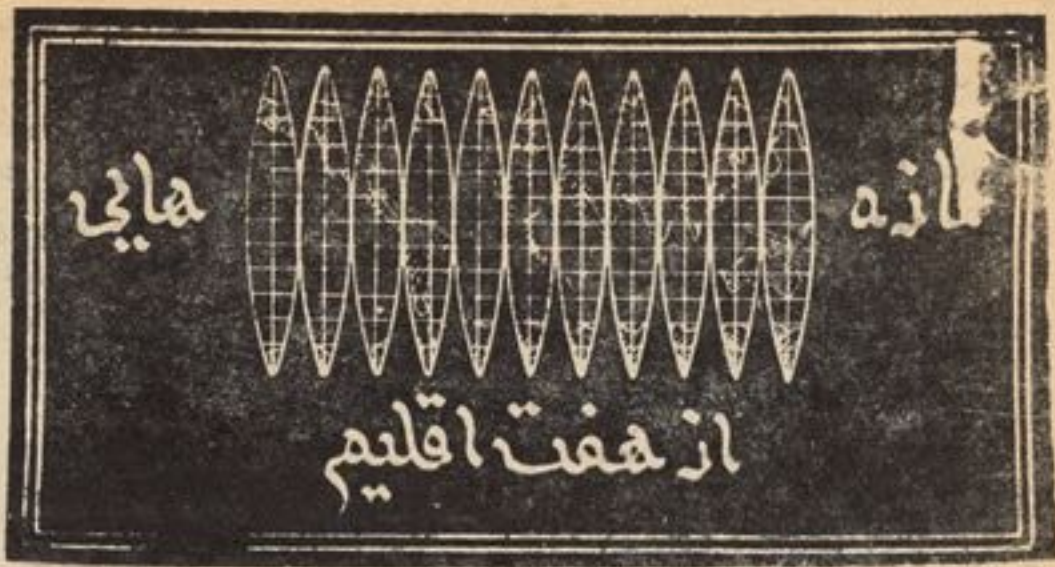
از وسایل تولید و انسان مالک و سا یل تولید رابطه ای مزدوری برقرار می شود که اساسی ترین حلقه ی مناسبات تولیدی سرما یداری است. اما عملاً و بهرین میان خود سرما یداران و کارگران نیز انواع مناسبات برقرار است که باید جزو مناسبات تولیدی بحساب آورد. سرما یداران با یکدیگر در رقابت اند، بزراعت ها کو چکتر ها را می بلعند، میان وام دهنده و وام گیرنده، با نکداری و صاحب کار خانه، رشته ی حمل و نقل با رشته ی زراعت و غیره و غیره هزارا رویت پیوند برقرار می شود تا روند تولید بسی وقفه جریان یابد، بعبارت دیگر وقتی از سرما یدار سخن می گوئیم نباید یکتا سرما یدار منفرد را در نظر بگیریم، بلکه باید طبقه ی سرما یدار را در نظر بگیریم

و آن مناسبات اقتصادی و تولیدی را که آنها را بهم پیوند می دهد و بصورت یک طبقه در می آورد جزو مناسبات تولیدی بدانیم. هم چنین در مورد کارگران نیز نباید یکتا کارگر تنها را در نظر گرفت، بلکه باید طبقه ی کارگران در نظر داشت و رقابت میان کارگران برای بدست آوردن کار که در مراحل ابتدای رشد جنبش کارگری و جود داشته و اتحاد و تشکیل کنونی آنها را در اتحادیه های کارگری و سازمان های طبقه ای که کارگران برای دفاع مشترک از منافع و حقوق خود پیش تشکیل داده اند جزئی از مناسبات تولیدی دانست. زمانه ای که از تولید سخن میماند به عملاً از تولید گندم یا بوت توجه به مناسبات تولیدی در نظر می شود: بصورت تولید گندم در مزرعه و تولید بوت در کفایش در حالیکه وقتی از تولید اجتماعی سخن می گوئیم باید تولید را به معنای وسیع آن در نظر گرفت و توجه داشت که گندم در کشتزار و کفایش در کفایش فقط هر حلقه ای معین از تولید است و این محصولات و قتی می تواند نیاز مندی انسان را بر آوردند که مراحل بعدی تولید را نیز طی کرده و بدست مصرف کننده برسند برسر سفره ی فرادگیرند و با

#### پس کسی را ببوشانند. بنا بر

این تولید اجتماعی و مناسبات تولیدی را باید به معنای وسیع و در سبک کا مسل تولید: از تولید به معنای اخص تا توزیع و مبادله و حمل و نقل تا مصرف در نظر گرفت و توجه داشت که مناسبات اقتصادی ایکه میان انسانها در جریان توزیع و مبادله و حمل و نقل تا مصرف برقرار می شود جزئی از مناسبات تولیدی است. (در اینجا باید یکتا نکته ای اساسی توجه داشت و آن اینکه توزیع و مبادله و مصرف جدا از تولید وجود ندارد و نباید جدا از تولید بررسی شود.)

برخی از دانشمندان بو رزوا چنین می کنند و بجای بررسی تولید تنها به بررسی مبادله و نوسانهای بازار می پردازند و به نتایج نادرستی می برسند.



ترجمه و تنظیم از: میرحسام الدین برومند

## صرفه جویی دیکتاتور رژیم پینوچت در بانکهای خارج و ورشکستگی اقتصاد چیلی

مذاکراتی بعمل آورد تا مگر بتواند راهی برای دریافت اسلحه پیدا کند. ناظرین و دیپلمات ها این ملاقات را که شکل شخصی داشته، دنباله ارتباط قبلی چیلی با مقامات غربی میدانند. باید متذکر گردید که با ری یکی از حکومت کارگری در سال ۱۹۷۵ به سفیر سابقا گو خبر داد که پلیس مخفی چیلی در ضمن شکنجه های غیر انسانی خود با دکتر «شا یلا گامسیدی» که یکی از دکتوران ورزیده آنجا بود، رویه ضد کرامت انسانی نموده و بشکل فجیعانه بیچاره زن مذکور را شکنجه نموده است. قرار یک گزارش دیگر «گامیلو ز» در ماه سپتامبر با مقامات جمهوری فدرالی آلمان نیز به عرض در یافت کمک ها در تماس آمد.

در نشریه «لاس انجلس» تا به موازات قول پراس فرستاده از امریکا لاتین آمده است:

بکنداد از ناظرین ادته ادارند که ظاهرا دیکتاتور چیلی طوری وانمود مینماید که گویا در چلی مجازات و شکنجه از بین رفته است و لیکن دیکتاتور مزبور بخاطر بقای خود وادامه دادن به روش های ضد انسانی و فاشیستی خویش اینک خواسته سرپوش قانونی بگذارد چه مو صوف اینک به اعمال مستبدانه و دیکتاتورانه خود میخواند شکل شرعی و مدعی بد همد به استناد یک گزارش اینک تنها در مرکز چیلی (۲۵۰۰) نفر بیگناه بدستور فاشیست پینوچت باربسمان ها بسته اند و شب و روز تحت شکنجه های طاقت فرسا گرفتار شده اند و پینوچت با چنین رویه مخالف بشر دوستی خویش خواهان جلب همکاری های فرا و اتتر نیز است. آیا زیر پا گذاشتن کرامت انسانی، با اعمال ماخسن حقوق بشر و عدول از موازین ویر لسیپ های اخلاقی محض برای دیکتاتور فاشیستی پینوچت، جنابت محض نیست و بروفیسورا

دوست شش سال از کودتای چیلی که بوسیله فاشیست ها صورت گرفت، میگذرد. رژیم پینوچت که شکل دیکتاتور را دارد پیوسته تحت حمایت اقتصاد کشورهای امریکای غربی قرار گرفته نشریه «افق» منتشره جمهوری دموکراتیک آلمان به استناد راپور های مستند و موثق در یکی از شماره های خود گزارشی پیرامون ورشکستگی اقتصادی چیلی مینویسد که:

اقتصاد چیلی به یک ورشکستگی جبران ناپذیر رو بروست بدینکه ناما ل ۱۹۷۸ پیش از (۸۰۰) میلیون دالر در بانکهای کشورهای خارج بوسیله دیکتاتور رژیم چیلی آنهم بحساب کاملاً شخصی وی پس انداز گردیده که روی این ملحوظات بودجه اقتصادی آن کشور کسر بز رگی وارد آمده است. در چیلی اکثر این سوال پیش آمد که صد میلیون دالر قرضه بیکنگ در چه قدر کی صرف گردیده. از طرف فاشیستی های چلی اسلحه های فراوانی را که امرائیل آن ها را از امریکا خود خریداری نموده، در یافت مینماید چه چیلی مستقیماً از امریکا نمیتواند اسلحه خریداری نماید. خرید اسلحه بمنظور بقای دیکتاتور فاشیست مذکور و وقف نمودن یک مقدار قابل توجه پول در زمینه، در پهلوی صرفه جویی دیکتاتور مذکور در بانک های امریکا از عواید دیگر است که اقتصاد چیلی را کاملاً تضعیف و جسیره حر یصانه و آز مندا نه دیکتاتور مستبد مذکور را بیشتر برهلا مسازد، چون به حقوق انسانی و کرامت انسانی بوسیله زما مدار فاشیستی ارج گذاشته نمیشود معذالک کشور های غربی بوسیله فیصله یکی از کنگرس های حقوق بشر حق فروش اسلحه ها را با لای رژیم پینوچت ندارند.

بنابراین ما «گو بیلوز» وزیر خارجه چیلی به لندن رفت تا با مقامات امریکایی

«میلتون فرید مان» یسگتن از مفسران اقتصادی جهان مینگارده که رژیم چیلی با وصف تلاش و دست و پا نمودن زیاد بهیچوجه نمیتوان خود شی را از رکود اقتصادی ورهاند چه هزینه هنگفتی وقت خریداری بيمورد اضافه از حد اسلحه و صرفه جویی شخصی در بانک های خارج گردید هاست. قیمت اشیای لوکس بی نهایت بالا رفته و میزان اقتصادی پول هر آن در کشور مذکور قوس نزولی خود را می پیماید. در چیلی مجادله مردم بارزیم فاشیستی چیلی مجدانه ادامه دارد و مردم ضمن نظارت بر خواهان کار، عدالت، آزادی و دموکراسی اند، از همپرو بتاریخ اول می که مصادف بود به روز تجلیل از روز کارگران سرامر جهان، و هر سال در همین روز جشن کارگران در سراسر جهان بر گزار می یابد، برای دیکتاتور چیلی اخطار نامه از طرف (۱۰۰۰) نفر کارگران رزمنده ترو آبدیده تر ساخت.



یکی از زنان در حال تطبیق دارو در تحت نظر سازندگان ادویه مذکور

## داروی جدیدی بجای قرص های ضد حاملگی

از آنجاییکه اکثر هضم قرص هاییکه خانمان برای جلوگیری از زایمان میگردند به آفات رسیده که بعضاً نتایج زیان آوری در قبال داشته است و عده بیشماری از خانمانها با گرفتن قرص های ضد حاملگی دچار زخم معده، یبوست، سردی و جود، زیادت وزن، سرگیجه، خرابی گردن ها و ده ها مشکل دیگر گردیده است. محققین و علمای طب که پیوسته در صدد کشف دارو های جدید اند روی همین اصل مهم و درخور توجه بشری اینک یکدکتور سوئدنی که زن نامبرده نیز دکتور ولادی و نامایر است بنام «گریشتر بریکو» داروی جدیدی ساخته اند. مشخصات این دارو در نشریه طبی سوئدن بنام «هو سبالا» منتشر گردیده است. فرین خبر طبی گزارش یافته است که دیگر زنان نیازی بگرفتن قرص های ضد حاملگی نخواهند داشت. چه در جلسه که به اشتراک (۲۷) زن طبیب از کشور های مختلف دایر گردید یکتو ع مایع جدید که اس نادر و کمیاب و قیمتی زونون

است نظر به آزمونهای قبلی ماده موثر و عاری از هر گونه ضرر، برای جلوگیری از آستان زمان تلقی میگردد. این دارو که برای دانشمندان ارزش بسیار دارد تا زمانی که کشف گردید و بعد با سایر دارو ها اختلاط و از آن اینک بحث داروی ضد حاملگی استفاده بعمل آمده میتواند. این داروی مایع برخلاف قرص های ضد حاملگی که تا قبل ازین تهیه گردید هیچگونه اثرات سمی و ناخوشایند و یا کسالتی برای استعمال کنندگان آن بجا نخواهد گذاشت. (بریکو است) که خود در پیویبوستی «هو خیر الا» در سوئدن مصروفیت دارد مدعی است که: تجارب طبی برای ما ثابت ساخته که موثریت این دارو بیشتر از دارو های قبلی میباشد. طرز استفاده ویکار گرفتن این دارو همانست که فقط یک قطره از این داروی مایع را سه بار در روز یکبار صبح، یکبار جانش و یکبار شب با بد بدماغ رسا اند.

بوکل مذکور پلاستیکی بوده و ساختمان آن که خود حاوی قطره چکان مخصوص زونون



# با یسکل سواری که توانسته تا کمون فاصله ۱۵۶۰۰۰ کیلومتر را با یسکل

## پیدا یید

او و همسایان برای فرآیند آبیاری خودشان را در یک پرتاب کردند. «آفو» هفت سالگی بیش نداشت که بر بالای یک درخت شاخ بلوط برآمد. لکن از بالای درخت افتیده و پاهایش هر دو شکستند.

در سنی ده سالگی وی روز یک قطی سگرت میکنند وی در قطعه با زی بلدیت کامل داشته حتی به قمار متوسل گردیده بود. در دیوارها نیکه بیش از بیست متر بلند داشت می برآمد. آخر الامر او در میدان مرها کی روی میخ با گذاشت. در هر کجا همبازی هایش بد نباش بودند بازی ترین مکتب ورزشی اطفال به او در خرد سالیش گفته بود: «آفو» آیا گاهی با خودت اندیشیده ای که چرا چنین نحیف ایستاده و کوچک اندام هستی. برای اینکه سگرت دود میکنی؟! و آنوقت بود که «آفو» یکباره به کشیدن سگرت یا نان داد. و در تابستان همان سال بود که هفت سالگی تر بلند شد «آفو» در اولین مرتبه که سوار بایسکل شد خودش در یافت که چه تند میراند. سرعت تند رانی او حتی مایه شگرف خودش گردید. از طرفی یکی از ترینر های خاطر مهارت های چشمگیری «آفو» به نامبرده یک بایسکل جدید اهداء کرد که با یسکل مذکور در فاصله (۱۸۰) کیلومتری ایشان بود آفو به سواری موتور به نقطه متذکره رفته و پس همان فاصله ۱۸۰ کیلومتر را بدون کوچکترین توقف به اصطلاح با یک نفس آورد. متعاقباً سه ساعت تمام مصروف بازی نینس گردید. این حرکت «آفو» ترینر مذکور را بعدی بر افروخته ساخت که بناچار بایسکل را ن مذکور را نگوشت کرد. «آفو» در راندن بایسکل مهارتی دارد که هیچ بایسکل سواری صاحب چنان مهارت نیست. صرفنظر از اینکه راننده اصولی است. در گویای ها یا چایکی برک میزند. با یسکل راه اطراف خویش چنین سوار با زاویه های مختلف می چرخاند در بهار سال ۱۹۷۳ بود که «آفو» آنهم محض برای یکبار از مقام قهرمانی افتید اما در ظرف همان سال ریکارد قهرمانی تمام قهرمانان بایسکل را شکست و با اشتراک در مسابقه موسوم به «مسابقه صلح» که در ردیف دوم قرار گرفت و شهبان با آنهم فزونی یافت.

«الکساندر کوز» یا «پتیکوف» کپتان مسابقات ورزشی شوروی در یادداشت هایش مینویسد:

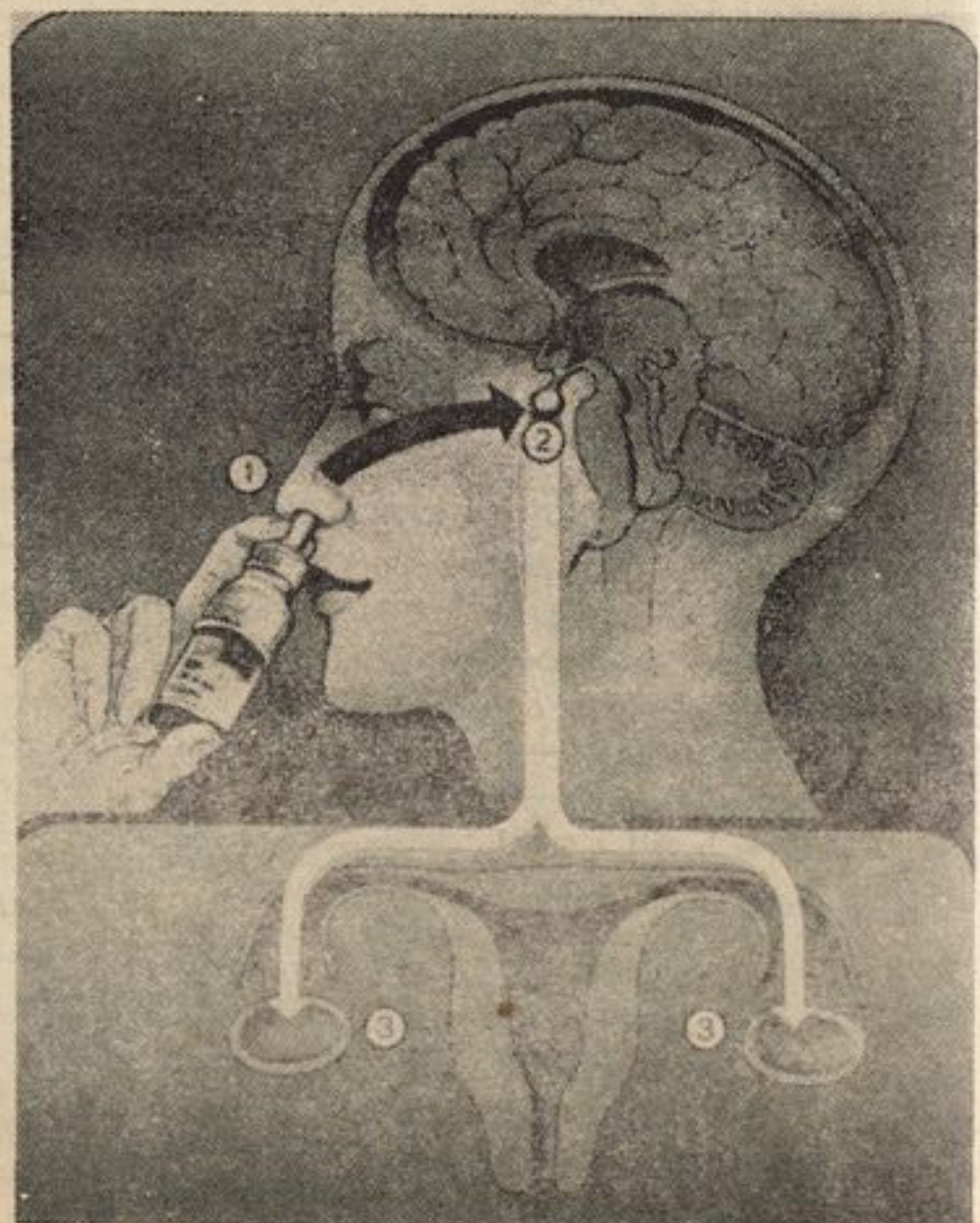
بسان تو هیچ راننده بایسکل نمی راند وی در پاسخ گفت: من میخواهم بیشتر بقیه در مسابقه

در اینجا گزارشی ارائه می یابد در مورد یک معلم سیورت، معلمی که زیاد جوانست یعنی تازه به ۲۳ سالگی پا نهاده است. وی «آفو» بیکو ووز نام دارد و توانسته تاکنون در (۷۵۰) مسابقه بایسکل را نی کسرت و مجموعاً فاصله (۱۵۶۰۰۰) کیلومتر را سواری با یسکل تا کنون پشت سر بگذارد. موصوف از جیره های تابان ورزش است که بخاطر سپهگیری در مسابقات با یسکل جوانی بازی های المپایی «مونتریال» توانست به احراز قهرمانی نایل آید. روز نخست که وی سوار بایسکل میشد پاهایش و گاه ها تمام اندامش درد میکرد. اما دفعات این با یسکل سواری عادی توانست سرو عینایی در حلقه های هنری راه بیندازد و مسئله در خورد دقت و بسیار بسیار جالب اینست که با یسکلی را که در مسابقات المپایی «مونتریال» نامبرده سوار شد. یک بایسکل زیاده ادای و مال خودش بود. چنینکه وی میخواست سوار بایسکل شود. گرچه با یسکل قبلا چک شده بود. لکن زنجیرش خطا خورده و بیجا شد و درین میان «والیری چا بلکن» یکی دیگر از مسابقه دهندگان بایسکل رانی «آفو» برادرین میان کمان کرد. و وانگهی جمعی از بایسکل سواران با اعلام آغاز مسابقه توسط نفر موظف شروع کردند به مسابقه با یسکل رانی. هر یک شطارت میو رزید. سعی میکرد تا سر یعتر یا برند و از حریفان پیشی گیرد و در فرجام همه با شگفتی در یافتند که «آفو» بیکو ووز «جسارن زود تر از دیگران در محل معینه رسید و بدون نا راحتی و احساس دلگسی توانست فاصله یکصد کیلومتری را همراهی با یسکل پیدا یید. بعلاوه وی در ۸ می ۱۹۷۷ توانست منجبت ترین راننده بایسکل بر بالای سرک های بولیند، شناخته شود و جایزه ارزنده دیگری را کسب بدارد لکن در پایان همین مسابقات گرچه برای «آفو» بیکو ووز «قهرمانی آورد. جراحانسی بر داشت. چنان چرا حانی که دکوران وی را از مسابقه مانع شدند لکن با وصف آن «آفو» در آرزوی بیودن فاصله (۱۶۹۵) کیلومتری بود. در فاصله هر چند کیلومتر تکه های کتشاف یا رنگ های زرد کاشته شده بود که وی همه تکه ها را در ید و پارچه آن ها را در اخیر مسابقه در موزیم ورزشی رسانید. «آفو» بیکو ووز «که قسمت زیاد عمرش را در شهر مساحلی «تارتو» گذراند. مادرش «هالی» نرس یک شفاخانه بود «نیکولای بیکو» ووز یک سازگر ساختمانی بود «آفو» با بچه های بزرگتر و با استعداد تر از خودش طرح رفاقت ریخته بود. در پنج سالگی

سوء بالای وجود بگذارد. داروی متذکره خود یک ترکیب کیمیای است. بعلاوه معادلی که از آن تذکار بعمل آمد سایر نا راحتی ها را تحت الشعاع قرار داده و مشخص استعمال کننده فرحت حس میکند.

بدین اساس دارو های ضد حاکملکی دیگر پس از عبور از راه پر ایسج و خیم روده ها و معده به هدف نمیرسد فقط هورمون ها مشخصه وجود از طریق سیستم عصبی تحت کنترل آمده و محض در دقایق حساب س اتصال زن و مرد فعلیت تخمه دانها بطی خواهد گردید و در نهایت از گرفتن حمل و آستن جلو گیری خواهد نمود اثرات قرص های ضد حاکملکی تا ۲۴ ساعت در وجود میماند حالانکه فقط پس از پنج دقیقه اثرات داروی جدیسد مرفوع میگردد. کار نیت این دارو شش ماه تمام در کلینیک یونیورسیتی سو یسندن ادا یه پیدا کرد. زنا نیکه گر بیو سرما خور دگی داشته باشند ضمن تطبیق این دارو اثرات مذکور نیز رفع شده میتواند. دوا سازان فرا تکفورت در مرکز «هوب خست فرانکفورت گشون سعی دارند که این دارو را بشکل بهتری عرضه بدارند. علمای سو یسندن در نظر دارند که در سالیان بعدی این دارو را بطور قرص نیز برای آندسته از خانم ها که مایل به تطبیق آن از طریق بینی نیستند. به بازار عرضه کنند. قرص های مذکور خود بخود به تخمدان ها خودش را خواهد رسانید. مسلماً دارو های جدید جای قرص بزودی جای قرص های ضد حاکملکی را خواهد گرفت.

است بعضی فشار دادن بوتل دارو خود بخود از قسمت های ساختمانی عمده بینی گذشته و خود را بدستگاه مغز میرساند. در نتیجه هر مرتبه صفر شماره پنج ملی گرام مواد وارد وجود میشود. داروی مذکور از طریق پوسته مغاطی بینی با خسل غده های مخصوص در مغز گردید و در فرجام وارد هارمون های دماغ می گردد که عواقب آن همانا گذاشتن انسر مطلوب با لای «هیپوفیز» است. «هیپوفیز» عمده مخصوصی است که شخصاً و طیفه ساختن هورمون های مخصوص را دارد. «هیپوفیز» که یک اصطلاح طبی بخصوص است در حین حال یک مرکز اتصال بیوشیمی دماغ و سایر هورمون ها و از گان های وجود بوده و در ضمن آن ها را کنترل میکند. علمای سو یسندن «گر یستر بر یگوست» و «همکارانش» زخمن بو هان تیلوز «ولایف وید» در واقع از اولین کسانی اند که میخواهند سایر هورمون ها و از گان های وجود را از طریق کنترل مغز از بسی فعلیت ها باز دارند. بعبارت دیگر این دارو بعضی رسیدن در مغز شده های محرکه وجود را که در تخمدان در ارتباط بوده و فعلیت دارند. فعلیت شانرا بطی میسازد بطوریکه مانع فعالیت تخمه ها میگردد. و این به مراتب بهتر است که رشته های عصبی باعث کنندی همچو فعلیت ها در موارد لازم گردند و همچو مسایل از طرف اتصال کنترل گردد تا آنکه مستقیماً دارو ها تجویز گردند. چه در صورت دو می ممکنست دارو اثرات



۱- دارو از بینی دماغ رسیده و ۱ پس به کمک رشته های عصبی خودش راه تخمدان رسانید و از گرفتن حمل جلو گیری میدارد.

در معاهده ی سال ۱۸۵۵ بین امپراتور دوست محمد و انگلیس نیز طرف افغانی شکل بسیار تحقیر آمیز یاد شده است چنانچه در ماده ی سوم آن گفته شده جناب امیر دوست محمد خان والی کابل و وزیران او در قلمرو کمپانی مداخله نکرده و بدوستان «آریسل ایست اندینا کمپنی» دوست باشند و با دشمنان کمپنی مذکور دشمن باشند (۱) معاهده ی دیورند که بین امیر عبدالرحمن و انگلیس امضاء شده نیز همین بر خورده صورت گرفته (۲) گرچه بر خورد تو همین امیر انگلیس چیز طبیعی است زیرا خود این شاهان جیره خواران و نوکران انگلیس بودند (۳) و در ماده ی هفتم آن چنین گفته شده است: نسبت به طریقه ی دولتستانه که جناب امیر صاحب فرین گنگو و معامله قبول معاهده ی دیورند ظاهر ساخته اند، دولت عالی به هند بوجه عطفه سالانه یک ملیون و دو صد هزار روپیه که آن به جناب معتمد و ح داده می شود، ۶۰۰ هزار روپیه سالانه مزید نموده شود.

اما آوا نیکه خلق افغانستان و رهبران ملی طرف انگلیس را تشکیل می دادند نه تنها بر خورد تحقیر آمیز دشمن را قبول نداشتند بلکه اراده ی قهر مانا نه ی خود را بر دشمن تحمیل می کردند چنانچه

در برابر یک دولت بزرگ استعباری و نشون منظم انگلیسی، در نهایت سادگی و خاری از هر نوع مجاملات در باوری، با نوبت شمشیر امضاء و دولت خود را صادر کرده تشکیل کرده است. در حالیکه امضاء کنندگان این معاهده نه در رای دولت و تشکیلات سیاسی و نظامی بودند و نه بر ای خود امارت و وزارت و سلطنت می خواستند. معانی این عهد نامه ی ملی با معاهدات سیاسی اینک امیر افغانستان پیش از آن و بعد از آن با انگلیس عقیده نکرده، بر نری، شجاعت، اصالت فکری و وطن پرستی خلق را نسبت به سر داران و امیران و در با زبان بوجوش نشان می دهد.

و اما فعالیت جا سو سی انگلیس در افغانستان از عملیات نظامی آن شد بدست و موثر تر بود. دولت های افغانستان در برابر جا سو سی انگلیس بکلی خلع سلاح و عاجز از مداخله بودند و اکثر خود عمال دولت و در با خود برای انگلیس جا سو سی می کردند، زیرا در دولت های افغانستان کدام تشکیل و یا او را گران ضد جا سو سی و جو دنداشت و اگر هم اورگان های موجود بود برای جاسوسی داخلی و کنترل خلق افغانستان و جو د داشت، پس عمال جاسوسی انگلیس در افغانستان آنچه بطور سری کار می کردند،

نکردند. هشتک انگلیس و شاه شجاع و سکها در ۱۸۳۹ بکابل حمله کردند امیر دوست محمد خان شیر محمد خان (مستر کمپل) را بدفاع از کابل با مور نمود و لی اواز کشیدن شمشیر بمقابل انگلیس و شاه شجاع انکار نمود. بعد از فرار امیر دوست محمد، شیر محمد قوماندان یک قطعه ی گارد شاه کابل از طرف شاه شجاع مقرر شد و در سر کوی مبارزین کابل سهم فعال گرفت اما قطعه ی مر بو طه ی اوتباه شد و خودش بنام اینکه مسلمان شده است زنده رها گردیدند. بسعداد تباهی انگلیس و شاه شجاع و آمدن دو باری امیر دوست محمد به سر قدرت با تعجب دید می شود که شیر محمد از طرف امیر دوست محمد به قوماندانی - ار قوی پا زده هزار نفری مسلح مقرر می شود و سر دار محمد افضل خان و لسی بلخ پس از دوازده ساله ی خود عبدالرحمن را (بعد ها امیر عبدالرحمن یا شاه افغانستان) امضاء کنند می معاهده ننگین دیورند با انگلیس) به شاه گردی و می دهد، کمپل (شیر محمد) سه سال این پسر بر سواد را صرف سو ها ن کاری و قضا جراحی در روز سه ساعت مسی آموزد آری امیر عبدالرحمن شاگرد و پیرو همین شخصی بود که بعد ها مطابق هدایات

شده بود و همین لال در سند و بلو چستان خدمات زیاده ای برای انگلیس ها انجام داد و در جنگ اول افغان و انگلیس در افغانستان به نامی شعبه ی جا سو سی انگلیس پرداخت، ولی چون مؤلف لال هندی - الاصل بود بعد از آنکه انگلیس ها او را خوب به تبع خود استعمال کردند، رهائش نمودند و بحالت بدی برد.

از آغاز قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم این دسته اشخاص در دوره ی هر دولت از افغانستان موجود بودند مثلاً در عهد امیر دوست محمد خان در لنگسر قلعن (بخارستان) قوماندان سواره نظام افغانی با قری علی شاه هندوستانی، در عهد امیر شیر علی خان در قلعون هرات جنرال پیاده نظام کریه بخش خان هندوستانی بودند. دولت انگلیس از مستخدمین مسلمان خود در افغانستان چنان استفاده می نمودند که از شاه صبر انگلیس میسر نبود. لذا تا جنگ سوم افغان و انگلیس (۱۹۱۹) تمام لغات پندگمان انگلیس در کابل مسلمان بودند، بعد از آنکه وزیرای مختار انگلیس نژاد هم در کابل مقیم شدند، معا وین آنها مسلمان بودند، چنانچه در عهد دولت امانیه در سرحدات شرقی افغانستان، شیخ محبوب علی خان پنجابری پولیتیکال اجنت «پاره چنار» و معاون او اسکندر خان ایت آبادی بود. بعد ها

# ستراتژی سیاسی و نظامی انگلیس

## در افغانستان

یوسته گذشته

اسماعیل

معاهده ای که رهبران ملت افغان بنا بریح ۱۱ دسامبر ۱۸۴۱ با انگلیس ها در حالیکه اردوی انگلیس هنوز در کابل و (تروندینار) و کندهار مستقر بودند، با انگلیس ها عقد کردند این معاهده این طور شروع می شود: قرار داد عهد و میثاق که فیما بین عالیجاهان مغلی جاسگاهان حشمت و شوکت دستگهان نواب مستطاب مغلی - القاب نواب عالی نواب محمد زمان خان، و نایب ثانی رفیع مکانی والا جاه نایب امین الله خان «لوگری» و ... و صاحبان باوقار انگلیسیه بسته شده است.

و در ماده ی دهم این معاهده ی آبرو - مندانه به انگلیس چنین اخطار داده شده است: «شروط دهم اینکه دو مراتبه صاحبان انگلیس خواهش ملک افغانستان را به هیچ وجه نکنند و نسل بعدنسل فیما بین رابطه ی دوستی و اتحاد مربوط و مضبوط باشد، و سر کار افغانیه هر گاه بجهت مداخلت اعدای بیرون امداد بخواهند، سر کار انگلیسیه در تبلیغ آن در یغ و مضایقه نکنند ...»

این معاهده نمونه ی کامل شعور سیاسی و شجاعت اخلاقی خلق افغانستان است که

برای همیشه مخفی و مستور می ماندند، و اما آنانی که علنا بنام سیاح، طیبیه، تاجر، ترجمان، معلم، مستخدم، مهاجر و بنا هنده سیاسی و غیره به کشور ما می آمدند با دست باز به جاسوسی می پرداختند و بعضا اعمال جاسوسی افشا و آفتابی می شد، انگلیسها در آغاز آشنائی با افغانستان برای این کار از عناصر خالص انگلیسی استفاده می کردند چنانچه مجرا بلدرند پاتنجر (۱۸۱۱-۱۸۴۳) یکی از اعضای توپخانه ی بیسی و با زعمان ناظر سیاسی سند، به کابل آمد و به قیافه ی ملای هندی به هرات رفت و همینکه حمله ایرانی ها در هرات شروع شد به فعالیت های جا سو سی پرداخت و بعدا کابل افشا گردید، «مستر کمپل» یکی دیگر از این قماش اشخاص بود که در حمله ی ۱۸۳۳ شاه شجاع فراری در قندهار امیر یک کندک نظامی او بود و چون شاه شجاع درین جنگ شکست خورد کمپل نیز زندانی و بعدا مسلمان شد، و امیر دوست محمد خان این نازه مسلمان شده را در بدل معاش ما هوار چار صد روپیه قوماندان توپخانه ی ار قوی کابل مقرر نمود خواننده محترم توجه کنند که

این مسلمان شده ی در با ری چه ها که ورهشایی ها و تلقینات این جاسوس زیر دست خدمت شاه پسته ی را به نفع انگریز و بقصر کشور خود «؟» انجام داد. کمپل در ۱۸۵۸ برود.

هكذا راپرت ایسج از ورود رسمی به افغانستان مدتها در ولایات شرقی افغانستان گشت و گزار کرده و معلوما ت زیاده ی بدست آورده بود. حتی الکساندر برنس که حیثیت نماینده ی رسمی دولت انگلیس را در دربار کابل داشت.

مگر این گونه عمال خالص دولت انگلیس دچار مشکلاتی می شدند ازین جهت که با زبان، فرهنگ و مذاهب خلق افغانستان بسیار بیگانه بودند. پس انگلیسها به عمال شرقی خود بیشتر متوجه شدند چنانکه در عهد زمان شاه بواسطه ی میانجام محمد هندی به تشکیل جمعیت مسند شاه و تحریک خان های محلی پرداختند یکی از این عمال موهن لال بود که زبان دری و انگلیسی را در دهلی فرا گرفته و داخل شعبه ی جا سو سی گردیده بود، این آدم در ایران بنام آغا حسن کشمیری و در افغانستان بنام میرزا قلی کشمیری معرفی

که «سر هفتری» پولیتیکال اجنت خیر بیعت وزیر مختار انگلیس در کابل آمد شیخ محبوب علی خان به صفت سرکر تر شرقی، هنکار نزد یک او در کابل بود و فعالیت های بیشتر ی سری و علمی سفارت انگلیس را برعه داشت، تا توانست اغتشاش خوین و ارتجاعی افغانستان را بچشم سرو رضایت خاطر تماشا کند، در چنین موارد بصراحت می توان گفت که مقیاس ظلم دول استعمال ری و امیر یا لیستی در مشرق زمین، تنها استثمار و بهره برداری از مستعمرات آنان نیست بلکه آنچه را می توان بزرگترین جنایت استعمار نامید اینست که آنان فرزندان یک مستعمره را طوری تربیت می کنند که آنان خیانت بوطن را و خدمت بدشمن وطن خود را، مایه ی افتخار و در عین حال یک کار شاهانه طبیعی مسی دانند «؟»

انگلیس ها در مورد رجال افغانستان هم از واقعیت و حقیقت انحراف کرده و هر که را با منافع و اغراض خود منطبق و بسا مستعمل یافتند، او را به نیکو نسی ستوده و نمونسه ی مثال در تاریخ قرار دادند، و آنکه را مخالف اغراض خود و موافق منافع ملی افغانستان دیدند، در برده های تو هین و افترا پیچیده، به بدی تبلیغ کردند بطور مثال در مورد رحمت الله و قاندار خان (وزیر زما نشاه) که استحکام دولت را می خواست نوشتند او بسک بویلزایی گمنام و فساد است ادر مورد یار محمد خان وزیر کارمان که پا تنجر را با وجود همه استحکاماتش از هرات اخراج کرد نوشتند:

## نگاهی به اهمیت ...

بخش ضد استعماری با گام های نیرو مند در جهت نابودی و زوال سیستم استعماری به پیش رفت و یکی پی دیگر استقلال و آزادی کشور های تحت زنجیر استعماری تامین گردید و خلقهای جهان به اکتوبر کبیر دلپسند و کشور شورا ها را پایگاه مطمئن نهضت و انقلاب کارگری ، دانستند .

مشعلدا ران انقلاب اکتوبر که اولین آز مایش انقلابی را به پیروزی رسانا نندند همه از انقلاب و آرمان های انقلابی آن دفاع نمودند و همچنان پرو گرام ها و نقشه های علمی را برای اعمار جامعه نوین سو سیا لیستی طرح کردند که از همان آوان شکوفانی و آبادانی و همچنان آرامی و سعادت خلق را بشارت می داد . و گذشت زمان به اثبات رساند که رهروان راه اکتوبر بر هبری حزب واحد سر راه مری کشور آکا هانه و انقلابی وطن خود را آباد ساختن ، چنانچه امروز کشور شورا ها در ر دیف او لین کشور های جهان در تمام ساحات اجتماعی به حساب می آید و در اکثر سکتور های اجتماعی مقام اول را احراز نموده است .

پهلوی دیگر مسئله همان نقش و تاثیر بین المللی انقلاب اکتوبر است که در پرتو آن در ازو پای شرقی بعد از حمله خائنانه و تجاوز گرانه فاشیست های آلمانی که عنوان جنگ جهانی دوم را بخود گرفته اردو گاه سو سیا لیزم بنیان گذاشته شد و سنکر صلح و سو سیا لیزم در جهان با قوت و نیرو مندی شکست نا پذیر دزهای پارینه و پو شالی امیر یا لیرم رانه تنها به لرزه در آورده بلکه مژده نابودی و زوال آنرا به جها نیان علنا اعلام داشته که این مسیر تا کنون به پیروزی های زیادی دست یازیده است .

واقعات عصر و زند گانی نوین خلقهای جهان در پرتو انقلاب اکتوبر نشا نداد که انقلاب اکتوبر نه تنها در روسیه و اروپا محدود و محصور نماند بلکه در آسیا ، افریقا و امریکای لاتین نیز راهش را باز نمود و امروز زحمتکشسان گیتی باسر افراشته و امید فراوان

بقیه صفحه ۳۳

## اطفال و سوء تغذی

سوم - سرو ینسپای وقایوی :

۱- مصرف آب آشا میدنی و پاک حق مسلم هر انسان است که در تهیه آن هر چه بیشتر مساعی بعمل آید .

۲- سرویس های واکسیناسیون در تمام مناطق کشور رونق بیشتر داده شود تا اقلا هشتاد فیصد تمام اطفال لیکه دارای سن قبل از رفتن بمکتب اند در مقابل امراض قابل وقایه معافیت کسب نمایند در ینجا متذکر می شویم که در ممالک عقب مانده سالانه بیش از پنج ملیون طفل قربانی امراض می شوند که بیماری های مذکور در ممالک به اصطلاح پیشرفته با معافیت های کلنوری از بین رفته اند .

شصت و دو مین سالگرد انقلاب اکتوبر را جشن می گیرند . بازهم او ضاع و احوال در کشور های جهان پیروزی های هر چه بیشتر انقلاب اکتوبر بر را تأیید نموده و پیام انقلابی اکتوبر در دور ترین نقاط جهان به گوش جها نیان رسیده و عملا سپاه نیرو مند دفاع از آرمان های اکتوبر کبیر و تحقق آن بوجود آمده و در میدان های مختلف و در جهت های گونا گون علیه امیر یا لیرم می رزمند و یقین دارند که بالا خره امیر یا لیرم از روی کره زمین به مزبله تاریخ دفن می گردد و در فر دای زند گی که اکتوبر آغاز گر انقلابی آن است از ظلم و ستم ، بیعدالتی و تجاوز استثمار و چپا ولگری جای نخواهد بود و جها نیان برادر وار و رفیقانه یکجا باهم زندگی خواهد داشت .

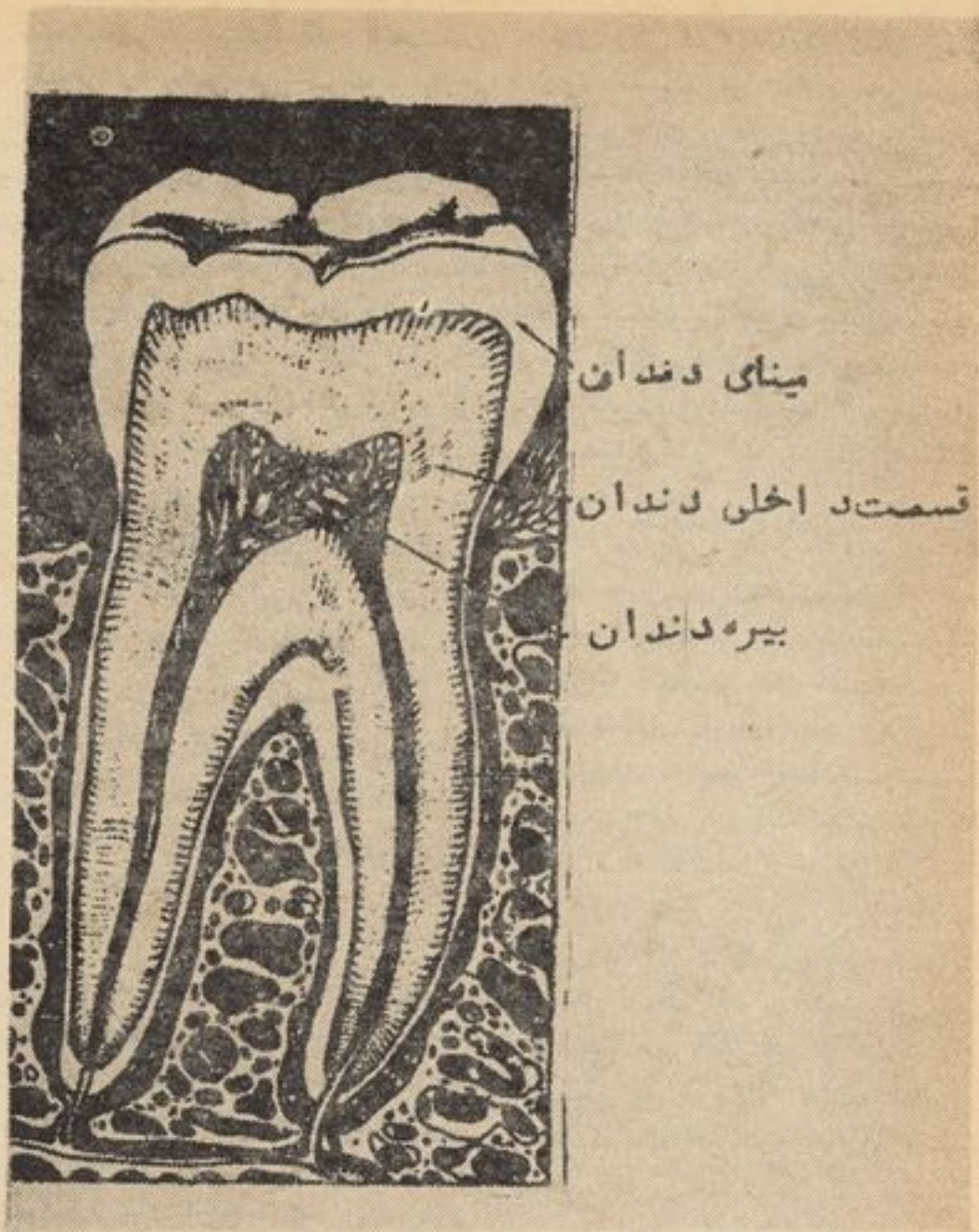
با امید های یقینی که در فرورزانی مشعل اکتوبر بوجود آمده بی جا نخواهد بود به ارتباط شصت دومین سالگرد انقلاب سو سیا لیستی اکتوبر در روسیه به پیشا هنکان انقلاب و فر زندان خلف آن تبریک بگویم و به آرزوی روابط نیک و انقلابی اتحاد شو روی سو سیا لیستی با افغا نستان نکات مختصری از تا ثیرات اکتوبر را در افغا نستان به یک نگاه مشا هده کنیم که اینک به اختصار در زیر ییاد داشت می شود :

۳- بهبود بخشیدن شرا یط حفظ الصحه محیطی و از بین بردن کثافات انسانی ومعنوی در وقوع امراضیکه عامل مرض تو سط آب انتقال میکنند کاهش قابل ملاحظه ببار می آورد ، در پروژه های صحی حق تقدیم به آن داده شود . در اینجا باید اضا فه نماید که صرف بانطباق اساسات ساده حفظ الصحه و وفیات کود کان تا حدود نود فیصد در ممالک عقب نگه داشته شده پائین خواهد آمد .

چهارم - در ساحه تربیت مجدد سرویس های موسسات اجتماعی مر ستونها و دار التادیب در بهبودی و تجدید تربیت اطفال محروم ذیل کمک شایانی نموده میتوانند :

اطفال یتیم ، اطفال لیکه معیوبیت های فیزیکی وجسمی دارند ، اطفالیکه عقلا عقب مانده اند ، اطفال شریر اطفال لیکه والدین و فامیل های خود را از دست داده اند و اطفال لیکه بنا به عللی از نظر افتاده و یا سهل انکاری در حصه آنها شده و یا هم بعلت بی نظمی های فامیلی تحت زجر و شکنجه اند .

بنجم محیط مکتب : بعد از محیط خانه و فامیل مکتب مهمترین کانون تربیت طفل محسوب می شود طفل در محیط مکتب تحت تا ثیر عوامل مختلف که در نشو و نمای فکری ، ذهنی ، روحی ، دماغی و بروز استعداد وی موثر اند قرار می گیرد . طفل در محیط مکتب دوستانی از خود پیدا میکند ، تفریح می نماید می آموزد و صاحب شخصیت می شود .



مینای دندان  
قسمت داخلی دندان  
بیره دندان



دایمی یاد میشود همه دندانهای شیری قبل از اینکه طفل تولید شود در رحم تشکیل میشوند. ولی تکامل آنها تا سن دوییم سالگی طول میکشد و قتیکه طفل شش ماهه شد اولین دندان که در قسمت پیشروی الاثه بازشی و بالایی پیدا میشود بنام ثنا یاد میشود و وظیفه قطع کردن مواد غذایی را به عهده دارد. دندانهای پهلوی ثنا را بنام انبای یاد میکنند

این دندانها نیز برای پاره کردن مواد غذایی بکار میروند درحالت عادی هر کس چار دندان انبای می داشته باشد بعد از دندان های انبای دندانهای آسیاب ابتدایی واقع شده اند و در بین ۹-۱۱ سالگی آسیاب ابتدایی می ریزند. و قتیکه دندانهای دایمی تشکیل شد ۱۲ عدد دندان آسیاب خواهید داشت یعنی شش دندان در الاثه بالا و شش دندان در الاثه پایین واقع هستند دندان های آسیاب غذا را طوری میده میکند که در عملیه بلع و هضم سهولت رخ دهد مجموع دندانهای شیری ۲۰ عدد بوده در حالیکه دندانهای دایمی ۳۲ عدد می باشد.

باشند. دندانهای اضافی قبل از نیش زدن دندانهای طبیعی می ریزند اگر این دندانها مانع در شیر خوردن و یا مکیدن پستان مادر شوند باید آنها کشیده شوند. در حال طبیعی اولین دندان شیری ممکن است قبل از یک سالگی (۶-۸ ماهگی) ظاهر شود. تاخیر پیدایش دندانها بعد از یک سالگی نشانه اختلال عمومی تغذیه یا امراض هارمونی است در بعضی امراض دیگر مانند سفلیس نیز این امکانات موجود است. باید رادیو گرافی یا عکس دندانها گرفته شود در هشت ماهگی اطفال میتوانند بعضی غذاهای نرم مثل بستکوت را بخورند این کار در تیزی دندانهای آنها کمک خواهد کرد.



الاثه بالای دندانهای دایمی نیش زدن دندانها :

دندان های الاثه پایین معمولاً قبل از دندان های الاثه بالایی نیش میزند. دختران نسبت به پسران زود تر دندان میکشند در اطفال قد بلند دندانها زود تر از اطفال جالی نیش میزند در بعضی حالات دندانها خیلی قبل و یا دیرتر از وقت معینه نیش میزند ممکن است این دندانها طبیعی یا اضافی

بعد ازین ، خوردن سیب، مالت و میوه جان دیگر دندانها را بخوبی پاک میکند ولی کیک و غذاهای نشایسته یا آردی چسبنده بوده پاک کننده نیستند. به دندانها چسبیده و به این ترتیب به رکود تجزیه مواد غذایی کمک میکند و سبب کرم خوردگی دندانها میگردد. تکامل ریشه دندانهای دایمی معمول تا سه سال بعد از نیش زدن دندانها شیری طول می کشد و در سن هفت سالگی اولین دندانهای دایمی ظاهر میشود و در صورت تکامل پوره دندانهای دایمی تعداد آنها ۳۲ عدد میباشد.

**نظافت دندانها در سنین مختلفه:**  
قبل از نیش زدن دندانها نظافت مصنوعی دهان بیفایده است زیرا بخاطر دهن شیرین خوران و اطفال کوچک نازک است و به آسانی صدمه می بیند.

**دندانها را نباید قبل از سه سالگی برس کرد قبل از سه سالگی تاج دندان را می توان**

نوشته : دکتر عبدالسبحان هاشمی  
عضو اداره تبلیغات صحیح ریاست طب و قایوی

# دندانهای سالم رمز تندرستی

دندانها علاوه بر اینکه با عمل جویدن در فعل هضم مواد غذایی کمک می کنند در زیبایی انسان نقش اساسی داشته و در تکلم درست کلمات درست یا ری می کنند :

تجو و ساختمان دندان : هر دندان از نظر نمود چار مرحله دارد : مرحله رشد و نمو، آهکی شدن نیش زدن و بالاخره فرسودگی ، دندانها از نظر ساختمان به سه حصه تاج ، گردن و ریشه تقسیم شده است . تاج قسمتی از دندان است که در بالای بیره واقع شده و معلوم میشود، ریشه های دندان میان بیره واقع شده و دیده نمیشود قسمیکه ریشه و تاج دندان را با هم وصل می کند بنام گردن دندان یاد میشود پوش سفید

و سختیکه دندان تاج را پوشانیده مینای دندان

سعیای فوق العاده سخت بوده و در حفظ سلامت دندان نقش مدافعی دارد .

خرابی مینای دندان باعث کرم خوردگی و فرسودگی آن میشود . بعد از مینای دندان صدف دندان قرار دارد و قسمت داخلی آن بنام خمیر دندان یاد میشود اعتصاب و رنگهای خون در بین دندان وجود دارد که برای دندان غذا می رساند و آنرا قوی و سالم نگه میدارد

انقسام دندانها : دندانها بدو نوع شیری و

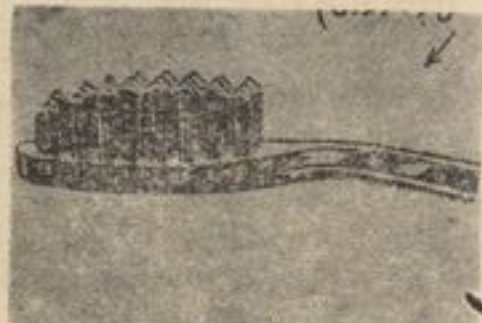
گاهی باینه آخته بامحلول نمک بلی (سود) پاک نمود .

در سال سوم والدین محترم باید دندانهای اطفال خود را برس کنند و از سال پنجم معمولاً اطفال خود شان این عمل را بعهده گیرند .

**برای خارج ساختن غذا های نرم، چسبیده و ریشه دار از میان دندانها لازم است از برس یا مسواک استفاده شود این عمل از بوسیدگی یا کرم خوردگی و امراض اطراف دندان جلوگیری میکند .**

درین جا بهتر است تذکر داده شود که برس دندان باید خرد بوده مویک های آن از هم فاصله داشته و سخت باشد برس دندان باید بعد از هر دفعه استعمال پاک شود . و جهت خشک شدن آن آویزان کرده شود .

هر عضو فامیل باید برس دندان علیحده داشته باشد در صورتیکه برس دندان کهنه و نرم شود باید از برس جدید استفاده شود .



در وقت برس نمودن الاشه باین برس باید از باین به بالا و در الاشه بالائی از بالا به باین در حرکت آورده شود بطوریکه مویک های برس مواد غذایی میان دودندان را بخوبی پاک نموده بتواند بعداً با احتیاط لازم قسمت داخلی دندان را باید برس نمود .

پاک نگهداشتن دهان مخصوصاً برای اطفال بسیار مهم است والدین گرامی باید اطفال روزانه دوبار دندانهای اطفال خود را شامرا پاک کنند برای این کار که پاک کردن دور انگشت شهادت خود پیچانده و بمانده شد عموماً بامکروب کش آخته نمایند و سه آهستگی دهان و دندان های طفل پاک شود برای پاک کردن دندانهای اطفال شیر خوار کافی است یک مقدار آب به اطفال نوشانیده شود .

**اهمیت تغذیه:**

**اهمیت تغذیه به بر حسب مراحل نموی دندان و ساختمان مخصوص آن فرق میکند اهمیت تغذیه در شیر خوران و اطفال کوچک بیشتر از دیگران است . زیرا در این هنگام اکثر دندانها در حال نشو نما هستند و به تدریج دندان نیش میزند همزمان با آن اهمیت عوامل غذایی نیز کمتر میشود و بعد از خروج همه دندانها دیگر عوامل غذایی از مستقیمش ندارد .**

دندانها در وقت رشد و نموی خود به تمام غذا های اصلی احتیاج دارند مخصوصاً ضرورت زیادتر ویتامین سی و ویتامین دی و کلسیم میباشد . مگر تجویز کلسیم یا ویتامین سی به منظور تقوای کرم خوردگی بیفایده است .

کرم خوردگی دندانها :  
با وجود اینکه مینمای دندان فوق العاده سخت و محکم است باز هم اگر مراقبت درست از آن ها به عمل نیاید ممکن است فرسوده شده و سوراخ هادر آن پیدا شود .



کرم خوردگی در یک حصه میناید میشود



پندیدگی در ریشه دندان



کرم خوردگی دندان به خمیر دندان راه پیدا میکند



کرم خوردگی در یک حصه مینا پیدا میشود

علت کرم خوردگی هنوز بصورت یقین فهمیده نشده مگر صرف نظر از بسیاری عوامل را در پیشرفت کرم خوردگی موثر هستند دلایل موجوده نشان میدهد که علت اصلی

کرم خوردگی دندانها میکروب است خرابی دندان یا کرم خوردگی از قسمت خارجی دندان ها شروع میشود و به طرف داخل دندان پش میرود اگر به علاج یک دندان فرسوده اقدام نشود این فرسودگی پیش رفته و سبب یک پندیدگی در همان الاشه میشود پندیدگی الاشه عبارت از جمع شدن چرک در ریشه

دندان میباشد و این پندیدگی از سبب میکروبیایی پیدا میشود که در سوراخهای دندان داخل میگردد . اگر این میکروبها داخل جریان خون شوند شاید به قلب مفاصل و دیگر حصص وجود ضرر برساند یک دندان فرسوده مقدمه یک روماتیسم بوده میتواند .

دندان می باشد و این پندیدگی از سبب میکروبیایی پیدا میشود که در سوراخهای دندان داخل میگردد . اگر این میکروبها داخل جریان خون شوند شاید به قلب مفاصل و دیگر حصص وجود ضرر برساند یک دندان فرسوده مقدمه یک روماتیسم بوده میتواند .

کرم خوردگی دندان های شیری در پنج تا هفت سالگی و از دندان های دائمی این سن (۱۲ - ۱۸ سالگی) می باشد که شاید مهمترین وقت کرم خوردگی در همین سن (۱۲-۱۸) سالگی می باشد .

**وقایع :**

۱- از صرف نمودن یا خوردن مقدار مواد قندی برای مدتی جلوگیری کنید و در عوض آن میوه جات را زیادتر صرف نمایند .

۲- دندانهای خود را بعد از صرف غذا برس نمایید و یا لامل روزانه دوبار برس نمایید .

۳- از آشپای نواک تیز و فلزی مثل میخ سنجاق سوزن وغیره به منظور پاک کردن دندانهای خود استفاده نکنید .

۴- برای کشیدن پارچه های کوچک مواد غذایی از بین دندان های خود ازار استفاده کنید .

۵- اگر دندانهای شما تکلیف دارند و او کوچک هم باشد یادا کتر دندان مشوره نماید .

**ستراتژی سیاسی و**

روا یا ن لایقی ؟؟ بو جود آور دند ، کسه بتوا نند مملکت را نگهدا ری کنند ... انگلیس ها مرد م افغان را بیعت یک خان و درو شگو وید قول شنا ختند ، در حالیکه در بین فرمان روا یا ن آنها مخصوصاً در نسل یا پنده خان و بار کزائی ها ما بت معیار شرا فتو صدا قت میا بیم که اکثر آنها را قابل اعتماد واطمینان می سازد ...

دوست محمد خان اولین فرمان روایی افغانستان بود که ثابت کرد : در زیر کلبه ظوا هر نا استوار و کر کتر ضعف، هسته ی صدا قت و لیا ت هدف در بیسن رهبران بزرگ بار کزائی بو جود است ... زندگی دوست محمد خان نشان می دهد که او یک اداره چی لایق ویک چنتمین بزرگ بود ؟؟ ...

چرا تو بسندگان انگلیس در مورد است فرد اینقدر متناقض و متضاد قضاوت می کر دند ؟ برای آنکه این فرد را بسند روز مخالفت خود میبافتنند و روز دیگر موافق را جمع به امیر دوست محمد خان نسیز چنین بود مثلاً بعد از آنکه انگلیس ها معا هدهی ۱۸۵۵ بشاور را با نما پنده وپسر امیر (نلام حیدر خان) بسته و دوست و دشمن انگلیس را دوست و دشمن امیر قسار دادند و بعد ها در ۱۸۵۷ در بشاور با خود امیر دوست محمد خان معا هده ی باعطلاج انگلیس دو سنا نه عقد نمودند و امیر بعد از امضای معا هده گفت : «اینک من سنا حکومت انگلیس متحد شدم واین اتحاد را تا هم مرگ حفظ خوا هم نمود و او هر چه پیش آید ... پس قضاوت انگلیس ها نیز در با روی او خورتر شد .

انگلیس ها در قضاوت نسبت به امیر عبدالرحمن خان متردد بودند زیرا از بسک طرف سازش و مدارای او را با خود می

بقیه در صفحه ۴۷

## در جهت آرامش...

### صندوق مصارف اجتماعی :

پول این صندوق که يك جزء از عواید ملی است برای افراد کشور اختصاص داده شده تا از آن مفاد مادی و کلتوری کسب نمایند و در ضمن علاوه از دستمزد ها ایشان امتیازاتی را نیز تصاحب نمایند. صندوق مصارف اجتماعی تخصیصیه ایست که از بودجه دولت و پول های سازمان های کورپراتیف های ولایتی ، فارم های زراعتی و اتحادیه های تجارتي متشکل گردیده است .

چگونه از این صندوق می توان استفاده کرد ؟

این صندوق برای اینکه افراد اتحاد شوروی ، تحصیلات را یکنانی رابه سویه عالی انجام داده بتوانند آنان را کمک میکند . همچنان برای محصلانی که مصروف تحصیل میباشند مدد معاش میدهد و برای کارگران که آرزو دارند مهارت های فنی شان بیشتر گردد و خدمات موثر تری را در راه تولید زیاد تر و بهتر انجام بدهند امداد هایی را بعمل می آورد . بعلاوه در راه انجام خدمات طبی را یگان برای مردم و برای اشخاص معیوب ، برای تولد طفل ، مادران بدون شوهر و یا مادران دارای فامیل بنزرگ و متقاعدین و غیره کمک های موثری را انجام میدهد .

کلیه کارکنان و مستخدمین ، دولتی اتحاد شوروی ، در ایام رخصتی قانونی سالانه شان ، از این صندوق بهره مند میشوند .

کودکستانها ، شیرخوارگاهها ، مکاتب شبانه ، سناتوریم های گردها ، برای اشخاص کهنسال تاسیس گردیده اند و بعضی دیگر از سازمان های که خدمات رایگان را برای خلقها انجام میدهند از این صندوق مستفید می گردند و در نهایت دولت نیز برای حفظ و مراقبت اماکن دولتی و برخی از سایر کارهایش از صندوق مصارف اجتماعی استفا ده مینماید .

این يك حقیقت روشن است که انسان میل دارد ، کاری را انجام

بدهد که به آن علاقمند باشد و آنرا با قدرت و مهارت انجام داده بتواند لذا چون افراد کار های گونا گونی را انجام میدهند دستمزد و پامعاش شان نیز کم و زیاد و سطح مصارف شان از هم متفاوت است و این تفاوت بخصوص در موارد يکسه کارگر یا مامور دارای فامیل بزرگ یا کوچک باشد بکلی واضح است ، پس تقسیم و توزیع يك قسمت از عواید ملی ، بین جمعیت از طریق صندوق های تعاونی تا اندازه ای این بی تفاوتی ها را در بین مردم تنظیم می کند . چه کسانی که عواید کم و اشخاصی که فامیل بزرگ دارند مستحق امتیاز در یافت کمک از صندوق می گردند که از آن در فوق تذکار یافت .

از طریق صندوق مصارف اجتماعی نابرابری های مصروف نظر به عواملی که از آن تذکر بعمل آمد ، بتدریج کم شده می رود و توسط همین صندوق است که از نگاه وضع مادی ، فرصت های مساوی برای تمامی طبقه کارگر ، جهت تحصیل ، بهبود در مهارت ، تنویر فکری و دریافت کمک های طبی و غیره میسر میشود .

اکنون این صندوق مصارف اجتماعی ، ۲۵ تا ۳۰ فیصد عواید حقیقی خلقهای سر تا سر اتحاد شوروی را در بر می گیرد .

در سال ۱۹۴۰ جمله مبلغ این صندوق مصارف اجتماعی ، عبارت از چهار عشرایه شش میلیون ربل بود اما در سال ۱۹۷۳ مبلغ مذکور به هفتاد و هشت هزار میلیون ربل رسید که این پول برای هر فرد از جمعیت اتحاد شوروی ، يك صد و ده ربل می رسید و طی سالهای اخیر رقم هفتاد و هشت هزار و میلیون ربل نیز خیلی زیاد گردیده است .

پنجاه فیصد سرمایه این صندوق در جهت سود و منفعت جمعیت شوروی بکار می افتد و پنجاه فیصد دیگر آن در راه حقوق تقاعد ، امداد های تعلیمی ، و غیره امتیازها صرف می شود .

در سال ۱۹۷۳ زنان کارگر مستحق امتیازات حقوق دوره ولادت شدند و زنان مذکور حق امتیاز شان را از طریق همین صندوق بدست آوردند . علاوه بر آن متقاعدین و خانواد هائیکه فرد کمایی گر شان را از دست داده بودند نیز از این صندوق مستفید شدند .

همچنان تخصیصیه های امدادی برای شاگردان مکاتب مسلکی از راه همین صندوق تثبیت گردید . نظر به اهمیتی که این صندوق تعاونی دارد اتحاد شوروی در نهمین پلان پنجساله اش ، معیار بهتر و مترقی افزایش سرمایه این صندوق را بمقا یسه افزایش های عمومی دستمزد های کارگران در نظر گرفت .

پس میتوان گفت که طی پلان پنجساله کنونی ، دستمزد کارگران ، مامورین دوایر ، زارعین فارم هایی که زوی آنها کار های دسته جمعی صورت می گیرد ۳۶ فیصد افزایش یافته و پول صندوق مصارف اجتماعی چهل فیصد اضافه تر گردیده است .

افراد اتحاد شوروی ، برای ترقی و پیشرفت همه جانبه کشور شان و سعادت و آسودگی مردم شان میکوشند و تلاش می نمایند . این صندوق در راه تکامل و پیشرفت تعلیمات عمومی جامعه

سو سیالیستی اتحاد جما هیر شوروی بشمول تعلیمات آرت و کلتور ، خدمات ارزنده ای را انجام داده است . زیرا ، از همین صندوق مصارف اجتماعی است که برای تعلیمات عامه مردم ، سالانه بیش از بیست هزار میلیون ربل خرج میشود .

يك اندازه پول دیگر ، در جهت انکشاف کتابخانهها ، موزیمها ، تیاترها ، کلوپ ها و غیره و موسسات کلتوری و تعلیمی بمصرف می رسد چنانچه در سال ۱۹۷۵ در حدود ده هزار میلیون ربل در راه حفظ و مراقبت اماکن بزرگ و تاریخی خرج گردید همچنان در سال مذکور بیش از بیست و هفت هزار میلیون ربل در جهت پیشرفت سینما و سناختما نهایی صحی ، استراحتگاه ها و برای اتحادیه های زراعتی و تجارتي ، بمصرف رسانیده شد . خلاصه اتحاد شوروی از طریق این صندوق سالانه کم از کم ، نود هزار میلیون ربل ، در جهت انجام خدمات اجتماعی و رایگان مصرف می نماید تا سطح زندگی خلق های آن سر زمین بلند تر برود و مردمان جمهوری های مختلف آن در رفاه و آسودگی هر چه بیشتر زیست نمایند و با کار و کوشش های بی گران شان خدمات ارزنده ای را در راه صلح گیتی و آرامش جهانیان انجام بدهند .

## بایسکل سواری که...

باشد که اینهمه بیروزی هارنصیبشود . ورزشکار مذکور پس از تحصیلات ثانوی اینک در حال فرا گیری تحصیلات عالی است ، ادبیات و ریاضت دوست دارد . «آفو» در پاسخ به سوال يك نشریه سبورس که مسابقه بایسکلرانی چه مفوی مسری از نگاه او دارد ، جوا بداد : مسابقه بایسکلرانی ، شباهت شخص ورزشکار را آشکار میسازد و نیز ثابت میگرداند که ورزشکار مذکور از توان و بادشده تهراسیده ، پساوان ورعد و برق رانانیده گرفته و به آنجا که هدف است نزدیک و نزدیکتر میشود . دیده شود «آفو» با آمادگی های اساسی رفتن اش در مسابقه ایکه بسویه جهانی بر گزار میگردد بابا بایسکلش چه کاری را از پیش خوا هد برد .

پشتکار به خرج بدهم ، امروز صد بار تلاش میکنم ، فردا یکصدو بیست ... تا خلاهای هر بوط به ورزش بطلو یم مرفوع گردد . در مسابقه بایسکلرانی که نه تنها فن را نندگی بلکه اسلوب و مقررات لازمه و از همه گذشته تسلط بر اعصاب ، امریست مهم و جدی . چه اکثرا یا ناراحتی های انصاب ، خویش را به گر داب نیستی و بد بختی غوطه ور میسازند . يك ورزشکار خوب به هدایات نغمه موسلف گوش فرا داده و به اسلوب ورزش مطلوب توجه عام و نام میثا بد . قهرمان مسابقه بایسکلرانی نی منفعه المپیایی ۱۹۶۰ در روم به ویکتور کابری تو لوف از اتحاد شوروی در مورد «آفو» تعجب کنان گفت : من هیچ باورم نمیشد که «آفو» بیکو ووز» چنین مهارت و خصوص در قسمت بایسکلرانی داشته

# له توپیر غوښتونکو رژیمونو سره دامپریالستی ټولنوژدی اړیکې

دیدند تا جا نیکه از استقلال کشور گذشت و خط دیورند را قبول و لا یات شرفی افغانستان را از چترال تا بلوچستان به انگلیس ها گذاشت : چنانچه «تندر» در همین مورد نوشت : «امیر عبدالرحمن - خان رول خود را خوب بسازی کرد و نقشی را که میباید در مذاکرات نازک و مشکل میبخت بخوبی درک کرد تا منتج به موازنه نهایی در تعیین تمام خط طویل سرحدی از پامیر تا ایران گردید . و حتی امیر یکبار هم مانع اقدامات حکومت انگلیس جهت حل عادلانه مسئله (۱) نشد ولی امیر مصمم بود که نگذارد واقعیت تسلط انگلیس بصورت آشکارا در برابر دیدگان مردمش قرار گیرد ...»

ولی امیر عبدالرحمن برای حفظ مقام خود در نظر ملت ، علناً بر ضد انگلیس سخن زد و روح جهاد را در برابر انگلیس ظاهراً زنده نگاه میداشت روی همین ملحوظ انگلیس ها در قضاوت نسبت به امیر عبدالرحمن خان و معرفی او به امیر انگلیس ، فوراً تازمه ویر کبی ایجاب کردند . از آنجمله لارد کرد که خود پدر با امیر عبدالرحمن آورده بود چنین گفت : «امیر عبدالرحمن خان یک معجزه مر کبی است از سیاست مداری و ظرافت و وحشیگری . اگر چه امیر این آنها و وحشیگری را رد می کرد و ادعا می نمود که این روش و وحشیگری یگانه طریقهی معامله با چنین یک نژاد غدار و خیانت کار (۱) (مطلوب او مردم افغانستان می باشد ) است ... همچنان «کسر زن» با رضایت خاطر از قول یک نفر انگلیس مقیم کابل می گوید که امیر عبدالرحمن خان خود گفته است که ۱۲۰ هزار نفر از مردم خود را کشته است ...»

«گوزن» می گوید که این پادشاه در آن واحد یک شخصی بزرگ ، یک وطن پرست ، یک عرفیت و یک شریک بود ... با مزاج متغیر و زبان درشتی که داشت عموماً یک دوست یا یار و متحد دولت انگلیس بود و مستحق این است در تاریخ افغانستان و تاریخ امپراطوری هند نام او بدرجه عالی ضبط و قید گردد ...»

انگلیس ها چنانیکه به سبب فعالیت های مخفی جاسوسی خود در بین ملت افغانستان تفاهت و شقاق و اختلافات نژادی ولسانی و ستمی و قبیلوی را تولید و ترویج کرده می رفت ، تا از نظر مذهب سنی و شیعه ، از نظر زبان دری و پهلوی از نظر نژاد پښتون و هزاره ، از نظر قبیله غلجایی و درانی و از نظر منطقه فرایی و لغتانی و امثال آن مخالف و بد بین همدیگر گردیده آنگاه بجان خود مشغول گردیدند که مصالح عمومی کشور و مخاطرات دشمن خارجی را فراموششان گرداند . هم چنان انگلیس ها توسط مطبوعات خود با شکل غیر مستقیم پادشاهان افغانستان را به وارد کردن فتنه با لای ملت افغانستان رهنمونی می کردند خلق افغانستان را توهین می کردند و سزاوار ظلم و استبداد

و مجازات و ستم قلمداد می کرد چنانچه از زمان سلطنت امیر عبدالرحمن یا شاه دست نشاند و مستبد افغانستان می نوشتند که یک ملت آهنین (افغانستان) پادشاه آهنینی (امیر عبدالرحمن) بکار دارد (۱) هم چنان هنگامیکه خلق منکلیتیا از فشار حواله جات غله و علوفه ی دولت ، بجان رسیده بودند و در مقابل حکومت قیام مسلحانه کردند (۱۲۹۱ شمسی ۱۹۱۳ع) امیر حبیب الله بر عکس رویه ی پدرش در برابر این قیام دهقانان بطور نسبی از مداوا کار گرفت و ۷۰۰۰۰۰۰ این روش خلاف تمایلات امپریالیست های انگلیس بود: فوراً تازمه آف اندیا در ماه اگست همان سال مضمون تحریرک آمیزی نشر کرد که در آن گفته شده بود: (امیر بازرجه ی مسلاها و اطرافیان خود قرار گرفته و در برابر شورشیان منکلیت دولت را ضعیف نشانداده است ، در حالیکه اتحاد بین اقوام افغانستان بر ضد منافع امیر است (۱) .

از طرف دیگر انگلیس ها برای اغفال دیگران ، از اداره ی دولت تحت الحمایه ی افغانستان بشکل مبالغه آمیز آنگاه حرف می زدند تا هر شخص به تمنای تحت الحمایگی دولت انگلیس در افتد! مثلاً در سال ۱۹۱۳ یک نفر انگلیس «داکتروال» لرد سا یز - بعد از سیاحتی به افغانستان می نویسد که : افغانستان یک مملکت شرقی نیست زیرا امیر عبدالرحمن خواب و خورد را بر خود حرام کرده بود تا بهادار تر قی افغانستان را گذاشت :

و از مدیته حقیقی آرو پا استفاده نمود . امیر حبیب الله در مملکت فابریک های اسلحه سازی ، عسکر منظم ، مکاتب! و ... با این فعالیت ها غزنی فر دوسی بود با ره عظمت گذشته ی خود را خواهد یافت (۱) .

بر عکس انگلیس ها زما نیکه با خلق افغانستان و در باره ی آنها سخن می گفتند کلمات موهن و مختصر استعمال می کردند . و هم چنین انگلیس ها میل داشتند هیچگونه افتخار دست نا خورده برای خلق افغانستان باقی نماند از نیرو هر کارنامه ی خلق ما را بنوع دیگری تعبیر می کردند مثلاً آوا نیکه خلق افغانستان در جنگ اول اردوی انگلیس را معدوم کرده و سر مشق آزاد یخو اهان مشرق زمین قرار گرفتند ، انگلیس ها چنان وانمود کردند که :

قیام مردم افغانستان بر ضد انگلیس تنها از جهتی بعمل آمد که انگلیس ها بر زبان تجاوز (۱) کرده بود (۱) .

از همینجا است که به همه خوانندگان باید عرض شود که در موقع مطالعه ی آثار مورخین دریاری انگلیس که مال احتیاط را بخرچ دهند زیرا آنها اکثر حقایق را قلب کرده به خورد خوانندگان می دهند و هكذا در گذشته اکثر نویسندگان ما نیز بشکل ناگزیر (برای اینکه منبع دیگری بدست نداشتند) تحت تاثیر توهین ها ی آنها رفته اند .

یواخی انه پنخوس ملیونه د جنسو بسی افریقی روی مز دور کوری و همدا اوس د دغه هیواد په فابریکو کی دسپین پو سنکو کارگرو عا یدات دجنو بی افریقی دور پو سنکو کارگرو د عا یدانو پنخه چنده دی .

کله کله دپانگوا لی ټولنو اجتماع ددی دپاره چی خپل استثمار او د نژادی توپیر غوښتنی سیاست اصلی بی نه یی ظاهری بد لوند و کوری وی وائی چی تور پوستکی پر خان باورنه لری او پخپله دوی دی چی د فکری کارو نو د تر سره کو لو څخه ډډه کوی او فکری کارونه دسپین پو سنکو میراث بولی .

داهم دیا دولو وږ ده چی د جنو بی افریقی نه زیاترو فابریکو کی هیک سبب پوستکی کارگر کارونه کوی مگر همدا تور پوستکی دی چی په نیما یی معاش هغه کارچی سبب پوستکی نی . په پوره معاش کوی په ډیره بڼه تو گه سرته رسوی . مگر د کمپنیو خا وندا نو د خپلو شو مو او ناروا غوښتنو او اعما لو دد ولام او د هغه د پت سا تلو په خاطر دافر یقانی تور پوستکی کارگرو دندی په بیلا بیلو نومونو یادوی لکه څنگه چی د جنو بی افریقی دار تجاری دولت سره د اقتصاد ی مرستو د زیاتوالی او پایتت پر ضد تر یوال فتنه رونه او غندنی مخ په زیاتیدوی مگر ډیر ژر به دغه حقیقت و مومو چی ددغو هیوادو نوکی لونی کمپنی گان څنگه په خورا زیرکی د خپلو چارو د پټولو دپاره په یولو جدی اقداماتو لاس پوری کوی دا یو څر گند حقیقت دی چی اوس دامپریالیستی کور یو دپاره ډیر گران تمامیری چی د نژادی توپیر غوښتونکو رژیمونو او پانگوا لو ټولنو تر منځ نژدی اړیکې د نړیوالو له سترگو څخه پټ اویدی تو گه شومو اعما لو برخ لاهم پردی و غوروی .

دا څنگه چی په امپریالیستی هیوادونو کی (په تیره بیابانه جنو بی افریقا کی چی دهغه د دولت اصلی بنسټ د نژادی توپیر غوښتنی پر سیاست ولاوی) د نژادی توپیر ضد جنبشونه په ډیره چټکتیا سره وده کوی .

اودغه آزادی بخښونکی جنبشونه د سوسیالیستی او مترقی هیوادونو او مترقی هیوادونو د کارگری او مترقی جنبشونو د کلک ملاتړ څخه برخوردار دی او ددغه حقیقت له مخی په زغره تو گه ویلای شو چی که امپریالیزم او دهغه توپیر غوښتنو لکی اجتماع هر څومره زیار وسمالی او دخلکو د آزادی په لارو کی راز راز خنډونه و واچوی او له هر ډول چمونو څخه کار واخلی بیا هم دخلکو بر یالیتوب حتمی دی او وروسته لدی امپریالیزم نسی کو لای چی په راز راز چمونو او زور سره خلک د استعمار او استثمار په کور یو کی بند و ساتی او پدی تو گه د خپل گواگی رژیمونو بقا تامین کوی .

دایو منلی او څر گند حقیقت دی چی په جنوبی افریقا او رودیشیا کی د توپیر غوښتونکو گواگی رژیمونو د بقا اصلی عوامل د هغو سره د نړیوال پانگوا لی نظامونو نژدی اړیکې اود امپریالیستی قوتونو تر پردی لاندی اقتصادی او پوځی مرستی دی .

امپریالیستی هیوادونه نه یوا څخه د نړیوالی پدغه برخه کی انسانی ضد رژیمونه په پټو درو لی او دهغو د پایتت د پاره هر راز هلو ځلو ته لاس اچوی بلکی ددغو هیوادونو دخلکو په وینو لړل شوو غور - ومړیو باندی چی ددغو هیوادونو د خلکو دلاسونو د تانکو محصول او دغو هیوادونو د طبیعی منابعو څخه خپل نسونه مری وی .

لیدی سره سره چی د نړیوالی هیوادونه دپاره ر تا ید غوندی تر یوالی د ریښخ غوره کوی او د نړیوالو هیوادونو مترقی جنبشونه او مترقی خلک د اپارتاید او توپیر غوښتنی پر ضد را پورولی بیا هم امپریالیستی ټولنو د هغو پر خلاف په ډیره کی دی چی که په رودیشیا او نامیبیا کی دهغو د گواگی رژیمونو لری پدی ته ورسیری او ددغو هیوادونو د دخلکو دغو ښو څخه ددوی غا بنو نه وویستل شی باید پرله څنډه د نړیوالی سیمه کی په نوی بڼه دخپل نوی استعمار خا د و غوروی باید وویل شی چی امپریالیستان کل د نژادی توپیر د لاپیاو تیا دپاره په کلکو اقداماتو بوخت دی او ددغه انسانی ضد سیاست د حوام دپاره دراز راز نیرنگو نو څخه کار اخلی او په دی لټه کی دی چی د ملی آزادی بخښونکی جنبشونو د ستونزو او دهغو دو لټونو د پټو د غور ځولو د پاره چی دخپلو هیوادونو د پرمختگ د پاره د مترقی ټولنیزو پالیسیو پیروی کوی په هر ډول شرو مونکی عملو نو لاس پوری کوی .

امپریالیستان نه یوا څخه درودیشیا اود جنوبی افریقا د گواگی رژیمونو کلک ملاتړ کوی بلکی ددغو هیوادونو د سوسیالیستی او مترقی (تورپوستکی) به استثمار و لو او برهغو باندی د نژادی توپیر د سیاست په عملی کولو کی ښکاره لاس لری چی ددغو هیوادونو په کمپنیو کی د تور پوستکی او سبب پوستکی کارگرو تر منځ د مزد تفاوت ددغه حقیقت دلالت خو را څرگند دلیل کیدای شی .

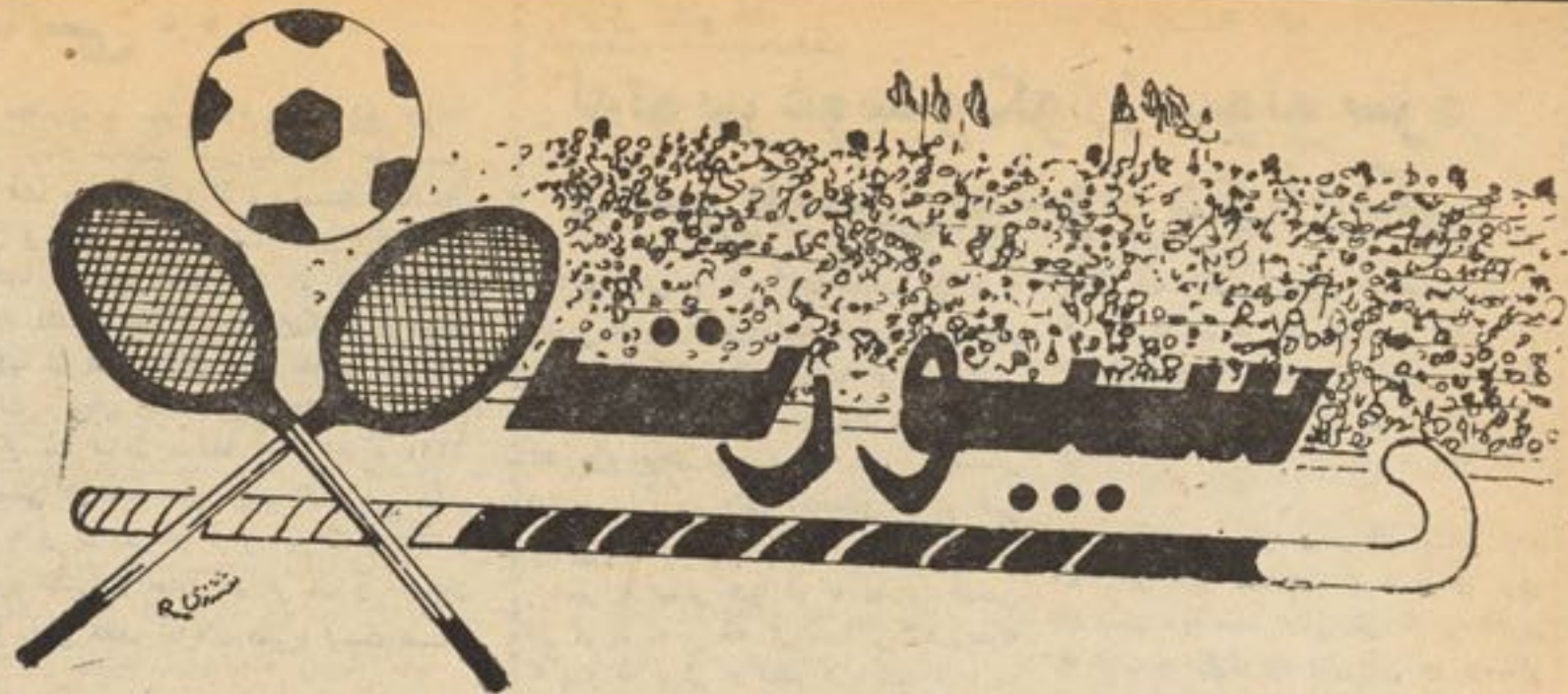
دهغو احصا ټیو له مخی چی اخیستل شوی په (۱۹۷۰) او (۱۹۷۳) کلو نوکی په جنوبی افریقا کی د موټرو نو کمپنی گان یواخی سبب پوستکی کارگرو چی د جنو بسی افریقا د موټرونو د کمپنیو د کارگرو څلو ربه برخه تشکیلوی یو سلو یوشپینه ملیونه د جنوبی افریقا میزد و د کسری و پداسی حال کی چی تور پوستکی کارگرو

نو زه ونه یی باغ باغ کیری او خوشحال- لیری .  
 د(بوگدانووا) په عقیده په ورزشی لوپوکی ونه اخستل هیڅکله د هغی ددر سو نود وروسته یا نی وای باغ باغ کیری او خوشحال- لیری او تر سی از مو ینو کی بیسی نیری تر گوتو کوی او د تل له پا ره بر یا لسی ده .

لکه چی د (بوگدانووا) دورزی ز و ند خڅه خر گند یزی دنیرو دوو کلو نو په موده کی یی یوازی په یو خو محدود و سپورنی پرو گرام مو نو او لو یو کی ما نی خوږلی او تر اوسه پوری هیڅکله مایه- سه شوی نه ده . دا سپور تی قهر ما نه نجلی غنیده لری چی ورز شکا ران با یسد هیڅکله د ماتی خو پ لو خڅه وروسته ند امیده په شی او د تل له پا ره آینه د ته متوجه و او سی داورزی خیره دژوندانه په ټولو یی اوونو کی خپل متانت زه ورتیاو جسات ساتی او د ورزشی او یو په جریان کی دقوی مودال او پیا وړی روحیاتو خاوند وی . که څه هم تر اوسه یو ری د (جولیا - بوگدانووا) په مهالونو اوجایزو- کی بیلا بیل ټو لونه شه امل دی خو دا کی- نښی کوی او زیار یا سی چی دا لمپک په هغو نړیوا لو لوپو کی چی د طرح شوی پرو گرام له مخی د (۱۹۸۰) کال په

اوپی د مسکو په ښار کی جوړ یزی د لامبو و هلو دورزی په (۱۰۰) متره ایزه مسافه کی د سرو زرو دیوه مهال په اختللو موفقه شی . (جولیا) په دی وروستیو وختونو کی دلامبو و هلو په ورزشی کی دشو روی اتحاد یوبل نامتو لو بغای (لینا- کا چو ستا یا) ته بلنه ور کړیده چی دلینگراد په ښار کی دلامبو وهلو دمیورته د (۲۰۰) مترو په مسافه کی ورسره مقابله وکری .

(جولیا - بوگدانووا) دلینگراد په ښار کی دخپلو ورزشی نمرینا نو دلری دتغیبو-



د(شور) زبانه

# جولیا- بوگدانووا

او یو په واسطه دخپل دلور علاج او تداوی کو لو نه اقدام و کړی .  
 د(بوگدانووا) پلار چی دلینگراد د ښار په یوه فابریکه کی کار کوی د ډاکترانو دسپا رښتی سره سم دلینگراد دکارگرانو داتحادیې دمعننی اوپوه یوه د نښ کی خپله لور (جولیا) تر معا لچی لاندی ونیوله (جولیا) د تداوی خڅه وروسته روغه رهمه شوه او د څه د پاسه (۱۲) میا شتو په موده کی یی د (مدی دولین) د جایزی په گټلو بریا لی شوه . د اور زشی خیره دلامبو و هلو په فن کی ښه استعداد لری او کولای شی چی د (۲۰۰ - ۳۰۰) متر وږه واټن کی پهویاږ سره برخه واخلي اوخپلو حر یفا نو او رقیبا نو ته ما نی ور کړی .  
 د(جولیا - بوگدانووا) مور او پلار چی دواړه په فابریکی او صنعتی تا سیما نوکی کار کوی کله چی په ښو و نڅی او اتلیتیکی لوپو کی دخپل لور پر مختگ او حیرا نو- ونکی بر یالیتوبونه د سر په سترگو وینی

شوه . خو موده د مخه کله چی (جولیا- بوگدانووا) په یوه ښو و نڅی دیوه ورزشی ډاکتر له خواتر طبی کتنو او معا ینو لاندی ونیوله شوه ثابت شوه چی دغه ځوانه ورزشی لو بغای دی درو ما نیزم د نا روغی له خطر سره مخامخ ده په شوروی اتحاد کی معمول او مروج دی چی هر کال دپسرلی- په لومړنیو شپو اوورخو کی دټولو ښوونځیو او تعلیمی کدرونو سپور تی خیری دډاکترانو له خوا معا ینه او تداوی کیری او ددغو طبی کتنو او تداویو ټول لگښت په ور یا ټول دولت له بود چی خڅه تمو یلیری طبی ډاکترانو (جولیا- بوگدانووا) پلارته سپار ښتنه و کړه چی ډیر ژرد معد نیسی

زه غوا هم چی دا لمپک په لو بو کی د سر و زرو یو بل مهال هم و گټم د نری سپورنی ټولنی د (۱۹۷۷) کال دمارچ په میاست کی هغه راپور خپور کړ چی په هغه کی و یل شوی و . (جولیا - بوگدانو- وا) دمو نتر یا ل دالمپک په نړیوا لو- لوپوکی خپل حریف او رقیب (مارینا - کو- شیاوا) ته دلامبو وهلو په (۲۰۰) متره ایز واټن کی ما ته ورکړه اودسرو زرو د یسوه مهال په گټلو بریا لی شوه .

ددغه ستر بریا لیتو پ خڅه وروسته (جولیا) دخپل کور د لیننگراد په ښار کی دلامبو وهلو په یوشمیر نورو مسابقو کی ونه وا خسته اوپه ټولو کی دمهد الو نسو او سپور تی جا یزو په گټلو بریالی شوه (جولیا) چی او س دیا ر لس کلنه ده په مونتریال کی دسرو زرو دمهال دا خستلو خڅه وروسته هڅه وکړه چی خپل مخ دتکل- سا نو د کمرو خڅه په کاندی . د شوروی اتحاد دغه نوی نامتو ورزشی خیره ډیره شرمنا که ده او نه غواپی چی هر وخت دتکلانو او زور نالمتا نوسره مخامخه شی . د (۱۹۷۷) کال دمارچ د میا شتی خڅه را په دیخوا په څه دپاسه دوه نیم کلنه دوره کی (جولیا - بوگدانووا) دتیر په واسطه دلامبو وهلو په سلو او دوه سوه ایزو مسابقو کی نوی قهر مان لقبو نه گټلی او په شو روی اتحاد ، اروپا او نړی کی د زیات شهرت او زیاتنی اوازی خاوند شویده (جولیا - بوگدانووا) چی په او- سنیو وختو نو کی یی د شو روی اتحاد نو و ورزشی خپرو په کنار کی دریدلی او افاقی شهرت یی تر لاسه کړید مدیری په ټولو ورزشی غونډو ، کنفرانسونو- فستیوالونو ، میټنگونو او سمپوزیمونو کی برخه اخلی یوازی یو محدود شمیر کسان په دی واقعیت باندی پوهیری چی (جولیا- بوگدانووا) په ناخپی او تصادفی توگه دورزی او اتلیتیکی لوپو نری ته ور داخله



(جولیا - بوگدانووا) دلامبو و هلو دورزی په (۲۰۰-۱۰۰) متره ایزو مسابقو کی د سرو زرو دمهال وړ و نکی



قهر مانان ورزیده خو یشی شعسر میگفتند و مردم شهر برای ایسن قهر مانان دسته های گل تحفه میدادند. کسا نیکه در یسن مسا بقات برنده میشد از طرف دو لت آنوقت خانه های مجلل بد ست می آوردند و از پردا خت ما لیات به دو لت نیز معاف میشدند.

این باز یها تقریبا تا سال ۱۱۶۹ به همین رقم ادامه داشت که چندی بعد از آن از طرف امپراطوری روم شرقی منع قرار داده شد و در حمله ایکه بالای یونان صورت گرفت معبد بز رگ المپیک و مؤسسات ورنشی را آتش زده و غارت کردند به این صورت بازی های المپیک تا سال ۱۸۹۴ صورت نگر فت تا آنکه

در سال ۱۸۹۶ توسط یکنفر فرانسوی بنام «پیر وکو بریتن» که اهمیت زیادی برای تقوی و انکشاف جسمی جوانان فرانسه قایل بود کمیته رابنم اتحادیه ورزشی فرانسه تشکیل نمود و بازی های تاریخی المپیک را سر از نو رو نقداد که برای اولین بار این مسا بقات به یاد، از باز یهای قدیمی آن در آتن مرکز یونان برگزار گردید.

«پیر کوبر تین» میگوید: «آن چیزیکه در بازی های المپیک اهمیت دارد مسا بقات نیست بلکه آمادگی و تیاری گرفتن برای شرکت در آنها است زیرا آمادگی جوانان برای انجام مسا بقات زور آزمایی و قدرت نشاندن زور مندی اوست».

این باز یهای سپورتی گر چه در دوره های تاریخی نیز برگزار میگردید و از آن به بعد در هر چهار سال در یکی از کشورهای جهان صورت می گرفت. اما فعلا بازی های المپیا دارای یک مرکزدا یمی بوده که کمیته بین المللی المپیک نامیده میشود. در ابتدای تاسیس المپیک دارای شعاری از اینقرار بود که: «قویتر، بالا تر، تنومند تر» فعلا حلقه های که بر روی اتحادیه و همکار ی ورزشکاران قاره های دنیا بوده که ذیلا تشریح میشود.

- ۱- حلقه سیاه علامت قاره افریقا.
- ۲- حلقه زرد علامت قاره آسیا.
- ۳- حلقه سرخ علامت قاره امریکا.
- ۴- حلقه آبی علامت قاره استرالیا.
- ۵- حلقه سبز علامت قاره اروپا.

بنیه در صفحه ۵۸



(جولیا) به مونتر یال کی د لایو و هلودیر یالی مسابقی ترسه کولو خه وروسته د نارینا امیدوواسره د خبرو په حال کی.

لو له باره تا کلمی مرکزونه لری. دشوروی اتحاد د لایو و هلودیر فن دنه نوی نامتو ورزشی خبره په کال کی خو خلی دشوروی اتحاد خینو مهمو بنا روئو او صنعتی مرکز و نوته سفر کوی او غوازی چی به مسکو کی دالمپیا د (۱۹۸۰) کال دنسویا لویو خخه وروسته خینو ارو پا ی هیوانوونو

ته هم لاره شی (جولیا) پخوا لری چی مونتر یال ته لاره شی او د (۱۹۷۷) کال د المپیک په لری یوالو لویو کی و نده واخلی دمسکو په بنار کی دالمپیا د (۱۹۸۰) کال د لویو له پاره دیو لری تر یاتو په لری سره کولو بوخته وه. دا ورزشی خبره په لویو خخه وروسته د نارینا امیدوواسره د خبرو په حال کی.

### عزیزه عزیز یزی

## تاریخچه آغاز بازی های المپیا

بازی های المپیک در یونان قدیم در هر چهار سال یکبار در اسپارتا در میدا نهایی ورزشی المپ صورت می گرفت که در یسن مسا بقات از تمام شهر های یونان و ورزشکاران ورزیده شرکت می نمودند. این مسا بقات ورزشی یکی از واقعات بز رگ در تاریخ یونان بشمار میرفت و اهمیت آن به اندازه بود که دوره های تاریخی یونان به اساس آن تعیین میشد. بازی های المپیک برای اولین بار در سال ۷۷۶ قبل از میلاد صورت گرفت و مردم یونان نظربه اهمیتیکه به آن قایل بودند از دورترین نقاط کشور برای تماشای آن می آمدند.

در ابتدا، این بازی ها مدت پنج روز دوام میگرد و شامل بازی های پهلوانی، دویدن، آب بسازی و

بعضی بازی های ورزشی مروج آنزمان بود. کسا نیکه در یسن مسا بقات برنده میشدند مقام از چمنندی رادر بین مردم حاصل میگردند و احترام زیادی به آنها قایل بودند به منظور احترام از مقام شان آنها رابه عراده هایکه دهاسپ سفید آنها راکش میگرد می نشاندند و در عرض راه از طرف هزاران نفر تماشاچی مورد استقبال قرار می گرفتند، برندگان هر کدام جامه از غوازی را به تن کرده و تاج المپیک را به سر می کردند. و به این منظور جشن های مجللی در شهر برپا میشدند. درین جشن ها در مدح



دوستداران عزیز!  
 با همکاری نشر خانیه  
 شعر، داستان و مطالب دیگر  
 و خواندنی از شهید

## حب وطن

کشور محبوب ما افغانستان  
 باشد تاریخش کهن و باستان  
 مردمش باشد دلیر و صلحخواه  
 در گذرگاه های گیتی فرمان  
 دیده بسی رنجهای بیکران  
 برده بدوش باز، این بیچارگان  
 بوده همیشه در نبرد وهم ستیز  
 با گروه خاین و اهر یمنان  
 کرده است بیداد، ستم و ناروا  
 بر همه خلق غریب، آن حاکمان  
 گرچه فقر و بیسوادی و مرض  
 برده بدوش از قرون سالیان  
 دارد تشنه شع زاد وار دور  
 و از تمدنهای قدیم جهان گذشتگان  
 بپر حفظ خاک و ناموس وطن  
 رز مهیا کرده است بایگانان  
 بوده پشتیبان صلح و امنیت  
 در همه دنیا و هر عصر و زمان  
 چون به نیکوئی نگری خویش  
 با زلفی که کزئی ایچوان؟  
 در قبایل زحمت و سعی و تلاش  
 باش وفادار چو دلداد گمان  
 بر همه اعمال و کردار نظر  
 میکند تاریخ و هم آیند گمان  
 در همه پیشرفت ها و اعتلا  
 نقش دارد زحمت کار و کوشش زنگان  
 هر که خدمت کرده بهین ز صدق  
 باشد به یقین در سنگ و ارستان  
 باش «جولان» بهر اعمار و طس  
 عمره و همکار با هم میستان  
 جلیل جولان

## یار کارگر

به زخم دست توای یار کارگر قسم است  
 که مرغ عشق تو کتون گرفته پر، قسم است  
 به آن جوان رشیدی که رفته راه ترا  
 به یازوان سبطی تو رنجبر، قسم است  
 به آن رفیقی که بگشوده درب زندان ترا  
 به آن کسی که درین ره بیداده سر، قسم است  
 به اتحاد تو تا زم که سرا سر ملک  
 به بلند لوی سرخ تو هر سحر قسم است  
 که نام تو است بلند و جهان تو است بلند  
 که کار تو است بلند و مکان تو است بلند

تبع و نگارش از: فاروق تیموری

## احیای حماسه

### «وشکست انگلیسها»

ادبیات محصول عصر و زمان و لذا بنده  
 تحولات اجتماعی و سیاسی است. تدقیق  
 آثار نویسندگان و شعرا ما را به درک  
 تغییرات و تحولات سیاسی و اجتماعی  
 رهنمون می کند.  
 مطالعه ادبیات یک عصر معین بد و ندر  
 نظر گرفتن انقلابات و تبدلات آن زمان  
 گسار را به دشواری می کشاند  
 و درک رموز و آثار ادبی مشکل می افتد.  
 از ظهور ادب دری و دوره های ارتقا  
 آن با مطالعه و تحقیق در منظومه های  
 حماسی ملی بعد از اثر فرانسوی واضح  
 میگرد که طریقه و اسلوب عامی  
 فرانسوی در نظم روایات حماسی ملی  
 از قرن پنجم تا قرن هفتم معمول و متداول  
 بوده و شاعرانی که بعد از وی به  
 نظم بقیه داستانهای حماسی پرداختند  
 هیچیک از راهی که شاعر بزرگ ما یعنی  
 فرانسوی بدید آورده بود منحرف نشدند  
 و حتی از سیاق و روش او نیز گام  
 برنداشتند.

روحیه حماسی و بوجود آمدن حماسه  
 های ملی بعد از قرن ششم هجری آهسته  
 آهسته رویه ضعف و ناتوانی گذاشت و این  
 پیش آمد در تاریخ تطور نظم حماسی  
 ملی بر اثر دو عامل بزرگ صورت  
 گرفت.

نخست اینکه، از یک طرف نفوذ شدیدی  
 اسلام و ضعف انحطاط فکر ملی و تعصب  
 نژادی:

بدین معنی که مردم بجای اینکه  
 به کارنامه های گذشتگان خویش افتخار  
 کنند و از اعمال آنان سخن به میان آرند،  
 ب فکر تدوین اشعاری افتادند که به دین  
 اسلام ارتباط داشت و اگر اشعار حماسی  
 هم میسر بودند شعر دینی و مذهبی و یا حمد  
 سه دینی میبود نه حماسه ملی.  
 دوم اینکه، غلبه و کشتار اقوام بیرونی  
 افغانیان است، و آن غلبه و کشتار

شدند که اشغال گران و استعمار خویان  
 به مقاصد شوم خود برسند و شعرای  
 این دوره که متوجه صحنه های خویان  
 جنگ بودند و با ره روحیه حماسه  
 سراپی را زنده ساختند.

جنگهای صدساله افغان و انگلیس در  
 حقیقت روح رزمی و حماسی را بیشتر در  
 قالب ادبیات شفاهی و تحریری یاد  
 کرد و آثار زیادی در ترانه های ملی  
 و محلی بمیان آمد از آن جمله یکی جنگنامه  
 های منظوم یا ادبیات حماسی همچون اکبر-  
 نامه حمید کشمیری که این اثر در خصوص  
 اولین جنگ افغان و انگلیس به نظم  
 نوشته شده است و دیگر از آثار حماسی این  
 دوره حبیب الفصاید، محمد عزیز خان  
 ساکن حمالی بهسود تروندینار است که  
 شرح کارنامه ها و دللاری مردم افسون  
 میزند، تیرا و دیگر اهالی سرحدی افغان-  
 نستان را به صورت فصاید با احساسات  
 ملی و هیجان افغانی به نظم آورده است  
 که از نظر تاریخی مملکت و قهرمانان  
 ملی و مجادلات آنها با انگلیسها قابل  
 اهمیت و ستایش است.

اثر معروف دیگر درین زمینه جنگنامه  
 است که داستان جنگ اول افغان و انگلیس  
 را در وصف مجاهدات میر مسجیدی خان  
 غازی و سایر مجاهدین رشید ملی  
 علیه متجاوزین اجنبی در سالهای  
 (۱۸۳۹-۱۸۴۲ ع) بازگو می کند این  
 اثر از مولانا محمد نلام کپستانی متخلص  
 به «غلامی» میباشد، حالا برای خواننده  
 گمان محترم یکی از آثار حماسی آن دوره  
 را که اکبر نامه حمید کشمیری است بسا  
 چند شعر حماسی آن معرفی می کنیم.

اکبر نامه حمید کشمیری:

ملا حمیدالله یکی از شاعران حساس  
 قرن سیزدهم هجری است که گزاردنی  
 از جنگهای اول افغان و انگلیس را در سال  
 (۱۲۵۵ قمری ۱۲۳۰ هجری) به رشته نظم آورده  
 و رشادتهای تاریخی قهرمانان افغانستان را یاد  
 میکند و کتاب خود را «اکبر نامه» نام  
 کرده است. وی حقایق را با کمال سراحت  
 اظهار داشته و امیدوار هیچگونه  
 صله نبوده است.

اکبر نامه در روح رزمندگان افغان  
نشان و هند و ستان تا لیر گری می  
کرد و این حماسه پیش از توپ و سنگ  
برتن دشمن لرزه انداخت.

اکبر نامه اصلاً رساله بی است منظوم  
و به پیروی شیوه حماسی که خاصه  
خراسان در (۱۲۶۰ هـ) دو سال بعد از آزاد  
شدن افغانستان به رشته نظم سروده شده  
است.

واژ تفسیر نظر ادب و امانت تاریخی اثر  
گرا نبیا بی است که به نویسندگان  
تاریخ معاصر افغانستان کمک زیاد میکند  
و ممکن است این حماسه را شاهنامه  
قرن نزد هم افغانستان خواند و از طرف دیگر  
مبتوان آنرا فصل معاصر شاهنامه فردوسی  
حساب کرد.

در اکبرنامه همیشه از شجاعت و مردانگی  
و قهرمانی افغانها ذکر شده  
چنانکه در وصف اکبر خان قهرمان  
جنگ چنین میگوید:

شندیم ز داندوران گزین  
مقیمان غزنین و کابل زمین  
که چون فتح کرد اکبر چیره دست  
به شمشیر فوج مخالف شکست  
بطلبی دلیری جو سپهرا بگرد  
چنان جنگ با فوج پنجاب کرد  
پیر دانگی گشت تا مش سهر  
جو رستم شد اندر جهان مشتیر

و تیکه لشکر امیر دوست محمد خان  
و هری سنگه در پشاور با هم مقابل می  
شوند در اینجا شاعر صف آرایی دشمن  
را با سر لشکر آن معرفی میکند. اما  
این وصف در لشکر افغانها با تمام جزئیات  
آن معرفی می شود. در حالی که لشکر دشمن  
تنها به صورت کلی معرفی می شود:

دلیران کسابل بچوش آمدند  
جو شیر زبان در خروش آمدند  
بجستند و بستند اسباب جنگ  
روان بر نشستند و خستند سنگ  
برون آمدند آن یسلان سره  
چو شیر در ری از دهان دره  
بماندند قایم بمیدان جنگ  
صف آرامه همچو غران بلنگ  
صف میمنه افضل نامدار  
بیاراسته همچو رو نیسن حصار  
سوی میسره اکبر چیره دست  
صف جنگ چون سد یا جوج دست  
قلب اندرون ماند چار خان  
بدشمن گشتی تنگ بسته میان  
بجنگ آوری دست و بازو گشتاد  
صف تو پها در مقابل نهاد ...

وقتی برنس برای جاسوسی به قصد  
تجارت به دربار کابل آمد و امیر آن  
آگاه شد او را از کابل اخراج کرد و به  
لندن فرستاد او چنین میگوید:

جو برنس ز کابل به لندن رسید  
زاندوه و رنج سفر آرمید  
پیر سید از او نا مور شهر یار  
چه کردی و چون است کابل دیار

بیا جست برنس ز من بوسه داد  
در او صاف کابل زبان بر کشاد  
که شهر یست اندر هوا و فضا  
بسی نزهت انگیز و فرحت فزا  
جوانان . مرد جو غلجهان درو  
جو خلد از طرب جمله سامان درو  
ولی خیل بردان او همچو دیو  
بشکل و لباس و کلام و نثر یو  
زن نازنین چهر آن سر زمین  
کشاد صد فرنگی به ضرب سرین ...

چنانکه گفتم اکبر نامه یکی از حماسه  
های ملی ما و دوره مبارزه و بیگانه بر ضد  
استعمار . و وحدت ملی در راه پیروزی مردم  
این سر زمین می باشد . لذا در سر تا سر  
این منظومه هر جا دشمن افغانها قرار  
دارد مستقیم ، یا غیر مستقیم گو بیسده  
می شود و آنها محکوم به یلندی و پستی  
می گردند . چنانچه اگر بحث از زدودن  
خورد افغان و انگلیس است شجاعت و ممانت  
افغانها را و صف ، و برزبونی و خواری  
دشمن انگشت می گذارد . با اینکه تعداد  
آن ها از صد ها هزار تجاوز کند .

مثلاً :  
ز فوج بد اندیش بد سی هزار  
قتل آمدند اندران کارزار  
بفرد عزاری ز جسم بغیر  
ز خرد و کلان شد شهادت پذیر ...  
و یا از زبان فرمانروای فرنگ چنین بیان  
میکند :

که ما را به گیتی وفاری نماند  
بملک جهان اعتباری نماند  
ز ما خلق دیدند بازی بسی  
نخوردیم بازی زدست کسی  
بجز میر کابل که در وقت جنگ  
سبق برد بر فیلسوف فرنگ  
چنانکه وقتی برنس به دربار کابل  
به عنوان سوداگری می آید و در دربار  
راه پیدا می کند و از این واقعه شاه ایران  
خبر می شود از آنجا نامه برای امیر  
کابل فرستاده و در آن انگلیس ها را معرفی  
میکند .

وفا نیست در مردمان فرنگ  
ندانند چون دیو جز دیوورنگ  
طلسمی ندانند غیر از تفلق  
نه مردی مگر دعوی طمطراق ...  
و یا وقتی هری سنگه به امیر دوست محمد  
خان نامه می نویسد و امیر دوست محمد  
خان رابه تسلیم و امید ارد امیر دوست  
محمد خان در جواب میگوید :

رسید از تو نامه پر گسراف  
همه محض بهتان و هدیان ولاف  
مگر باده نو شیده بودی جوموش  
که از جوش آن از سر رفت هوش ...

اما آنها بیکه برقم و دولت خود خیات  
میکند به سختین زبان آنرا میگویند  
چنانکه حاجی خان را از زبان امیر  
دوست محمد خان میگوید :

بگف سبحه زسارت اندر بغل  
چه خیزد ترا ازین دغا و دغل

ببازی جوی چند دادند هری  
بد نبال جو تا ختی از خسری  
و میگویند !  
مایا دیگر ای بد نمک پیش من  
میتنان نمک باز بر پیش من  
حمید کشمیری همیشه افغانها را بر ضد  
استعمار ترغیب میکند و از غیرت افغانها  
در هر جا صفت میکند چنانکه اشعار او تمام  
یادگار این واقعیت میباشد :

وقتی در جنگ هری سنگه ، وزیر اکبر -  
خان متوجه زیادی و مجیز بودن عساکر  
دشمن می شود به حیرت می رود در ریس  
وقت افغانی از عقب او را مخاطب قرار  
داده از دولتی نجات میدهد .

## قربانی وطن

ای وطن به کوه وشت و بیابان تو سوگند  
این بود تصمیم من که در راه تو قربان شوم  
دشمن تو دشمن جانی من است  
هیچ بیگانه را حق ندارم که ترا بدگوید  
تأسر در بدن دارم دفاع از تو کنم من  
به گور برد این آرزو را دشمن تو  
بچه ام چون خودم آزاد خواهد بود  
به عشق تو ای وطن دلنهاد خواهد بود  
انقسام تو و پدر خویش خواهد گرفت  
دشمنت بسته به زنجیر و او آزاد خواهد بود

قیوم «آزاد»



به انتخاب : اسدالله «متون»

## حق و حقیقت

- حقیقت تنها در پرتو دانش میتواند وجود پیدا کند .
- تسلیم شدن به حقیقت در عین زورمندی ، بزرگترین نجات اخلاقی است .
- حقیقت را می توان خم کرد ، ولی نه میتوان آن را شکست .
- شراره لحظه ای میدرخشد اما نور حقیقتی است که هرگز خاموش نمیشود .
- بسا حقایق امروز موهومات فردا خواهند بود .

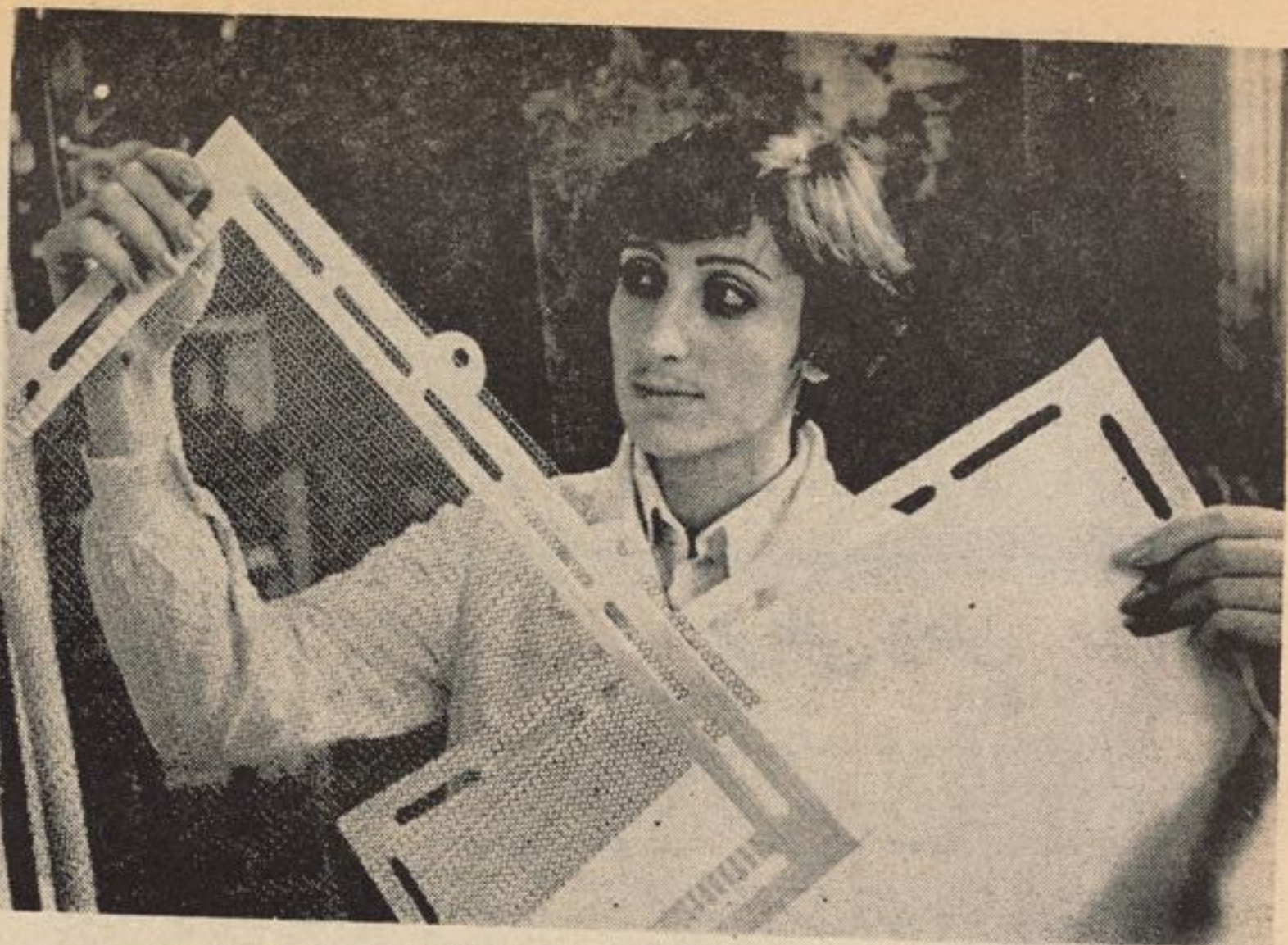


## پرهنه سرفراز

- وفاقت گفتم : مرا با نشان ها و امتیازات بیارائید .
- رذیلت گفتم : مرا با خلعت فضیلت افتخار دهید .
- خیانت گفتم : تاج امانت بر سر من نهد .
- ظلم گفتم : زنجیر عدالت بر در سر ایسم بیاویزید .
- تکبر گفتم : مرا به زیور تواضع مباحث کنید .
- شرارت گفتم : مرا با لباس نیکی و صلاح بپوشانید .
- خنده گفتم : مرا به جامه اخلاص و صمیمیت ملبس سازید .
- استبداد گفتم : صورت آزادی را بر جهر من نقش کنید .
- زور گفتم : بالا پوش صدق و محبت را بدوش من اندازید .
- حق درین میان گفتم : مرا برهنه گذارید و پیرایه ای بر من نبندید ، من از برهنگی خود  
شرمسار نیستم .

وسپلی اوه زره دزرعنی پیدا وارودراتولولو  
ما شیمونه اووو زیات شمیرنور ماشین آلات  
مو جود و .

دتراری روسی دعضر خه وروسنه دشوروی  
اتحاد دودانو شوو خمکو ساحه خلور برابر  
زیا ته شوه اوپیاوروسته په (۱۹۷۷) کال کی  
دغه اندا زه شپاړسو میلیونو هکتارو خمکونه  
ورسیده، دغه رقم دهغه هیواد دتولوعاونی او  
فولتی میکا نیزه فار مونو نوزرا عتی تولیدا نو  
په سلو کی پنځه ویشتم رقم تشکیلوی .  
دشوروی اتحاد دکرنی دماهرانو په عقیده په  
کلیو او محلاتو کی دکرنی دکو برا تیفو نو په  
جوړیدلو او دغه راز په دغو سیمو کی دکرنی  
دیمکانیزه کړوندو او فارمونو په رامنځ ته  
کولو سره دغه کارنه ښه زمینه اوپه زره پوری  
شرایط برابری کی گویا دکرنی دتولیداتو  
دسطحی دلورولو په برخه کی سترپرمختگونه  
او دلیدو وې بریا لیتو یوه سرگونوشی  
په شوروی اتحاد کی د (۱۹۱۷) کال څخه وروسته  
په ډله ایزه توگه د اشتراکی تولیداتو  
بنسټ له مخی دکرنی دچارو دانکشاف اوودی  
له پاره په داوملیبانه نو که دکرنی تعاونی  
سازمانونه او تعاونی کوپراتیفونه جوړ او  
دعمل دکرته وړاندی شول. دغه کوپراتیفونه  
په زرا عتی خمکو کی زیات کار کوی اوددغه  
زیاتوالی په اثر د شوروی اتحاد دکرنی دتولیداتو  
په حجم کی دلیدو وړتولوات اوانکشافو  
نه صورت نیسی .



دشوروی اتحاد دعلمی څیړنو په پسه لابراتوار کی دیپلاستیک جوړولو په برخه کی دلویو علمی څیړنو یوه گوشته .

دشوروی زیاده

# دشوروی اتحاد علمی، اقتصادی صنعتی او فرهنگي بریالیتوبونه

دعمو تجربو له مخی چی د (۱۹۱۷) کال څخه  
راپه دیخوا دکرنی دمحصولاتو دزیاتوالی لسی  
په برخه کی د شوروی اتحاد دماهرانو  
او اکرونو مستابو واسطه ترگوټو شو یسوی  
زراعتی کوپراتیفونه او میکا نیزه فار مو نه په  
واقعیت کی د اقتصادی پراختیا له پاره اساسی  
شرایط او بنسټ جوړی . دیوی وروستی  
احصائی له مخی په اوسنیو وختو کی  
کی او س په شوروی اتحاد کی دکرنی  
کوپراتیف نه شپږ اعشاریه شپږ زره هکتار  
او هر تعاونی سا زمان او میکا نیزه فار  
ته اقلس زره هکتاره خمکه رسیری . دکرنی  
دغه راز کپرنو ندی او سا ز مانو نه چی  
هر یوی د (۵۵۰) او یا زیاتو کار کوونکو  
او زرا عتی پر سو تل د پاره په نظر کسی  
نیول شو یدی کال په کال د ودی او پراختیا  
په حال کی دی . دغه راز سا ز مانونه او  
میکا نیزه زراعتی کوپرا تیفو نه ددی قدرت  
لری چی پخپله هر ډول زراعتی ماشین  
آلات و بیړی او په هر ډول عمرانی او  
ساختی کارو نو باندی اقدام و کړی  
د همدغه کار نتیجه ده چی شو روی اتحاد  
په نړی کی دزرعنی محصولاتو له منځه  
څخه زیات بریالیتوبونه ترگوټو کړیدی  
دکلیو او محلاتو دلگنت تعاونی ساز  
نو نه چی د کلیو الی و گپرو د ژوندانه  
سطحی دپه نظر کی نیو اوسره د سوداگری چاری  
یوه منظم پلان په چوکاټ کی تر سره کسوی  
د شو روی اتحاد د ښا زونو او محلاتو ترمنځ  
د اقتصادی مناسباتو دپیاوړتیا په  
برخه کی مهم رول لوبوی . دمنشال په  
توگه په (۱۹۷۷) کال کی د شو روی اتحاد  
هرو (۱۰۰۰) تنو کلیو الی و گپروته په  
منځنی ډول یو سلو پنځه نوی را دیوگان،

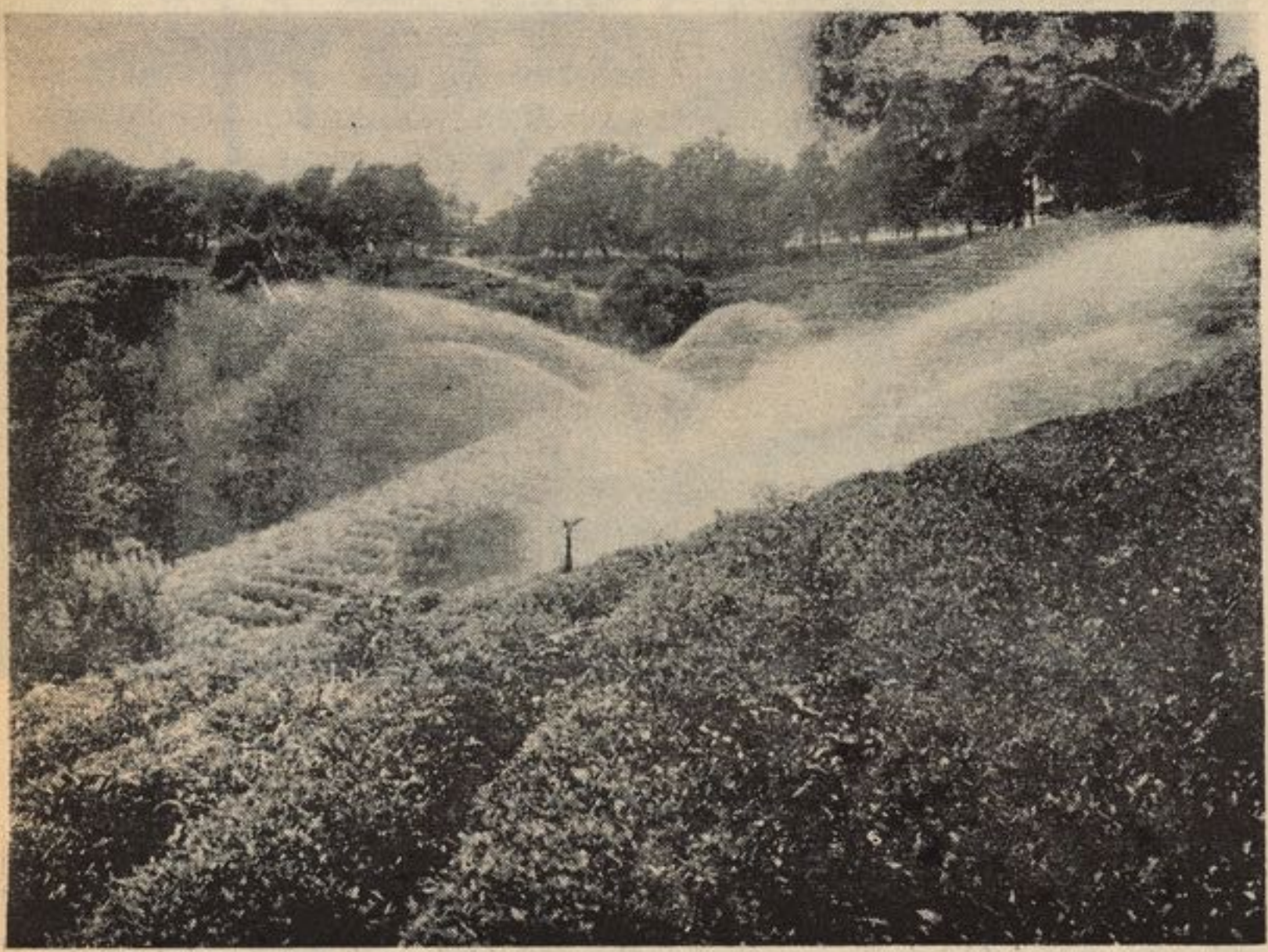
وده کړی ده .  
دشوروی اتحاد په کلیو او محلاتو کی دکرنی  
دماشین آلاتو زیاتوالی دکرنی ماشین آلاتو ته  
دبر ښا دانرژی برابرو ل دکیسایو او معدنی  
سرو دتولیداتو زیاتوالی او په کړونیدو او  
میکانیزه فارمونو کی دعمو څخه کیه اخیستل  
دعمو عواملو څخه شمیرل کیری چی د جوی  
اوقلمی شرایطو دښه والی سره جوخت په  
شوروی اتحاد کی دکرنی دمحصولاتو دمعیار  
په لوړولو باندی ستره اغیزه لری .  
لکه چی دکرنی دماهرانو او اکرونو مستابو  
تجربو څخه کی یده دبر ښا دانرژی په  
مرسته کیدای شی چی د شوروی اتحاد دکرنی  
دتولیداتو معیار په سلو کی خلوی بنسټ څلسی  
زیات اولوړ شی د (۱۹۱۷) کال د انقلاب تر وخته  
پوری د شوروی اتحاد دکرنی چاری دیوه کال  
په توگه دانسانانو دلاسونو او اسونو پوری  
ایکی درلودلی مگر د (۱۹۷۷) کال تر لومړیو ورځو  
پوری ددغه هیواد په کلیو او محلاتو کی دوه  
اعشاریه خلور ملیونه تراکتورونه، یوه اعشاریه  
خلور ملیونه باروونکی موټرونه او نوری نقلیه

خلک دلوری ، قحطی ، ناروغی او نورو اجتماعی  
ستونزو څخه سخت به عذاب وواو د خلکو ورځنی  
ژوند دزیاتو کړا وونو سره مخامخ و .  
په (۱۹۱۳) کال کی چی دتراری روسی په  
تاریخ کی دکرنی دمحصولاتو له درک څخه  
ساری نه لری اودهغه هیواد خلک په سلو کی  
دوه اتیا په کلیو او محلاتو کی ژوند کاوه اود  
هغوی شمیر ښه دپاسه یوسلو دیرش اعشاریه  
اوه میلیونو تنو ته رسیده دکرنی دمحصولاتو  
له درک څخه په کپه سره (۸۶) میلیونونه  
غله لاس ته راغلل په روسی حال کی چی دیوی  
وروستی احصایی له مخی په (۱۹۷۸) کال کی  
په شوروی اتحاد کی دغلو دانو دمحصولاتو له  
انداز په (۲۳۵) ملیون تنوته رسیدلی ده . که  
خهم دتیر کال (۱۹۷۹) دجون دمیانشی سر  
منځنیو وختو نوپوری د شوروی اتحاد په کلیو  
او محلاتو کی دکرنی دمحصولاتو په سکټور کی  
دمحلای اوسیدونکو ونډه په سلو کی  
اوه دیرش لیزه شوی وه ښا ششم  
داکتو بر دستر انقلاب (۱۹۱۷) کال په تقابله  
د شوروی سو سیالستی جماهیرودکرنی دپیداد  
وارو معیار په سلو کی خلور اعشاریه شپږ څلسی

شوروی اتحاد دنړی دکارگرانو بزگرانو او  
زیاتو ایستونکو لو لونی هیواد پسې  
دتاریخ په پانوسو کی دشورا کانسو دخوا ری  
په نامه هم یا دیری د څخه دپاسه دوه شپینه  
کلو نو په اوږ دو کی دنړی دسولنی او  
امنیت د ټینګښت له پاره زیاتو ځلسی  
وکړی او دادی نن د خمکی په کره کی دیو  
مترقی ، پرمخ تللی او بریالی هیواد په توگه  
را منځ ته شویدی .  
داکتوبر دسترسوسیا لسی انقلاب یعنی د  
(۱۹۱۷) کال داکتوبر څخه راپه دیخوا د شوروی  
سوسیالستی جماهیرو داتحاد اقتصادی، علمی  
فرهنگی اوصنعتی بریالیتوبونه او پرمختگونه  
څخه دپاملرنی وړدی چی ددغو پرمختگونو او  
بریالیتوبونو په مرسته شوروی اتحادو کړای  
شو چی دآسیا، افریقا اولاتینی امریکی په  
بیلابیلو هیوادونو کی نویو ځینو او هیوادو په  
بیلابیلو اقتصادی، علمی، کلتوری، زراعتی،  
صنعتی او کارگری انکشافونو او پرمختونو کی  
ستره اوقعاله ونډه واخلی .  
دشوروی اتحاد د تراری رژیم په دوره کی  
دسل گونو کلونو په موده کی په زرگونو تنه



په عکس کی شوروی اتحاد اذربایجان په جمهوریت کی د یو مین دمو سنی حاصلاتو درا ټول لو یوه منظره لیدله کیری .



جای او دهغه صنعت او کره په شوروی اتحاد او نری کی خاص شهرت لری . په عکس کی شوروی اتحاد د (کرا سوډار) په سیمه کی د چاپو یوه میکانیزه فارم

لری او له بلې خوا زیاتو بشری قو اونه هم ضرورت لری .  
او س او س په شوروی اتحاد کی په سلو کی پنځه او یا داریو دین ټینا او هایدرو الکتریکي پروژو څخه کار اخستل کیری د همدی ضرورت له مخی هو لکا د لیبر او لفظا پانرواډوی

لکه چی شوروی اتحاد انجنیریا نو اوماهرانو په ورستیو راپورو نوکی ویسل شوی دی اوس اوس دفرانسې ، انگلستان ، ایټا لیا او نو رو او ید یغو هیوادو طبیعی زیر مسی ختمی شویدی او س په دنه راز هیوادونو کی داسی پروژی طرح کیری چه له پوی خوا زیاتو پیسو او اقتصادي لکینو نو ته اړتیا

زراعتی څمکی څپویه کیری اوله بلو خوا څخه په کافر اندازم دبرینا انرژی هم تر گو تو کیری . او س او س د شوروی اتحاد ما هرا ن او انجنیران په دنه کسار باندی ښه پوهیږی چی څو مره انرژی لری له کو می زیرمی څخه دکر م مقصدو نو او اهدافو له پاره تر گو تو کیری

یو سلو یو اتیا ټلو یزیدونو نه ، یو سلو دوه دیرش یخچا لو نه اوڅه دپاسه یسو سلو څلوپښت د کالیو پری مینځلو ماشینو نه رسیده . دنه رقم که چیری په نر یواله سویه دنری دنورو هیوادونو سره مقا یسه شی څر کند یری چی دبین المللی منتدیر ډله مخی یو ډیر لو زمعیار دی .

دلید و وڅیره دنه چی د کر نر دکوپرا تیفو نو د کمیت او کیفیت په ښه والی سره نه یوازی داچی د شوروی اتحاد د کلیو او بنا ری و کپرو تر مینځ غوره اقتصادی روابط ټینکیری بلکه په کلیو او محلاتو کی څو کپرو د ژوندانه طرز او طریقه هم تغییر خوری تعاونی ساز مانونه چی په واقعیت کی د عمومی را په اختللو په نتیجه کی داساسی ، مالی او اجتماعی پرابلمو نو دحل له پا ره غوره لاره او اړ ویدی کر شی دتولید ، بودمار کمنگ او دتعاونی ساز ما نو نو او ار گا نوو د اقتصادی روابطو د پیاوړتیا لوری ته په زدکونو تنه کزوند کر او زراعتی کارگران را جلیوی . په شوروی اتحاد کی دهر ډول مذهبی ، نژادی ، لسانی ، جنسی اونورو توپیرو سو څخه پرته دکلیو او محلاتو خلک دنیا روتو او هغسی مر کز و نو د اوسیدونکو سره مسا وی حقو قوا امتیا زات لری .

په کلیو ، محلاتو او ښارونو کی دښوونسی او روزنسی لسه پرو کرا مونسو څخه ټولو خلکو ته مسا وی گټه رسیری او په اجباری توگه خلک مجبور دی چی د لیک اولوست زده کړه ، وکړی .

**د انرژی په برخه کی شوروی اتحاد بریا لیټوبونه:**

د شوروی اتحاد دنامو فر یک پوه الکساندر استرلینوف) دوینا له مخی ، انسان کولای شو چی دبرینا انرژی په لاس نه راوړلو سره دخپلو تخیلاتو او عقلی قوا وپه انډول ژوندانه ډیر مشکل پرابلمونه او خورا پیچلی مسل حل کړی .

دده پورتنی وینا په ناپید دشلمی پیږی په محض پیل کیدو سره زمو نسره روا نه پیږی او مری ډیر ښه دمعصر او وروسته د اهرم او فضا دمعصر په نامه ونو مو لسه شوه او دادی څه دپاسه اتیا کا له کیری چی دغه نامه گذاری خپلی وا قعیاتو حقیقت تر یوا لوته څر کند وی . نور دښوونو احصا ټیوی را یو روتو له مخی په شوروی

اتحاد کی دتیرو پنځو کلنو نویسه دوران کی (۷۱-۱۹۷۵) کلونو په موده کی دبرینا د انرژی د تولیداتو په سطحه کی څه دپاسه

دری سوه ملیارد کیلو وات ساعت زیاتوالی راغلی دی او دارقم تر (۱۹۶۰) کاله پوری شوروی اتحاد دالکتریکي قواو د مجموعی رقم څخه هم زیاتوالی ټیپی .

په شوروی اتحاد کی دبرینا هغه انرژی چی د هایدرو الکتریکي پروژو څخه تر گو تسو کیری زیاتو اقتصادی او ارزانه تمامین ی شوروی اتحاد دلجنیریا نو او ما هرا نو په عقیده دانسان د علم نتیجه با ید دا وی چی دا وبودنکار او طبیعت دنورو خلا قه قدر تونو په مرسته له پوی خوا زیاتو

دلیستر سیندونه چی ددغه هیواد په اروپای برخه کی مو قیمت لری ډیر کو چی شویدی او په تراکم ډول کښه ور څخه اخستله کیری . ددی له پاره چی د صنعتی تاسیساتو له پاره ډیر ښنا دانرزی له در که څخه ددغه هیواد اړتیا وی لری شوی وی له څو مودی څخه راپه دیخوا شوروی ما هران او انجینر ان کو ښین کوی چی ډیر ښنا نوی پروژی دمر کزی آسیا په بیلا بیلو بر څو کی جو پی کیری . دنو انجینرانو او ما هرا نو خپله لو مهنی پروژو د شوروی اتحاد د قزاقستان په جمهوریت کی تطبیق او بشپړه کړه . همدا رنگه دسا بیر یا په حوزه هم ډیر ښنا دانرزی یو زیات شمیر نوی تاسیسات تر جوړیدو لاندی نیول شویدی . دسایبرییا حوزه په اقتصاد دی

اقتصادی او اسماری منو نرو علاوه دلیتونیو په اوږ دو کی دبرینا د تلفاتو اندازه هم څو چنده لو په او زیاته ده . له بلی خوا دققاز او سا بیر یا په سیمو کی د صنعتی تاسیساتو د څر څونو د فعالولو د پاره ډیر ښنا زیا تو ارزویو ته اړتیا محسو سه ده .

د شوروی اتحاد په اړو پایی برخو کی د حرا رمی ، ها یدرو الکترونیکی او هستوی بر ښنا ټولی پروژی او تاسیسات دا سسی شرایط را منځ ته کوی چی تر ټو لو څخه دمخه د کار ساحی ته اوله یسوی سسی څخه وبللی سیمی ته ډیر ښنا دانرزی دلیر شو او له پاره غوره امکانات پیدا شئ . اوس اوس کله چی په قفقاز او سا بیر یا کی شبه راو رسیری او تیاره را شی ټول کو رو نه

له (۲۵-۳۵) پوری را ښکته کیری . ددی له پاره چی په قفقاز اوسا بیریا کی دبرینا دانرزی د تولیداتو او لکتونیو اندازه په خپل عادی معیار کی سانله شوی وی له (۱۹۷۰) کال څخه راپه دیخوا ددغه هیواد د ما هرا نو له خوا په ټولو هاید روالکتریکي تاسیساتو کی د (اکومو لاینور) په نامه یو شمیر دستگا وی جوړی او داستفادی وکړه . وړاندی شویدی ، دغه ډول دستگا وی کی لای شری چی دبرینا د لکتنیو او تولید اندول پخپل عادی او نور مال حالت کی وسای .

د شوروی اتحاد انجینران او ما هرا ن غوړای چی دستکو ښار ته نژدی دزاگور سسک په سیمه کی ددغه دپا سه (۲۰۰) زرو کیلو واټو په ظرفیت ډیر ښنا دنو لید و لسو له پاره یو نو ی پرو ژو جوړه کاندی

برخه کی داوبو سطحه ترسره متروپوری ښکته رالوتیری . په یوه کال کی ددغه دپا سه یو ملیا رد کیلو واټه برینا په لاس ته راوړلو سره څه دپاسه اته سوه هکتاره څنگلو نه او شاری څمکی په زراعتی څمکو باندی اړول کیری .

**د صنعتی ، تخنیکي او فلزی چارو انکشاف:**

له ډیسرو پخوانیو زمانو څخه را په دیخوا فلزاتو ته د صنایعو دخواه نسوم ور کړ شویدی .

ددغه پورتنی اصل له مخی په شوروی اتحاد کی د فلزی چارو انکشاف او ودی ته زیا ته یا ملر نه را گرځو له شویدی . او اوس د څه دپا سه (۱۲۰) زرو مو سسو او اړ گا نونو په در لو ډلو سره د شوروی اتحاد فلزی تولیدات داوسپنی اوپولا دو دسا ختمانی او پراسس کوو نکو مو سسو او ساز ما نونو په واک کی ور کول کیری ما هرا ن او انجینر ان کو لای شی په هر هیواد کی دنورو فلزاتو دپراختیا او پراسس معیار داوسپنی اوپولا دو له مخی محاسبه او اړ زیا تی کیری .

په (۱۹۲۱) کال کی د شوروی اتحاد د نورو فلزاتو د تولید او پراسس ټول معیار یوازنی صفر اعشاریه دوه و ښت میلیون ټنو ته رسیده چی دا معیار ددی یو الو معیار نونو څخه ډیر لږ او را ښکته دی په شوروی اتحاد کی په څو وروستیو کلونو کی له یوازنی د فلزی چارو ودی او پراسس اختیا له پاره ښه بنسټ کینودل شو بلکه په (۱۹۷۱) کال کی داوسپنی او پولا دو دپرا سس کو لو او تولیداتو په سکتو دو نو کی په ټوله نړی کی لو مری د رجسه مقام هم و گما ټه . همدارنگه دیوی بلی احصا شی له مخی په (۱۹۷۸) کال کی په شوروی اتحاد کی (۱۵۱) میلیون ټنه یولاد او تولید شو چی دغه رقم په دغه کال کی د امریکا دمتحده ایالاتو او انگلستان په مر تله څو چنده زیات او لوړ دی .

دنورو فلزاتو او په تیره داوسپنی او پولا دو د تولیداتو د سطحی دپراختیا له پاره شوروی اتحاد غواړی چی په خورا ټلو ټکو کلو نو کی په دغه سکتور کی زیاته پانگه واچوی ، او ټاکل شویده چی دد (۱۹۷۹) کال په اوږ دو کی د فلزاتو دسکتور دپیاوړی تیا له پاره داسی پسر وزی او پلانو ته تر اجرا لاندی و نیسی چی ددغو په تطبیقو لو سره په (۱۹۸۰) کال کی په نو مو پی هیواد کی د یو لادو تولیداتو او پراسس اندازه څه دپا سه (۱۶۰) میلیون ټنو ته ورسیری . په (۱۹۷۸) کال کی ددغه هیواد دیو لادو تولیداتو او پراسس ټو له اندازه ۱۵۶ میلیون ټنو ته رسیدلی دی .

تجربو څر گنده کړیده په هر اندازه چی په یوه هیواد کی دمتالوژی قابیلیکی او ددغو قدرت ډیزوی په هماغه اندازه ددغی ټولنی د اقتصادي قدرت معیار هم لوړ وی ددغی دلیل له مخی په شوروی اتحاد کی د اقتصادي او صنعتی ودی په خاطر د فابریکو شمیر زیات دی . هر کال په دغه هیواد کی په لوړو ظرفیتو نو سره د پانی په ۵۸۰ مخ کی



د (پولیتیزاد) په نامه د شوروی اتحاد د کتابونو د وروستی نړیوال نندار تون یوه خنده .

لحاظه دنو و هایدرو الکترونیکی پروژو دجوړیدلو نظره غوره شرایط او په زړه یو رنگی امکانات لری . لکه چی د شوروی اتحاد د ما هرا نو او انجینرانو په یوه وروستی را پور کی و یل شویدی په اوسنیو وختو کی دسا بیر یا له حوزه څخه اړوینا یی هیوادونو سره ډیر ښنا دانرزی د لیدو ډولو له پاره غوره شرایط اویزه یو پوری امکانات تر گوټو شو . یدی ، با یذ وویل شی چی دتقریبا بیجلو جغرافیایی شرا یطو دشته والی له امله د قفقاز څخه اړو پایی هیوادو نو ډیر دبرینا دانرزی دلیر لو کار مشکل او گسران ښکاري . یا په بیله ژبه په دغه کار کی په

روښانه کیری ټلوپروژونو په کار لوتیری او په تدریجی او ټکا ملی ډول دبرینا دانرزی دلکتیت اندازه هم پورته کیری .

دیوی احصا شی له مخی د شپي له ۱۲ بجو څخه وروسته په نو مو پو سیمو کی دبرینا دانرزی د لکتیت اندازه ډیر زیا تیری او خپل وروستی حدته رسیری . د شپي له ۱۲ بجو څخه وروسته په قفقاز او سایبرییا کی ډیر ښنا دلکتیت اندازه دوه برابره کیری .

باید وویل شی چی په دغو دوو سیمو کی دزمی په نسبت د اوزی په شپو او ورځو کی دبرینا دانرزی دلکتیت اندازه په سلو کی

ددغه کار دپاره دغو ما هرا نو هڅه کیری یوه چی دایر غوړی روسی د (زاگور سسک) په ښار کی دیو کوچنی سیند سر وی کار بشپړه کړی او بیا وروسته د سیند دپاڅه دبرینا دانرزی یسوه تولیدی دستگا وودوی ، په اوسنیو وختو نو کی په شوروی اتحاد کی ډیر ښنا دانرزی او په (۸) مترو په پنډوالی او (۷۵۰) مترو په اوږدوالی لولو او نلو نو په مر ستم له یوی حوزه څخه وبللی حوزه ته لیدولنه کیری په دی ډول چی دهر و شپو لولو په واسطه څه دپاسه شپاړس میلیون مکعب متره اوبه دسلو مترو لوړ والی څخه تور بین ته دا ځلیری . دڅلور وساتو فعالیت څخه وروسته داوبو د بند په پورتنی

## پول حمام

روزی رجب خان بعد از مریضی طولانی به حمام رفت چون حمامیان لباس خراب و رنگ زرد او را دیدند خدمت او را نکردند و وقتی که از حمام بیرون آمد (۳۰) افغانی به حمامیان داد.  
روز دیگر با لباس زیبا به حمام آمد چون حمامیان لباسش را دیدند و پول آنروزه آنرا با خود گفتند: اگر خدمت کنیم (۶۰) افغانی خواهد داد. خدمت آنرا بدرجه اعلی به انجام رسانیدند و وقتی که از حمام بیرون آمد (۵) افغانی بالای میز حمامی نهاد.  
حمامی به تعجب گفت: این چیست؟  
رجب خان: پول امروز ازان روز است و آن پول به امروز مجرا شود.  
ارسالی احمد فواد داعم معلم صنف ۹ متوسطه محمد ایوب خان

## لکه ابر

علاء نصر الدین را دیدند که در صحرا با کمال اوقات تلخی بعضی از نفاقا ظمین راکنده چیزی را تفحص مینمود.  
پرسیدند چه میکنی؟ گفت: بولسی رادر این جا دفن کرده بودم و اینک هر قدر جستجو میکنم نمی یابم. گفتم و قفسی که دفن کردی مگر نشانی نگذاشته بودی؟  
گفت چرا نه، گفتمند چه نشانی؟ گفتم نشانی آنکه لکه ابری در آفاق بر روی آن نقطه از زمین سایه انداخته بود:

## کارت ویزیت

روزی یکی از اشخاص از خود را سر بردیدن ولتر، نویسنده شهیر فرانسوی رفته بود بر خلاف انتظار دید که وضع اطاق ولتر بسیار در هم و آشفته و گرد و خاک ز بساد روی میز تحریرش نشسته است! از فرط نا راحتی با انگشت خود روی همان میز گردآلود نوشت: «خر!» و رفت ...  
فر دای آن روز تصادفاً ولتر را در راه دید و گفت دیروز خدمت رسیدم به نشر یافتند.  
ولتر بانگاهی فیلسوفانه گفت بلی! کارت ویزیت شما را روی میز تحریر پسر دیدم !!



## آرزوی جوانی

مردی از دوست خود پرسید: آیا تا به حال که شصت سال از عمرت می گذرد به یکی از آرزوهای جوانیت رسیده ای؟  
گفت: آری، فقط به یکی. هنگامی که پدرم موههای سرم را کشیده و مرا تنبیه می کرد، آرزو می کردم که به هیچ وجه مو نداشته باشم و امروز، بحمد الله، به این آرزویم رسیده ام!

احمدجان - هر مو فایده که سیر شدی، بیای بیرون تا من داخل شوم.



## به غیر از پدرم..!

کریم به حمید گفت: تا هنوز به خانه جدید نرفته اید؟ حمید گفت رفتیم.  
کریم: آیا برای تمام نان یکدین اطاقی رسید؟ حمید جواب داد: برای تمامان اطاقی رسیده به غیر از آنم.  
کریم گفت: پس آغایت در کجاست؟ حمید: بیچاره آنم تا به هنوز در اطاق ما هم زنده نمیکنند.  
ارسالی احمد فواد داعم معلم صنف ۹ متوسطه محمد ایوب خان  
سایتس لسه شیر شاه سوری



از بالا به پایین بدون شرح

## اسپ ها نری

## چهارم

ها نری، چهارم را اسپ بود که آنرا دوست میداشت.  
اسپ نا خوش شد. گفت هر کس خبر مرگ اسپ را بیاید و رد حبش میکنم. ویدارش خواهم آ و یغت. میرا خوش که آدم شوخی بود بعد از مردن اسپ پیش ها نری آمد و عرض کرد آن اسپ قشنگ، آن اسپ که شما آنرا خیلی دوست میداشتید آن بیچاره اسپ، آن اسپ، آن اسپ...  
ها نری گفت چه شد؟ مرد! میرا خسور گفت خود شما فرمودید که: مردم حالا اگر حکم سیاست را در باره خودتان معمول مینمایند مختارند.

## اگر گشینه شدم

## آنرا بخورم

دیوانه که میخواست خودکشی کند نان را برداشته به چاراهی روان شد.  
همینکه دیوانه در چاراهی رسید در وسط چاراهی خوابیده و نان را زیر سر خود گذاشت. دلغاً موری برک زده و پرسید بالادو که موتر می کشند. دیوانه جواب داد: من میخواهم خودکشی کنم. در پرورد گفت: پس نان را چرا زیر سرت گذاشته ای دیوانه گفت: بغاظر اینکه اگر موتر ناوقت آمد من گشینه شده ام و میخورم.

## پذیرائی

معلم از احمد پرسید چرا ناوقت آمدی.  
احمد جواب داد: معلم صاحب من شب خواب بدیدم که در طیاره به ممالک خارج میسر میکنم. معلم از محمود پرسید: تو کجا بودی؟  
محمود جواب داد: من رفته بودم تر میل که احمد را پذیرایی کنم.

# انقلاب کبیر اکتوبر جهش

تسویک پدیده های نو را بصورت راه حل های سیاسی درست و قابل درک برای خلق بمورد اجرا گذارد. نیز از همینجا سر چشمه می گیرد.

آغاز به ساختن سو سیالیزم باطن راه حل برای بسیاری از بفرنج ترین مسائل گامی جدید را هم بشرح ذیل طلب می کرد:

اصول ساختمان دولت و سازمان دولتی در کشور کمیسر المللیت. تناسب اقتصاد با سیاست. نقش نظام های مختلف اقتصادی و اشکال مالکیت. خصوصیات مبارزه طبقاتی در دوران گذار. شیوه های لغو طبقات استثمارگر. خصصت روابط میان شهر و روستا و اهمیت تجارت. نقش پول. راه های گذار از تولید کوچک و انفرادی در روستا به تولید بزرگ سو سیالیزم. صنعتی کردن سو سیالیزم. مراحل ساختن سو سیالیزم. ترتیب و طبقه بندی وظایف. سیاست در رشته های فرهنگ. دانتس و هنر. وضع قوانین و اجرای امور قضائی. مسائل باجهان خارج یعنی اصول سیاست بین المللی دولت پروتوری و نیروهای مسلح آن و صد ها مسائل دیگر.

کتوری دولت سو سیالیزم رهبر انقلاب کبیر اکتوبر بنا به وسیله ای عمده دفاع و ساختن جامعه ای نوین از اجزای متشکله ای طبیعی آنست. رهبر انقلاب کبیر اکتوبر و حزب بلشویسک بر پایه ی تحلیل ساختمان طبقاتی جامعه در دوران گذار نشان دادند که استقرار حاکمیت سیاسی طبقه ی کارگر، که این طبقه در اتحاد با دهقانان و دیگر قشر های خلق زحمت کش بوجود می آید مهم ترین قانونمند ی جامعه ی سو سیالیزم است.

در تئوری سو سیالیزم علمی، تجزیه و تحلیل پروسه های اقتصادی همواره مهم عمده و مرکزی را داشته است. اگر در گذشته اندیشه ی اقتصادی ایدیا لوجی مترقی روی این مسئله که چگونه سرمایه داری انقلاب سو سیالیزم را آماده می کند، متمرکز بود، حالا دیگر بوجود آوردن دانتس ساختن اقتصاد سو سیالیزم و با لایز از آن ایجاد تئوری اقتصادی یکپارچه سو سیالیزم و در واقع فصل نویی در مجموعه ی آموزش ایدیا لوجی پروتوری و مترقی ضرورت داشت. در سنتی سیاست اقتصادی حکومتی که با پروتوری انقلاب کبیر سو سیالیزم اکتوبر بوجود آمده بود به همین مسئله بستگی داشت. خود سر نوشت انقلاب اکتوبر هم بدست این سیاست وابسته بود.

یکی از عظیم ترین کشفیات رهبر انقلاب کبیر اکتوبر در این زمینه «سیاست اقتصادی نو» یعنی «نپ» بود. تجربه ی سیاست اقتصادی جدید که اصول تا مین اتحاد طبقه ی کارگر با دهقانان و دیگر اقشار غیر پروتوری، از آن جمله قشر های میانه انطباق برابری خود را در آن یافتند اهمیت بین المللی فراوان خود را در دوران

انستداد شوروی به موجب قانون اساسی تثبیت شده اند، در طرح قانون اساسی جدید موادی گنجانده شده است که بطور اصولی نو است و در قوانین اساسی کشورهای یورژوانی وجود ندارد و نمی توانست وجود داشته باشد. این مواد عبارتند از: حق شرکت در امور دولتی و اجتماعی. حق انتقاد از نامرئی ها در کار. حق مسکن. حق حفظ زندگی. حق استفاده از دستاورد های فرهنگی، آزادی کار خلاق در زمینه ی دانتس و تخنیک و هنر... غیره. همه ی این حقوق و مساوی حقوق کهنه و نو با یستی در راه بهره وری خلق و توسعه های مردم زحمتکش چند ملیتی که بطور استوار و برای همیشه زندگی و سر نوشت خود را با سو سیالیزم پیوند داده اند. مورد استفاده قرار گیرد.

در طرح قانون اساسی اتحاد شوروی تعریف مبسوط نقش رهبری کننده ی حزب کمونیست در جامعه و در کشور به تفصیل تریح شده است. حزب که هم چنان حزب طبقه ی کارگر باقی می ماند اکنون بنا به حزب همه خلق عمل می کند.

منافع اقشار و گروه های مختلف را با منافع تمام جامعه پیوند می دهد و وحدت سیاسی و معنوی جامعه را تامین می کند.

رهبر انقلاب کبیر اکتوبر در همان آستانه ی انقلاب نامزیری وجود همزمان دولاداری نظام های اجتماعی متفاوت را طی دوران تاریخی معین مستدل ساخت، این استنتاج ناشی از قانون شدیدی رشد نا برابر سرمایه داری در مرحله ی امپریالیزم بود که خود او کشف کرده بود. پس از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر واقعا چنین دورانی فرارسید و این زمانی بود که بنابه پیش بینی ایلچ بزرگ «کشور های سو سیالیزم و سرمایه داری به زیستن در کنار هم پرداختند».

رهبر انقلاب کبیر اکتوبر بارها احتمال حمله ی مسلحانه بکشور شوروا را اندک داد و یاد آور شد که باید قدرت دفاعی کشور بحدی رسانده شود که دفاع از دست آورد های سو سیالیزم را تا مین کند. حزب کمونیست اتحاد شوروی از همان اول و هله تا حال این توصیه ی ایلچ را مد نظر داشت و دارد و حالا قدرت دفاعی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه سو سیالیزم بقدری است که هر نوع تجاوز را از هر قماش که باشد به اندک ترین فرصت خورد و خمیر می نماید.

رهبر انقلاب کبیر اکتوبر در عین حال وجود «احزاب صلح» و «احزاب جنگ» دارای روحیه ی تجاوز کارانه را در آن واحد در داخل اردو گماهی یورژوانی خاطر نشان می ساخت و همواره وجود شرایط مقدما تی عینی واز جمله اقتصادی همزیستی مساومت آمیز کشورهای دارای سیستم متضاد را یاد آوری می کرد سیاست همزیستی مساومت آمیز دربرابر دوران پس از پیروزی انقلاب سترگ اکتوبر از جانب حزب و دولت شوروی عمیقاً بررسی و تدوین شده است.

ما هم حفظ می کند. رهبر انقلاب کبیر اکتوبر خاطر نشان می کرد که «آن مسئله ای را که اکتوبر بطور موثر به تنهایی حل می کنیم یک مسئله ی خالص روسی بنظر نمی رسد و این در واقع مسئله ای است که در برابر همه سو سیالیزم ها مطرح خواهد شد... (جلد چهارم آثار بزبان روسی ۱۳۲۹).

رهبر انقلاب کبیر اکتوبر با تیزبینی فوق العاده ای مسأله ترین وقایع ترک سرین راه گذار به اقتصاد جمعی کتا ورزی سو سیالیزم برای دهقانان را تعالی و نسی های زراعتی تشخیص داد.

حزب انقلاب روسیه ی شوروی (بلشویک) در تجدید ساختن اتحاد اقتصاد به شیوه ی سو سیالیزم از لحاظ تئوری متکی به این اصل بود که وظیفه ی تاریخی رشد نیرو های تولیدی بنابه ی ایستادگی و ایجاد تحول در کلیه مسائل اجتماعی تنها از راه صنعتی کردن کشور می تواند تحقق پذیرد.

صنعتی کردن جامعه سو سیالیزم نه فقط یک پروسه ی فنی، بلکه هم چنین پروسه ی اجتماعی است که در جریان آن علاوه بر اینکه طبقه ی کارگر از لحاظ کمی افزایش می آید، بر خورد تازه ای هم نسبت به کار پیدا می کند و بسیکو لوجی صاحب اختیار تولید در آن شکل می گیرد و اشکال تازه ی فعالیت و رشد تولید بدون سرمایه داران، بدون استثمار، طبقه ی کارگر به ی مشترک ملی، فارغ از بحران های اضافه تولید و هرج و مرج های روبه بسط متقابل اقتصادی، پدید می آید.

یکی از برجسته ترین موفقیت های علم اقتصاد شوروی - بزرگترین دستاورد تفکر اجتماعی جامعه ی بشری تا نسبت از تدوین اصول برنامه ریزی تمام اقتصاد و تدوین تئوری رهبری مجموعه اقتصاد کشور طبق برنامه ی معین اصطلاح «اصطلاح» یا برنامه ی پنج ساله - به بسک اصطلاح بین المللی تبدیل شده است و بزبان بسیاری از خلق ها داخل شده است.

شیوه های ساختن اتحاد اقتصادی طبق برنامه یسلان در سراسر جهان در کشور های نوبه استقلال رسیده و در حال رشد که می گویند با آهنگ های سر بسع خود را به عرصه ی ترقیات معاصر برسانند، توجه خلق را بخود جلب می کند. در کشور های سرمایه داری هم این شیوه را با وقت بررسی میکنند. اما تنها در دست حکومت انقلابی که بیانگر منافع زحمتکشان باشد و با وجود مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید، پلان گذاری عملاقا بسع اجراست و می تواند به منافع خلق خدمت کند.

تیمو تدوین مسئله ی حقوق و آزادیهای اتباع اتحاد شوروی در طرح قانون اساسی اتحاد شوروی در بسط و تکامل دموکراسی سو سیالیزم شوروی دستاورد تازه ای است. در ردیف حقوقی ما نند حق کار و سایر حقوق واقعی که مدتهاست در کشور

و اما انقلاب کبیر اکتوبر و کشور های عقب نگه داشته شده واز جمله افغانستان: انقلاب کبیر سو سیالیزم اکتوبر موجب گسترش جنبش نیرو مند آزادیبخش ملی گردید. تحولات تاریخی اخیر افغانستان در دوران اخیر در سیریکری از همان جریا نا نی انجام می گیرد که در نتیجه ی انقلاب کبیر اکتوبر بوجود آمده و جزو مهم ترین واقعه ی سیر تکامل جهان شدند.

بحث بر سر جریان بحران و زوال سیستم استعماری امپریالیزم و همچنین بر سر ملت ها و کشور ها نیست که طوسی ما لیا ن دراز در زیر قید فشار و بستگی استعماری و نیمه استعماری قرار داشتند و در نتیجه ی رستاخیز و انقلابات خود در راه استقلال سیاسی و اقتصادی گام نهادند.

در نتیجه ی انقلاب کبیر اکتوبر در یک ششم بخش دنیا نظام اجتماعی نوینی برقرار گردید که بکلی با سیستم اسارت بین المللی استعماری و استثمارگری مابست دارد. در نتیجه ی تأسیس دولت سو سیالیزم در روسیه، موقعیت بین المللی افغانستان تغییر کرد و مواضع محافل ملی و میهن پرست افغانستان که برای احیای حق حاکمیت کشور خویش مبارزه می کردند تحکیم یافت.

در بهار سال ۱۹۱۸ ترجمه ی تری ایام دولت شوروی به همه مسلمانان زحمتکش روسیه و خاور زمین به افغانستان رسید. درین پیام حقوق ملی خلقها، اهم از بزرگ و کوچک، اعلام گردید و سکنه کشور ها نیکیه زیر قید ستم امپریالیزم قرار داشتند به از هم گسستن یوغ بردگی منفور استعماری فرا خوانده شدند. زحمت کشان روسیه ی شوروی اعلام کردند که مصمم اند به ملت های کشور های مستعمره و وابسته، در راه کسب آزادی ایشان کمک نمایند.

درین مرحله نکته ی مهم در زمینه ی پیدایش و تقویت تالیات ضد امپریالیستی در همه کشورهای شرقی میانه این بود که دولت شوروی اسناد سیاسی محرمانه ی دول بزرگ را انتشار داد و بدین نحو نقشه های استعمارگرانه ی امپریالیزم را افشا نمود و علاوه بر سایر اقدامات ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸ اقداماتی در راه برقراری تمامیت با دولت های کشورهای همسایه ی آسیای میانه انجام داد. در سال ۱۹۱۸ پیشنهاد دانی در باره ی برقراری مناسبات دوستانه از ترکستان شوروی بکابل رسید. با وجود اینکه در افغانستان آنوقت شایعیت و دست نشانده ای (امیر حبیب الله) حکمروانی داشت، خبر مربوط به ایسین پیشنهاد به سرعت در افغانستان بخش گردید و شور و شعف عظیمی در میان محافل اجتماعی افغانستان بوجود آورد. وطن پرستان افغان نیز نقشه ی تحصیل استقلال افغانستان و نابودی عمال امپریالیسم انگلیسی را می کشیدند و اعلان اصول برابری حقوق و آزادی ملی خلقها که دولت روسیه ی شوروی در نتیجه ی انقلاب کبیر اکتوبر تحت رهبری آنها به رهبر انقلاب اجرا کرد.



# استفاده از قوای بشری

و تربیه است در آن زمینه که شما قسمت ز یا دی از زندگی خود را در آنجا سپری نمودید آیا در درس های تعلیم و تربیه و بو هنتسون ها کدام تحول عمیق و انقلابی در نظر دارید یا نه ؟

**جواب :** انقلاب ثور که در معنی واقعی خود یک پدیده انقلابی بود که قدرت را از طبقات استثمارگر به نمایندگی از حمتکشان به طبقه کارگر انتقال داد در تمام سا حات زندگی خلق ما یک تغییر انقلابی بوجود آمد درین جهت انقلابیسی طوریکه شما تنها به تعلیم و تربیه اشاره کردید در تعلیم و تربیه هم تغییرات انقلابی بوجود آمده است که محتوای تعلیم و تربیه از خلق ز حمتکش تمرکز یافته است اکنون تمام نصاب تعلیمی به این متوجه است که جوانان و اطفال را مطابق به منافع خلق ز حمتکش تربیه نماید و در تشکیک سیستم تعلیم و تربیه نیز تغییر آمده است آن اینکه قبل از انقلاب هشت سال مکتب ابتدایی ، چهار سال ثانوی و چهار سال تعلیمات عالی بود ولی در آغاز انقلاب این تدبیر اتخاذ گردید که محتوای تعلیم و تربیه غنی تر شود و از سالیان گذشته سال تعلیمات ابتدایی دوسال دوره ثانوی یا تعلیمات متوسط و چهار سال تعلیمات عالی به این اساس در سیستم تعلیم و تربیه تغییرات بوجود آمده است . در پایان رفیق امین از اشتراک زور نالستان درین مصاحبه دوستانه تشکر کرده اظهار امید کردند که زورنالستان مهمان بار دیگر بتوانند از کشور مادیدن کرده و واقعیت او ضاع کشور را به خلقهای کشور های خود انعکاس بدهند .

نمایند برای اینکه دانشی و معرفت حزبی آنها توسعه یابد و انکشاف نماید کمیسیون های مربوطه حزب هم درین زمینه توجه خاصی دارد و فعالیت می نماید .

**دفتر سیاسی و رهبری حزب یک پروگرام خاصی روی دست دارد و آن اینست در ولایات و ولسوالی ها کار های حکومتی و حزبی را از هم تفکیک نماید ، سازمان حزبی جدا و سازمان دولتی جدا ، حزب ، حکومت و دولت را رهبری خواهد کرد ، ولی امور دولت و وظایف آنرا انجام نمی دهد . حکومت و دولت و وظایف خود را انجام خواهد داد و حزب آنرا رهبری خواهد کرد ، حزب این قدم ها را برداشته است و سرعت به پیش میرود که برای انکشاف و تقویست اعضا و کادر های حزبی بسیار موثر خواهد بود .**

**سوال :** تعداد اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان را گفته می توانید ؟

**جواب :** ما کار تو زیع کارت های عضویت حزبی را آغاز کرده ایم ، چندین هزار کارت تا حال تو زیع شده و تا هنوز کار تو زیع آن ختم نشده است . فقط در ختم کار تو زیع کارت ها میتوان تعداد دقیق اعضای حزب را بشما اظهار کنیم ، ولی قبل از انقلاب ثور که ما کارت های عضویت برای اعضای حزب نداشتیم تعداد اعضای حزب را تقریباً پنجاه هزار تخمین کرده بودیم .

**سوال :** نمایندگانی روز نامه دنور انقلاب : بایروری انقلاب ثور در زندگی خلق ما تحولات عمیقی پدید آمده است و تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان درگوشه های مختلفی زندگی خلق ما گام های وسیع و مثبتی برداشته شده است .

**سوال :** من در زمینه تعلیم

نستان به شور آمدند و بار اول افتخار استقلال کامل سیاسی خود را از استعمار امپریالیزم بریتانیا بدست آوردند . . . . .

دوستی و حسن همجواری بین افغانستان و اتحاد شوروی با انعقاد معاهده های ۱۹۲۱ که رهبر انقلاب کبیر اکتوبر مبتکر و طرح آن بود آغاز گردید و این روابط دوستی با انعقاد معاهده های سال ۱۹۳۱ تشدید و تأیید گردید .

این معاهدات و اجدها منافع حیات ملی خلق افغانستان و اتحاد شوروی میباشند . با پیروزی انقلاب ثور که ادامه دهند این معاهدات و انقلاب کبیر اکتوبر میباشند نه تنها کشور افغانستان از نظر موضع بین المللی خود از صف کشورهای امپریالیستی و استعماری خارج و در صف معادل صلح دوست و مترقی قرار گرفت بلکه با پیروزی این رستاخیز خلق افغانستان که تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیش آهنگ طبقه کارگر کشور صورت گرفت روابط و مناسبات بین افغانستان و اتحاد شوروی نیز بر حلقه نوین و تکاملی با گذشت و به یک رابطه ی نمونه و صادقانه بین کشورها تبدیل شد . چنانچه نمایانگر این حقیقت معاهده دوستی و حسن همجواری بین افغانستان و اتحاد شوروی میباشند که در ماه دسامبر سال گذشته در مسکو به امضا رسید . در مقدمه ی این معاهده منجمله گفته می شود : « . . . . . دو کشور با اظهار عزم را سخ به انکشاف دست آورد های اجتماعی و اقتصادی خلق های افغانستان و شوروی و برای حفظ امنیت و استقلال آنها و بطرفداری قطعی از همبستگی تمام نیروها یکدیگر در راه صلح استقلال ملی ، دموکراسی و رفاه اجتماعی مجادله می کنند و با ابراز عزم را سخ به مساعدهات تقویه صلح و امنیت در آسیا و سراسر جهان و سهم گیری در انکشاف تلاقی بین کشورها و در تحکیم همکاری هر بخش متقابل و مفید در آسیا و نادر نظر داشت اهمیت بزرگ به تقویه یابهای حقوقی روابط معاهداتی خود و با تأیید مجدد و فاداری به هدف ها و منشور ملل متحد تصمیم گرفتند معاهده دوستی ، حسن همجواری و همکاری را منعقد و در مورد مراتب ذیل موافقت نمودند . . . . . »

در نتیجه باید گفت که پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر و دست آوردهای ذیقیمت آن نه تنها کشور بزرگ دوست و برادر اتحاد شوروی را از پس منانی ، استثمار ، استبداد و ارتجاع رها نید و در صف معادل پیشرفته ترین جهان و حامی صلح و امنیت جهانی قرار داد بلکه این انقلاب بزرگ اجتماعی تا ثیرات شگرفی در سراسر جهان و از جمله افغانستان انقلابی داشت و دارد مادر حالیکه شصت و دومین سالروز پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر را به خلق برادر شوروی و همه مجافل مترقی و انقلابی جهان تبریک می گوئیم شعار می دهیم که پیروز باد صلح ، دموکراسی و رفاه اجتماعی در سراسر جهان .

پیروز باد انتر ناسیو نالیزم پرولتری این سلاح نیرومند کارگران جهان .

جاوید و مستحکم باد دوستی خلل ناپذیر خلق های افغانستان و اتحاد شوروی .

میرم ترین خواست خلق افغانستان مطابقت داشت .

در فیروزی ۱۹۱۹ وضع افغانستان تغییر کرد . دولت امیر امان الله که طرفداران نهیست جوان افغانستان آنرا تا نید می کرد رویکار آمد و این دولت بلا درنگ استقلال افغانستان را اعلان و دست به رفورم های زیاد زد . روسیه ی شوروی بحیث اولین کشور تحت رهبری ، رهبر انقلاب کبیر اکتوبر استقلال سیاسی افغانستان را بر سمیت شناخت دولت جمهوری شوروی معوسیالیستی فدرا تیو روسیه بتاريخ ۲۷ مارچ سال ۱۹۱۹ اعلام داشت که استقلال کامل دولت افغانستان را بر سمیت می شناسد .

در مورد خصوصیات بناسبات جمهوری جوان شوروی با کشور همسایه ی خود افغانستان ، باید این واقعیت معروف را یاد آوری کنیم که : جمهوری جوان شوروی هنگامیکه در حلقه ی محاصره ی دشمنان قرار داشت ، می کوشید هر چه از دست می آید در زمینه ی سیاسی بکار برد تا از مداخله ی امپریالیست ها در امور داخلی افغانستان جلوگیری شود . دولت جمهوری شوروی معوسیالیستی فدرا تیو روسیه در ماه مارچ سال ۱۹۱۹ شراطی را که توسط رهبر انقلاب کبیر اکتوبر در زمینه ی انعقاد صلح با روسیه ی شوروی تنظیم شده بود به کنفرانس صلح پاریس فرستاد ، در بند اول این شراطی قید شده بود که همه کشورها باید متضابطاً تعهد نمایند که به قوه ی قهریه برای سرنگون ساختن دولت افغانستان متوسل نشوند . روز ۲۸ فیروزی سال ۱۹۲۱ ، علی رغم تلاش های استعمارگران بریتانیا و فرانسه که می خواستند از تحکیم بناسبات شوروی و افغانستان مانع نمایند ، قرار داد بین جمهوری شوروی معوسیالیستی فدرا تیو روسیه و افغانستان امضاء شد . این سند سیاسی که اکنون هم معتبر است یک اقدام بین دو کشور بود که به موجب تشدید پیشیانی از استقلال افغانستان گردید و مبانی حقوقی استواری برای روابط حسن همجواری شوروی و افغانستان ایجاد نمود .

چنانچه حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی ولسوی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان سال گذشته بمناسبت شصت و یکمین سالگرد انقلاب کبیر اکتوبر اتحاد شوروی معوسیالیستی چنین فرمودند : « آوانیکه رهبری خلاقیور نیوخ رهبر کبیر انقلاب اکتوبر در روسیه ، اولین دولت کارگری جهان با فهرمانی های پرولتاریای انقلابی روسیه به پیروزی می رسید و تکامل می کرد در افغانستان نیز راه اکتوبر بکلی نامعلوم نبود ، جنبش آزادی خواهی ، مبارزات ضد استعمار امپریالیستی و ضد استبداد فیودالی اوج می گرفت ، با وجود نوظه های استعمار امپریالیستی ارتجاع و نوکران امپریالیزم و استبداد در بار امیران نوکر استعمار ، آتش آزادی خواهی خلق ما خاموش نگردد و با اوج گیری اعواج انقلاب کبیر اکتوبر شعله ور تر شده می رفت تا اینکه در سال ۱۹۱۹ در قلب آسیا ، خلق زحمتکش افغان

# د اکتوبر ستر انقلاب

څنگو نو د لاری مثال وگرځیده ...  
 په رښتیا سره هم چې د شوروی اتحاد  
 کله نېست گو ند او دولت هڅکله خپله  
 اتر نا سوانا لېستی دنده د انقلاب د پری  
 له هماغه لومړیو ورځو څخه نه ده هیره  
 کړی او تل یې د نړۍ په گوت گوت کې  
 داستعمار او امپریالیزم په مقابل کې  
 ملی آزادی پخپلو تکرارو کې او کار  
 گری او مترقی گوندو د نو کلک پلا تې  
 کړی دی او د نړۍ زیار ایستو تکرار د اکتوبر  
 ستر انقلاب سره لاره (د نړۍ د زیار ایستو-  
 تکرار د زغورنې لاره) تعین کړی او د هغې  
 په رڼا کې یې له ویاړه لارې پرېا لښوونو  
 تر لاسه کړی دی .

داکتو بر دستر انقلاب لارښودلاد پیرایلیج  
 لنین په علمی توگه په لېون ورسولسه  
 چې سو سیا لیزم به په نړیواله سو سیا  
 بریالی شي او پانگوالی چې امپریالیستی  
 پړاو ته یې گام ایښی دی دخپل کرښین  
 ژوند وروستی شپې ورځې تېروي .

داکتوبر ستر انقلاب ستر لارښود و یل:  
 «زموږ لاره سمه ده او هماغه لاره ده چې  
 ټول هیوادونه به یو پر بل پسې پر هغې  
 باندي گام کېږي دی او دایې دا خبره  
 زموږ دستر گو په واندې تحقق مومي»  
 دا لاره د زیار ایستو تکرار د زغورنې او د  
 انسانیت د نړیواله لاره ده ، ددی لاری  
 هنداسیختوب او لوړتیا ده چې  
 د نړۍ په گوت گوت کې په ملیونو ملیونو  
 پلویان لري .

هغه بریا لښوونو چې د یوه هیواد خلکو  
 ته سوسیالیزم په غیر کې د ژوند په سره  
 برخه کې په یوه یا کلې موده کې  
 تر لاسه کېږي یا تکرار او لی نظام لرو تکرار  
 هیوادونه هم لومړی وخت سره د پرتلی وپندی او که  
 پر تله هم شي نو د سو سیا لیزم د نړیوال  
 سیستم د افخارانو شمله به لا جگه شي .  
 د مثال په ټول سره لاری چې د شوروی  
 اتحاد (داکتو بر د ستر سو سیا لیستی  
 انقلاب زانگو) له جوړیدو وروسته  
 د ستر څه نا څه شل کاله یې د امپریالیزم  
 له خوا په تحمل شو یو جگړو کې تیر  
 شوی خو بیا هم د ژوندانه په هره برخه  
 کې یې داسې پرمختگو ته پر مصیب شوی  
 دی چې د اکتوبر له انقلاب څخه مخکې وخت  
 سره په مقایسه کې د سو سیا لیزم  
 حقانیت جوړوي .

لکه چې یوازې او یوازې د ۱۹۷۶ کال  
 ملی غاړې د اکتوبر دستر سوسیالیستی  
 انقلاب څخه دمخکې وخت په پرتله ۶۵ واره  
 زیات شوی دی . د اکتوبر دستر انقلاب  
 لارښود په ویل چې سو سیا لیزم د پانگوالی  
 الی په نسبت د اجتماعي سازمان د پسرلو  
 لوړ کار دی او داخبره د سو سیا لیزم  
 د ماهیت او منبع د پالښتو ب قوت اوونیه  
 ده .

داکتو بر ستر انقلاب چې دکار گرا نو د  
 ستر لارښود په رهبري بریا لښوونو ته  
 ورسید لومړنی انقلاب و چې نه یوازې  
 یو اقتصادی ، اجتماعي فورما سېون یې  
 د پل برخای را منځ ته کو بلکې د شوروی-  
 زوازی د نړۍ لږ زید لی قدرت په را تکرارولو  
 اوله استعمار گرانو څخه استعمار شویو ته  
 قدرت په لږ دولو سره یې د لومړی ځل لپاره  
 د نړۍ په یوه برخه کې دکار گرا نو سیا-  
 سی واکمنی ټینګه کړه . ددغه ویاړلی  
 انقلاب په نتیجه کې وچې د پرو لارښود  
 نوری مېنځ ته راغله او د ټولنی دکاثریت  
 په گټه واقع شو کراسی را منځ ته شوه  
 او پدی توگه زموږ په ټولنیزې دارتجاع ،  
 استبداد ، استعمار او امپریالیزم د پسرلو-  
 زولو پروسه پیل شوه .

ددش سترې ټولنیزې پېښې ستر توب  
 او اهمیت د ټولنیز پرمختگ په لاره کې  
 د بشریت په هر نوي گام سره تر پخوا  
 زیات په پام وړه څرگند کړی .  
 د اکتوبر ستر انقلاب نا ریخی پری او د  
 ریښتیني سو سیا لیزم د تکرار یو لړیوال  
 اهمیت پدی کېدی چې د زیار ایستو تکرار  
 په گټه یې د ټولنی د تکرار د لاره سازمان  
 بیلگه وینو ده .

سوسیالیزم د ریښتیني بشر دوستي ټولنه ده  
 چې د زیار ایستو تکرار انسان نیکمرغي ددی ټولنی  
 اصلی هدف دی . په سوسیالیزم کې هر څه د  
 انسان د نیکمرغي اوسو کالی له پاره دی  
 سوسیالیزم د ټولنیزې نیکمرغي ټولنه ده .  
 اوس په نړۍ کې سو سیا لیزم تلل  
 د ریالیټوب پړاوونه وهی او د زیار ایستو-  
 تکرار انسان له اوږو څخه دا سارت او استعمار  
 جفونه غورځوی .

د سو سیا لیستی هیواد وېر یا لښوونو ته  
 ددی تکرار څرگند لېون دی چې آښوده  
 د سو سیا لیزم ده او برعکس د پانگوالی  
 ټولنه آښوده نلری دا څنگه چې د پانگوالی  
 ټولنه د زیار ایستو تکرار دستعمار ، ظلم او  
 ټولنیز سیاسي ستم او د بیکاری لړیوالی  
 او ملی تو پیر ټولنه ده .

امپریالیزم د سولسی بی بنده وېساره  
 سالی ته لمن وهلی او پدی هغه کې دی  
 چې د نړۍ په بیلا بیلو گوټونو کې  
 جگړې او شخړې را منځ ته کړی او ددغه  
 نا وړه او غیر انسانی لاری څخه خپلسی  
 نا روا او شومې گټې تر لاسه کړی (او په  
 خپری کړی او کبان و نیسی) خو دا نړیوال  
 سو سیا لیزم (هغه چې د اکتوبر د ستر  
 انقلاب په بل بل اسیر دی) دی چې د امپری-  
 الیزم ددغه نا وړه اعنما لو مخه یې نیولی  
 او نیسی او نه پریر دی چې بشر د تبا هی  
 کندی ته و غورځیږي نو پر خای ده چې  
 وواوې!

# د شوروی اتحاد علمی ...

اکسیجن د پد لویو تکرارو دستکار او حرم  
 زیات تیز دی . مثال په توگه یو ازی پسه  
 (۱۹۶۶-۷۵) کلونو کې د شوروی اتحاد  
 د فلزی تا سیسا تو په حجم کې په سلو کې  
 یووېشت اعشاریه اتلس زیاتوالی را منځ  
 ته شو پدی . په شوروی اتحاد کې د تولید  
 اتو د تکرار کو لو کار د استهلاك او ورت-  
 یت د معیار له مخې محاسبه نو سنجول  
 کېږي .  
 ددغه محاسبې او ارزیا یې له مخې د  
 (۱۹۷۱-۱۹۷۵) کلونو په دوران کې  
 د شوروی اتحاد د او سېنی په تولید کې  
 حجم کې په سلو کې زیاتوالی را ویاوود  
 یولانو په حجم کې په سلو کې څلوېښت  
 زیاتوالی راغی .  
 د شوروی اتحاد د فلزی تولیداتو  
 د چارو ماهران زیار باسی چې د فلسفې  
 محصولاتو او پیداوارو د کیفیت د سطحې  
 د لوړو و لږو په برخه کې د ساینس او  
 ټکنالوژۍ څخه په زیاتې استفاده کې او  
 سره د نوو ماشینونو څخه زیات استفاده  
 وکړی . د ساینس او ټکنالوژۍ له لاسه  
 طریقو او ټکنیکو نو څخه په کار اخستلو  
 سره دغه کارونه لاره او ازیږی چې کسری  
 (۱۹۸۰) کاله پورې ددغه هیواد د فلزی چارو  
 په محصولاتو کې له (۶۰-۷۰) ملیون ټن پورې  
 سیماسورت ونیسی .  
 په شوروی اتحاد او نورو سوسیالیستی

دغه هیواد کې د استخداملو دکارگرانو  
 د اجتماعي او اقتصادی شرایطو په وړاندې  
 مسأله هم د چا پیر یال د ساینس سره  
 مستقیم ارتباط لري .  
 ددغه کار د پیاوړتیا دالکترو نیکی وسایل  
 په مرسته د چارو د کچه او د پیاوړتیا  
 سیستم د طرحه او رامنځ ته کولو د پیاوړتیا  
 زیاتنه او تیا شته . هغه ډېره ستره وظیفه  
 چې دغه راز اتو ماتیک او خود کار وسایل  
 یې تر سره کولای شي د تولید ، حمل  
 او نقل او د محصولاتو د تکرار کتنک په چارو  
 ناو باندي د نظارت او څارن څخه عبارت  
 په شوروی اتحاد او نورو سوسیالیستی

بقیه صفحه ۹

# انقلاب کبیر اکتوبر

عمده ترین عامل موثر خارجی است که  
 هم استقلال سیاسی افغانستان (۱۹۱۹) و استقلال  
 کشور های مستعمراتی سابق حاصل شد و هم  
 انقلابات کارگری در عده قابل ملاحظه ای از  
 کشور ها فیض کافی از آن دریافت نمودند .  
 با پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر توکون نخستین  
 کشور سوسیالیستی در یک بر ششم حصه کره  
 زمین است که دوران بزمن زدن امپریالیزم  
 آغاز گرفت و تحت تاثیر آن نه تنها جنبش  
 ضد امپریالیستی در افغانستان ترکیه ، چین ،  
 هندوستان ، مصر ، و عده از کشور های  
 امریکایی جنوبی شدت گرفت بلکه این

بقیه صفحه ۹

# تاریخچه آغاز ..

در سال ۱۹۲۰ بلژیک بیرق رسمی  
 المپیک را به کمیته بین المللی  
 المپیک هدیه داد و این بیرق در هر  
 دوره بازی های المپیا پس از ختم  
 مسابقات بطور اما نت به همان  
 شهر بیکه در آن آخرین بازی بهای  
 المپیا صورت می گرفت سپرده میشود  
 و در دوره بعد به شهر دیگر بیکه  
 در آن بازی های المپیا صورت  
 می گرفت سپرده میشود . بعد ها

شعار جد یدی به شعار های المپیا  
 از طرف آلمانها افزود شد که روی  
 بیرق المپیک درج شده است یعنی  
 (من تمام جوانان جهان را به خود  
 می خواهم) . علاوه المپیک دا رای  
 مشعلی نیز میباشد . قرار مقر راتیکه  
 تا امروز باقی مانده این مشعل از  
 آغاز هر دوره بازی های المپیا  
 در محفل اصلی خود یعنی در گوم-  
 المپ افروخته میشود و از همانجا  
 توسط ورزشکاران به محل بیکه  
 در آن مسابقات المپیا صورت  
 میگیرد ، برده میشود .

ژوندون

# جواب نامه های شما

سلام همکاران و دوستان عزیز

به امید سلامتی شما، می‌آغازیم به جواب نامه های دوستانی که مطلب فرستاده اند :

دوست عزیز ، عزیزه رسولی

فونوشته شما را بنامهای «سالت تاریخی زنان امروز» و «در انتخاب همسر باید احتیاط را از دست نداده دریاقتیم و آرزومندیم که همکاری قلمی تا سرا بیشتر از این گسترش بدهید و با ارسال مطالب، خوب و خرافاندنی همیشه با مجله تان همکاری نمایید . همینگونه که فرموده اید ، باید در انتخاب همسر ، محتاط بود و با درست اندیشی دست به گزینش همسر مورد پسند زد ، واقعا درست میگویند، ولی تنها صاحب ایدیالوژی و علم و دانش بودن برای زندگی مشترک کافی نخواهد بود، نه تنها بصورت ضمنی و پهلوی این صفات، تقاهم و اعتماد در بهبود زندگی نقش عمده دارد و های سعادت و خوشبختی را بر فراز خانه به گردش می آورد، بلکه اساسا خشت بنای ازدواج را بر تقاهم و اعتماد گذاشت و همیناست که زندگی پر لذت زنا شویی را، دوست داشتنی تر میسازد .

با حفظ اینکه سواد و تحصیل، علم و دانش زندگی مشترک زن و مرد را رنگ دیگری میزند، اما شرط کافی برای یک زوج خوشبخت به شمار نمی رود. به همین ترتیب زیر نظر آوریده زن و شوهری را که با داشتن سواد و دانش همه روز شان، به جنگ است و به ناخوشی روزگار می گذرانند .. مگر زن و شوهری بیسواد را پیش چشم مجسم کنید که شوهر دیگرانه بر میگردد، زن از آمدنش با سلام گرم صمیمانه به استقبال می شناید که خوش آمدی، شوهر عزیز... با این مثال فقط میخوام بگویم که تنها صاحب ایدیالوژی بودن برای ازدواج کافی نیست، زندگی مشترک زن و مرد چیز های دیگری را نیز لازم دارد . بهر صورت، هر دو مطلب شما را ، در شماره های آینده به چاپ میسپاریم، انتظارتان را ببرید. به امید نامه های دیگرستان خدا حافظ .

دوست مهربان وحید حیران معلم صنف

دهم اجتماعات لیمه شاه دوشمشیریه (ع) ؛ «داستان کوتاه واقعه» شمارا خواندیم و متاثر شدیم ولی در عین حال خوش شدیم و خوشی ما از غم ما بیشتر بود این «داستان کوتاه واقعه» شما قطعاً داستان نیست و گزارش عشق شکست خورده شماست . دوست عزیز! در سن و سالی که قرار دارید ، دل را پر خون نکنید و بایک نگاه خمار که نه فلان دختر همسایه فریب نخورید، در عوض درسهای خود را بخوانید و حیران حیران به حسرت دیدار دختر شوهر کرده، چشم خیره نکنید که مبتلا به مرض چشم نشوید که

درمانش راهی معشوق دل آزاری انجام داده نمی تواند جز اینکه فکر تانرا به هوس یار دیگری مشغول بسازد، کاری نخواهد کرد . قیلا گفتیم خوش شدیم و خوشی ما از غم ما بیشتر است، بخاطر اینکه فعلا از این مرض واگیر و زودگیر عشق رهیده اید و نجات یافته اید، حال سر را به گریبان ببرید و وضع و حال خرد و خانواده را بسنجید و اینکه که به عشق و غم دلدار پرداخته بودید و از درس و فکر گریخته بودید و در سن شانزده سالگی که وقت آموختن است و تحصیل، چکونه اینکارها را پذیرفته بودید، دقت کنید ، حتما عقل تان به خنده می اندازد تان، که دگر کارها را خوب نموده که به عشق پرداختی . اگر از این گفته ها بگذریم، فعلا حالت تب گونه و حرارت گرمی که بوجود تان سربایت کرده است فقط با فراموشی دلدار و معشوقه که فعلا مناسب حال سن کم سال تان نیست، درست میشود و به کار های تان برسد و بعد ها که درس و مکتب و فاکولته را خلاص گردید، این کلمه سه حرفی را با انتخاب همسر خوب به پهلویتان بنشاید و زمزمه سر دهید که آنچه با این زندگی خوش ما داریم، دارا و سکندر ندارد .. با آن امید خدا مددگار تان، ولی فراموش کردم که بگویم چیزهای بهتری برای تشریف فرستید، انتظار داریم .. حرف دیگر که با کلمه عشق کم شد ایستکه هر چه مینویسید و میفرستید به یک روی ورق بنویسید و بس .

دوست ارجمند احمدالله رهین «داغ» معلم

صنف دهم لیمه شیرخان کند ز !

مقابلا سلام میگوییم و سلامتی تانرا میخواهیم . از نظر نیک شما ممنونیم و اینکه دیگران را نیز به خواندن مجله ژوندون تشویق و ترغیب کرده اید، کار پس پسندیده نموده اید، ولی یک چیز دیگر را اگر زحمت ایجاد نکند، به همه دوستان نیز بگویید که مجله ژوندون، مجله شعر و قصه نیست ، بلکه پذیرای مطالب دیگر نیز است و ضرور نیست که تنها همکاران مجله شعر و داستان بفرستند، فکاهیات پر خنده، اختراعات جالب، معما و چیستان فکر برانگیز، مقاله های خوب سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ... و صدها مطلب خواندنی دیگر بفرستند که به اسم و نشان شان چاپ کنیم و از همکاری شان خرسند گردیم .

دوست مهربان، پارچه شعر شمارا خواندیم

و به دید اجتماعی شما تحسین گفتیم . عجالتا برای سرودن شعر فکر و اندیشه خوب دارید و کوشش نمایید که بیشتر قریحه و ذوق شعری را با ورق گردانی دیوان شعر شعری بزرگ ما بخنه و بارور سازید و تفاوت استعمال مصدر و فعل را بجایش بگذارید، چنانکه کلمه «می تبیدن» در شعر سروده شما، سخن را در

زمینه شعر و شاعری شما میگذریم به بعد و اینک شعر چکیده از فکر شما :

لرغمی منتش که سویم بی سروپای تپد  
دل درون سینه من بسمل آما می تپد  
ور نموزد شمع رویش این پر پروانه ام  
در حریم او کجا پایین و با لا می تپد  
بسکه آن تیرنگاهش کرده حال من خراب  
دل بغم دست و گریبان بوده شبهای تپد  
گر گل رویش ببینم می تپم پیش رخس  
مثل آن بلبل که آواز شوق گلپای تپد  
گرچه می باشم امیر تاب زلفانش همی  
بهر قتل و کشتن من چشم شبها می تپد  
مردمان دیده من از هجوم سیل اشک  
مثل ماهی در میان موج دریا می تپد  
می تبیدن جز به راه خلق کی باشد سزا  
طبع شعر تو «رهین» در عشق بیجا می تپد  
دوست گرانقدر میرحبیب الله شفق عضو  
مهندسی ریاست تعمیرات وزارت دفاع !

مقابلا سلام عرض میکنم و هیچ جای ندارد که از «عقب پرده داخل مذاکره» گردید و مطمئن باشید که مذاکره به مشاجره ختم نمیکردد . همین کلمه که بحث بالای آن است ، شرح و تفسیر آن در فرهنگ های دری ذیل به مفهوم که شما خواسته اید، دیده نشده، از آنجمله فرهنگ عمید ، فرهنگ نفیسی، فرهنگ برهان قاطع .

اما بهر حال ، حرف شمارا قبول میکنیم و تقاضا داریم که همان پارچه شعر تانرا دو باره بفرستید تا به نشر بسپاریم . آن پارچه شعر شما در لابلای نامه های دوستان که جویش ارایه شده است، کم شده است که با عرض معذرت، عذر ما را می پذیرید، آرزومندیم همکاری خویش را با ارسال مطالب خوب با ما ادامه دهید و بگذارید که گاه گاهی حرف و سخنی با هم بزینم و هیچ شکی در دل راه ندهید که حرف دو دوست به محکمه بیانجامد ...

دوست گرانقدر عبدالقدیر بران معلم

صنف یازدهم لیمه رحمن بابا !

علیک میگوییم و سلام میفرستیم ، چرا آزرده شویم ؟ شوخی تان بالای چشم . اینهم شوخی تان .

بخت ناساز من زازل زیر جبر تقدیر  
صفحه ژوندون ز ناله من رقم زنده تحریر  
روزها تاشاف بودم انتظار چسپ مضمون  
ز طرف شما غمخیز و صدای دیگر نیاتم به تقریر  
اگر از شما صدای بشنیدم قسم خسروم  
ز نامه من خواهد شد صفحه ژوندون سیر  
به نام شعر من گر گویم حسن کلام نداشت  
جواب همان اصلاح باشد به جواب سرتیر  
گر مضمون نرسد بچاپ اینست علتش  
با انتظار شما و خواهش جواب نامه من امیر  
دو جوابیکه رقم زدی در صفحه ژوندون  
کم نداده جواب منی غیر تو به قسم مضمون  
غیر جواب مضمون ندارم دیگر توقعی  
از انتظار زیاد جوانی ام شده پیر  
دوست عزیز ، این مصراع فی البدیهه به پاسخ نامه شما از ذهن به قلم افتید و به شوخی حسابش بدارید .

گر تو پنداشتی که حالت چو نست  
بخت و روزگارت سر امر سر شومست

دوست مهربان، چندی پیش چاپ جدول متقاطع را وعده دادیم که در شماره قبل به نشر رسید و همینگونه وعده چاپ مضمون «نیروی خلقها شکست ناپذیر است» را به

شما دوست عزیز دادیم که به ترتیب نوبت به چاپ خواهد رسید، دیگر چه میگویید ؟ آخر اندکی صبر باید که عجله کار شیطان است !

دوست عزیز، از شکوه و شکایت تان چنین بر می آید که بخت ناسازتان با جبر تقدیر گره خورده و عبدالقدیر را به ناله تقدیر کشانده است و به استناد قول پروین اعتصامی «این گنه تست نه حکم قضاست» به امید همکاری بیشترتان با مجله ژوندون، دعا میکنم، دعای معروف، که پیر شویند، خدا حافظ ...

دوست گرانقدر علی اصغر بختیاری سوپر  
وایزر ریاست مبارزه با بیسوادی !

خوشو قتیتم که همکاری تانرا با مجله خود تان آغاز کرده اید . شعر «یار کارگر» شما را خواندیم و جهت چاپ به مطبوعه فرستادیم. از اینکه فرموده اید «اگر این پارچه شعرم مورد قبول تان قرار نگرفت ، مهم نیست ، کوشش خواهم نمود تا استعدادش را کسب نموده، بعدا برانم شعری بنویسم که قابل نشر باشد ...» حرف عاقلانه می زده اید و ما برای پرورش استعداد تان، تقاضا داریم که اشعار شاعران نو پرداز معاصر را بیشتر بخوانید و از خرمن شعر قدما خوشه ها برچینید و توشه ها برگیرید . و به این امید خدا یار تان .

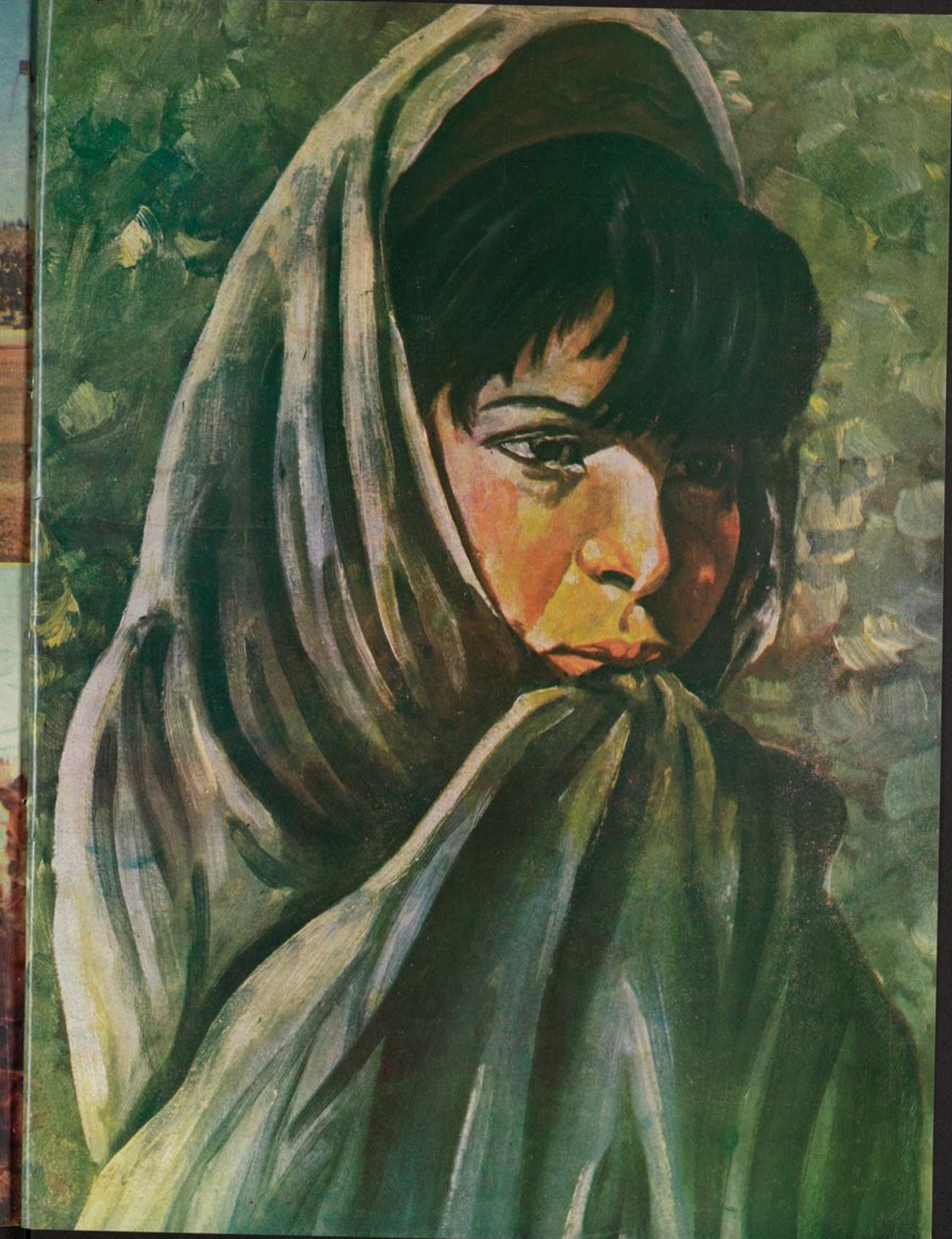
دوست ارجمند اشرف رسولی مفتش وزارت  
عزلیه !

سلام عرض میکنم . مضمونی بنام «تازن آزاد نشود» اجتماع آزاد نخواهد شد» از شما همکار عزیز، دریافتیم خوشوقتیم که اگر این همکاری را ادامه دهید و با ارسال مطالب خوب بخواندنی، مجله خرد را رنگین تر بسازید . و برامتی اگر زن آزاد نباشد، میشود از آزادی اجتماع یاد کرد، واضحا که نه . این مضمون تانرا در یکی از شماره های آینده به چاپ میسپاریم و به امید همکاری شما خدا حافظ .



مدیر مسئول : شیر محمد کاوه  
معاون : محمد زمان نیکرای  
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده  
تلفون دفتر مدیر : ۲۶۸۶۹

مطبعة دولتی



**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**